جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت مالیه

ریاست عمومی عواید

تعلیمات نامه قانون اداره امور مالیات

سنبله ۱۳۹۹

مقدمه:

این تعلیماتنامه طبق صلاحیت اعطاء شده به وزارت مالیه، مطابق ماده ۶۲ قانون اداره امور مالیات، صادر می گردد. هدف ازصدور این سند ارائه رهنمود های بیشتر به ریاست عمومی عواید و سایر نهادها پیرامون تفسیر و تطبیق قانون اداره امور مالیات می باشد.
هرگاه ارجاعات که به اداره مالیاتی در قانون و این سند صورت بگیرد باید به معنی ریاست عمومی عواید وزارت مالیه باشد.
اصطلاح مذکور باید به حیث مفهوم خوانده شده و شامل دفاتر عواید در مستوفیتها نیز گردد.

در بعضی مواقع اصطلاح وزارت مالیه استفاده می گردد. هرگاه اصطلاح مذکور در قانون اداره امور مالیات استفاده گردد معنی آن در تناسب با اداره مالیات وسیعتر است. در سایر قوانین مالیاتی (قانون مالیات برعایدات و قانون مالیه برارزش افزوده) مفهوم وابسته به متن آن قانون می باشد.
اصطلاح مالیه دهنده در این سند استفاده می شود. مگر اینکه متن طور دیگر ایجاب نماید و ارجاع به نماینده مالیه دهنده طوری که در ماده سوم قانون اداره مالیات تعریف گردیده، نیز صورت گیرد.

در صورت بروز هرگونه تضاد بالقوه بین قانون اداره امور مالیات و سایر قوانین مالیاتی، قانون اداره امور مالیات باید بگونه تفسیر گردد که با سایر قوانین وفق داشته باشد.

در صورت بروز هرگونه تضاد بین این تعلیماتنامه و قانون اداره امور مالیات، قانون ارجحیت داده می شود.

فهرست مندرجات

فصل اول ۱۱

احکام عمومی ۱۱

مبنی ۱۱

مادۀ اول: ۱۱

اهداف: ۱۱

ماده دوم: ۱۱

اصطلاحات ۱۲

مادفسوم: ۱۲

"مالیه دهنده" ۱۳

"دوره مالیاتی" ۱٤

"اظهارنامه مالیاتی" ۱٤

"مالیه اضافی" ۱٥

"سال مالی" ۱٥

"تصمیم مالیاتی" ۱٦

"تصفیه کننده" ۱۷

"شخص سوم" ۱۷

نماینده: ۱۸

۳. نماینده مالیه دهندگان غیر مقیم: ۱۹

منازعات مالیاتی: ۲۰

کتمان مالیه: ۲۰

مرجع تطبیق ۲۰

مادۀ چهارم: ۲۰

فصل دوم ۲۲

حقوق و مکلفیتهای مالیه دهنده گان ۲۲

حقوق مالیه دهنده ۲۲

مادۀ پنجم: ۲۲

تمام مواد چاپی و وارایه خدمات از طرف اداره مالیاتی کاملاً رایگان می باشد: ۲۲

حق دریافت جوابات کتبی سؤالات: ۲۳

دسترسی مالیه دهنده به معلومات در مورد مالیات شان: ۲۳

دفاع از منافع: ۲٤

دریافت بازپرداخت یا مجرای مالیه اضافه پرداخت: ۲٤

دریافت توضیحات پیرامون اسناد گرآوری شده: ۲٥

برخورد نیک و مسلکی: ۲٥

محرمیت معلومات: ۲٥

مکلفیتهای مالیه دهنده ۲٥

ماده ششم ۲٥

درخواست برای نمبر تشخیصیه مالیه دهنده عندالضرورت: ۲٦

ارایه معلومات به وزارت مالیه از هرگونه تغیرات: ۲٦

ارائه به موقع اظهارنامه تکمیل شده: ۲٦

ارائه اسناد و معلومات: ۲٦

حفظ دفاتر و یادداشتهای لازم به منظور مالیات: ۲۷

محاسبه درست مالیات: ۲۷

پرداخت مالیه هرزمانی که لازم باشد: ۲۷

عدم ایجاد ممانعت برای مسؤولین مالیاتی:..... ۲۸
حاضر شدن در اداره مالیاتی در صورت تقاضا:..... ۲۸
اطاعت از سایر احکام قوانین مالیاتی:..... ۲۸
فصل سوم..... ۲۸
اظهارنامه مالیاتی و سنجش..... ۲۸
ارایه اظهارنامه مالیاتی..... ۲۸
مادۀ هفتم:..... ۲۸
عدم ارائه اظهارنامه:..... ۲۹
اظهارنامه مالیاتی ناقص:..... ۳۰
درخواست تمدید:..... ۳۱
تصمیم تمدید:..... ۳۱
منازعه علیه تصمیم اداره مالیاتی در مورد تمدید زمان:..... ۳۲
عدم تغییر در زمان معین پرداخت:..... ۳۳
ارایه دقیق اظهارنامه وتعیین تخمینی مالیه..... ۳٤
مادۀ هشتم:..... ۳٤
ارائه دقیق اظهارنامه مالیاتی:..... ۳٤
عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی:..... ۳۵
اظهارنامه مالیاتی ناقص:..... ۳۵
تعدیل سنجش:..... ۳۷
محدوده زمانی ستندرد برای سنجش:..... ۳۷
مدت زمانی طویل تر برای سنجش:..... ۳۷
محدوده زمانی برای اظهارنامه های مالیه برارزش افزوده:..... ۳۸
تمدید محدوده زمانی توسط طرزالعملهای اعتراض:..... ۳۹
سنجش درحالت خطر ایتلاف مالیه :..... ٤۰
تثبیت مالیه ناشی از معامله میان اشخاص مرتبط..... ٤۱
مادۀ نهم:..... ٤۱
کاهش مالیه..... ٤۲
مادۀ دهم:..... ٤۲
کاهش مالیه با کتمان مالیه متفاوت است:..... ٤٤
فصل چهارم..... ٤۵
منازعات مالیاتی..... ٤۵
اعتراض..... ٤۵
مادۀ یازدهم..... ٤۵
شکل و دلایل اعتراض:..... ٤٦
تمدید زمان:..... ٤۷
تصمیم تمدید:..... ٤۷
منازعه تصمیم اداره مالیاتی پیرامون تمدید زمان:..... ٤۸
تصمیم در مورد اعتراض:..... ٤۸
عدم پذیرش احتمالی اعتراض:..... ٤۸
عدم قناعت بر تصمیم اعتراض..... ٤۹
مادۀ دوازدهم:..... ٤۹
درخواست به محکمه:..... ۵۰
تطبیق تصمیم:..... ۵۰
اعتبار اسناد..... ۵۱
مادۀ سیزدهم:..... ۵۱
نقص یا اشتباه:..... ۵۱
سند باید قانونی باشد:..... ۵۲
باید دریافت کننده به صورت مناسب مشخص گردد:..... ۵۳

مسؤلیت اثبات و سایر موارد ۵۳
مادهٔ چهاردهم: ۵۳
مسؤلیت اثبات – حقایق: ۵۴
مسؤلیت اثبات – تعبیر حقوقی: ۵۴
مالیه تحت منازعه قابل پرداخت می باشد: ۵۴
دلایل جهت به منازعه کشاندن تصمیم اعتراض: ۵۵

فصل پنجم ۵۷

تحصیل مالیات ۵۷

پرداخت مالیه ۵۷
مادهٔ پانزدهم: ۵۷
درخواست برای تمدید زمان پرداخت: ۵۷
تأخیر درخواستها: ۵۸
مالیه اضافی تأخیر پرداخت: ۵۹
منازعه بر تصمیم اداره مالیاتی در مورد تمدید زمان: ۵۹
به جلو انداختن تاریخ پرداخت: ۵۹
منازعه بر تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر جلو انداختن تاریخ معینه: ۶۰
تطبیق قانون بر مبالغ کوچک و مبالغ غیر اقتصادی: ۶۰
شناسایی مبلغ پرداخت شده: ۶۰

تحصیل مالیات تأدیه ناشده مالیه دهنده ازشخص سوم ۶۱
مادهٔ شانزدهم: ۶۱
تحصیل مالیه از شخص سوم: ۶۱
تاریخ پرداخت: ۶۲
مبلغ پرداخت: ۶۲
منازعه بالای تصمیم اداره مالیاتی جهت تحصیل از شخص دیگر: ۶۳

تعدیل اطلاعیهٔ تحصیل مالیه به شخص سوم ۶۴
مادهٔ هفدهم: ۶۴
لغو یا تعدیل اطلاعیه: ۶۴
درخواست تغییر: ۶۴
منازعه بالای تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر تغییر اطلاعیه تحصیل: ۶۵

رعایت اطلاعیهٔ تحصیل مالیه ۶۵
مادهٔ هجدهم: ۶۵
پرداخت توسط شخص سوم ۶۵
شخص سوم باید مالیه دهنده را مطلع نماید: ۶۶
عدم اطاعت از اطلاعیه تحصیل: ۶۶
پرداخت اشتباه: ۶۷

تصفیه کننده ۶۷
مادهٔ نزدهم: ۶۷
تصفیه کنندگان از موقف خود باید اطلاع دهند: ۶۸
اطلاعیه مکلفیت مالیاتی به تصفیه کننده: ۶۸
محدودیتها بالای داراییها: ۶۹
تصفیه کننده باید مبالغ را برای مکلفیتهای مالیاتی تخصیص دهد: ۷۰
مکلفیت تصفیه کنندگان: ۷۰
منازعه اطلاعیه اداره مالیاتی با تصفیه کننده: ۷۱

تعلیق معاملات مالی ۷۲
مادهٔ بیستم: ۷۲
تبصره: در تعدیلات که در جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ در فقره (۱) این ماده صادرات ایزاد شده است تعلیق معاملات مالی: ۷۲
تعلیق تورید: ۷۳

عدم رعایت مکلفیت مالیه موضوعی (قابل وضع) برکرایه ۷۳

مادۀ بیست ویکم:..... ۷۳
متوقف نمودن فعالیت..... ۷۵
مادۀ بیست و دوم:..... ۷۵
عدم اطاعت:..... ۷۵
صدور اطلاعیه:..... ۷۶
توقف:..... ۷۷
کمک پولیس :..... ۷۷
اجرای مسدودیت:..... ۷۷
رفع مسدودیت:..... ۷۷
مسدودیت متعدد:..... ۷۸
منازعه تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر بستن یک تشبث:..... ۷۹
حالات ممنوع الخروج بودن..... ۷۹
مادۀ بیست و سوم:..... ۷۹
مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده برای بیشتر از ۳۰ روز:..... ۷۹
مالیه دهنده بدون پرداخت افغانستان را ترک می نماید:..... ۸۰
صدور اطلاعیه ممنوع الخروج:..... ۸۱
لغو اطلاعیه ممنوع الخروج:..... ۸۱
محدودیت انتقال و فروش دارائی ها..... ۸۱
مادۀ بیست و چهارم:..... ۸۱
محدودیت ها بر دارایی:..... ۸۲
فروش دارایی:..... ۸۳
توافقات داوطلبانه:..... ۸٤
ضبط اجناس:..... ۸۵
مراحل ضبط :..... ۸۵
مصارف فروش:..... ۸۶
کمک پولیس:..... ۸۶
فصل ششم..... ۸۷
حفظ اسناد و جمع آوری معلومات..... ۸۷
ترتیب ونگهداری اسناد ودفاتر ۸۷
مادۀ بیست و پنجم:..... ۸۷
ترجمه اسناد و دفاتر:..... ۸۹
مطالبه معلومات..... ۹۰
مادۀ بیست و ششم:..... ۹۰
مصاحبه ها:..... ۹۱
ورود کارکن مالیاتی به محلات ۹۲
مادۀ بیست و هفتم:..... ۹۲
فصل هفتم..... ۹۵
نمبر تشخیصیه مالیه دهنده..... ۹۵
در خواست نمبر تشخیصیه..... ۹۵
مادۀ بیست و هشتم:..... ۹۵
اعتراض بر تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر مسترد نمودن نمبر تشخیصیه:..... ۹۷
غیر مقیم :..... ۹۷
لغو نمبر تشخیصیه..... ۹۸
مادۀ بیست و نهم:..... ۹۸
اعتراض علیه تصمیم وزارت مالیه جهت لغو نمبر تشخیصیه مالیه دهنده:..... ۹۸
درج نمبر تشخیصیه ۹۸
مادۀ سی ام:..... ۹۸

فصل هشتم ۱۰۰
نمایندگی از مالیه دهنده ۱۰۰
مکلفیت ها و وجایب نماینده ۱۰۰
مادۀ سی و یکم: ۱۰۰
مسؤولیتهای نمایندگان: ۱۰۱
مکلفیت رئیس و سهمدار کنترول کننده شرکت ۱۰۳
مادۀ سی و دوم : ۱۰۳
ثبت محاسب مالیاتی ۱۰۶
ماده سی و سوم ۱۰۶
فصل نهم ۱۰۷
مالیات اضافی ۱۰۷
مقدمه: ۱۰۷
مالیۀ اضافی تأخیر در تأدیات ۱۰۷
مادۀ سی و چهارم: ۱۰۷
تعیین وقت معینه زمانی که اداره مالیاتی تعطیل باشد: ۱۰۸
مالیۀ اضافی عدم ارایۀ اسناد مالیاتی ۱۱۰
مادۀ سی و پنجم: ۱۱۰
تمدید زمان: ۱۱۰
تعیین تخمینی مالیه: ۱۱۱
دلایل منطقی برای عدم ارائه اظهارنامه: ۱۱۲
نورمهای قبلی مالیه اضافی تأخیر در ارائه اظهارنامه: ۱۱۳
مالیه اضافی عدم وضع یا عدم تأدیه مالیه موضوعی ۱۱۳
مادۀ سی و ششم: ۱۱۳
مالیه اضافی باید از شخص که مالیه را وضع ننموده اخذ گردد: ۱۱۴
مالیه اضافی عدم تهیه و حفظ اسناد و دفاتر ۱۱۴
مادۀ سی و هفتم: ۱۱۴
کوتاهی قسمی: ۱۱۵
مالیه اضافی عدم رعایت اطلاعیه ۱۱۵
مادۀ سی و هشتم: ۱۱۵
مالیۀ اضافی عدم ارایۀ معلومات ۱۱۶
مادۀ سی و نهم: ۱۱۶
مالیۀ اضافی اظهارات نادرست یا گمراه کننده ۱۱۸
مادۀ چهلم: ۱۱۸
مفهوم اظهارات: ۱۱۹
مفهوم اظهارات نادرست یا گمراه کننده: ۱۱۹
شخص مکلف برای اظهارات نادرست یا گمراه کننده: ۱۲۰
زمانی که مالیه اضافی تطبیق نمی گردد: ۱۲۰
مالیۀ اضافی کتمان مالیه ۱۲۱
مادۀ چهل و یکم: ۱۲۱
مالیۀ اضافی عدم درخواست نمبر تشخیصیۀ ۱۲۳
مادۀ چهل و دوم: ۱۲۳
مالیۀ اضافی عدم رعایت قانون مالیه بر ارزش افزوده ۱۲۴
مادۀ چهل و سوم: ۱۲۴
محاسبه مالیه اضافی ۱۲۵
مادۀ چهل و چهارم: ۱۲۵

مالیه اضافی توسط یادداشت سنجش وضع می گردد: ۱۲۶
مالیه اضافی در صورتی که اصل مالیه تعدیل گردد، دوباره محاسبه می شود: ۱۲۶
حکم تخصیص پرداختهای دریافت شده: ۱۲۷

فصل دهم ۱۲۸

جریمه های مالیاتی ۱۲۸

تخلفات مالیاتی ۱۲۸
مادهٔ چهل و پنجم: ۱۲۸
فقره ۱ ماده ۴۵ – عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی: ۱۲۹
فقره ۲ ماده ۴۵ (عدم وضع مالیه یا پرداخت مالیه موضوعی): ۱۲۹
فقره ۳ ماده ۴۵ (عدم رعایت از ماده ۱۹): ۱۳۰
فقره ۴ ماده ۴۵ (عدم رعایت ماده ۲۲): ۱۳۰
فقره ۵ ماده ۴۵ (عدم تهیه، حفظ و نگهداری اسناد و دفاتر): ۱۳۰
فقره ۶ ماده ۴۵ – عدم ارائه تسهیلات یا کمکها: ۱۳۱
فقره ۷ ماده ۴۵ (استفاده از نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده): ۱۳۲
فقره ۸ ماده ۴۵ (عدم رعایت اطلاعیه مطابق ماده ۲۶): ۱۳۲
فقره ۹ ماده ۴۵ (اظهارات نادرست): ۱۳۲
فقره ۱۰ ماده ۴۵ (نقض محرمیت): ۱۳۳

ایجاد موانع دربرابرکارکنان مالیاتی ۱۳۳
مادهٔ چهل و ششم: ۱۳۳

شریک تخلف ۱۳۴
مادهٔ چهل وهفتم: ۱۳۴

تخلفات اشخاص حکمی ۱۳۵
مادهٔ چهل و هشتم: ۱۳۵

انصراف از تعقیب عدلی ۱۳۷
مادهٔ چهل و نهم: ۱۳۷
موافقه کتبی جهت انصراف از تخلف: ۱۳۷
محدودیتهای انصراف از پیگرد عدلی – اولین تخلف: ۱۳۸
زمان: ۱۳۹
مبلغ که باید برای انصراف از تعقیب عدلی پرداخت گردد: ۱۳۹
تخلفات قانون مالیات برعایدات قبلی: ۱۴۰

مرور زمان ۱۴۱
مادهٔ پنجاهم ۱۴۱

سوء استفاده از موقف وظیفوی و تخلفات مالیاتی ۱۴۱
ماده پنجاه ویکم: ۱۴۱

فصل یازدهم ۱۴۳

فورمه ها و اطلاعیه ها ۱۴۳

تهیه فورم ها و اطلاعیه ها ۱۴۳
مادهٔ پنجا ه ودوم: ۱۴۳

تسلیمی اطلاعیه: ۱۴۴
مادهٔ پنجاه و سوم: ۱۴۴
تسلیم به یک شخص: ۱۴۴
تسلیم به یک آدرس: ۱۴۴
رعایت قسمت یا کل اطلاعیه غیر معتبر: ۱۴۵

محرمیت معلومات ۱۴۵
مادهٔ پنجاه و چهارم: ۱۴۵

ایجاد بورد ۱۴۷

مادهٔ پنجاه و پنجم: ۱۴۷
سطح تحصیلات: ۱۴۸
عدم قناعت بر تصمیم اعتراض ۱۴۹
ماده پنجاه و ششم: ۱۴۹
تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی ۱۵۰
ماده پنجاه و هفتم: ۱۵۰
صلاحیت ها و وظایف بورد ۱۵۲
مادهٔ پنجاه و هشتم: ۱۵۲
فصل دوازدهم ۱۵۴
تصدیق نامه های تصفیه مالیه و بازپرداخت ها ۱۵۴
تصدیق نامه ۱۵۴
ماده پنجاه و نهم: ۱۵۴
منازعه امتناع از صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه: ۱۵۶
بازپرداخت ۱۵۶
ماده شصتم: ۱۵۶
مجرایی، انتقال و تادیه بازپرداخت ۱۵۸
ماده شصت و یکم: ۱۵۸
فصل سیزدهم ۱۶۰
احکام متفرقه ۱۶۰
وضع مقرره و طرزالعمل ها ۱۶۰
ماده شصت و دوم: ۱۶۰
احکام، طرزالعمل ها و رهنمودها لازم الاجرا می باشد: ۱۶۰
لغو: ۱۶۱
منازعات: ۱۶۲
درخواست و طرزالعمل: ۱۶۲
طرزالعمل لازم الاجرا است: ۱۶۳
نشرات: ۱۶۴
منازعه: ۱۶۴
احکام انتقالی ۱۶۴
ماده شصت و سوم: ۱۶۴
ارجحیت قانون ۱۶۵
ماده شصت و چهارم: ۱۶۵
تاریخ انفاذ ۱۶۷
ماده شصت و پنجم: ۱۶۷
ضمیمه الف ۱۶۹
منظوری استفاده از سال مالی متفاوت ۱۶۹
۱.سازگاری با دوره های محاسباتی خارجی: ۱۶۹
۲. تنظیم دوره مالی بر اساس فعالیت فصلی: ۱۷۰
۳.حالاتی که منظوری توجیه نمی گردد: ۱۷۰
۴.دوره های انتقالی: ۱۷۱
۵.دوام اعتبار سال مالی منظور شده: ۱۷۱
ضمیمه ب ۱۷۲
معاملات بین اشخاص مرتبط: ۱۷۲
b) شرایط قرارداد: ۱۷۵
D. وضعیت اقتصادی: ۱۷۶

(a) شیوه قیمت غیر مرتبط قابل مقایسه:. ۱۸۲
(b) شیوه قیمت فروش مجدد: ۱۸۳
(c) شیوه قیمت تمام شد:..... ۱۸۳
(d) شیوه حد تعاملی خالص:..... ۱۸۵
(c) شیوه های نامشخص:..... ۱۸۵
(a) شیوه معامله غیر مرتبط قابل مقایسه ۱۸۶
(b) شیوه تعاملی خالص: ۱۸۷
(c) شیوه های نامشخص: ۱۸۷
14. شیوه تعاملی خالص: ۱۸۷
15. شیوه های نامشخص: ۱۹۱

فصل اول

احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول:

این قانون به تأسی از حکم ماده چهل و دوم قانون اساسی افغانستان، وضع گردیده است.

۱,۱ قانون اداره امور مالیات به تأسی از حکم ماده چهل و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان بمنظور تنظیم امور مالیات وضع و نافذ گردیده است.

ماده ۴۲ قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲) طور ذیل صراحت دارد:

- هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند؛
- هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود؛
- اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد؛
- این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می شود؛
- هرنوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده،به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

اهداف:

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارتنداز:

۱. تنظیم اداره امورمالیات.

۲. طرزجمع آوری وتحصیل مالیات مطابق احکام قوانین مالیاتی.

۳. تنظیم حقوق ومکلفیتهای مالیه دهندگان و اداره مالیات.

۱,۲ ماده ۲ در مورد اهداف عمومی قانون اداره امور مالیات صراحت دارد. ماده های بعد از ماده ۲ جزئیات رسیدن به این اهداف را مشخص می نماید.

۲,۲ هرگاه دراین قانون از اداره مالیات نام برده میشود مفهوم آن عبارت از ریاست عمومی عواید منحیث اداره مرکزی و واحد دومی آن در مرکز ریاست های مالیه دهندگان بزرگ، متوسط، کوچک و درولایات آمریت های عواید در چوکات مستوفیت ها میباشد.

اصطلاحات

مادهٔسوم:

(۱) اصطلاحات آتی دراین قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- مالیه دهنده: شخص است که مطابق احکام قوانین مالیاتی، تابع ادای مکلفیت مالیاتی میباشد.

۲- قوانین مالیاتی: شامل قانون مالیات برعایدات، قانون مالیه بر ارزش افزوده، این قانون و سایر قوانین مربوط به مالیات می باشد.قانون گمرکات شامل این تعریف نمیگردد.

۳- دورهٔ مالیاتی: مدت معین است که به ارتباط ادای هرنوع مکلفیت مالیاتی که درقوانین مالیاتی پیشبینی گردیده است، میباشد.

۴- اظهارنامهٔ مالیاتی: فورم منظور شده ادارهٔ مالیات است که در آن ذمت مالیاتی سنجش و تثبیت گردیده و به اساس آن تادیه صورت میگیرد.

۵- مالیه اضافی:مالیهٔ است که بنابر عدم ادای مکلفیت مالیه دهنده، مطابق احکام قانون از وی اخذ میگردد. جریمه های ناشی ازمحکومیت توسط محکمه شامل این تعریف نمیگردد.

۶-سال مالی: مدتی است که از اول ماه جدی سال هجری شمسی آغاز و الی اخیر ماه قوس سال بعدی هجری شمسی ادامه میابد،یا دورهٔ ا ست که به اساس در خواست مالیه دهنده ازطرف ادارهٔ مالیات منظورمیگردد.

۷- تصمیم مالیاتی: سنجش مالیاتی وتصامیم است که مطابق احکام مادهٔ هفتم، فقرهٔ (۳)مادهٔیازدهم ، فقرهٔهای(۳و ۶) مادهٔ پانزدهم ، فقرهٔ (۱) مادهٔ شانزدهم، فقرهٔ (۳) ماده هفدهم، فقره های (۲و ۳) ماده نزدهم، مواد بیستم ، بیست و یکم، بیست و دوم، بیست سوم ،بیست هشتم ،بیست ونهم، ماده پنجاونهم و ماده شصتم و فقره (۲) ماده شصت و یکم این قانون و تصمیم رد درخواست ثبت مندرج قانون مالیه بر ارزش افزوده از طرف وزارت مالیه اتخاذ میگردد.

۸- تصفیه کننده : شخص که مطابق احکام قانون به حیث تصفیه کننده ؛ مسؤل یا امین شخص درحالت ورشکستگی یا رهن گیرنده دارای صلاحیت تصرف ویا درصورت موجودیت دارایی متوفی ، اجراکننده تصفیه حسابات ومکلفیت های مالی وی تعیین شده باشد.

۹- شخص سوم:

شامل اشخاص ذیل میباشد:

- مقروض مالیه دهنده بوده یا در آینده گردد.
- پول مالیه دهنده دراختیارش بوده یا قرارگیرد.
- پول شخص دیگری رابمنظور تأدیه آن به مالیه دهنده در اختیار داشته باشد.
- صلاحیت پرداخت پول را به مالیه دهنده داشته باشد.

۱۰- نماینده شامل اشخاص ذیل میباشد:

- شخصیکه که مطابق احکام قانون ازطرف مالیه دهنده تعیین میشود.
- در شرکت ها، مدیرعامل.
- در شرکت های تضامنی،هر یک ازشرکا.
- در تصفیه دارائی شخص، تصفیه کننده.

- در مورد شخص غیر مقیم، شخصی که مسؤلیت پیشبرد امور وی را درافغانستان به عهده دارد.
- در مورد ادارات دولتی، دول خارجی یا نمایندگی های سیاسی،شخص مسئول دریافت یا تأدیه وجوه به نمایندگی ازادارات مذکور.
- درمجتمع سایر اشخاصیکه درفوق ازآن تذکر بعمل نیامده،شخص مسئول دریافت یاتأدیه وجوه به نمایندگی از آنها.

۱۱. محاسب مالیاتی: شخصی است که بعد از تکمیل شرایط فقره اول ماده سی و سوم این قانون ، جواز فعالیت را از اداره مالیات بدست می آورد.

(۲) اصطلاحاتی که دراین قانون تعریف نگردیده و در صورتیکه در قوانین مالیاتی تعریف شده باشد، دراین قانون نیزعین مفهوم را افاده می نماید.

۱۲. منازعات مالیاتی: عدم قناعت مالیه دهنده به تصمیم مالیاتی است که مطابق فصل چهارم این قانون مورد اعتراض قرار می گیرد.

۱۳. کتمان مالیه : انجام عمل عمدی مالیه دهنده است که به صورت غیر قانونی منتج به عدم مالیه یا پرداخت کمتر مالیه می گردد.

نوت: اجزای (۱۲ و ۱۳) در تعدیلات در جریده رسمی شماره(۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ در این ماده ایزاد گردیده است.

"مالیه دهنده"

۱,۳ مالیه دهنده شخصی است که طبق قوانین مالیاتی مکلف به ادای وجایب مالیاتی می باشد. مالیه دهنده صرف محدود به شخص پرداخت کننده مالیات نمی باشد بلکه وجایب مالیاتی شامل مکلفیت اخذ نمبر تشخیصیه، ارائه فورمه، تادیه مالیه ذمت، یا وضع مبلغ از پرداخت به اشخاص دیگر نیزمی باشد.

۲,۳ قابل یاد آوریست که قانون مالیه برارزش افزوده نیز حاوی تعریف "مالیه دهنده" می باشد. تعریف مندرج مالیه برارزش افزوده فقط به منظور مالیه برارزش افزوده قابل تطبیق می باشد. هرگاه اصطلاح مالیه دهنده در قانون مالیه برارزش افزوده استفاده گردد مفهوم آن را از تعریف مندرج قانون مالیه برارزش افزوده می گیرد.

۳,۳ تعریف مندرج قانون اداره امور مالیات در صورتی تطبیق می گردد که اصطلاح متذکره در آن قانون استفاده گردد.

۴,۳ قوانین مالیاتی بمعنی قانون اداره امورمالیات،قانون مالیات برعایدات، قانون مالیه برارزش افزوده وسایرقوانین مالیاتی می باشد.بنآ قوانین گمرکات مشخصاً در تعریف قوانین مالیات شامل نمی باشد..تطبیق قانون گمرکات و طرزالعملهای مربوطه طور جداگانه در قانون گمرکات پیشبینی گردیده است.

۵,۳ در بعضی از احکام قوانین مالیاتی از ریاست گمرکات تذکر بعمل امده است. قانون اداره امور مالیات فقط تا اندازه که در آن احکام پیشبینی گردیده، بالای ریاست گمرکات تطبیق می گردد. احکام عمده که گمرکات را متأثر می سازد، ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده می باشد که به ریاست گمرکات صلاحیت می دهد تا مالیه برارزش افزوده وضع شده توسط آن قانون را تحصیل نماید. ماده متذکره همچنان ریاست گمرکات را صلاحیت می دهد تا از صلاحیتهای تنفیذی پیشبینی شده در قانون گمرکات استفاده نماید. اقدامات ریاست گمرکات به موارد محدود می گردد که برای اداره و تطبیق مالیه برارزش افزوده بر واردات ضروری باشد.

۶،۳ هرگونه موضوعات مالیه برارزش افزوده که بعد از ورود اجناس به افغانستان مطرح گردد، توسط مسؤولین مالیاتی مطابق قوانین مالیاتی مورد رسیدگی قرار میگیرد.

۷،۳ همچنان جهت اجرای حکم قانون مالیات به ماده ۲۰ قانون اداره امور مالیات نمونه دیگر از مکلفیت مشخص گمرکات مراجعه نماید.

"دوره مالیاتی"

۸،۳ دوره مالیاتی عبارت از مدت زمانی است که مالیه دهنده باید برای مکلفیتهای مالیاتی خود حساب ده باشد. محاسبه مکلفیتهای مالیاتی مالیه دهنده عموماً با ارائه اظهارنامه مالیاتی صورت می گیرد. دوره تحت پوشش اظهارنامه عبارت از دوره ای است که در احکام قوانین مالیاتی مربوطه پیشبینی گردیده است.

۹،۳ به صورت عموم به منظور مالیات برعایدات، این دوره ۱۲ ماه برای اظهارنامه های مالیاتی سالانه می باشد، به استثنای سال انتقالی که مالیه دهنده سال مالیاتی خود را تبدیل می نماید (به ضمیمه الف جهت مباحثه سال مالیاتی و درخواستها برای سال مالیاتی مختلف مراجعه نمایید).

۱۰،۳ دوره مالیاتی به منظور مالیه معاملات انتفاعی در قانون مالیات برعایدات ربع (سه ماه) می باشد.

۱۱،۳ قانون مالیه برارزش افزوده تعریف خاصی از "دوره مالیه برارزش افزوده" دارد. به منظور مالیه برارزش افزوده، دوره مالیاتی ربعوار (سه ماه) یا ماهانه طبق ماده ۲ قانون مالیه برارزش افزوده می باشد. دوره حقیقی مورد استفاده مالیه دهندگان در مقرره های مالیه برارزش افزوده مشخص می گردد. در آغاز قانون مالیه برارزش افزوده دوره مشخص شده سه ماه برای تمام مالیه دهندگان ثبت شده می باشد. مقررات ممکن در آینده با توجه به مقدار مجموعی عرضه های تابع مالیه یا استفاده از معیار دیگر، این دوره را تغییر دهد.

"اظهارنامه مالیاتی"

۱۲،۳ اظهارنامه مالیاتی عبارت از فورمه منظور شده توسط اداره مالیاتی است که به منظور سنجش، تعیین و ادای مکلفیتهای مالیاتی استفاده می گردد.

۱۳،۳ قبل از اینکه یک فورمه واجد شرایط تعریف اظهارنامه مالیاتی گردد، دو شرط ذیل باید برآورده شود:

۱) فورمه توسط اداره مالیات منظور گردیده باشد.

۲) باید به منظور سنجش، تعیین یا ادای وجایب مالیاتی استفاده گردد.

مثال ۱

مالیه دهندگان مشخص طبق ماده ۸۷ قانون مالیات برعایدات مکلف به ارائه بیلانس شیت با اظهارنامه مالیات برعایدات می باشند. اداره مالیات شکل بیلانس شیت را منظور یا مشخص نمی نماید. این موضوع باید توسط معیارها و اصولهای محاسبه عمومی تعیین گردد. حتی اگر فورمه متذکره شرط دوم مطروحه فوق را برآورده نماید (به منظور سنجش، تعیین یا ادای وجایب مالیاتی استفاده گردد) شرط اول را برآورده ننموده است، لذا بیلانس یک اظهارنامه و همچنان قسمت از اظهارنامه نمی باشد، ولو اینکه باید در عین زمان مثل اظهارنامه ارائه گردد.

مثال ۲

اداره مالیاتی ممکن در آینده فورمه ای را برای مالیه دهندگان منظور نماید که به شخص دیگر صلاحیت دهد تا آز آن نمایندگی نماید. در صورتی چنین فورمه ای منظور گردد، فورمه متذکره یک اظهارنامه نخواهد بود. چون شرط اول فوق را برآورده نموده، اما شرط دوم را برآورده ننموده است زیرا فورمه به منظور سنجش، تعیین یا ادای وجایب مالیاتی نمی باشد.

۱۴،۳ فورمه های منظورشده قرار ذیل می باشد.

- اظهارنامه های مالیات برعایدات سالانه(برای تمام نهادها)؛
- اظهارنامه های مالیه معاملات انتفاعی؛
- راپور سالانه شرکتهای تضامنی که مطابق به قانون مالیات برعایدات مکلف به ارائه آن می باشند؛
- راپور ماهانه مالیه موضوعی که مطابق قانون مالیات برعایدات و راپور مالیه موضوعی ماهانه که مطابق ماده ۶۰ همان قانون مکلف به ارائه می باشد؛
- صورت حساب سالانه مالیه موضوعی و راپور که مطابق قانون مالیات برعایدات استخدام کنندگان مکلف به ارائه آن می باشند؛
- صورت حسابات معاش و مالیه که کارکنان مطابق قانون مالیات برعایدات مکلف به ارائه آن می باشند؛
- اظهارنامه های مالیه برارزش افزوده مطابق قانون مالیه برارزش افزوده.

اداره مالیات میتواند حسب لوزوم دید فورمه های دیگر را در فهرست فوق الذکر اضافه نماید.

۱۵،۳ یک اظهارنامه می تواند به صورت چاپی یا الکترونیکی باشد (کاپی، چاپی یا الکترنیکی).

"مالیه اضافی"

۱۶،۳ مالیه اضافی به مبلغی اطلاق می شود که به صورت رسمی توسط اداره مالیاتی مطابق قوانین مالیاتی برای عدم اطاعت پذیری از وجایب مالیاتی وضع می گردد. هرگونه مبلغی که مطابق ماده ۳۴ تا ۴۳ قانون اداره امور مالیات وضع گردد، شرایط تعریف مالیه اضافی را برآورده می نماید.

۱۷،۳ جریمه های که بابت محکومیت توسط محکمه وضع می گردد مالیه اضافی نمی باشند. هرگونه مبلغی که توسط محکمه مطابق ماده های ۴۵ تا ۴۸ قانون اداره امور مالیات وضع می گردد از تعریف مالیه اضافی مستثنی است.

۱۸،۳ از آنجایی که جرایم وضع شده توسط محکمه مالیه اضافی نمی باشد، تحصیل یا تطبیق آن مبالغ توسط اداره مالیاتی صورت نمی گیرد. تحصیل و تطبیق جریمه پولی محکمه موضوع خود محکمه که جریمه پولی را وضع می نماید، می باشد.

"سال مالی"

۱۹،۳ سال مالی: عبارت از مدتی است که از اول ماه جدی سال هجری شمسی آغاز و الی اخیر ماه قوس سال بعدی هجری شمسی ادامه می یابد. هرگاه حکمی از احکام سایر قوانین با این حکم در مغایرت واقع گردد، این حکم قابل رعایت می باشد.
اعتبار از زمان تعدیل متذکره، سال مالیاتی به منظور مالیات برعایدات به دوره که در ۲۰ دسامبر خاتمه می یابد، تغییر نمود.

۲۰،۳ سال مالی همچنان به منظور مالیه برارزش افزوده نیز مهم است. اشخاص ثبت شده مالیه برارزش افزوده باید اظهارنامه های مالیه برارزش افزوده را برای دوره مالیه برارزش افزوده، ارائه نمایند. دوره مالیه برارزش افزوده ممکن ماهانه یا ربعوار باشد. اینکه ماه یا ربع به منظور مالیه برارزش افزوده چه است در قانون مالیه برارزش افزوده با ارجاع به سال مالیاتی تعریف گردیده است. اصطلاح سال مالیاتی در قانون مالیه برارزش افزوده تعریف نگردیده است (مالیه برارزش افزوده بر مفهوم اصطلاح مذکور در قانون اداره امور مالیات تکیه می نماید).

۲۱٫۳ تعریف سال مالی در فقره ۱ ماده ۳ استفاده از دوره مختلف توسط مالیه دهنده را به شرطی اجازه می دهد که درخواست آنها از طرف اداره مالیاتی منظور گردیده باشد. توضیحات بیشتر پروسه در ضمیمه الف درج می باشد.

"تصمیم مالیاتی"

۲۲٫۳ تعریف تصمیم مالیاتی جهت تشخیص این امر که کدام تصامیم اداره مالیاتی طبق ماده ۱۱ مورد اعتراض قرار گرفته میتواند ضروری می باشد. برای تعقیب اعتراض ممکن مراحل بیشتر جهت حل منازعات به بورد حل منازعات مالیاتی و از آنجا به محکمه مربوطه ارجاع گردد. تصامیم که در تعریف تصمیم مالیاتی گنجانده نشده است قابل منازعه در رسیدگی به شکایات یا بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه نمی باشد.

۲۳٫۳ تمام سنجشهای مالیاتی تصامیم مالیاتی است و به همین خاطر تابع اعتراض توسط مالیه دهنده می باشد. هرگونه تعیین و محاسبه مالیات، تفسیر قانون یا سایر تصامیم که منجر به سنجش مالیاتی گردد موضوع است که می تواند تابع اعتراض باشد. هرگونه مبلغ که شامل سنجش مالیاتی گردد نیز می تواند مورد اعتراض قرار گیرد (به شمول مالیه اضافی وضع شده).

مثال ۱:

اداره مالیاتی سالون عروسی منصور را بررسی می نماید. بعد از تکمیل بررسی یک سنجش تعدیل شده مالیات برعایدات برای سال ۱۳۹۷ با آوردن یک تغیر در عواید تابع مالیه اساساً به این خاطر که بررس با ادعای استهلاک موافق نبوده، صادر می نماید. ادعا قسماً کاهش می یابد زیرا هیچ شواهد از مصارف بعضی از داراییها موجود نبوده و قسماً بررس به این باور است که نورمهای نادرست استهلاک برای داراییهای دیگر استفاده گردیده است.

تصمیم غیر مجاز قراردادن استهلاک به خاطر کمبود شواهد و تصمیم تغییر نورم استهلاک برای بعضی داراییها ، هردوموضوع از آنجایی که مربوط به سنجش مالیاتی می گردد.میتواند مورد اعتراض مالیه دهنده قرارگیرد.

۲۴٫۳ علاوه بر سنجشهای مالیاتی، بعضی تصامیم دیگر اداره مالیاتی نیز تصامیم مالیاتی تعریف می گردد و به همین خاطر می تواند توسط مالیه دهنده مورد اعتراض قرار گیرد. این تصامیم عبارتند از:

- تصمیم در مورد درخواست تمدید زمان ارائه اظهارنامه (مطابق فقره ۶ ماده ۷)؛
- تصمیم در مورد درخواست تمدید زمان ارائه اعتراض (مطابق فقره ۳ ماده ۱۱)؛
- تصمیم در مورد درخواست تمدید زمان جهت پرداخت مالیه یا پرداخت مالیه به اقساط (فقره ۳ ماده ۱۵)؛
- تصمیم در مورد پرداخت مالیه قبل از میعاد معینه تادیه آن (فقره ۶ ماده ۱۵)؛
- تصمیم در مورد صدور اطلاعیه و مکلف ساختن شخص سوم جهت پرداخت مبلغ در ارتباط به مالیه پرداخت ناشده مالیه دهنده (فقره ۱ ماده ۱۶)؛
- تصمیم در پاسخ به درخواست شخص سوم جهت ارزیابی یادداشت ماده ۱۶ (مطابق فقره ۳ ماده ۱۷)؛
- تصمیم درمورد صدور اطلاعیه به تصفیه کننده مطابق فقره ۲ ماده ۱۹ این قانون؛
- تصمیم در مورد کنترول ویاعدم کنترول یا رد ترک برای تصفیه کننده جهت از کنترول خارج نمودن دارایی که به حیث تصفیه کننده مطابق فقره ۳ ماده ۱۹ در اختیار دارد؛
- تصمیم در مورد توقف معاملات مالی مطابق ماده ۲۰؛
- تصمیم در مورد صدور اطلاعیه و گرفتن حق دریافت کرایه مالک جایداد مطابق ماده ۲۱؛
- تصمیم مطابق ماده ۲۲ جهت صدور حکم مسدود نمودن موقت تشبث، به شمول هرگونه تصمیم جهت عدم لغو چنین حکم یا اقدام لغو طبق چنین حکم؛
- تصمیم در مورد صدور حکم ممنوع الخروج طبق ماده ۲۳؛

- تصمیم در مورد رد درخواست نمبر تشخیصیه مالیه دهنده (مطابق ماده ۲۸)؛
- تصمیم در مورد لغو نمبر تشخیصیه مالیه دهنده(مطابق ماده ۲۹)؛
- تصمیم در مورد رد صدور تصدیق تصفیه مالیاتی مطابق ماده ۵۹ (به شمول عدم صدور تصدیق در زمان مقتضی)؛ و
- تعیین مبلغ پس پرداخت مطابق ماده ۶۱(به شمول تشخیص اینکه مالیه دهندهمستحق پس پرداخت نمی باشد).
- تصمیم درمورد اطلاعیه باز پرداخت به مالیه دهنده {مطابق فقره (۲) ماده شصت ویکم }

۲۵،۳ فقط تصامیم که "تصامیم مالیاتی" باشند می تواند مورد منازعه قرار گیرد. تصامیم که "تصامیم مالیاتی" نباشند نهایی است و طبق قانون اداره امور مالیات به هیچ صورت نمی تواند مورد منازعه قرار گیرد.

"تصفیه کننده"

۲۶،۳ شخصی که مسؤولیت انحلال یک شرکت را عهده دار باشد، تصفیه کننده نامیده می شود. شخصی که مسؤولیت گرفتن مالکیت داراییهای شخص را به نمایندگی از دائنین شخص و فروش یا معامله آن داراییها را جهت بازپرداخت قروض به عهده داشته باشد نیز به منظور قانون اداره امور مالیات تصفیه کننده خوانده می شود. (چنین شخصی بعضاً دریافت کننده خوانده می شود).

۲۷،۳ تصفیه کننده که به جای دائنین طبق این تعریف عمل می نماید می تواند مسؤولیت بعضی داراییها (بطور مثال، هرگاه این داراییها به حیث ضمانت برای قرضه گرو گذاشته شده باشد) یا مسؤولیت تمام داراییهای شخص (در صورت افلاس/ ورشکستگی) را به عهده بگیرد.

۲۸،۳ مفهوم تصفیه کننده همچنان به شخص اطلاق می شود که مسؤولیت اداره، تقسیم یا انتقال داراییهای شخص متوفی را داشته باشد.

۲۹،۳ تصفیه کننده که در این قانون تعریف گردیده می تواند شخصی باشد که از طرف محکمه، یا دائنین یا طوری که در قانون پیشبینی گردیده، تعیین گردد. تصفیه کننده می تواند همچنان شخصی باشد که این مسؤولیتها را مطابق با قانون مربوطه گرفته باشد.

۳۰،۳ بادرنظرداشت قانون مربوطه، ممکن بیش از یک تصفیه کننده در یک زمان برای مالیه دهنده وجود داشته باشد.

"شخص سوم"

۳۱،۳ شخص سوم شخصی است که یکی از ارتباطات ذیل را با مالیه دهنده داشته باشد:

۱. مقروض مالیه دهنده بوده باشد.
۲. ممکن در آینده مقروض مالیه دهنده گردد.
۳. پول مالیه دهنده در اختیارش بوده یا قرار گیرد.
۴. پول شخص دیگری را بمنظور تأدیه آن به مالیه دهنده در اختیار داشته باشد.
۵. صلاحیت پرداخت پول را به مالیه دهنده داشته باشد.

۳۲،۳ شرایط دوم و چهارم به امکانات شخص سوم که در قبال مالیه دهنده مکلفیت پولی در آینده اشاره دارد. امالازم نیست که امر حتمی باشد،چیزی که لازم است آن است که این امکان وجود داشته باشد تا شخص در آینده احتمالاً مکلف گردد.

مثال ۱

استخدام کننده مالیه دهنده در ارتباط با مالیه دهنده حتی اگر در حال حاضر معاش یا دستمزد از مالیه دهنده مقروض نباشد، شخص سوم خواهد بود. به حیث استخدام کننده، امکانات روشن وجود دارد که آنها بابت معاش یا دستمزد کارمند خود در آینده مدیون خواهد بود.

مثال ۲

یک مالیه دهنده در کابل بانک جدید دارای یک حساب بانکی می باشد. زمانی که اداره مالیاتی در می یابد که مالیه دهنده حساب بانکی دارد، هیچ پولی در حساب موجود نیست. طبق شرط چهارم مطروحه فوق بانک شخص سوم مالیه دهنده می باشد زیرا امکان دارد در آینده وجوه به حساب بانکی سپرده شود.

مثال ۳

نظام تولید کننده فرش می باشد. وی به بشیر پسر کاکای خود ۲۰ عدد فرش جهت نمایش و فروش در دوکانش می فرستد. آنها باهم به موافقه رسیده اند که هرگاه بشیر فرشهای نظام را به فروش برساند، ۲۰ فیصد پول را خودش نگاه میدارد و باقی آن را به نظام زمانی که در بازدید بعدی اش به کابل می آید، می پردازد. بشیر به همین خاطر مطابق شرط سوم زمانی که پول را برای نظام نگاه میدارد، شخص سوم می باشد. وی مطابق شرط چهارم در صورتی که فرشهای نظام را برای فروش نگاه میدارد اما تا کنون نفروخته است، شخص سوم می باشد.

۳۳,۳ شخص سوم ممکن وزارت یا نهاد دولتی به شمول وزارت مالیه باشد.

نماینده:

۳۴,۳ طبق قوانین مالیاتی نماینده مالیه دهنده مسؤول اجرای وظایف و وجایب مختلف مالیه دهنده می باشد. سطح مسؤولیت و مکلفیت به چگونگی نمایندگی آنها بستگی دارد. به ماده ۳۱ جهت توضیحات بیشتر مراجعه نمایید.

۳۵,۳ مالیه دهنده حق دارد به دفاع از منافع خود؛ نماینده برگزیند. نماینده می تواند یکی از اشخاص مندرج تعریف نماینده یا شخص دیگری که آنها انتخاب می نمایند، باشد. (به جزء (۴) فقره ۱ ماده ۵ مراجعه نمایید)

۳۶,۳ هرگاه اداره مالیاتی مکلف به مکاتبه با مالیه دهنده یا ارائه اسناد کتبی به مالیه دهنده باشد، برقراری ارتباط یا تحویلی به نماینده مالیه دهنده طوری تلقی می شود که با خود مالیه دهنده صورت گرفته باشد.

۳۷,۳ باتوجه به مشخصات مالیه دهنده، کتگوریها ی مختلف نماینده قرار ذیل می باشد :

۱. نماینده که توسط مالیه دهنده انتخاب گردد:

۳۸,۳ مالیه دهنده می تواند شخص دیگری را به حیث نماینده به منظورپیشبردامور مالیاتی از طریق ارائه اطلاعیه کتبی به اداره مالیاتی صلاحیت دهد. اطلاعیه کتبی باید به صورت مناسب نماینده را معرفی نماید. مالیه دهنده مکلف است تاریخ شروع و ختم صلاحیت نماینده را مشخص نماید.

۳۹,۳ به شخصیکه در بدل ارائه مشوره و خدمات منحیث نماینده مالیه دهنده فیس پرداخت میگردد آن شخص باید یک محاسب مالیاتی دارای تصدیق مندرج ماده سی وسوم قانون اداره امور مالیات باشد. (به ماده ۳۳ مراجعه نمایید

۴۰,۳ مالیه دهنده می تواند نماینده را برای تمام امور مالیاتی یا بخش از وجایب مالیاتی خویش، تعیین کند.

مثال ۱

فرهاد مالک یک تشبث بزرگ ثبت مالیه برارزش افزوده می باشد. وی یک اطلاعیه را به اداره مالیاتی ارائه و به صدیق صلاحیت می دهد تا از وی فقط در موضوعات مالیه برارزش افزوده نمایندگی نماید. صدیق از این رو نماینده فرهاد برای مالیه برارزش افزوده می باشد اما در امور مالیات برعایدات صلاحیت ندارد.

مثال ۲

نجیب مالک یک دوکان پرچون است. وی جهت ملاقات با فامیل خود رخصتی سه ماهه را به جرمنی ازماه قوس تا حوت پلان می نماید. قبل از ترک افغانستان وی اداره مالیاتی را کتباً مطلع نموده که یاسر پسر کاکایش صلاحیت پیشبرد تمام امور مالیاتی وی را دارد. یاسر از این رو نماینده ذیصلاح نجیب از زمان که اطلاعیه ارائه گردیده الی ۳۰ حوت می باشد.

۲. صلاحیت به اساس موقف:

۴۱,۳ تعریف نماینده همچنان شامل اشخاص مشخص که باتوجه به استخدام یا موقف وظیفوی به صورت خودکار نماینده مالیه دهنده می گردند، می باشدعبارتند از:

۱. در مورد امور اجرائیوی / ریس یک شرکت:

این موقف بعضی اوقات مدیر عامل خوانده می شود و عبارت از شخصی است که موقف ارشد را در تنظیم و اداره فعالیتهای شرکت عهده دار می باشد. شرکتها و شرکتهای تضامنی در قانون مالیات برعایدات تعریف گردیده اند و همان مفاهیم به منظور ماده ۳ قانون اداره امور مالیات قابل تطبیق می باشد. یک شرکت یا شرکت تضامنی نهاد است که در آن مکلفیتهای سهامداران محدود به سهم سرمایه شان می باشد.

۲. در مورد شراکت، یکی از شرکاء:

مفهوم شراکت در قانون مالیات برعایدات تعریف گردیده است با توجه به فقره ۲ ماده ۳ قانون اداره امور مالیات مفهوم یکسانی را افاده خواهد کرد. شریک نیز در قانون مالیات برعایدات تعریف شده است و همان مفهوم را در این قانون نیز افاده می نماید. یک شریک در شراکت در صورت نماینده خواهد بود که آنها شریک با مکلفیت نامحدود برای دیون شراکت باشد.

۳. در تصفیه دارایی شخص، تصفیه کننده:

در مفهوم جامع تعریف تصفیه کننده در ماده ۳، شخص در حال انحلال دارای همان مفهوم وسیع به شمول تمام حالتهای که در آن تعریف درج گردیده، می باشد. اداره مالیاتی باید از استخدام تصفیه کننده مطلع گردد(به ماده ۱۹ مراجعه نمایید).

۴. در مورد ادارات دولتی، (بشمول دول خارجی یا نمایندگی های سیاسی، مسؤولین ادارات دولتی داخلی ، شخص مسئول دریافت یا تأدیه وجوه به نمایندگی از ادارات مذکور.

۳. نماینده مالیه دهندگان غیر مقیم:

۴۲,۳ در مورد شخص غیر مقیم، شخصیکه مسؤلیت پیشبرد امور وی را درافغانستان به عهده دارد، نماینده شخص غیر مقیم به منظور مالیه می باشد. هرگاه شخص غیر مقیم بپذیرد که چنین شخصی در افغانستان به منظور مالیه نماینده وی می باشد، با صلاحیت دادن به آن شخص مطابق جزء اول مندرج تعریف نماینده به جای جزء پنجم از هرگونه ابهام دوری می نماید.

۴۳,۳ جزء پنجم تعریف نماینده بیشتر زمانی مدنظر گرفته می شود که مالیه دهنده به صورت مشخص شخصی را صلاحیت نداده تا از آنها نمایندگی نماید و اداره مالیاتی تلاش می نماید تا نماینده را مشخص نماید. شخص غیر مقیم یا شخص محلی ممکن از ارتباط انکار یا آن را مخفی کند.

۴۴,۳ مالکان تشبثات غیر مقیم که در افغانستان فعالیت می نماید به طور عموم شخص مقیم را جهت تنظیم و اداره امورات شان دخیل یا استخدام می نمایند. هرگاه این جریان به نهاد دولتی دیگر ابلاغ شود، حتی اگر به اداره مالیاتی هم موضوع رسانده نشود، این امر می تواند منحیث سند قوی در نظرگرفته شود که شخص نماینده مالیه دهنده به شمول امور مالیاتی مالیه دهنده می باشد حتی اگر شخص علیه این مورد اعتراض نماید.

۴۵,۳ اداره مالیاتی می تواند همچنان نماینده شخص غیر مقیم را از طریق استعلام، مشاهده و یکجا نمودن مدارک شخصی که برای شخص غیر مقیم روزانه کار می کند، مشخص نماید. هرگاه فعالیت تجارت اجناس در افغانستان باشد یا در افغانستان کارمند داشته باشد،یا در کار ساخت و ساز تعمیر یا سایر داراییهای در افغانستان فعالیت نماید، معمولاً یک شخص را با مسؤولیت سرپرستی بالای این داراییها، کارکنان یا فعالیتها خواهد داشت زیراچنین موارد بدون سرپرست گذاشته نمی شود.

۴۶,۳ یک شخص حتی اگر رهنمودها را از طریق تلیفون، ایمیل یا حضوری از شخص غیر مقیم دریافت نماید، به حیث تنظیم کننده امور شخص غیر مقیم مدنظر گرفته می شود.

منازعات مالیاتی:

هرگاه تصامیم مالیاتی که از طرف ادارهٔ مالیات در قبال مکلفیت های مالیاتی یک مالیه دهنده اتخاذ و به مالیه دهنده ابلاغ می گردد، در صورت که مالیه دهنده به تصمیم متذکره موافق نباشد، میوانند مطابق به احکام مندرج فصل چهارم قانون ادارهٔ امور مالیات و سایر قوانین نافذه ابراز نماید. رسیدگی به منازعات مالیاتی در قانون ادارهٔ امور مالیات در سه مرحله(رسیدگی به شکایات در ریاست عمومی عواید، بورد حل منازعات مالیاتی در سطح وزارت مالیه و محاکم ذیصلاح مالیاتی) پیشنبی شده است. زمان معیین ارائه اعتراض چگونگی پرداخت مالیات تحت منازعه در فصل چهارم قانون اداره امور مالیات و توضیحات مربوطه آن در تعلیمات نامه پیرامون آن توضیح شده است.

کتمان مالیه:

کتمان عواید تابع مالیه یا مالیات قابل پرداخت یک عمل عمدی بوده که مالیه دهنده به منظور فرار از پرداخت مالیات به آن متوصل می گردد.

در صورت ادارهٔ مالیاتی به اساس در یافت معلومات معتبر یا در اثر بررسی دریابد که مالیه دهندهٔ مرتکب عمل کتمان مالیه شده است، در این صورت مرتکبین آن مطابق به حکم قانون اداره امور مالیات تابع پرداخت مالیات اضافی و مالیه کتمان شده می گردند. در صورت تکرار آن برعلاه پرداخت اصل مالیه و صد فیصد مالیات اضافی مطابق تعدیل ماده چهل و یکم قانون ادارهٔ امور مالیات، مورد پیگرد عدلی نیز قرار گرفته و در نهایت به حکم محکمه فعالیت اقتصادی وی متوقف خواهد شد.

مرجع تطبیق

مادهٔ چهارم:

وزارت مالیه مرجع اساسی تطبیق این قانون می باشد. سایر وزارت ها، ادارات دولتی و غیر دولتی عندالمطالبه در تطبیق احکام این قانون با وزارت مالیه همکاری می نمایند.

۱,۴ وزارت مالیه مرجع اساسی تطبیق قوانین مالیاتی به شمول قانون اداره امور مالیات می باشد. کارمندان مشخص در داخل وزارت به این وظایف توظیف گردیده که در مجموع در این قانون به حیث اداره مالیاتی خوانده می شود. تشکیل و تعلیماتنامه تفویض صلاحیت آن اشخاص و بست ها را که طبق قوانین فعالیتها را اجرا می نماید، مشخص می کند.

۲,۴ ریاست عمومی عواید در داخل وزارت مالیه منحیث اداره مالیاتی شناخته می شود. ریاست متذکره توسط یک رئیس عمومی رهبری می گردد.

۳,۴ اصطلاح اداره مالیاتی چندین بار در قانون اداره امور مالیات استفاده گردیده است. هرگاه اصطلاح متذکره در ارتباط با یک عمل یا تصمیم که باید گرفته شود استفاده گردد، چنین عمل یا تصمیمی در صورتی که توسط مسؤول مالیاتی ذیصلاح در روشنی احکام قانون گرفته شده باشد، به موقع توسط اداره مالیاتی اجراء خواهد شد.

۴,۴ مسؤول مالیاتی عبارت از کارمند اداره مالیاتی با مسؤولیت تطبیق قوانین مالیاتی می باشد. یک شخص فقط در صورتی مسؤول مالیاتی است که کارمند برحال اداره مالیاتی باشد. تمام کارکنان اداره مالیاتی مسؤولیت تطبیق قوانین مالیاتی را ندارند. برای مثال کارکنان که وظیفه شان محدود به پاک کاری است هیچ مسؤولیتی در قبال تطبیق قوانین مالیاتی ندارند.

۵,۴ یک کارمند اداره مالیاتی با مسؤولیت تطبیق قوانین مالیات شخصی است که:

- در بست مربوط به مالیه در تشکیل وزارت مالیه استخدام شده باشد؛ و
- دارای وظیفه و مسؤولیتهای مالیاتی به عنوان قسمت از لایحه وظایف وی باشد.

۶,۴ یک مسؤول مالیاتی نمی تواند شخصاً مسؤولیت خود را به حیث مسؤول مالیاتی قرارداد یا تفویض نماید.

فصل دوم
حقوق و مکلفیتهای مالیه دهنده گان

حقوق مالیه دهنده

مادۀ پنجم:

(۱) مالیه دهنده دارای حقوق ذیل می باشد:

۱- دریافت اظهارنامۀ مالیاتی، فورم ها وکمک رایگان (همکاری تخنیکی) از ادارۀ مالیات بمنظور محاسبه، گزارش دهی و پرداخت مالیات مطابق احکام قوانین مالیاتی.

۲- کسب معلومات کتبی از ادارۀ مالیات در مورد وضعیت مالیاتی مربوط.

۳- دسترسی به معلومات موجود در مورد سنجش و تحصیل مالیات وی و تقاضای تجدید یا تعدیل معلومات نامکمل یا نادرست از ادارۀ مالیات.

۴- دفاع از منافع خویش درادارۀ مالیات بطور مستقیم یا توسط نماینده.

۵- دریافت باز پرداخت یا مجرائی مالیه اضافه پرداخت، مطابق احکام قوانین مالیاتی.

۶- مطالبه ودریافت توضیح در مورد اسناد که توسط ادارۀ مالیات در رابطه به وی جمع آوری شده است.

۷- استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مالیاتی وسایر قوانین .

(۲) کارکن اداره مالیات در برابر مالیه دهنده دارای مکلفیت های ذیل میباشد:

۱- برخوردنیک ومسلکی.

۲- حفظ محرمیت معلومات جمع آوری شدۀ در مورد مالیه دهنده.

۳- ارایه معلومات کتبی، عندالمطالبه مالیه دهنده در مورد وضعیت مالیاتی وی.

۴- استماع صحبت های وی حین ارائه معلومات .

تمام مواد چاپی و ارائه خدمات از طرف اداره مالیاتی کاملاً رایگان می باشد:

۵,۱ مالیه دهندگان حق دارند هرگونه نشرات مربوط به امور مالیاتی به شمول رهنمودها، اظهارنامه ها و سایر فورمه ها را بدون قیمت از اداره مالیاتی دریافت نمایند. هیچ قیمت یا فیس برای دریافت هرگونه مواد چاپی ارائه شده توسط اداره مالیاتی قابل پرداخت نمی باشد.

۵,۲ مالیه دهندگان حق دارند تا معلومات و کمک را در ارتباط به امور مالیاتی شان از مسؤولین مالیاتی بدون قیمت و فیس دریافت نمایند. مسؤول مالیاتی که نتواند سؤال خاصی را جواب دهد مسؤولیت دارد تا معلومات مقتضی را جستجو یا مالیه دهنده را به مسؤول مالیاتی دیگر که قادر به کمک می باشد، معرفی نماید.

۳,۵ مسؤول مالیاتی که دربدل مواد چاپی رایگان ، پول (به شمول تحفه) یا فیس برای اجرای خدمات مطالبه می نماید این عمل طبق احکام قانون مبارزه با فساد اداری نقض قانون پنداشته میشود. بر علاوه، آنها ممکن ناقض ماده ۵۱ قانون اداره امور مالیات (سوءاستفاده از موقف) باشند. مالیه دهندگان حق دارند تا چنین اعمالی را به مقامات ذیصلاح مسؤول مالیاتی مربوطه گزارش دهند.

حق دریافت جوابات کتبی سؤالات:

۴,۵ مالیه دهنده حق دارد تا جواب هرگونه سؤال خود را که کتباً پرسیده است به صورت کتبی از اداره مالیات مربوطه دریافت نماید. این حق به نماینده مالیه دهنده که به نمایندگی از وی سؤال می نماید، نیز تعمیم داده می شود. این حق سؤالات غیر رسمی در مورد امور مالیاتی مالیه دهنده را نیز دخیل می نماید. حقوق مربوط به درخواستهای رسمی و طرزالعمل خصوصی در احکام مشخص قوانین مالیاتی که به آن موارد می پردازد، پیشبینی گردیده است. این امور همیشه متقاضی جوابات کتبی و در بعضی آنها محدوده زمانی برای پاسخ دادن نیز مشخص گردیده است.

۵,۵ با توجه به وضعیت، جواب می تواند شامل ارائه نقل از رهنمودهای چاپی عمومی یا رهنمایی ها، یا طرزالعمل عمومی گردد به شرط اینکه هدایات کافی در متن مواد که به سؤال مالیه دهنده جواب می دهد، وجود داشته باشد. هرگاه این امر قابل تطبیق نباشد، جواب کتبی باید به شکل مکتوب خاص که به سؤال مالیه دهنده جواب ارائه نماید، باشد.

۶,۵ در قانون هیچ محدوده زمانی برای جواب دادن به سؤالات غیر رسمی پیشبینی نگردیده است. بهرحال، اداره مالیاتی باید سعی کند که هرچه زودتر جواب ارائه نماید. هرگاه سؤال به چیزی ارتباط بگیرد که برای مالیه دهنده جهت برآورده نمودن وجایب مالیاتی اش لازم باشد، جواب باید در یک دوره زمانی ارائه گردد که به مالیه دهنده فرصت دهد تا از وجایب مالیاتی اش اطاعت نماید.

۷,۵ اداره مالیاتی می تواند به خاطر ارائه خدمات بهتر به مالیه دهندگان، اولاً جواب را از طریق تلیفون یا شخصاً به شرط اینکه همان جواب در تحریر نیز تعقیب گردد، به مالیه دهنده مکاتبه نماید. ارایه جوابات به صورت شفاهی با تعقیب کتبی بر هردو سؤالات رسمی و غیر رسمی، تطبیق می گردد.

۸,۵ مالیه دهنده می تواند از حق دریافت جواب کتبی صرف نظر نماید. این امر می تواند در صورتی به وقوع بپیوندد که بگونه مثال، مالیه دهندگان جواب سؤالات خود را از طریق تلیفون یا حضوری دریافت و در آن زمان آنها اداره مالیاتی را مطلع بسازند که به جواب کتبی ضرورت ندارند. درغیر آن اداره مالیاتی باید جواب را به صورت کتبی ارائه نماید.

۹,۵ جواب الکترونیکی توسط فکس یا ایمیل به منظور این قانون در صورت جواب کتبی پنداشته می شود که نمبر فکس یا آدرس ایمیل توسط مالیه دهنده فراهم گردیده باشد.

مثال:

مقصود اظهارنامه مالیات برعایدات خود را در شروع ماه جدی آماده می نماید. وی در می یابد که بعضی تجهیزات تجارتی دارد که باید مجرایی استهلاک ان را سنجش نماید اما وی نمی داند که چه نورم را جهت محاسبه استهلاک اش استفاده نماید. وی مکتوب را با یک سؤال پیرامون این موضوع نوشته و وضعیت را شرح می دهد و سپس در تاریخ ۱۲ ماه جدی مکتوب مذکور را به اداره مالیاتی ارسال می نماید.

اداره مالیاتی باید جواب را کتباً به مقصود ارائه نماید. از آنجایی که جواب جهت تهیه اظهارنامه مالیات برعایدات برای وی لازم و ضروری است، اداره مالیاتی در تاریخ ۲۵ جدی به نامبرده زنگ زده و از جواب مطلع می نماید و بعداً آن را با جواب کتبی تعقیب می نماید.

دسترسی مالیه دهنده به معلومات در مورد مالیات شان:

۱۰٫۵ مالیه دهندگان حق دارند تا به معلومات در مورد سنجش و تحصیل مالیات شان و سایر معلومات در مورد آنها که در اداره مالیاتی نگهداری می گردد، دسترسی داشته باشند. این به معنی حق دریافت نقلها(کاپی) اسناد مربوطه به شمول اظهارنامه یا سایر فورمه های ارائه شده توسط آنها و یادداشت سنجش می باشد. حتی اگر آنها قبلاً یک نقل دریافت نموده باشد، این حکم تطبیق می گردد(مالیه دهنده حق دریافت نقل جدید را دارد).

۱۱٫۵ اداره مالیاتی مکلف به دسترسی به معلومات در مورد مالیه دهنده در صورتی نمی باشد که محرمیت مالیه دهنده دیگر نقض گردد. محدودیت متذکره در صورت تطبیق نمی گردد که هردو مالیه دهنده در مورد افشای معلومات موافقه داشته باشند.

دفاع از منافع:

۱۲٫۵ مالیه دهنده حق دارد تا از منافع خود شخصاً یا از طریق نماینده دفاع نماید. حق دفاع از منافع علاوه بر حقوق مالیه دهنده در ارتباط به حق اعتراض برتصامیم اداره مالیاتی مطا بق فصل ۴ قانون اداره مالیات نیزمی باشد. این حقوق همچنان شامل حق استماع قبل از شروع دعوی رسمی می باشد. اداره مالیاتی باید به مالیه دهنده (یا نماینده منظور شده وی) فرصت دهد تا حقایق و دلایل را قبل از اتخاذ تصمیم مالیاتی ارائه نماید.

۱۳٫۵ مالیه دهنده مختار است تا هر شخص دیگری را به حیث نماینده خود انتخاب نماید. با آنهم، هرگاه نماینده برای کمک به مالیه دهنده از وی فیس بگیرد، باید دارای جواز محاسب مالیاتی باشد. به تشریحات مندرج ماده ۳۴ مراجعه نمایید.

۱۴٫۵ قبل از بحث روی موضوعات مالیاتی مالیه دهنده با نماینده ؛ نماینده باید صلاحیت نامه نماینده گی خویش را از مالیه دهنده به اداره مالیاتی ارائه نماید. اداره مالیاتی بنا به دلایل محرمیت، قبل از بحث امور مالیاتی مالیه دهنده با نماینده وی ؛منظوری مالیه دهنده را لازم خواهد داشت. منظوری مالیه دهنده در صورتی عدم حضور وی باید به شکل کتبی ارائه گردد. منظوری کتبی باید توسط اداره مالیاتی نگهداری گردد.

۱۵٫۵ هرگاه مالیه دهنده توسط شخص دیگر همراهی گردد، می تواند به شکل شفاهی برای آن شخص منظوری دهد تا به نمایندگی از وی تا وقتیکه خودش نیز حاضراست، صحبت نماید.

۱۶٫۵ مالیه دهنده می تواند فقط برای قسمت از امور مالیاتی خود به یک شخص صلاحیت دهد تا از وی نمایندگی نماید. بطورمثال، مالیه دهنده می تواند برای امور مالیه برارزش افزوده یک شخص را تعیین نماید تا نماینده وی باشد اما نه مالیات برعایدات. یک مالیه دهنده می تواند بیش از یک نماینده انتخاب نماید. آنها می توانند برای صلاحیت نماینده که به نمایندگی از آنها صحبت می نماید، زمان ثابت را تعیین کنند. هرگاه هیچ محدوده زمانی مشخص نگردد، فرض می شود صلاحیت تا زمانی که توسط مالیه دهنده لغو نگردد، ادامه پیدا می کند.

۱۷٫۵ نماینده مالیه دهنده به منظور دفاع از حق مالیه دهنده طوری که در جزء (۴) فقره ۱ این ماده پیشبینی گردیده می تواند شخص نماینده که در ماده ۳ تعریف گردیده، باشد.

صلاحیتهای نماینده که به نمایندگی از مالیه دهنده باید عمل نماید بستگی دارد به اینکه وی یکی از اشخاص مندرج تعریفات ماده ۳ باشد. در مورد شخص مندرج بندهای (۱)، (ه) و (و) مالیه دهنده می تواند نماینده را مشخص یا سلب صلاحیت نماید. هدایات مالیه دهنده پیرامون این صلاحیت باید به صورت کتبی باشد و توسط اداره مالیاتی ثبت گردد.

دریافت بازپرداخت یا مجرائی مالیه اضافه پرداخت:

۱۸٫۵ مالیه دهندگان مستحق دریافت پس پرداخت مطابق ماده ۶۰ و همچنان مستحق دریافت مبلغ قابل پس پرداخت که مطابق ماده ۶۱ تطبیق می گردد، می باشند. مبلغ قابل پس پرداخت که مطابق قانون مالیه برارزش افزوده ناشی می گردد باید طی ۴۵ روز از ارائه

درخواست مالیه دهنده طی مراحل گردد. در بعضی حالات مبلغ پس پرداخت می تواند مطابق قانون مالیات برعایدات ناشی گردد. در صورتی که تابع ضرب لاجل طی مراحل تابع آن قانون نباشد، اداره مالیاتی باید تلاش نماید تا آن را به همان مدت زمان ادعا پس پرداخت مالیه برارزش افزوده طی مراحل نماید.

دریافت توضیحات پیرامون تصمیم ادارهٔ امور مالیات:

۱۹,۵ مالیه دهندگان حق دارند تا توضیحاتی را در مورد هرگونه تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی که مستقیماً امور مالیاتی شان را متأثر می سازد به شمول دلایل تصمیم، دریافت نمایند.

برخورد نیک و مسلکی:

۲۰,۵ کارکنان مالیات مکلف اند تا با مالیه دهندگان به خوبی و مسلکی رفتار نمایند و مالیه دهندگان حق دارند تا این سطح از خدمات و رفتار را انتظار داشته باشند. کارکنان ریاست عمومی عواید باید با مالیه دهندگان با نزاکت و احترام رفتار نمایند.

۲۱,۵ مسؤولین مالیاتی ریاست عمومی عواید باید منحیث هدف انکشاف خود به حیث یک اداره مدرن، شایسته که به منفعت دولت، مردم عام و ملت خدمت می نماید معرفی کند .

۲۲,۵ مالیه دهندگانی که درخواست کمک می نمایند باید فوراً به درخواستهای شان رسیدگی گردد. هرگاه یک مسؤول مالیاتی نتواند کمک بکند (بگونه مثال، بخاطر عدم داشتن معلومات لازم) باید تمام تلاشها را جهت پیدا نمودن شخص یا شعبه مناسب که بتواند هرچه عاجل مشکل را حل نماید، مبذول بدارد.

۲۳,۵ مالیه دهندگان حق دارند تا صادق تلقی گردند مگر اینکه اسناد واضح علیه آنها وجود داشته باشد. مالیه دهندگانی که دچار اشتباه شده اند نیز مستحق رفتار مؤدبانه و با نزاکت می باشند.

محرمیت معلومات:

۲۴,۵ مالیه دهندگان حق دارند تا توقع داشته باشند که هرگونه معلومات که آنها به اداره مالیاتی ارائه می نمایند محرم نگهداشته می شود. همان حکم بالای هرگونه معلومات دریافت شده توسط اداره مالیاتی از منابع دیگر و معلومات مربوط به مالیه دهنده که در داخل اداره مالیاتی تعیین می گردد، تطبیق می شود.

۲۵,۵ مفهوم محرمیت و مکلفیتهای وضع شده بالای مامورین مالیاتی در تشریح ماده ۵۴ این تعلیمات نامه قابل دریافت می باشد.

مکلفیت های مالیه دهنده

ماده ششم

مالیه دهنده دارای مکلفیتهای ذیل می باشد:

1- ارایهٔ درخواست بمنظور اخذ نمبر تشخیصیه.

2- ارایه گزارش از تغییرات بعدی در معلومات مندرج درخواست.

۳- ارایهٔ اسناد و معلوماتیکه ادارهٔ مالیات مطابق احکام قوانین مالیاتی، مقررات وطرزالعمل های مربوط مطالبه می نماید.

۴- حفظ دفاتر و اسناد مربوط، بمنظور تثبیت مالیه.

۵- محاسبه درست و دقیق مالیات مطابق احکام قوانین مالیاتی، مقررات وطرزالعمل های مربوط آن.

۶- عدم مزاحمت یا ممانعت به کارکنان مالیاتی حین اجرای وظایف قانونی شان.

۷- حضوردر جریان بررسی یا به اثر درخواست ادارهٔ مالیات، عندالضرورت.

۸- رعایت سایر ا حکام قوانین مالیاتی.

۱,۶ ماده ۶ لست از مکلفیتهای ابتدایی مالیه دهندگان را ارائه می نماید. لست شامل مکلفیتهای که به وضوح و تفصیل توسط سایر احکام قوانین مالیاتی وضع گردیده می باشد. بعضی از مکلفیتها مشخصاً در جای دیگر قانون اداره امور مالیات بیان نگردیده اما می تواند توسط مجموع از احکام قوانین مالیاتی به صورت ضمنی یا غیر مستقیم وضع گردد. به همین خاطر ماده ۶ یک توضیح مفید از مکلفیتهای مالیه دهنده می باشد.

درخواست برای نمبر تشخیصیه مالیه دهنده عندالضرورت:

۲,۶ مکلفیتهای درخواست برای نمبر تشخصیه و طرزالعملهای تطبیقی آن با جزئیات در ماده ۲۸ قانون اداره امور مالیات پیشبینی گردیده است.

۳,۶ جهت اخذ نمبر تشخیصیه مالیه دهنده، مالیه دهنده باید فورمه درخواست نمبر تشخیصیه را از ریاست عمومی عواید وزارت مالیه یا ازدفاتر مستوفیت مربوط که دارای شعبه نمبر تشخیصیه در تعمیر مستوفیت میباشد، دریافت نماید. صفحه اینترنیتی معلوماتی مالیات ریاست عمومی عواید www.ard.mof.gov.af حاوی فورمه های درخواست بوده که می توان از صفحه متذکره اخذ، تکمیل و به وزارت مالیه تحویل داده شود.

ارایه معلومات به وزارت مالیه از هرگونه تغیرات:

۴,۶ این مکلفیت در جای دیگر از قوانین مالیات مشخصاً پیشبینی نگردیده است، لذا جزء (۲) ماده ۶ منبع کامل قانونی برای این مکلفیت مالیه دهنده می باشد.

۵,۶ مالیه دهندگان مکلف اند تا وزارت مالیه را از هرگونه تغییرات عمده در معلومات که در ابتدا حین اخذ نمبر تشخیصیه ارائه گردیده، مطلع نمایند. برای مثال، تغییر نام، آدرس، یا ماهیت تجارت. مالیه دهندگانی که نماینده انتخاب نموده اند باید اداره مالیاتی را هنگامی تغییر نماینده مطلع نمایند.

ارائه به موقع اظهارنامه تکمیل شده:

۶,۶ مکلفیت ارائه اظهارنامه ها (به شمول سایر فورمه ها که واجد شرایط تعریف اظهارنامه مندرج ماده ۳ قانون اداره امور مالیات می باشند) در قانون مالیات برعایدات پیشبینی گردیده است. بگونه مثال به فقره ۱ ماده ۸۷ قانون مالیات برعایدات مراجعه نمایید. مکلفیت ارائه اظهارنامه های مالیه برارزش افزوده در قانون مالیه برارزش افزوده پیشبینی گردیده است (ماده ۲۳).

۷,۶ میعاد معین ارائه اظهارنامه ها همچنان در قانون مالیات برعایدات و قانون مالیه برارزش افزوده پیشبینی گردیده است. بگونه مثال به فقره ۱، ۳ و ۵ ماده ۸۸ قانون مالیات برعایدات مراجعه نمایید. میعاد معینه برای مالیه دهندگان مالیه برارزش افزوده (اشخاص تابع مالیه) جهت ارائه اظهارنامه ها در فقره ۱ ماده ۲۳ قانون مالیه برارزش افزوده پیشبینی گردیده است (در خلال ۳۰ روز از اتمام دوره مالیه برارزش افزوده).

۸,۶ تمام اظهارنامه ها به منظور مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده باید در اداره مالیاتی که مربوط ریاست عمومی عواید وزارت مالیه می باشد، ارائه گردد.

۹,۶ یک اظهارنامه زمانیکه توسط مسؤول با صلاحیت اداره مالیاتی دریافت می گردد، ارائه شده پنداشته می شود.

ارائه اسناد و معلومات:

۱۰,۶ ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات در مورد مکلفیت ارائه اسناد و معلومات زمانیکه توسط اداره مالیاتی مطالبه می گردد، حکم می نماید. مطالبه باید به صورت کتبی و همچنان در ارتباط و به منظور یکی از قوانین مالیات باشد.

۱۱,۶ طوریکه ماده ۲۷ قانون اداره امور مالیات به اداره مالیاتی صلاحیت می دهد تا دفاتر، اسناد وسایر یادداشتها مالیه دهنده را زمانی که از تعمیر وی بازدید می نماید، به دسترس خود قراردهد. مالیه دهنده مکلفیت ضمنی دارد تا اجازه دهد وزارت این یادداشتها را اخذ نماید.

حفظ دفاتر و یادداشت های لازم به منظور مالیات:

۱۲,۶ ماده ۲۵ قانون اداره امور مالیات مالیه دهندگان را مکلف به حفظ حسابات، اسناد و یادداشتها طبق تجویز می نماید. جزئیات یادداشتهای تجویز شده در مقدمه ماده متذکره در این سند تشریح گردیده است.

۱۳,۶ به علاوه، مالیه دهندگانی که مطابق قانون مالیه برارزش افزوده اشخاص تابع مالیه هستند همچنان در ارتباط به صورت حسابات، کریدیت نوت و دبت نوت بطوری که توسط فصل ۶ آن قانون مشخص و وضع گردیده، مکلف می باشند.

محاسبه درست مالیات:

۱۴,۶ محاسبه درست مالیات یک مکلفیت است که متضمن یک سلسله از وجایب وضع شده توسط قوانین مالیاتی می باشد. سیستم های مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده به صورت وسیع متکی به سنجش خودی است که در آن مالیه دهندگان یادداشت، محاسبه و وجایب درست را که ناشی می گردد، می پردازند. این مکلفیتها توسط یک سلسله از مالیات اضافی و جرایم برای عدم اطاعت پذیری تقویت می گردد.

۱۵,۶ بطورمثال، ماده ۵۸ قانون مالیات برعایدات استخدام کنندگان مختلف را مکلف به وضع مبالغ مشخص از پرداختها به کارمندان شان نموده است. مکلفیت ضمنی واضح در زمینه محاسبه درست این مبالغ وجود دارد که توسط وضع مالیه اضافی برای عدم اطاعت پذیری طوری که ماده ۳۶ قانون اداره امور مالیات حکم می نماید و پیگرد بالقوه آن به حیث تخطی مطابق فقره ۲ ماده ۴۵ همان قانون، حمایت می گردد.

پرداخت مالیه هرزمانی که لازم باشد:

۱۶,۶ مکلفیت پرداخت و زمان مشخص برای پرداخت مالیه در قانون مالیات پیشبینی گردیده است. فقره های ۲، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۹ ماده ۸۸ قانون مالیات برعایدات برای پرداخت انواع وجایب مالیات برعایدات حکم می نماید و این احکام همچنان در مورد تاریخ معینه پرداخت نیز صراحت دارند.

۱۷,۶ مکلفیت جهت پرداخت مالیه وضع شده از معاشات یا دستمزدها در فقره ۲ ماده ۴۶ قانون مالیات برعایدات و ماده ۶۰ همان قانون تصریح گردیده است. ماده های مذکور همچنان در مورد زمان معین پرداخت نیز صراحت دارد (۱۰ روز از آخر ماه که در آن مالیه وضع گردیده است).

۱۸,۶ مکلفیت پرداخت مالیه وضع شده از انواع دیگر عواید (تکتانه، مفاد سهم، حق الامتیاز و غیره که در فقره ۱ ماده ۴۶ درج می باشد)مطابق قانون مالیات برعایدات در فقره ۴ ماده ۴۶ پیشبینی گردیده است که همچنان در مورد زمان معین پرداخت ۱۰ روز از آخر ماه که در آن مالیه وضع گردیده است، صراحت دارد.

۱۹,۶ در مورد مالیه برارزش افزوده ماده های ۲۲ و ۲۳ قانون مالیه برارزش افزوده پیرامون زمان معین صراحت دارد (۳۰ روز از آخر دوره مالیه برارزش افزوده).

۲۰,۶ ذکر مکلفیت پرداخت مالیات در قانون اداره امور مالیات به همین خاطر هیچ مکلفیت جدید دیگری ایجاد نمی نماید فقط مکلفیت اطاعت پذیری از چنین وجایب را که در قوانین مالیات مشخص گردیده، تصریح می نماید.

عدم ایجاد ممانعت برای مسؤولین مالیاتی:

۲۱,۶ عدم ایجاد ممانعت برای مسوولین مالیاتی دروقت اجرای وظایف یک مکلفیت فراگیر بوده که در بعضی از احکام قوانین مالیاتی پیشبینی گردیده است.

۲۲,۶ ماده ۴۶ قانون اداره امور مالیات ممانعت عمدی مسؤول مالیاتی را حین اجرایی وظیفه یک تخطی حکم می کند ومطابق ان اجراات صورت میگرد.

۲۳,۶ ممکن وابسته به رفتار یا اقدامات باشد تا درقدم اول مدنظر گرفته شود که آیا مالیه اضافی مطابق احکام دیگر قانون تطبیق گردد یا خیر . بطور مثال:

- ماده ۳۸ قانون اداره امور مالیات، عدم اطاعت پذیری از اخذ مالیه از شخص ثالث؛
- ماده ۳۹ قانون اداره امور مالیات، عدم ارائه معلومات.

۲۴,۶ هرگاه دلایل ممانعت عدم همکاری باشد، درچنین حالت ترجیح داده میشود تا حکم فقره ۶ ماده ۴۵ قانون اداره امور مالیات، مبنی برتخطی برای عدم همکاری تطبیق گردد.

حاضر شدن در اداره مالیاتی در صورت تقاضا:

۲۵,۶ فقره ۱ ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات مکلفیت حاضر شدن در زمان یا مکان تعیین شده توسط اداره مالیاتی را بالای هرگونه اشخاص وضع نموده است.

اطاعت از سایر احکام قوانین مالیاتی:

۲۶,۶ این یک مکلفیت فراگیر بوده که در قوانین مالیاتی پیشبینی گردیده است.

فصل سوم
اظهارنامه مالیاتی و سنجش

مالیه برارزش افزوده، مالیات برعایدات سالانه، مالیه معاملات انتفاعی و مالیه موضوعی مطابق قانون مالیات تحت سیستم ارزیابی خودی کار می نماید. ارزیابی خودی بدین معنی است که مالیه دهندگان مالیه قابل پرداخت را تعیین و پرداخت می نماید. از مالیه دهندگان انتظار می رود تا از تمام وجایب مالیاتی شان طور داوطلبانه اطاعت پذیری نمایند. در بسیاری از موارد اظهارنامه مالیاتی یا فورمه ارائه شده توسط مالیه دهنده بدون سؤال مورد پذیرش اداره مالیاتی قرار می گیرد. برای اداره مالیاتی امکان ندارد یا مؤثر نیست تا تمام جزئیات اظهارنامه یا فورمه را ارزیابی نماید. روی این دلیل فعالیتهای بررسی و تشخیص صرف روی آن عده از مالیه دهندگان که، اظهارنامه ها یا فورمه های که در بالاترین سطح خطر شناسایی می گردند، تمرکز می نمایند. این امر با شیوه های معیاری استفاده شده توسط ادارات مالیاتی در سطح بین المللی مطابقت دارد.

ارایهٔ اظهارنامهٔ مالیاتی

مادهٔ هفتم:

(۱) مالیه دهنده مکلف است، اظهار نامهٔ مالیاتی خویش را مطابق احکام قوانین مالیاتی ارائه نماید.

(۲) هرگاه مالیه دهنده، اظهارنامهٔ مالیاتی خود را ارایه ننماید، ادارهٔ مالیات طور کتبی برای مالیه دهنده اطلاع میدهد تا در خلال سی روز بعد از دریافت اطلاعیه، اظهار نامهٔ مالیاتی خویش را به ادارهٔ مالیات ارایه نماید.

(۳) اداره مالیات، اظهار نامهٔ مالیاتی را بررسی نموده و در صورت داشتن نواقص غرض رفع آن به مالیه دهنده طور کتبی اطلاع می دهد.

(۴) مالیه دهنده مکلف است ، درخلال سی روز ازتاریخ در یافت اطلاعیه، نواقص را رفع یا معلومات بیشتر را به ادارهٔ مالیات ارایه نماید.

(۵) هر گاه مالیه دهنده، بنابر دلایل مؤجه نتواند در میعاد مندرج احکام قوانین مالیاتی یا در خلال میعاد مندرج فقره (۲) این ماده اظهار نامهٔ خویشرا ارائه نماید، می تواند قبل از ختم میعاد ارائه اظهار نامه، در خواست تمدید زمان آنرا از ادارهٔ مالیات تقاضا نماید.

(۶) ادارهٔ مالیات، درخواست مندرج فقره (۵) این ماده را ارزیابی نموده، درمورد تمدید یا رد آن تصمیم اتخاذ ودر خلال ده روز از تاریخ دریافت درخواست، کتباً به مالیه دهنده اطلاع می دهد.

(۷) تمدید زمان ارایه اظهارنامهٔ مالیاتی ازختم تاریخ معینه مندرج قوانین مالیاتی، بیشتر ازسه ماه بوده نمی تواند و این تمدید تاریخ معینه تادیه مالیه را نیز تغییر نمی دهد.

عدم ارائه اظهارنامه:

۱,۷ هرگاه مالیه دهنده اظهارنامه را به موقع معینه ارائه ننموده باشد، اداره مالیاتی می تواند با صدور اطلاعیه، ارائه اظهارنامه را در خلال ۳۰ روز از صدور یادداشت مطالبه نماید.

۲,۷ صدور چنین اطلاعیه تطبیق مالیه اضافی برای عدم ارائه اظهارنامه یا پرداخت هرگونه مالیه به موقع را تغییر یا به تعلیق نمی اندازد.

۳,۷ صدور اطلاعیه همچنان امکان مورد پیگرد قرارگرفتن مالیه دهنده را برای عدم ارائه اظهارنامه مطابق فقره (۱) ماده ۴۵ تغییر یا متأثر نمی سازد. با آن هم، به حیث یک قاعده عمومی هرگاه اداره مالیاتی تصمیم گرفته باشد تا مطابق این ماده اطلاعیه صادر نماید مالیه دهنده مورد پیگرد قرار نخواهد گرفت، مگر اینکه بعداً مالیه دهنده نتواند از اطلاعیه تابعیت نماید.

۴,۷ مدت زمان ۳۰ روز مندرج ماده متذکره از تاریخ که اطلاعیه به مالیه دهنده یا نماینده وی تسلیم می گردد، حساب می شود. این مدت زمان در صورت می تواند تمدید گردد که مالیه دهنده مطابق ماده ۷ برای تمدید درخواست نموده و درخواست وی منظور گردیده باشد.

۵,۷ در اطلاعیه باید اظهارنامه مالیاتی به شمول دوره مالیاتی که به آن ارتباط می گیرد، مشخص گردد و همچنان در آن به اقدامات تطبیقی در صورتی که مالیه دهنده نتواند از آن پیروی نماید، اشاره گردد.

۶,۷ قانون اداره امور مالیات اداره مالیاتی را مکلف ننموده تا اطلاعیه مندرج این ماده را به مالیه دهنده ای که نتوانسته اظهارنامه خود را به موقع ارائه نماید، فوراً صادر کند. آیا یک اطلاعیه باید صادر گردد و چه مدت اداره مالیاتی می تواند منتظر باشد، طبق طرزالعمل تعیین می گردد. در طرزالعملها این حقایق که امکان ندارد اطلاعیه کتبی به همه مالیه دهندگان در روز اول تأخیر ارائه اظهارنامه صادر شود، مدنظر گرفته می شود. کارکنان و منابع جهت تهیه و صدور اطلاعیه ها مطابق اولویتهای پیشبینی شده در طرزالعملها تعیین می گردد.

۷,۷ در صورت مالیه دهنده برای اولین بار اظهارنامه مالیاتی را بدون توجیه یا توضیح به تأخیر ارائه نماید، یک یادداشت مطابق این ماده صادر خواهد شد. مالیه دهنده ای که به صورت مکرر اظهارنامه های مالیاتی را به تأخیر ارائه نماید بدون اطلاعیه قبلی به پیگرد قانونی به مراجع مربوط محول می گردد.

۸,۷ هیچ احکام مالیه اضافی یا جریمه پولی مستقیماً به عدم اطاعت پذیری از اطلاعیه ارائه اظهارنامه مالیاتی ارتباط نمی گیرد. هرگونه مالیه اضافی یا جریمه پولی که باید توسط اداره مالیاتی مدنظر گرفته شود بر می گردد به تاریخ عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی از انقضای تاریخ معینه اصلی ارائه اظهارنامه مالیاتی، نه به تاریخ که در اطلاعیه صادر شده مطابق این ماده مطالبه گردیده است. به ماده ۳۵ جهت مالیه اضافی و فقره ۱ ماده ۴۵ برای جریمه پولی مراجعه گردد..

اظهارنامه مالیاتی ناقص:

۹.۷ اداره مالیاتی می تواند اطلاعیه را به مالیه دهنده زمانی که اظهارنامه ناقص ارایه شده باشد، صادر نماید. اظهارنامه در صورت ناقص می باشد که اشتباهات یا قلم خورده گی ها در آن موجود باشد و اداره مالیاتی را از تعیین مالیه که باید سنجش گردد، جلوگیری نماید؛ یا

اداره مالیاتی ارزیابی ها و بررسی ها را مبنی بر استراتیژی مدیریت خطر اجرا می نماید. ممکن نیست هر اظهارنامه کاملاً بررسی گردد زیرا کارکنان و امکانات همیشه محدود می باشند. کارکنان و منابع برای قضایا یا حالت های تخصیص داده شده که در پلان اطاعت پذیری به حیث بالاترین اولویت شناسایی گردیده باشد. هرگاه در جریان پیروی از استراتیژی اطاعت پذیری مبتنی برخطر حین ارائه اظهارنامه اشتباهات رونما گردد، اداره مالیاتی می تواند اطلاعیه مندرج فقره ۳ ماده ۷ را صادر نماید.

۱۰,۷ هرگاه تمدید زمان ارائه اظهارنامه مطابق ماده ۷ به مالیه دهنده اعطاء گردد، هیچ اطلاعیه تا زمانی که تمدید زمان انقضی نگردیده باشد، صادر نمیگردد.

۱۱,۷ در درخواست صادره از مالیه دهنده مطالبه می شود تا:

۱. اظهارنامه مالیاتی جدید و تصحیح شده ارائه نماید؛
۲. با ارائه معلومات بیشتر جزئیات مندرج اظهارنامه را توضیح دهد، یا
۳. هردو مورد فوق

۱۲,۷ میعاد معینه اطاعت پذیری از اطلاعیه ۳۰ روز می باشد. ۳۰ روز از تاریخ که اطلاعیه به مالیه دهنده یا نماینده وی تسلیم می گردد، حساب می شود. این مدت زمان در صورت می تواند تمدید گردد که مالیه دهنده مطابق ماده ۷ برای تمدید درخواست ارایه و درخواست وی منظور گردیده باشد.

۱۳,۷ در اطلاعیه باید نواقص اظهارنامه مالیاتی به شمول دوره مالیاتی که به آن ارتباط می گیرد، مشخص گردد و همچنان در آن به اقدامات تطبیقی در صورتی که مالیه دهنده نتواند از آن پیروی نماید، اشاره گردد.

۱۴,۷ هیچ احکام مالیه اضافی یا جریمه مستقیماً به عدم اطاعت پذیری از اطلاعیه ارائه اظهارنامه مالیاتی ارتباط نمی گیرد. با آن هم، امکان دارد احکام عمومی باتوجه به حالات تطبیق گردد. احکام که باید مدنظر گرفته شود عبارتند از:

- هرگاه اظهارنامه ناقص ارائه شده باشد یا اظهارنامه متعاقباً بعد از مطالبه اطلاعیه دارای معلومات غلط، نا تکمیل یا قلم خورده گی باشد، مطابق ماده ۴۰ به حیث غلط یا اظهار گمراه کننده می تواند مدنظر گرفته شود و تابع مالیه اضافی مندرج آن ماده می گردد.
- هرگاه مالیه دهنده نتواند اظهارنامه مالیاتی درست درخواست شده ذریعه اطلاعیه را ارائه نماید، به حیث یک متخلف (عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی) طبق فقره ۱ ماده ۴۵ می تواند مورد پیگرد قرار گیرد.

۱۵,۷ اداره مالیاتی می تواند طبق فقره ۳ ماده ۷ معلومات مطالبه نماید، (به استثنای اظهارنامه مالیاتی اصلی و هرگونه اسناد مثل بیلانس که طبق قانون لازم باشد همراه اظهارنامه ارائه گردد). هرگاه اسناد دیگر از مالیه دهنده مطالبه گردد، صدور اطلاعیه طبق ماده ۲۸ اقدام مناسب می باشد. از آنجایی که تمام اطلاعیه های رسمی مطابق قوانین مالیاتی می باشد، یک اطلاعیه باید حاوی ماده مشخص قانون مالیات که صلاحیت صدور اطلاعیه را اعطا می نماید، باشد.

۱۶,۷ در صورتی که فقط معلومات لازم باشد، اداره مالیاتی می تواند از فقره ۳ ماده ۷ یا ماده ۲۶ به عنوان صلاحیت صدور اطلاعیه استفاده نماید. عموماً ماده ۲۶ ارجحیت داده می شود زیرا ماده متذکره از نگاه زمانی دارای انعطاف بوده و می تواند جهت حاضر نمودن شخص مالیه دهنده استفاده گردد و دارای حکم مشخص تخطی عدم اطاعت پذیری می باشد (فقره ۸ ماده ۴۵).

۱۷,۷ فقره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیه برارزش افزوده حاوی حکم مشابه فقره ۳ ماده ۷ قانون اداره امور مالیات می باشد. هرگاه هردو حکم قابل تطبیق باشد، اداره مالیاتی می تواند انتخاب کند که کدام حکم را استفاده و در اطلاعیه درج نماید.

درخواست تمدید:

۱۸,۷ مالیه دهنده می تواند برای تمدید زمان ارائه اظهارنامه درخواست نماید. همچنان می توانند برای تمدید زمان اطاعت پذیری از اطلاعیه صادره مطابق فقره ۲ ماده ۷ درخواست نماید(تمدید فراتر از زمان ستندرد ۳۰ روز در فقره متذکره پیشبینی گردیده است).

۱۹,۷ مالیه دهنده باید دارای دلایل منطقی برای درخواست تمدید باشد باشد و دلایل متذکره باید به صورت کامل در درخواست درج گردد. ارائه اسناد و شواهد همراه با درخواست ایجاب نمی نماید، با آن هم مالیه دهندگان در صورت که متیقین باشند که درخواست شان را تقویت می نمایند، میتوانند اسناد نیز ارایه نماید.

۲۰,۷ مالیه دهنده باید مدت زمان تمدید را در درخواست خویش تعین واظهار نماید.

۲۱,۷ لازم نیست تمام دلایل که برای تمدید زمان ضروری باشد، لست شود. در ذیل بعضی از مثالها که توجیه پذیر تمدید می باشند، ارائه گردیده است:

- مالیه دهنده، یا تشبث وی توسط حوادث طبیعی مثل آتش سوزی، سیل یا زلزله به شدت متأثر گردیده باشد؛
- مالیه دهنده، یا تشبث وی از آشوب یا نزاع داخلی به شدت متأثر شده باشد؛
- مالیه دهنده از مریضی یا زخم شدید رنج ببرد؛
- یک عضو فامیل نزدیک مالیه دهنده وفات نموده یا از بیماری یا زخم رنج می برد و مالیه دهنده مسؤولیت مهم فامیلی یا مکلفیت در زمینه دارد؛
- سوابق مالیه دهنده بخاطر اقدامات نهادهای دولتی دیگر یا محکمه در دسترس نمی باشد؛
- هر یکی از واقعات فوق نماینده مالیه دهنده یا مشاور وی را که مسؤولیت کمک جهت برآورده نمودن وجایب مالیه دهنده را به نمایندگی از وی دارد، متأثر نموده باشد؛ یا
- اداره مالیاتی محلی که در آن مالیه دهنده اظهارنامه خود را ارائه می نماید به خاطر حوادث طبیعی، نزاع یا آشوب بسته باشد.

تصمیم برای تمدید درخواست:

۲۲,۷ اداره مالیاتی باید درخواست را ارزیابی نموده ودرصورت مؤجه بودن و یا غیر مؤجه بودن آن را میتواند بپذیرد یا مسترد نماید. تمدید درخواست شده می تواند طور کامل، یا به مدت کوتاه تمدید یا تمدید نگردد.

۲۳,۷ طول زمان پذیرش تمدید باید متناسب با حالات باشد. در بعضی قضایا فقط تمدید کوتاه مدت توجیه خواهد شد، در سایر موارد تمدید طولانی تر ممکن لازم و ضروری باشد.

۲۴,۷ تمدید منظور شده تاریخ شروع مالیه اضافی تأخیر در ارائه اظهارنامه مالیاتی مطابق ماده ۳۵ (به فقره ۳ مراجعه نمایید) و همچنان تاریخ معینه مدنظر گرفتن جریمه مطابق فقره ۱ ماده ۴۵ را تغییر می دهند، زیرا اعطای تمدید بالای تاریخ معینه اظهارنامه مالیاتی آن مالیه دهنده تأثیر دارد. با آن هم، تمدید زمان ارائه اظهارنامه مالیاتی مدت زمان پرداخت مالیه را تمدید نمی نماید. مالیه اضافی

تأخیر پرداخت مطابق ماده ۳۴ در صورتی که مالیه در تاریخ معینه پرداخت نگردد تطبیق خواهد شد، حتی اگر تمدید زمان ارائه اظهارنامه اعطا گردیده باشد. مالیه دهنده ای که می خواهد زمان پرداخت مالیه را تمدید نماید یک درخواست جداگانه را طبق ماده ۱۵ ترتیب دهد.

۲۵،۷ تمدید زمان ارائه اظهارنامه در صورت اعطا نمی گردد که تاریخ معینه را بیشتر از سه ماه از تاریخ اصلی ارائه اظهارنامه به تأخیر بیندازد.

۲۶،۷ موارد خاص در ماده ۷ پیشبینی نگردیده تا مکلف سازد که درخواست تمدید ارائه اظهارنامه درکدام تاریخ ارائه گردد. مالیه دهنده می تواند بعد از ختم مدت معینه مندرج قوانین مالیاتی درخواست تمدید نماید. با آن هم، در مورد تأخیر ارائه درخواست باید توضیحاتی صورت گیرد.

۲۷،۷ اداره مالیاتی درخواست برای تمدید زمان را که بیش از سه ماه از تاریخ معینه ارائه اظهارنامه اصلی گذشته باشد، مدنظر نخواهد گرفت. زیرا که دوره حداکثر تأخیر گذشته، فلهذا تمدید ممکن نمی باشد.

مثال ۱ :

مالیه دهنده مالیه برارزش افزوده ربعوار خویش را باید در اظهارنامه ربع اخیر سال را در ۳۰ ماه جدی ارائه نماید. مالیه دهنده اظهارنامه را همیشه خودش ترتیب داده و هیچ کمکی از مشاور یا محاسب دریافت نمی نمود.

مالیه دهنده در جریان ماه قوس سکته قلبی نمود و در شفاخانه بستری گردید. وی جهت عملیات به پاکستان سفر می کند و داکتران هدایت می دهند که مالیه دهنده قبل ازمصروف شدن به فعالیتهای تجاری حداقل دو ماه استراحت ضرورت دارد تا بهبود یابد. زمانی که وی قسماً بهبود می یابد، می تواند از اعضای فامیل خود بخواهد تا او را جهت درخواست تمدید ارائه اظهارنامه کمک نمایند. درخواست به اداره مالیاتی در ۱۵ دلو با توضیح کامل وبا جزئیات تمام حالات ارائه می گردد.

درخواست بعد از تاریخ معینه ارائه شده است، بهرحال مالیه دهنده برای تأخیر دلایل داشته است. وی همچنان دلایل موجه برای درخواست تمدید زمان ارائه اظهارنامه مالیه برارزش افزوده دارد. تمدید زمان در این حالت موجه می باشد.بنآ حداکثر زمانی که اداره مالیاتی می تواند برای تمدید اجازه دهد سه ماه از تاریخ معینه می باشد که تاریخ معینه را تا ۳۰ حمل به تأخیر می اندازد.

مثال ۲ :

حقایق مشابه مثال قبلی می باشد، به استثنای اینکه مالیه دهنده معمولاً یک محاسب را جهت تهیه اظهارنامه استخدام می نماید و تنها کار که وی انجام می دهد ارزیابی مختصر و امضاء اظهارنامه مالیاتی در هر ربع می باشد.

در این مورد تمدید کوتاه مدت در مقایسه با تمدید اعطا شده در مثال قبلی توجیه می گردد. مالیه دهنده به صورت غیر متوقعه مریض شده است و دلیل برای تأخیر ارائه درخواست تمدید دارد. وی همچنان دلایل برای تمدید زمان ارائه اظهارنامه مالیه برارزش افزوده دارد. هرچند بسیاری از کارها توسط محاسب وی صورت می گیرد، لذا تمدید کوتاه مدت جهت ارزیابی و امضاء اظهارنامه توسط مالیه دهنده ضرور خواهد بود.

منازعه علیه تصمیم اداره مالیاتی در مورد تمدید زمان:

۲۸،۷ تصمیم اداره مالیاتی جهت مسترد نمودن درخواست تمدید طبق تعریف مندرج ماده ۳ تصمیم مالیاتی می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ مورد منازعه قرار گیرد. تصمیم اداره مالیاتی (عدم تصمیم) پیرامون اعتراض می تواند بعداً به تصمیم قابل ارزیابی مبدل گردد که مالیه دهنده ناراضی می تواند به بورد حل منازعات مالیاتی جهت ارزیابی مطابق ماده ۵۶ درخواست نماید.

عدم تغییر در زمان معین پرداخت:

۲۹,۷ تمدید زمان برای ارائه اظهارنامه مالیاتی هیچ تأثیری بالای زمان پرداخت مالیه ندارد. از مالیه دهنده انتظار می رود تا مالیه خود را به موقع پرداخت نماید، حتی اگر به وی اجازه داده شود تا اظهارنامه مالیاتی را بعداً ارائه نماید.

مثال:

مالیه دهنده ثبت شده مالیه برارزش افزوده به صورت عادی مکلف است اظهارنامه مالیه برارزش افزوده ماه قوس را در خلال ۳۰ روز از ختم دوره مالیه برارزش افزوده (۳۰ ماه جدی) ارائه نماید. آنها همچنان باید مالیه خود را برای دوره مالیه برارزش افزوده ماه قوس در خلال ۳۰ روز از ختم دوره مالیه برارزش افزوده (۳۰ ماه جدی) پرداخت نماید. هرگاه مالیه دهنده منظوری تمدید ۱۵ روز را جهت ارائه اظهارنامه تا ۱۵ دلو دریافت نماید، مالیه آنها همچنان در ۳۰ ماه جدی قابل پرداخت می باشد. مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ برای مالیه پرداخت ناشده از ۳۰ جدی قابل تطبیق خواهد بود.

۳۰,۷ مالیه دهنده می تواند برای تمدید زمان ارائه اظهارنامه مطابق ماده ۷ و تمدید زمان پرداخت مطابق ماده ۱۵ در عین زمان درخواست نماید. هر درخواست و تصمیم در مورد هر درخواست بستگی به حالتهای دوسیه دارد. ممکن یکی از درخواستهای مالیه دهنده یا هردو در صورت موجه بودن منظور گردد.

۳۱,۷ تمدید زمان جهت ارائه اظهارنامه مالیاتی، تاریخ محاسبه مالیه اضافی تأخیر ارائه اظهارنامه را مطابق ماده ۳۵ تغییر خواهد داد. این حکم در فقره ۳ ماده ۳۵ پیشبینی گردیده است.

ارایهٔ دقیق اظهارنامه وتعیین تخمینی مالیه

مادهٔ هشتم:

(۱) مالیه دهنده می تواند، اظهار نامهٔ مالیاتی را خود یا توسط نماینده خویش ارائه نماید.

(۲) هرگاه مالیه دهنده، مطابق حکم فقره های (۲و۳) مادهٔ هفتم این قانون، اظهار نامهٔ مالیاتی خویشرا ارائه نه نماید یا نواقص را رفع نکند ، ادارهٔ مالیات ذمت مالیاتی را به طور تخمین، سنجش و یادداشت تعیین مالیه را به مالیه دهنده صادر مینماید.

(۳) هرگاه ادارهٔ مالیات، معلومات جدید را دریافت نماید که به اساس آن ذمت مالیاتی تغییر یابد، دراین صورت یادداشت تعدیل تعیین مالیه را درخلال پنج سال ازتاریخ ارایه اظهار نامهٔ مالیاتی یا مدت که درقوانین مالیاتی پیشبینی گردیده، صادر می نماید.

(۴) هرگاه مالیه دهنده به قصد فرار از مالیه ، اظهارنامهٔ مالیاتی خویشرا ارائه نه نماید یا اظهار نامهٔ غیر دقیق را ارایه کند ، اداره مالیات میتواند درهرزمان یادداشت تعیین مالیه را صادر و یا تعدیل نماید.

(۵) هرگاه ادارهٔ مالیات تشخیص دهد که تحصیل مالیه ذمت مالیه دهنده بابت دوره های قبلی یا دوره جاری که در آینده قابل پرداخت میگردد، در مخاطره قرار داشته باشد، اداره مالیات یادداشت تعیین مالیه را برای هر مقطع زمانی صادر می نماید.

ارائه دقیق اظهارنامه مالیاتی:

۱،۸ اظهارنامه که توسط مالیه دهنده یا نماینده وی ارائه می گردد قانونی تلقی می گردد؛ مگر اینکه وی بتواند برعکس آن را ثابت نماید. این شامل اظهارنامه مالیاتی ارائه شده توسط محاسب مالیاتی دارای جواز می باشد. اظهارنامه که امضاء شخص مالیه دهنده را نشان می دهد فقط در صورتی که مالیه دهنده نشان دهد که امضاء غلط است، غیر قانونی ثابت می گردد.

۲،۸ اظهارنامه که توسط شخص مندرج فقره (۱) تعریف نماینده در ماده ۳ ارائه گردیده فقط در صورتی غیر مجاز ثابت می گردد که امضاء غلط باشد یا مالیه دهنده بتواند شواهد فراهم کند که اداره مالیاتی را قبل از ارائه اظهارنامه مطلع نموده که صلاحیت نماینده لغو گردیده است.

مثال ۱:

نجیب مالک یک دکان پرچون فروشی است. وی سه ماه تعطیلات را جهت بازدید پسر و فامیل اش در آلمان از ماه قوس تا حوت ۱۳۹۶ برنامه ریزی می نماید. قبل از ترک افغانستان وی اداره مالیاتی را کتباً مطلع می نماید که یاسر پسر کاکایش صلاحیت طی مراحل تمام امور مالیاتی اش را تا ۳۰ حوت ۱۳۹۶ دارد. یاسر اظهارنامه مالیاتی را به نام نجیب تهیه و خودش امضاء و در تاریخ ۲۰ جوزا ۱۳۹۶ ارائه می نماید.

اظهارنامه که توسط یاسر ارائه گردیده توسط نجیب در زمان ارائه به رسمیت شناخته نمی شود.

۳،۸ اظهارنامه ارائه شده توسط شخص مندرج ماده ۳ در صورتی غیر مجاز ثابت می گردد که امضاء غلط یا شخص موقف مندرج تعریف را در زمان ارائه اظهارنامه مالیات دارا نباشد.

مثال ۲ :

بشیر به عنوان رئیس اجرایی شرکت مخابراتی ۴ جی از ۲۵ سرطان ۱۳۹۶استخدام می گردد. هرگونه اظهارنامه ای دقیق وامضاء شده از آن روز به بعد اظهارنامه مجاز برای شرکت می باشد. تا زمانی که وی به این موقف کار میکند.

۴،۸ اظهارنامه که توسط شخص مندرج جز ۱۰ فقره (۱) ماده سوم ارائه شده مجاز تلقی خواهد شد مگر اینکه مالیه دهنده غیر مقیم بتواند نشان دهد که امضاء بالای اظهارنامه غلط است. در صورتیکه، مالیه دهنده باید دلایل ثابت کند که شخص مذکور امور وی را تنظیم نمی نماید.

۵،۸ ارایه اظهار نامه و پرداخت مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده مطابق سیستم ارزیابی خودی صورت میگیرد . یک اظهارنامه مالیات برعایدات که بصورت دقیق توسط نماینده مالیه دهنده خانه پری و ارائه شده باشد این سنجش مالیاتی به معنی سنجش توسط شخص مالیه دهنده می باشد. عین مطلب برای اظهارنامه مالیه برارزش افزوده نیز صدق می نماید.

۶،۸ تاریخ سنجش برای اظهارنامه سنجش خودی عبارت از تاریخی است که دران اظهارنامه مالیاتی به اداره مالیاتی ارایه شده باشد.

عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی:

۷،۸ هرگاه مالیه دهنده نتواند دریک دوره اظهارنامه مالیاتی خویش را ارائه نماید، اداره مالیاتی می تواند در مورد تعیین مکلفیت مالیاتی برای دوره مالیاتی مذکور اقدام و یادداشت سنجش صادر نماید. این سنجش بعضی اوقات سنجش تخمینی خوانده می شود زیرا از آن زمانی استفاده می شود که مالیه دهنده در ارائه اظهارنامه خود کوتاهی نموده باشد.

8.8 اداره مالیاتی عموماً تا زمانی که مدت معینه ارائه اظهارنامه سپری نگردیده باشد سنجش تخمینی صادر نمی نماید. (با آن هم، به استثنای در قسمت سنجشهای مخاطره آمیز که در ذیل بحث گردیده مراجعه گردد).

۹،۸ حین تهیه سنجش تخمینی، اداره مالیاتی باید سنجش را به معلومات مربوط به تعیین مالیه درست، بنا نماید. اظهارنامه های قبلی یا سنجشها به حیث رهنما مفید می باشد. در صورت ناکافی بودن معلومات، لازم است بررسی مالیه دهنده را اجرا یا از اشخاص ثالث ذریعه استعلام معلومات بدست آورده شود.

۱۰،۸ اداره مالیاتی به صورت عادی می تواند در قدم اول اقدامات تطبیقی دیگر را برای ارائه اظهارنامه توسط مالیه دهنده روی دست گیرد. یک اطلاعیه مطابق فقره ۲ ماده ۷ در قدم اول می تواند ارسال گردد. این یک شیوه معمول خواهد بود. سنجش تخمینی وقت صورت می گیرد که مالیه دهنده از اطلاعیه اطاعت نکرده باشد.

۱۱،۸ در بعضی موارد اداره مالیاتی می تواند سنجش تخمینی را بدون صدور اطلاعیه اولیه مطابق ماده ۷ صادر نماید(هرگاه مالیه دهنده به صورت مکرر اظهارنامه های مالیاتی را در گذشته ارائه ننموده باشد یا دارای تاریخ عدم اطاعت پذیری با اطلاعیه های کتبی باشد). همچنان به سنجشهای موارد خطر که در ذیل بحث گردیده مراجعه گردد:

۱۲،۸ به منظور مالیه برارزش افزوده همچنان به جزء (۱) فقره (۱) ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده مراجعه گردد که به وزارت مالیه صلاحیت می دهد تا سنجش مالیه برارزش افزوده را (در صورتی که شخص نتواند اظهارنامه مالیه برارزش افزوده لازم را ارائه نماید) صادر کند.

اظهارنامه مالیاتی ناقص:

۱۳،۸ اداره مالیاتی همچنان می تواند سنجش را بعد از ارائه اظهارنامه همراه با سنجش تعیین تفاوت مکلفیت مالیاتی با آنچه که توسط مالیه دهنده محاسبه گردیده، صادر نماید. اداره مالیاتی می تواند این اقدام را در صورتی که اظهارنامه ناقص باشد، روی دست گیرد.

۱۴،۸ هردو مالیه برارزش افزوده و مالیات برعایدات مبتنی به سیستم ارزیابی خودی است. اظهارنامه مالیاتی ارائه شده توسط مالیه دهنده عبارت از سنجش خودی مکلفیت مالیاتی آنها برای دوره مندرج اظهارنامه می باشد. فقره ۳ ماده ۸۷ قانون مالیات برعایدات این مورد را برای اظهارنامه های مالیات برعایدات واضح ساخته است. قانون مالیه برارزش افزوده مستقیماً چنین صراحت ندارد. با آن

هم این موضوع به صورت ضمنی در ماده ۲۶ آن قانون پیشبینی شده است زیرا وزارت مالیه مکلف نیست در صورتی که اظهارنامه درست مدنظر گرفته شود، یادداشت سنجش صادر نماید.

۱۵،۸ در بسا موارد اظهارنامه بدون سؤال توسط اداره مالیاتی پذیرفته شده و به صورت مقتضی طی مراحل می گردد. اداره مالیاتی مکلف نیست تا یادداشت سنجش را زمانی که اظهارنامه مالیه برارزش افزوده یا اظهارنامه مالیات برعایدات ارائه گردیده باشد، صادر نماید، گرچه معمولاً جهت فراهم نمودن اسناد رسمی مالیه و هرگونه مالیات اضافی قابل تطبیق، چنین می شود.

۱۶،۸ پذیرش اظهارنامه مالیاتی بدون سؤال توسط اداره مالیاتی ممانعت از پرسیدن سؤالات یا اجرای بررسی در فرصت دیگر نمی نماید(تابع محدودیت زمانی در قوانین مالیاتی که در ذیل بحث می گردد، می باشد).

۱۷،۸ اظهارنامه مالیاتی در صورت ناقص پنداشته میشود که دارای اشتباهات، مانند معلومات ناقص؛ قلم خورده گی که برای تعیین مالیه لازمی می باشد، ویا دارای معلومات نادرست باشد که باعث مکلفیت مالیاتی نادرست گردد.

۱۸،۸ نواقص می تواند توسط اقدامات اداره مالیاتی کشف گردد. بگونه مثال، از طریق اجرای عملیه بررسی.یا بدیل آن می تواند توسط مالیه دهنده، نماینده وی یا شخص دیگر (با درخواست تعدیل اظهارنامه مالیاتی) مورد توجه اداره مالیاتی قرار گیرد.

مثال ۱ :

جمال مالک یک سالون عروسی است. وی اظهارنامه مالیات برعایدات برای سال مالی ۱۳۹۶ را با نشان دادن عواید به مبلغ ۳,۱۲۵,۰۰۰ افغانی ارائه می نماید. بعد از شش ماه اداره مالیاتی تشبث وی را بررسی می کند و در می یابد که عواید حقیقی جمال مبلغ ۵,۲۸۲,۰۰۰ افغانی است. اظهارنامه مالیاتی جمال به همین خاطر ناقص بوده و اداره مالیاتی مکلفیت مالیات برعایدات وی را دوباره محاسبه خواهد کرد و یادداشت سنجش را با نشان دادن مکلفیت مالیاتی درست، صادر می نماید.

مثال ۲

فیاض مالک یک سالون عروسی است. وی اظهارنامه مالیات برعایدات سال مالی ۱۳۹۶ را با نشان دادن مجموع عواید ۵,۱۲۵,۰۰۰ افغانی ارائه می نماید. یک ماه بعد از ارائه اظهارنامه مالیاتی وی در می یابد که ستون دیگر یادداشتها را حین تهیه اظهارنامه مالیاتی اشتباهاً خانه پوری نموده است. وی در می یابد که وی مبلغ ۱۸۰,۰۰۰ افغانی را با محاسبات عواید خود فراموش نموده است. اظهارنامه مالیاتی وی به همین خاطر ناقص می باشد و مالیه دهنده داوطلبانه اداره مالیاتی را از این اشتباه مطلع ساخته است. اداره مالیاتی مکلفیت مالیات برعایدات را با استفاده از معلومات جدید دوباره محاسبه می نماید و یادداشت سنجش را با نشان دادن مکلفیت مالیاتی درست، صادر می نماید.

۱۹،۸ به منظور مالیه برارزش افزوده همچنان به جزء (۱) فقره (۱) ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده مراجعه شود که به وزارت مالیه صلاحیت می دهد تا سنجش مالیه برارزش افزوده را در صورتی که در یابد که اظهارنامه مالیه برارزش افزوده ارائه شده توسط مالیه دهنده درست نمی باشد، صادر کند.

۲۰،۸ هرگاه اداره مالیاتی طبق فقره ۳ ماده ۷ متیقن گردد که اظهارنامه مالیاتی ناقص است می تواند به مالیه دهنده یادداشت صادر و به وی ۳۰ روز وقت دهد تا اظهارنامه خود را تکمیل وبا معلومات بیشتر (برای مثال، معلومات بیشتر که در اظهارنامه موجود نباشد) را فراهم نماید. اداره مالیاتی مکلف نیست تا این اطلاعیه را قبل از صدور سنجش تعدیل شده صادر نماید.

تعدیل سنجش:

۲۱،۸ هرگاه معلومات جدید توسط اداره مالیاتی دریافت گردد که مکلفیت مالیاتی را تغییر دهد، باید یادداشت سنجش تعدیل شده جدید صادر نماید. هیچ محدودیتی نسبت به دفعات تعدیل سنجش وجود ندارد، فقط تابع محدودیت زمانی که در ذیل مطرح گردیده می باشد.

۲۲،۸ معلومات جدید در اداره مالیاتی ممکن از تحقیقات خودشان، از مالیه دهنده یا سایر اشخاص ناشی گردد. معلومات جدید همچنان شامل هرگونه تصمیم اتخاذ شده در نتیجه اعتراض مطابق ماده ۱۱، یا ارزیابی تصمیم اعتراض توسط بورد مستقل حل منازعات مالیاتی، یا توسط محکمه باشد. در بعضی موارد معلومات جدید می تواند مالیات اضافی یا مجموع مالیات اضافی باشد، حتی اگر مبلغ سنجش اولیه مالیه تغییر نکند.

۲۳،۸ معلومات جدید همچنان می تواند به معنی مفهوم جدید از حقایق که از قبل در اختیار اداره مالیاتی قرارداشته ، باشد. بطور مثال، اداره مالیاتی می تواند اظهارنامه مالیاتی را بعد از یک سال ارزیابی و دریابد که اشتباهی در محاسبه صورت گرفته است.

۲۴،۸ فقره ۴ ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده همچنان در صورت ناشی شدن معلومات جدید در مورد تعدیل سنجش حکم می نماید.

محدودهٔ زمانی ستندرد برای سنجش:

۲۵،۸ فقره ۳ ماده ۸ پیرامون محدودهٔ زمانی سنجش مالیات حکم می نماید. معیاد زمانی ۵ سال ازتاریخ ارایه اظهار نامهٔ مالیاتی مربوط به دورهٔ سنجش مالیات همان دوره تعیین میگردد.

مثال:

اظهارنامه مالیات برعایدات برای سال ۱۳۹۵ در اخیر ماه سوم سال مالی بعدی قابل ارائه می باشد. اداره مالیاتی می تواند یادداشت سنجش (به شمول سنجش تعدیل شده) در هرزمان به شمول سال مالی ۱۳۹۵ را تا اخیر ماه سوم سال مالی ۱۴۰۱ صادر نماید.

۲۶،۸ قانون مالیاتی می تواند در حالات خاص در مورد مدت زمان طولانی تر از زمان ستندرد ۵ سال حکم نماید. این حالات در ذیل تشریح گردیده است.

مدت زمانی طویل تر برای سنجش:

۲۷،۸ محدوده زمانی ۵ سال، محدوده زمانی ستندرد برای اظهارنامه های مالیاتی پیشبینی شده در قانون اداره امور مالیات می باشد اما مدت زمان طولانی تر می تواند در هریک از قوانین مالیاتی پیشبینی گردد. در واقع خود قانون اداره امور مالیات در مورد مدت زمان طولانی تر در حالات مشخص صراحت دارد.محدوده زمانی طویل تر در صورت تطبیق می گردد که مالیه دهنده اظهارنامه مالیاتی نادرست را به قصد فرار از مالیه ارائه نموده باشد. هرگاه مالیه دهنده اظهارنامه مالیاتی نادرست را به قصد فرار از مالیه ارائه نماید هیچ محدوده زمانی برای سنجش (به شمول تعدیل سنجش) وجود ندارد.

۲۸،۸ به خاطر اینکه اداره مالیاتی از مدت زمان طویل تر استفاده کرده بتواند باید طبق حقایق قضیه، نشان دهد که مالیه دهنده قصد فرار از مالیه را داشته است. تنها وجود اظهارنامه نادرست بدون سایر حقایق جهت تصریح مدت زمان نامحدود ناکافی می باشد.

مثال ۱ :

احمد شاه یک تجار است که اظهارنامه مالیات برعایدات را با مجموع عواید ۴,۲۰۰,۰۰۰ افغانی ارائه می نماید. در جریان بررسی توسط اداره مالیاتی احمد شاه می پذیرد که مبلغ متذکره مطابق یادداشتهای حفظ شده توسط تشبث درست نمی باشد. در واقع سوابق فروشات وی نشان می دهد که تشبثش بیش از۱،۰۰۰،۰۰۰افغانی در هر ماه و بعضی اوقات بیشتر عاید به دست می آورد.
در این مورد برای اداره مالیاتی قابل توجیه است تا تصمیم بگیرد که اظهارنامه مالیاتی احمد شاه قصداً نادرست بوده است.

مثال ۲:

صبور یک تاجر است که اظهارنامه مالیات برعایدات را با مجموع عواید ۳,۵۰۰,۰۰۰ افغانی ارائه نموده. در جریان بررسی اداره مالیاتی در می یابد که اساس این مبلغ یادداشتهای فروشات روزانه صبور بوده است، اما حین جمع نمودن فروشات تمام روزهای تجارت درجریان سال مالی وی اشتباهاً یک روز را محاسبه ننموده است. سایر ارقام مندرج اظهارنامه درست به نظر می رسد.

در این مورد، طبق حقایق ظاهر می گردد که اشتباه غیر قصدی صورت گرفته است. اداره مالیاتی نمی تواند قصد فرار از مالیه توسط صبور را نشان دهد. به همین خاطر فقط محدوده زمانی ستندرد ۵ سال قابل تطبیق می باشد.

مثال ۳:

یک شرکت مخابراتی توسط اداره مالیاتی بررسی می گردد. شرکت به صورت عموم از وجایب مالیاتی خود پیروی نموده به استثنای بعضی کسرات که بررس تشخیص می دهد که به صورت نادرست ادعا گردیده است. موضوعات کسرات پیچیده و مربوط به تفسیر قانون می گردد. تفسیر قانون مشکل، و موضوعی بود که اداره مالیاتی در رهنمودها، طرزالعملهای عامه یا تعلیماتنامه عواید در زمان که مالیه دهنده اظهارنامه مالیاتی خود را ارایه نموده بود، شامل ننموده است.

در این مورد هیچ شواهد واضح وجود ندارد که مالیه دهنده قصد فرار از مالیه را با اقداماتش نموده باشد. محدوده زمانی ۵ سال بالای سال مالیاتی تطبیق می گردد که کسرات ادعا گردیده بود.

۲۹,۸ هرگاه اداره مالیاتی یک یادداشت سنجش را بعد از انقضاء زمان تعیین شده صادر نماید، مالیه دهنده می تواند از طریق پروسه اعتراضات مندرج فصل ۴ سنجش را مورد اعتراض قرار دهد. مالیه دهنده حق دارد اعتراض نماید، خواه قصد فرار از مالیه حین ارائه اظهارنامه اصلی طور نادرست دربین باشد یانه.

محدوده زمانی برای اظهارنامه های مالیه برارزش افزوده:

۳۰,۸ قانون مالیه برارزش افزوده استثناآت خاصی را جهت محدودیتهای زمانی مندرج ماده ۸ قانون اداره امور مالیات پیشبینی نموده است. هرگاه استثنآ مطابق قانون مالیه برارزش افزوده قابل تطبیق باشد، درچنین حالات قانون اداره امور مالیات قابل تطبیق نمی باشد. این مقصد به وضوح در فقره ۳ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات تصریح گردیده است.

۳۱,۸ ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده پیرامون سنجشها صراحت دارد. حکم مربوطه هیچ محدودیتی خاص را برای سنجشها پیشبینی ننموده، لذا محدوده زمانی ۵ سال مطابق قانون اداره امور مالیات تطبیق می گردد. این اولین سنجش را در بر می گیرد.

۳۲,۸ سنجش تعدیل شده (سنجش بعد از سنجش اولیه) دارای محدوده زمانی خاص که در فقره ۴ ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده تصریح گردیده، نمیباشد. این محدوده زمانی ۱۰ سال می باشد که از زمان دریافت یادداشت سنجش توسط مالیه دهنده تعین می گردد.

۳۳,۸ ده سال محدوده زمانی برای تعدیل سنجشهای مالیه برارزش افزوده در حالات خاص مندرج فقره ۴ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات به حالات ووضعیت های ارتباط می گیرد که در آن مالیه دهنده اظهارنامه را به قصد فرار از مالیه ارائه نموده باشد، مشخص گردیده است. هیچ محدوده زمانی برای زمان چنین اظهارنامه قسمی که در فوق تشریح گردید، وجود ندارد.

۳۴,۸ خلاصه از محدودیت های زمانی برای سنجشهای مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده در جدول ذیل ارائه شده است:

نوع اظهارنامه مالیاتی	سنجش	محدوده زمانی	حکم قانون	آغاز میعاد
مالیات برعایدات (سالانه و ربعوار)	سنجش اولیه، قصد فرار وجود ندارد	۵ سال	فقره ۳ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات	تاریخ معینه ارائه اظهارنامه
	سنجشهای دوم و	۵ سال	فقره ۳ ماده ۸ قانون	تاریخ معینه ارائه

	بعدی، بدون قصد فرار از مالیه		اداره امور مالیات	اظهارنامه
	هرگونه سنجش، به قصد فرار از مالیه	زمان نامحدود	فقره ۴ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات	هیچ محدوده زمانی وجود ندارد، لذا زمان اندازه نمی گردد
مالیه برارزش افزوده	سنجش اولیه، بدون قصد فرار از مالیه	۵ سال	فقره ۳ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات	تاریخ معینه ارائه اظهارنامه
	سنجشهای دوم و بعدی، بدون قصد فرار از مالیه	۱۰ سال	فقره ۴ ماده ۲۶ قانون مالیه برارزش افزوده	تاریخ که مالیه دهنده اولین سنجش را دریافت می نماید
	هرگونه سنجش، به قصد فرار از مالیه	زمان نامحدود	فقره ۴ ماده ۸ قانون اداره امور مالیات	بدون محدوده زمانی، لذا زمان اندازه گیری نمی گردد

تمدید محدوده زمانی توسط طرزالعملهای اعتراض:

۳۵،۸ محدوده زمانی تعیین شده ۵ سال و ۱۰ سال برای مالیه برارزش افزوده توسط قوانین مالیات طبق نیاز تمدید می گردد. در صورتی که قانون حق اعتراض اظهارنامه یا سنجش را به مالیه دهنده اعطا نماید.

در صورتی که مالیه دهنده از حق اعتراض در برابر اظهارنامه یا سنجش استفاده نموده باشد، تمدید مدتی که اعتراض مالیاتی وی در جریان بوده، در بر می گیرد.

۳۶،۸ برای این منظور اعتراض مالیاتی شامل درخواست تعدیل مطابق فقره ۱ ماده ۸۹ قانون مالیات برعایدات نیز می گردد.

۳۷،۸ تمدید دوره تعدیل اعتراض مالیاتی فقط به دوره تعدیل موضوع اعتراض مالیاتی عمومیت داده می شود. این امر صلاحیت صدور تعدیل اظهارنامه یا سنجش برای چیزی که قسمت از اعتراض مالیاتی نمی باشد، تعمیم داده نمی شود.

مثال:

ذوالفقار اظهارنامه مالیات برعایدات خود را برای سال مالی که در ماه قوس ۱۳۹۵ ختم می گردد، به وقت معین (اخیر ماه سوم سال مالی ۱۳۹۶ارائه نموده است. محدوده زمانی ستندرد ۵ سال برای تعدیل به همین خاطر تعدیل را تا اخیر ماه سوم سال مالی ۱۴۰۱ مجاز می شمارد.

در ۲۰ ماه جوزای ۱۴۰۱ ذوالفقار درخواست تعدیل برای اظهارنامه مالیاتی سال ۱۳۹۵ ارائه می نماید. حین ارزیابی سوابق وی در می یابد که مجرایی بعضی مصارف را ادعا ننموده است، لذا وی درخواست تعدیل می نماید تا بعضی مصارف اضافی را در تعیین مالیه برای دوره مالیاتی متذکره دخیل نماید.

از آنجایی که درخواست تعدیل قبل از اختتام دوره تعدیل ستندرد ارائه گردیده است، درخواست تعدیل متذکره قانونی می باشد. نظر به اینکه درخواست تعدیل قانونی در خلال دوره ۵ ساله ستندرد ارائه گردیده است، ۵ سال از دوره تعدیل اعطا شده تا زمانی که اداره مالیاتی درخواست تعدیل را طی مراحل ننماید، گذشته است. این محدوده زمانی شامل هرگونه میعاد که اعتراض مالیاتی در آینده ادامه یابد (ارجاع به بورد حل منازعات مالیاتی یا مطابق فقره ۲ ماده ۱۲ مراجعه به محکمه) در صورتی می گردد که مالیه دهنده مطابق ماده ۱۱ از حق اعتراض خود قانوناً استفاده نموده باشد.

صلاحیت تمدید بنا به دلایل فوق صرف برای تعدیل اظهارنامه مالیاتی ذوالفقار جهت کسرات اضافی مندرج درخواست تعدیل وی اعطا می گردد. این امر به زمان تعدیل موضوع دیگر مثل سایر کسرات یا تغییرات به مبلغ عواید در اظهارنامه که درج درخواست نگردیده، تعمیم داده نمی شود.

سنجش درحالت خطر ایتلاف مالیه :

۳۸،۸ در حالات عادی اداره مالیاتی یادداشت سنجش را تا زمانی که اظهارنامه مالیاتی ارائه نگردد یا هرگاه مالیه دهنده نتواند در موعد معین اظهارنامه ارائه نماید ، صادر نمی نماید. سنجشهای مخاطره آمیز از این شیوه های عادی استثناء می باشد.

۳۹،۸ هرگاه اداره مالیاتی با دلایل باور کند که مالیه دهنده تلاش دارد با ترک افغانستان، بستن تشبث یا انتقال دارایی یا دلیل دیگر از مالیه فرار می نماید، می تواند یادداشت سنجش صادر نماید. این اداره می تواند قبل از موعد معین ارائه اظهارنامه مربوطه این عمل را انجام دهد. این عمل همچنان می تواند قبل از اختتام دوره مالیاتی نیز صورت گیرد.

۴۰،۸ به صورت عادی یک یادداشت سنجش برای دوره مالیاتی نمی تواند قبل از اختتام دوره مالیاتی صادر گردد. بطور مثال، یک سنجش برای سال مالی که در ۳۰ قوس ۱۳۹۵ اختتام می یابد به صورت عادی تا بعد از ۳۰ قوس ۱۳۹۵ صادر نمی گردد. به علاوه، یک سنجش به صورت عادی به دوره که کمتر از دوره مالیاتی کامل باشد، ارتباط نمی گیرد. تنها صلاحیت عمومی که سال مالیاتی را تغییر می دهد در تعریف "سال مالی" مندرج ماده ۳ این قانون درج می باشد که مستلزم درخواست مالیه دهنده قبل از استفاده دوره مختلف می باشد.

۴۱،۸ با آن هم، اصطلاحات استفاده شده در فقره ۵ ماده ۸ این مفهوم را می رساند که در سنجش مخاطره آمیز دوره که هنوز اختتام نیافته است می تواند سنجش گردد. اصطلاحات متذکره همچنان این مفهوم را می رساند که اداره مالیاتی می تواند دوره ای را سنجش نماید که به صورت عادی یک دوره مالیاتی نباشد.

۴۲،۸ قانون مالیات برعایدات در مورد سنجش مخاطره آمیز برای مالیات برعایدات صراحت دارد که موعد معین برای چنین مالیه در یادداشت سنجش مشخص گردیده است. به همین خاطر اداره مالیات می تواند هر تاریخی را بعد از صدور سنجش به حیث موعد معین در سنجش مخاطره آمیز مالیات برعایدات انتخاب نماید.

۴۳،۸ در مورد سنجش مخاطره آمیز برای مالیه برارزش افزوده، بخاطر اینکه موعد معین با ماده های ۲۳ و ۲۴ قانون مالیه برارزش افزوده هماهنگی داشته باشد، اداره مالیاتی یک تاریخ را که ۳۰ روز بعد از اینکه دوره مالیه برارزش افزوده سنجش گردیده است، مشخص می نماید.

۴۴،۸ در مورد صدور سنجش مخاطره آمیز متیقین بودن از اینکه مالیه دهنده افغانستان را ترک می نماید، فقره ۵ ماده ۸ در هماهنگی با فقره ۶ ماده ۱۵ عمل نموده و به اداره مالیاتی اجازه می دهد تا موعد معین زودتری را برای پرداخت مالیه در یادداشت سنجش مشخص نماید. در سایر موارد موعد معین مطابق قواعد مندرج فوق عمل خواهد نمود.

۴۵،۸ صدور سنجش مخاطره آمیز به دلیل متیقین بودن از اینکه مالیه دهنده افغانستان را ترک می نماید، می تواند در هماهنگی با ماده ۲۳ استفاده گردد (حکم ممنوع الخروج).

۴۶،۸ سنجش مخاطره آمیز باید مبتنی بر معلومات شناخته شده به اداره مالیاتی و مربوط به تعیین مالیه درست باشد. اظهارنامه مالیاتی یا سنجشهای قبلی مالیه دهنده می تواند به حیث رهنمود مفید باشد. حتمی نیست سنجش مخاطره آمیز در تعیین مکلفیت مالیاتی کاملاً دقیق باشد، اما اداره مالیاتی طبق معلومات موجود تا حد امکان سعی کند درست باشد. هرگاه مالیه دهنده موافق نباشد حق دارد بعداً اظهارنامه یا درخواست تعدیل با معلومات اضافی جهت تعدیل سنجش ارائه نماید.

۴۷،۸ موضوع سنجش مخاطره آمیز راه را برای اقدامات تطبیق قانون مطابق سایر احکام مثل فصل ۵ قانون اداره امور مالیات، باز نماید.

مثال 1

حین اجرای بررسی تشبث روح الله، اداره مالیاتی در می یابد که وی داراییهای خود را به فروش رسانده و پول آن را به دوبی انتقال می دهد و آمادگی انتقال تشبث را به پسر کاکایش می گیرد. هرگاه وی این اقدامات را تکمیل نماید هیچ بودجه یا دارایی در افغانستان جهت پرداخت مکلفیتهای مالیاتی کنونی و آینده باقی نخواهد ماند. اداره مالیاتی می تواند سنجش مخاطره آمیز به روح الله برای دوره مالیاتی گذشته و موجود صادر نماید.

تثبیت مالیه ناشی از معامله میان اشخاص مرتبط

مادۀ نهم:

هرگاه مبلغ تادیه شده یا قابل تادیه دریک معامله میان اشخاص مرتبط ازمبلغ توافق شده میان اشخاص غیر مرتبط درمعامله مشابه دربازار متفاوت باشد، بمنظور تثبیت مالیه، مبلغ تادیه شده یا قابل تادیه میان اشخاص غیر مرتبط دربازار، درنظر گرفته می شود.

۱،۹ ماده ۹ به اداره مالیاتی صلاحیت می دهد تا ارزش مبالغ اظهار شده معامله بین اشخاص مرتبط را رد نماید. استفاده ازاین صلاحیت زمانی به وجود میاید که قیمت یا مبلغ اظهارشده معامله، (بالاتر یا پایین تر) از مبلغ متوقعه بین اشخاص غیرمرتبط متفاوت باشند.

۲،۹ مبلغ بین اشخاص غیرمرتبط بعضی اوقات قیمت بازار خوانده می شود. در بازار که خریداران و فروشندگان زیادی موجود باشد، قیمت اجناس یا خدمات که در آن بازار تجارت می شود انعکاس دهنده توازن چانه زنی میان خریداران و فروشنده گان می باشد.

مثال:

عمر بعضی ماشین آلات را به پسر کاکایش حامد که در پاکستان زندگی می کند، می فروشد. عمر می داند که وی مطابق قانون مالیات برعایدات تابع مالیه قرار خواهد گرفت. عمر و حامد توافق می نماید قیمت را پایین تر بیاورند تا عمر مالیات برعایدات (و همچنان حامد محصولات گمرکات واردات تجهیزات به پاکستان را ذخیره نماید) کمتری بپردازد. قیمت اظهارشده نصف قیمت واقعی تجهیزات می باشد. آنها مخفیانه به توافق می رسند که بعضی کمکها را بعداً در معاملات تجاری آینده به حیث جبران قیمت پایین تر تجهیزات به عمر ارائه نماید.

زمانی که عمر اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه می نماید وی مبلغ غلط (پایین تر) را درج می نماید. اداره مالیاتی می تواند مطابق ماده ۹ از صلاحیت خود استفاده کرده و قیمت واقعی بالاتر بازار را در محاسبه مالیه عمر جایگزین نماید. (در این مثال حامد یک مالیه دهنده افغانی نمی باشد، اما اگر چنین بود اداره مالیاتی همچنان قیمت بالاتری را در محاسبات مالیه افغانستان مربوط به حامد، جایگزین می نمود).

۳,۹ ماده ۹ یک حکم جلوگیری کننده فرار از مالیه می باشد. این حکم توسط اداره مالیاتی فقط در صورتی استفاده می گردد که مبلغ نادرست توسط اشخاص مرتبط استفاده شده و منتج به فرار از مالیه گردد (مالیه پایین). تمام تأثیرات جوانب معامله بالای مالیه باید مدنظر گرفته شود و فقط زمانی که کاهش خالص مالیه بین جوانب معامله موجود باشد مداخله ضروری خواهد بود.

مثال:

عمر همچنان بعضی خدمات ساختمانی را به یوسف پسر کاکای دیگرش ارائه می نماید. آنها هردو مالیه دهندگان مقیم افغانستان می باشند. پرداخت برای خدمات، برای عمر عواید و برای یوسف مصارف تجارت می باشد. قیمت بازار خدمات ۵۰۰۰۰۰ افغانی می باشد اما آنها موافقه می نماید تا قیمت پایین تر ۲۰۰۰۰۰ افغانی را اظهار نماید، زیرا نورم مالیه عمر برای سال ۲۰ فیصد و یوسف عواید تشبث کمتر دارد که معمولاً دارای نورم مالیه ۱۰ فیصد می باشد. عمر مبلغ 300,000 x 20% = 60,000 افغانی از مالیه ذخیره می نماید، در حالیکه یوسف کسر پایین تر به مبلغ 300,000 x 10% = 30,000 افغانی از مالیه خواهد داشت . با اظهار نمودن قیمت کمتر نادرست ، عمر و یوسف باعث کمتر شدن مجموع مالیه که باید پرداخت میشد، شده است. ماده ۹ به اداره مالیاتی صلاحیت میدهد تا قیمت واقعی بازار ۵۰۰۰۰۰ افغانی برای معامله را جایگزین و مالیه را برای هردو جانب معامله با استفاده از آن مبلغ تعیین نماید.

توضیحات و مثالهای فوق مبتنی بر حقایق ساده می باشد. ماده ۹ می تواند بالای معاملات پیچیده تر به شمول انتقال قیمت در آن سوی مرز تطبیق گردد. توضیحات مفصل در ضمیمه (ب) درج گردیده است.

کاهش مالیه

مادۀ دهم:

هرگاه شخص عمداً وارد معامله یا موافقه ای شود که باعث کاهش مالیه وی گردد، اداره مالیات چنین معامله یا موافقه را رد یا تعدیل نموده و مالیه حقیقی اشخاص ذیدخل را تعیین می نماید، در این صورت مالیه دهنده مکلف به تادیه مالیه تعیین شده میباشد.

۱,۱۰ ماده ۱۰ به اداره مالیاتی صلاحیت بیشتر می دهد تا کاهش مالیه را زمانی که مالیه دهنده وارد یک معامله یا موافقه گردد و در نتیجه این معاملات یا موافقات مکلفیت مالیات بر عایدات مالیه دهنده کاهش پیدا کند، مهار می نماید. ازاین صلاحیت زمانی استفاده می شود که کاهش در مالیه موجود بوده و مالیه دهنده با وارد شدن به یک معامله یا موافقه چنین قصدی داشته باشد.

۲,۱۰ این حکم می تواند بالای یک معامله منفرد یا یک موافقه یا بیشتر از یک معامله یا یک موافقه که همه باهم باعث کاهش مالیه شخص گردد، تطبیق شود.

مثال ۱:

مجاهد مالک دو دوکان می باشد که عواید فروشات هر کدام در یک ربع ۵۰۰۰۰۰ افغانی و در مجموع ۱۰۰۰۰۰۰ افغانی می گردد. این مبلغ بالغ بر حد مالیه معاملات انتفاعی که ۷۵۰۰۰۰ می باشد، می گردد. لذا مجاهد تابع مالیه معاملات انتفاعی می باشد. مفاد ربعوار هر دکان ۴۰۰۰۰ افغانی است. مجاهد با استفاده از مراحل ذیل برنامه ریزی می کند تا از مالیه معاملات انتفاعی فرار نماید.

مجاهد یکی از دکانهای خود را به حمید که حقیقت نداشته می فروشد. موافقتنامه فروش شامل یک شرط است که به وی اجازه می دهد تا دکان را هر زمانی که بخواهد به همان قیمت خریداری نماید.

به صورت جداگانه مجاهد یک موافقتنامه قرضه را دور ازحقیقت برای قیمت خرید دکان ترتیب میکند. دکان طور کامل به قرضه داده شده است و حمید هیچ قسمت از قرضه را نپرداخته است. تکتانه ربعوار برای قرضه نصف منفعت دکان ۲۰۰۰۰ افغانی محاسبه می گردد.

به صورت جداگانه مجاهد یک موافقتنامه دیگر را جهت مدیریت دکان برای حمید تهیه می نماید. موافقتنامه برای مجاهد طوری است که دکان را در بدل فیس اداره نماید. فیس ربعوار نصف منفعت دکان ۲۰۰۰۰ افغانی محاسبه می گردد.

در این مثال، مجاهد تشبث خود را دو تقسیم می نماید تا مجموع فروشات خود را پایین تر از حد مالیه معاملات انتفاعی تنزیل دهد. فروشات دکان که خودش نگهداشته ۵۰۰۰۰۰ افغانی و عواید اداره دکان که وی به حمید فروخته است ۲۰۰۰۰ افغانی (تکتانه قرضه طبق ماده ۶۵ قانون مالیات برعایدات معاف می باشد) است. از آنجایی که مجموع عواید هر ربع وی ۵۲۰۰۰۰ افغانی است تابع مالیه معاملات انتفاعی قرار نمی گیرد. پلان را که طرح نموده هنوز به وی اجازه گرداندن دو دکان را می دهد و منفعت را از هردو دکان دریافت می نماید پس وی دارای همان منفعت است اما مالیه را کاهش داده است.

با آن هم، اداره مالیاتی می تواند ماده ۱۰ را بالای سلسله از موافقتنامه ها (فروش دکان (با داشتن حق خرید مجدد) موافقتنامه قرضه و موافقتنامه اداره دکان تطبیق نماید. هرگاه موافقتنامه ها باهم مدنظر گرفته شود عقد یکایک آنها به منظور کاهش مالیه صورت گرفته است.

۳,۱۰ لازم است اداره مالیاتی ثابت نماید که مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده توسط معامله یا موافقه کاهش یافته است. این امر مستلزم مقایسه بین نتایج واقعی مالیه در مقابل وضعیت که معامله یا موافقه صورت نگرفته باشد، می باشد. هرگاه مقایسه کاهش مالیه را نشان دهد سپس می تواند "کاهش مالیه" خوانده شود.

۴,۱۰ برای اداره مالیاتی کافی نیست تا فقط اثبات نماید که مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده کاهش یافته است بلکه باید ثابت نماید که مالیه دهنده با عقد قرارداد یا موافقه قصد کاهش مالیه را داشته است.

مثال ۲:

شرکت (الف) یک شرکت افغانی است و مصروف فعالیت ارائه خدمات مخابراتی به مشتریان در سراسر افغانستان می باشد. در جریان سال مالی که در اخیرماه قوس ۱۳۹۴ ختم می گردد، شرکت متحمل ضرر ۵۰۰۰۰۰۰۰ افغانی می گردد. در جریان سال مالی آینده شرکت متذکره از ضرر ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ افغانی سال گذشته جهت کاهش منفعت تابع مالیه و مکلفیت مالیاتی استفاده می نماید. ماده ۱۰ در این وضعیت تطبیق نمی گردد. حالانکه شرکت مصروف معاملات در جریان سال مالی (که دراخیر قوس ۱۳۹۴ ختم می گردد) که بر کاهش مکلفیت مالیاتی شرکت در سال بعد تأثیر می کند، بوده است، هدف مقدماتی معاملات شرکت در جریان سال مالی که در قوس ۱۳۹۴ ختم می گردد ارائه خدمات مخابراتی به مشتریان بوده است. در نبود هرگونه معاملات ساختگی یا غیر تجارتی هیچ دلیلی وجود ندارد تا ثابت شود که منظور اساسی کاهش مالیه بوده است.

۵,۱۰ حکم جلوگیری کننده بالای معاملات یا موافقه های که شیوه عادی تجارت می باشد حتی اگر بعضاً کاهش مالیاتی در مقایسه با موافقه های بدیل حاصل گردد، تطبیق نمی گردد. با درنظرداشت مثال ۱ فوق، سلسله از موافقه ها که توسط مجاهد صورت گرفته در صورتی که باهم مدنظر گرفته شود، شیوه معمول تجارت نمی باشد.

مثال ۳:

عزیز یک فرد است که نیاز به استفاده زمین و ساختمان برای تجارتش در هرات دارد. عزیز می داند که در صورتی وی زمین و ساختمان بخرد می تواند استهلاک برای ساختمان ادعا نماید. عزیز همچنان می داند که وی نمی تواند برای زمین استهلاک ادعا نماید. عزیز می داند در صورتی که وی زمین و ساختمان را به کرایه بگیرد می تواند برای تمام کرایه پرداخت شده ادعای مجرایی نماید. از این رو عزیز تصمیم می گیرد که ساختمان و زمین را به کرایه بگیرد. ماده ۱۰ در این قضیه تطبیق نمی گردد. منظور

اساسی عزیز از کرایه ساختمان پیشبردن تجارت اش در هرات می باشد. تصمیم مبنی بر اینکه یک ساختمان را بخرد یا کرایه نماید یک تصمیم تجارتی عام می باشد که تأثیر مالیاتی آن فقط یک قیمت می باشد. حقیقت به کرایه گرفتن زمین و ساختمان که کاهش مالیاتی بیشتر نسبت به خرید زمین و ساختمان ایجاد می نماید دلیل کافی برای تطبیق ماده ۱۰ نمی باشد.

۶،۱۰ قبل از اینکه ماده ۱۰ تطبیق گردد، اداره مالیاتی باید توانایی نشان دادن این امر را داشته باشد که دلیل اساسی عقد معامله یا موافقه به قصد کاهش مالیات مالیه دهنده صورت گرفته است. قصد مالیه دهنده از حقایق جانبی معامله تعیین می گردد نه شهادت شخص مالیه دهنده.

مثال ۴:

واحد مالک تمام سهام شرکت (الف) و شرکت (ب) می باشد. شرکت (الف) و شرکت (ب) هردو شرکت افغانی می باشند. شرکت (الف) مطابق قانون سرمایه گذاری خصوصی افغانستان ثبت و راجستر نگردیده است و به همین خاطر شرکت (الف) نمی تواند ضررهای مالیاتی خود را به صورت نا محدود مطابق ماده ۴۷ قانون مالیات برعایدات انتقال دهد. شرکت (الف) به این باور است که در سال مالیاتی که در ماه قوس ۱۳۹۵ ختم می گردد یکی از ضررهای مالیاتی اش انقضاء می گردد. جهت جلوگیری ضرر از انقضاء استفاده ناشده، شرکت (الف) یک دارایی را به شرکت (ب) در آخرین روز ماه قوس ۱۳۹۵ می فروشد. شرکت (الف) مفاد را بالای فروش مدنظر می گیرد. شرکت (الف) از ضرر مالیاتی خود جهت کاهش مبلغ مفاد که در جریان سال ۱۳۹۵ شناسایی نموده بود، استفاده می نماید. در روز اول ماه جدی سال ۱۳۹۵، شرکت (ب) همان دارایی را به شرکت (الف) پس می فروشد. شرکت (الف) توانایی استفاده از ضرر مالیاتی خود را داشته است. شرکت (الف) همچنان توانایی افزایش بنیه استهلاک دارایی به ارزش بازار را بدون پرداخت مالیه داشته است. شرکت (الف) حالا می تواند کسرات استهلاک را طور دراز مدت در مورد دارایی ادعا نموده و مکلفیت مالیاتی خود را کاهش دهد. دلیل محکم این معامله کاهش مکلفیت مالیاتی شرکت (الف) می باشد. هیچ توضیحات تجارتی دیگر برای معاملات به استثنای اینکه معامله صورت گرفته تا کاهش مالیاتی به دست آید، وجود ندارد. به همین خاطر مناسب است اداره مالیاتی ماده ۱۰ را در این وضعیت تطبیق نماید.

مثال ۵:

واحد مالک تمام گدام شرکت (الف) که یک شرکت افغانی است، می باشد. شرکت (الف) تجارت تولید و فروش بشقاب، جگ آبخوری و پیاله ها را انجام می دهد. شرکت (الف) ۲۰ نفر از پسر کاکاهای واحد را استخدام می کند. تمام این پسر کاکاها زیر سن ۱۵ سال می باشد. واحد به هریک از پسران کاکایش ۵۰۰۰ افغانی ماهانه برای خدمات که وی ادعا می کند آنها ارائه می نماید، می پردازد. هیچ یک از مبالغ پرداخت شده تابع مالیه موضوعی قرار نمی گیرند زیرا مبلغ پرداخت شده به هر پسر کاکا پایین تر از حد مالیه موضوعی می باشد. شرکت (الف) مجرایی ۵۰۰۰ افغانی که به هر پسر کاکا پرداخت می گردد را ادعا می نماید. اداره مالیاتی شرکت (الف) را بررسی می نماید. واحد به کارکنان اداره مالیاتی اظهار می نماید که پسران کاکای خود را استخدام نموده زیرا آنها کارگران خوب می باشند. در بررسی بیشتر کارکنان اداره مالیاتی در می یابد که بسیاری از این پسران کاکا برای کار خیلی جوان هستند و بعضی از آنها در ولایت مختلف زندگی می نمایند. واحد نمی تواند ثابت کند که یکی از پسران کاکایش در واقع به شرکت (الف) خدمات ارائه می نماید. برای کارکنان اداره مالیاتی مناسب است تا ماده ۱۰ را تطبیق نماید و پرداختهای پسران کاکا را مدنظر نگیرد.

کاهش مالیه با کتمان مالیه متفاوت است:

۷،۱۰ حالات که تحت پوشش مواد ۹ و ۱۰ می باشند، کاهش از مالیه است و این از کتمان مالیه متفاوت می باشد. کاهش مالیه به اقدامات یا معاملاتی ربط می گیرد که قانونی باشند، به استثنای قواعد جلوگیری از کاهش مالیه. کتمان مالیه (طوری که در ماده

۴۱ تشریح و درج گردیده است) به اقداماتی ارتباط می گیرد که غیر قانونی باشد. مثال کتمان مالیه، پنهان نمودن عواید، ادعای مصارف نادرست یا ادعای مجراییهای غلط می باشد.

۸،۱۰ به همین خاطر، حین مدنظر گرفتن مالیه اضافی بابت مالیه که بالاثر تطبیق ماده ۹ یا ۱۰ وضع می گردد، ماده ۴۱ تطبیق نمی شود. با آن هم، مالیه اضافی برای اقدامات کاهش مالیه می تواند مطابق ماده ۳۴ و در بعضی موارد مطابق ماده ۴۰ مدنظر گرفته شود.

فصل چهارم
منازعات مالیاتی

اعتراض

مادۀ یازدهم

(۱) هرگاه مالیه دهنده به تصمیم مالیاتی قناعت نداشته باشد، میتواند در خلال چهل و پنج روز از تاریخ دریافت اطلاعیه تصمیم، اعتراض خویش را در فورم منظور شده با ذکر دلایل آن به ادارۀ مالیات ارائه نماید.

(۲) هرگاه مالیه دهنده بنابر دلایل مؤجه نتواند در میعاد مندرج فقرۀ (۱) این ماده اعتراض خود را ارائه نماید، میتواند در مورد تمدید آن به ا داره مالیات کتباً درخواست نماید.

(۳) هرگاه اداره مالیات دلایل را مؤجه داند، درخواست مندرج فقرۀ (۲) این ماده را منظور و به درخواست کننده کتباً اطلاع می دهد.

(۴) تمدید زمان ارایه در خواست اعتراض از پانزده روز بعد از تاریخ معینه مندرج فقرۀ (۱) این ماده بیشتر بوده نمی تواند، مگر اینکه اداره مالیات در مورد تمدید زمان طور دیگر تصمیم اتخاذ نماید.

(۵) ادارۀ مالیات مکلف است ، درخلال شصت روز ازتاریخ دریافت درخواست اعتراض ، تصمیم اتخاذ و از تاریخ تصمیم در خلال سی روز به مالیه دهنده طور کتبی اطلاع دهد.

(۶) هرگاه مالیه دهنده درخلال نود روز از تاریخ ارایه درخواست اعتراض، تصمیم را دریافت نه نماید، میتواند به بورد حل منازعات مالیاتی، درخواست را ارایه وموضوع را طور کتبی به ادارۀ مالیات اطلاع دهد.

۱،۱۱ هرگاه تصمیم، تصمیم مالیاتی باشد، مالیه دهنده در صورتی که با تصمیم موافقت نداشته باشد، می تواند اعتراض خود را ارائه نماید. اعتراض باید در خلال ۴۵ روز از تاریخ که مالیه دهنده یادداشت تصمیم را دریافت نموده باشد، ارائه گردد. جهت توضیح بیشترِ مفهوم تصمیم مالیاتی را در ماده ۳ این قانون دنبال نمایید.

۲،۱۱ مدت ۴۵ روز از تاریخ که مالیه دهنده در واقع اطلاعیه کتبی تصمیم را که با آن موافق نیست، دریافت نموده باشد، محاسبه به می گردد. مدت متذکره از تاریخ که اداره مالیاتی تصمیم را اتخاذ نموده باشد،محاسبه نمی گردد.

۳،۱۱ مالیه دهنده صرف می تواند در مورد تصمیم مالیاتی مربوط به امور مالیاتی خودش اعتراض نماید. شخص که نماینده (طوری که در ماده ۳ تعریف گردیده) مالیه دهنده باشد می تواند به نمایندگی از مالیه دهنده برای مالیه مورد منازعه اعتراض نماید. این حکم شامل تصفیه کننده مندرج ماده ۱۹ نیز می گردد.

شکل و دلایل اعتراض:

۴,۱۱ ارائه اعتراض باید در فورمه منظور شده که در دفاتر اداره مالیاتی در دسترس می باشد، صورت گیرد. در اعتراض باید دلایل اعتراض نیز اظهار گردد. در فورمه اعتراض جای برای اظهار دلایل اعتراض گنجانده شده است، با آن هم هرگاه توضیحات دلایل طولانی باشد، اجازه دارد اظهاریه کتبی دلایل را به فورمه ضمیمه نماید. اعتراض باید به اداره رسیدگی به شکایات ارائه گردد.

۵,۱۱ مالیه دهندگان باید در اظهار دلایل اعتراض خود محتاط باشند زیرا آنها نمی توانند دلایل جدید را در مرحله بعدی پروسه منازعه معرفی نمایند (به فقره ۳ ماده ۱۴ مراجعه نمایید). دلایل مندرج اعتراض آنها تنها دلایلی است که در جریان پروسه اعتراض یا ارجاعات بعدی برای ارزیابی به بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه مورد بحث قرار می گیرند.

۶,۱۱ هرگاه موضوع منازعه در حیطه تعریف تصمیم مالیاتی قرار گیرد سپس هر اقدام لازم جهت تصمیم گیری می تواند در دلایل اعتراض گنجانده شود. بگونه مثال، یک سنجش مالیاتی مالیات برعایدات می تواند دارای بسیاری از اجزا و عناصر باشد که به سمت تعیین مالیه قابل تأدیه رهنمود گردد. تصامیم زیادی می تواند در مورد انواع مختلف عواید، کسرات، ضررها، مجراییها برای مالیه موضوعی، محاسبه استهلاک و غیره وجود داشته باشد. یکایک این تصامیم ابتدایی در صورت می تواند در یک اعتراض مدنظر گرفته شود که در محاسبه مالیه نهایی در سنجش مالیاتی دخیل باشد.

۷,۱۱ مالیه دهندگان می توانند بحث خود را در مورد دلیل اعتراض در مرحله بعدی تجدید نمایند اما نمی توانند یک دلیل جدید را ارائه نمایند. مثالهای ذیل اهمیت توضیح دلایل اعتراض را نشان می دهد:

مثال ۱:

یک مالیه دهنده برای تمدید زمان پرداخت مالیه خود مطابق فقره ۲ ماده ۱۵ درخواست می نماید. درخواست تمدید توسط اداره مالیاتی مسترد می گردد. مالیه دهنده علیه این تصمیم اداره مالیاتی در خلال زمان معینه اعتراض می نماید. چنین تصمیم قسمت از تعریف تصمیم مالیاتی می باشد لذا به حیث اعتراض قانونی پذیرفته می شود. مالیه دهنده به حیث دلیل اعتراض اظهار می دارد که در حال حاضر پول در دست ندارد و به زمان بیشتر جهت گرفتن پول از بعضی مشتریان اش نیاز دارد تا پول کافی به دست آورده و مالیه بپردازد و تمام مصارف لازم دیگرش را نیز بپردازد.

اداره مالیاتی درخواست و سوابق مالیاتی وی را مرور نموده و تصمیم می گیرد تا اعتراض اش را مسترد نماید. بعد از دریافت اطلاعیه کتبی تصمیم، مالیه دهنده تصمیم می گیرد تا تصمیم را به بورد حل منازعات مالیاتی راجع نماید. وی مکتوب را به بورد در حمایه از قضیه خود ارسال و در آن شرح می دهد که وی نیاز به تمدید زمان دارد زیرا پسرش در شفاخانه در حال بهبودی از عملیات جدی می باشد و به همین خاطر وی از تجارتش فاصله گرفته است.

دلایل جدید برای تمدید در ارتباط با صحت پسرش نمی تواند مورد پذیرش بورد حل منازعات مالیاتی قرار گیرد زیرا جزء از دلایل اصلی که همراه با اعتراض ارائه گردیده بود، نمی باشد.

مثال ۲:

بادرنظرداشت حقایق اعتراض مندرج مثال ۱، مالیه دهنده مقدار پول جدید برای تجارتش پیشبینی و آن را به بورد حل منازعات مالیاتی جهت حمایت از ادعای ارزیابی تصمیم، تسلیم می نماید. این معلومات جدید ارتباط مستقیم با دلایل اصلی اعتراض دارد (زمان بیشتر نیاز است تا مبالغ از مشتریان تحصیل گردد). این به ساده گی یک تجدید همان مباحث می باشد. بورد باید این معلومات را به حیث قسمت از ملاحظات خود در قضیه وی مدنظر گیرد.

تمدید زمان:

۸,۱۱ هرگاه مالیه دهنده نتواند در خلال ۴۵ روز مطابق فقره ۱ ماده ۱۱ اعتراض خود را ارائه نماید، می تواند جهت تمدید زمان مطابق فقره ۲ ماده ۱۱ درخواست نماید. حکم به عدم توانایی ارائه اعتراض در زمان لازم اشاره دارد ، این بدین معنی است که مالیه دهنده باید توانایی ارائه دلیل را در درخواست خود داشته باشد و توضیح دهد که چرا نمی تواند اعتراض خود را به موقع ارائه نماید.

۹,۱۱ درخواست برای تمدید باید در عین دوره اعتراض، ارائه گردد. از آنجایی که یک اعتراض به صورت عادی می تواند در خلال ۴۵ روز از تصمیم مالیاتی متنازعه ارائه گردد، هرگونه درخواست برای تمدید باید در خلال ۴۵ روز از تمدید ارائه گردد.

مثال:

مقصود یادداشت سنجش مالیه برارزش افزوده را در ۱۰ ماه دلو دریافت می نماید. وی به این باور است که مالیه مندرج یادداشت سنجش درست نمی باشد و می خواهد در مورد سنجش اعتراض نماید. مطابق فقره ۱ ماده ۱۱ وی به صورت عادی ۴۵ روز جهت ارائه اعتراض دارد، لذا آخرین مهلت برای ارائه اعتراض ۲۵ ماه حوت خواهد بود.

مقصود در ۲۰ حوت تصادف می کند و در یک شفاخانه برای یک هفته جهت بهبود بستری می گردد. وی متوجه می شود که این امر ارائه اعتراض را به تأخیر خواهد انداخت لذا وی پسرش را جهت تهیه درخواست برای تمدید تعیین نموده و پسرش درخواست را برای گرفتن امضای وی به شفاخانه می آورد. پسر مقصود باید درخواست را تا ۲۵ ماه حوت ارائه نماید.

(به خاطر داشته باشد طبق تعریف نماینده مندرج ماده ۳، پسر مقصود می تواند درخواست را خودش ارائه نماید به شرط اینکه مقصود صلاحیت عمل به نمایندگی از خودش را به او داده باشد).

تصمیم برای تمدید زمان:

۱۰,۱۱ اداره مالیاتی باید درخواست را برای تمدید مدنظر گیرد و درخواست دهنده را از تصمیم خود کتباً مطلع نماید.

۱۱,۱۱ هرگونه تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی که باید به مالیه دهنده ارسال شود، می تواند از طریق تیلفون یا شخصاً با اطلاعیه کتبی به تعقیب آن به مالیه دهنده رسانده شود. بادرنظرداشت محدود بودن مدت زمان ستندرد تمدید (حد اکثر ۱۵ روز)، اداره مالیاتی باید تلاش نماید تا به صورت شفاهی تصمیم تمدید را در اسرع وقت ممکن به اطلاع مالیه دهنده برساند. تصمیم کتبی باید همچنان به مالیه دهنده ارسال یا وی را مطلع نماید تا در اسرع وقت ممکن آن را اخذ نماید.

۱۲,۱۱ دوره تمدید از تاریخ معینه برای ارائه اعتراض تعین می گردد.

مثال ۱ :

آخرین مهلت برای ارائه اعتراض مقصود ۲۵ حوت می باشد. اداره مالیاتی درخواست را بزودی مرور و تمدید ۱۵ روز را به وی اعطا می نماید. او حالا باید بخاطر اینکه اعتراض معتبر باشد آن را در ۱۱ حمل ارائه نماید.

۱۳,۱۱ یک مالیه دهنده می تواند با تهیه اعتراض قبل از دریافت تصمیم در مورد تمدید به بهترین وجه مفاد خود را حفظ نماید. این امر به مالیه دهنده اجازه ارائه اعتراض را خواهد داد.

۱۴,۱۱ اداره مالیاتی در حالات استثنایی می تواند به مدت طولانی تر از ۱۵ روز تمدید اعطا نماید. این مسئله که حالات استثنایی چیست و تمدید برای چه مدتی اعطاء گردد بستگی به حقایق قضیه دارد.

۱۵,۱۱ هرگاه مالیه دهنده برای تمدید زمان درخلال زمان مقتضی تمدید شده درخواست نماید اما اداره مالیاتی تا زمانی که مدت حداکثر ۱۵ روز تعیین شده منقضی نگردد جواب ارائه ندهد، این امر حالت استثناً مدنظر گرفته می شود.

مثال ۲:

آخرین مهلت برای مقصود جهت ارائه اعتراض ۲۵ حوت می باشد. وی جهت تمدید زمان ارائه اعتراض درخواست می نماید. مقصود دلایل خوب جهت منظوری تمدید فراهم می نماید. با آن هم، بخاطر رخصتی غیر پیشبینی شده کارمند مالیاتی مسؤول تصمیم گیری در مورد درخواست، ارائه جواب به مقصود تا ۱۵ حمل ممکن نبود. این یک وضعیت استثنایی به منظور فقره ۴ ماده ۱۱ می باشد و به همین خاطر تمدید طولانی تر توجیه میگردد. اداره مالیاتی می تواند تمدید طولانی تر از ۱۵ روز را اعطا نماید. در طویل بودن زمان که اعطا می گردد باید زمان مناسب مورد نیاز مقصود از ۱۵ حمل مدنظر گرفته شود.

منازعه تصمیم اداره مالیاتی پیرامون تمدید زمان:

۱۶,۱۱ تصمیم اداره مالیاتی جهت مسترد نمودن درخواست تمدید زمان اعتراض طوری که در ماده ۳ تعریف گردیده خود یک تصمیم مالیاتی می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ مورد اعتراض قرار گیرد. تصمیم وزارت (یا عدم تصمیم) پیرامون اعتراض می تواند یک تصمیم قابل بازنگری باشد که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی آن به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست نماید.

مثال:

شرکت فرش ترکمن یک سنجش مالیات برعایدات را دریافت می نماید. شرکت می خواهد سنجش را مورد اعتراض قرار دهد، اما به خاطر مشکلات متعدد در سوابق، آنها قبل از آخرین مهلت اعتراض متوجه می گردد که نیاز به زمان بیشتر جهت ارائه اعتراض دارند (اعتراض ۱). درخواست برای تمدید زمان ۱۰ روز جهت ارائه اعتراض (مطابق فقره ۲ ماده ۱۱) ارائه می گردد. اداره مالیاتی درخواست را ارزیابی و تصمیم می گیرد تا تمدید را (مطابق فقره ۳ ماده ۱۱) مسترد نماید. این می تواند "تصمیم ۱" خوانده شود. آنها سپس بر آن می شود تا اعتراض را در برابر تصمیم رد درخواست تمدید در خلال ۴۵ روز ارائه نماید ("اعتراض ۲"). اداره مالیاتی اعتراض را (مطابق فقره ۵ ماده ۱۱) مسترد می نماید. این می تواند تصمیم ۲ خوانده شود.

سپس شرکت به بورد حل منازعات مالیاتی جهت ارزیابی تصمیم ۲ اداره مالیاتی درخواست می نماید. بورد تصمیم می گیرد تا تصمیم اداره مالیاتی (تصمیم ۲) را لغو و تمدید زمان جهت ارائه اعتراض اصلی (اعتراض ۱) را به شرکت اعطا نماید. شرکت حالا می تواند اعتراض در مورد سنجش مالیات برعایدات (اعتراض ۱) که اداره مالیاتی باید آن را ارزیابی نماید، ارائه کند.

از آنجایی که هرگونه تصمیم در مورد اعتراض ۱ تصمیمی است که برای اولین بار در مورد آن اعتراض شده است، شرکت در صورتی که با تصمیم موافقت نداشته باشد می تواند جهت ارزیابی به بورد حل منازعات مالیاتی راجع نماید.

تصمیم در مورد اعتراض:

۱۷,۱۱ اداره مالیاتی ۶۰ روز مهلت دارد تا اعتراض را ارزیابی و در مورد آن تصمیم اتخاذ نماید. ۶۰ روز از تاریخ که اعتراض توسط مالیه دهنده ارائه و تا تاریخ که تصمیم اعتراض توسط مسؤول مالیاتی ذیصلاح امضاء می گردد، محاسبه می شود.

۱۸,۱۱ هرگاه اعتراض در مورد تصمیم مالیاتی اتخاذ شده توسط مسؤولین مالیاتی باشد، اعتراض توسط مسؤولین مالیاتی متفاوت ارزیابی و در مورد آن تصمیم گیری می گردد.

۱۹,۱۱ وقتی تصمیم اعتراض اتخاذ می گردد، اداره مالیاتی ۳۰ روز در اختیار دارد تا مالیه دهنده را ذریعه اطلاعیه کتبی از تصمیم مطلع نماید. مدت زمان ۳۰ روز از روز که تصمیم اعتراض توسط مسؤول مالیاتی مربوطه امضاء می گردد تا تاریخ ارسال اطلاعیه کتبی به مالیه دهنده، درنظرگرفته می شود.

عدم پذیرش احتمالی اعتراض:

۲۰,۱۱ هرگاه مالیه دهنده اطلاعیه کتبی تصمیم در مورد اعتراض را در خلال ۹۰ روز از ارائه اعتراض دریافت ننماید، وی حق دارد تا به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست نماید. در عین زمان آنها باید اداره مالیاتی را مطلع نماید که درخواست را ارائه نموده است.

۲۱,۱۱ مالیه دهنده باید یک اطلاعیه را به اداره مالیاتی با اظهار کامل این عمل قبل از اینکه اجرا گردد، ارسال نماید. در اطلاعیه باید مالیه دهنده و قضیه اعتراض که در مورد آن درخواست شده ، مشخص گردد. در صورتی که مالیه دهنده نتواند اداره مالیاتی را از درخواست خود به بورد حل منازعات مالیاتی مطلع نماید، این عمل در مطابقت با فقره ۶ ماده ۱۱ نخواهد بود و بورد درخواست را به حیث درخواست نامعتبر مسترد خواهد کرد.

۲۲,۱۱ هیچ محدوده زمانی مستقیماً توسط فقره ۶ ماده ۱۱ در مورد ارائه اطلاعیه کتبی توسط مالیه دهنده، وضع نگردیده است. این بدین معنی است که هرگاه اداره مالیاتی مالیه دهنده را از تصمیم خود در مورد اعتراض در خلال ۹۰ روز از ارائه اعتراض اطلاع ندهد، این امر زمان بیشتری به مالیه دهنده جهت ارائه درخواست مطابق فقره ۶ ماده ۱۱ می دهد. زمان اخذ شده فقط در مورد موضوعات از قبیل حد زمان تعدیل مطابق فقره ۳ ماده ۸ (۵ سال) یا طولانی تر مطابق احکام سایر قوانین مالیاتی در اختیار مالیه دهنده خواهد بود.

مثال :

عالم زیب یک اطلاعیه سنجش برای اظهارنامه مالیات برعایدات سال مالیاتی که در ۳۰ قوس ۱۳۹۵ ختم می گردد، دریافت می نماید. وی با مکلفیت مالیاتی تعیین شده در سنجش موافق نبوده و اعتراض خود را در ۱۵ میزان ۱۳۹۶ ارائه می نماید. اداره مالیاتی ضرب الاجل ۶۰ روزه (۱۵ جدی ۱۳۹۶) جهت اتخاذ تصمیم دارد، اما به خاطر مشکلات اداری نمی تواند در مورد اعتراض تصمیم اتخاذ نماید.

هرگاه اداره مالیاتی تصمیم گرفته باشد و به صورت مناسب مطابق ماده ۱۱ مالیه دهنده را اطلاع داده باشد، مطابق فقره ۱ ماده ۱۲ وی تابع محدوده زمانی ۳۰ روز خواهد بود. با آن هم، از آنجایی که اداره مالیاتی از ماده ۱۱ تبعیت ننموده، عالم زیب می تواند به بورد حل منازعات مالیاتی بدون محدوده زمانی مطابق ماده ۱۱ یا ۱۲ درخواست نماید.

عالم زیب به همین خاطر از ۹۰ روز از تاریخ که وی اعتراض خود را ارائه نموده (بعد از ۱۵ جدی ۱۳۹۶) حق ارائه درخواست را دارد. وی می تواند این کار را در هر زمانی تا آخر دوره تعدیل اظهارنامه مالیاتی انجام دهد. مطابق فقره ۳ ماده ۸، ۵ سال از تاریخ ارائه اظهارنامه می باشد. از آنجایی که تاریخ ارائه اظهارنامه اخیر ماه سوم سال مالی بعدی ۱۳۹۶ می باشد، عالم زیب می تواند مطابق فقره ۶ ماده ۱۱ تا تاریخ اخیرماه سوم سال مالی ۱۴۰۱ درخواست ارائه نماید.

عدم قناعت بر تصمیم اعتراض

مادۀ دوازدهم:

(1)هرگاه مالیه دهنده به تصمیم اداره مالیات مبنی بر اعتراض قناعت نداشته باشد، میتواند در خلال سی روز به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست تجدید نظر را ارایه نماید .

(2)هرگاه طرف یا طرفین منازعه به تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی قناعت نداشته باشد، میتوانند در خلال سی روز از تاریخ دریافت تصمیم، به محکمه ذیصلاح مراجعه نمایند در غیر آن، تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی نهائی و قابل تطبیق می باشد.

(۳) ادارۀ مالیات، تصمیم نهائی بورد حل منازعات مالیاتی و یا فیصله محکمه را بعد از ابلاغ کتبی تطبیق مینماید.

۱,۱۲ تصامیم مالیاتی توسط اداره مالیاتی گرفته می شود. در صورتی که مالیه دهنده با تصمیم گرفته شده توسط اداره مالیاتی موافق نباشد، می تواند جهت ارزیابی مستقل به مرجع دیگر مراجعه نماید. مرجع متذکره بورد حل منازعه مالیاتی می باشد. بورد جزء وزارت مالیه بوده اما مستقل و جدا از اداره مالیاتی است.

۲,۱۲ ایجاد و طرزالعملهای بورد مستقل حل منازعات مالیاتی در فصل ۱۱ که بعداً در این سند تشریح می گردد، پیشبینی شده است.

۳,۱۲ هرگاه مالیه دهنده نتواند جهت ارزیابی به بورد حل منازعات مالیاتی به خاطر اینکه بورد مناسب وجود ندارد (به خاطر عدم استخدام اعضای یا انقضای دوره استخدام اعضا) درخواست نماید، می تواند مستقیماًبه محکمه ذیصلاح درخواست نماید. (مقرره).

درخواست به محکمه:

۴,۱۲ تصمیم اتخاذ شده توسط بورد حل منازعات مالیاتی تابع مراجعه به محکمه می باشد. این تنها راهی قانونی است که منازعات پیرامون تصامیم مالیاتی می تواند به محکمه راه پیدا نماید(اولاً از طریق پروسه اعتراض، به تعقیب آن از طریق بورد حل منازعات مالیاتی، سپس از طریق درخواست به محکمه).

۵,۱۲ هریک از طرفین (مالیه دهنده یا اداره مالیاتی) درمورد منازعه فیصله شده توسط بورد حل منازعات مالیاتی می تواند به محکمه درخواست نماید. هرگاه طرفین با تصمیم یا قسمت ازان موافق نباشند، می توانند پیرامون ان قسمت از تصمیم که موافق نیستند، درخواست نمایند.

۶,۱۲ درخواست به محکمه باید در خلال ۳۰ روز از صدور تصمیم بورد صورت گیرد. طبق فقره ۲ ماده ۵۸ بورد حل منازعات مالیاتی باید یک نقل کتبی تصمیم را به هریک از طرفین منازعه در خلال ۷ روز از اتخاذ تصمیم ارسال نماید. مدت زمان ۳۰ روز برای درخواست به محکمه از تاریخ ارسال تصمیم بورد محاسبه می گردد.

۷,۱۲ هرگاه اطلاعیه تصمیم به طرفین منازعه در روزهای متفاوت ارسال گردد، آنها در صورت که بخواهند درخواست نمایند، دارای زمانهای انقضای متفاوت خواهد بود.

۸,۱۲ سایر قواعد و طرزالعملهای جهت ارائه درخواست به محکمه در قوانین مالیاتی پیشبینی نگردیده است روی این اساس از شیوه ها و قواعد عمومی محکمه پیروی خواهد شد.

مثال:

خاطره با اداره مالیاتی در ارتباط با تصمیم مالیاتی در منازعه قرار داشته و قضیه توسط بورد حل منازعات مالیاتی استماع گردیده است. بورد در ۵ اسد تصمیم خود را می گیرد و آن را در ۷ اسد به اداره مالیاتی می فرستد. بورد وقت بیشتری را در رساندن تصمیم به خاطره می گیرد (در ۹ اسد ارسال می گردد).

از آنجایی که هر طرف ۳۰ روز جهت ارائه درخواست به محکمه مهلت دارد، اداره مالیاتی باید درخواست خود را تا ۶ سنبله ارائه نماید و آخرین مهلت برای خاطره جهت ارائه درخواست ۸ سنبله می باشد.

تطبیق تصمیم:

۹,۱۲ اداره مالیاتی مکلف است تا تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی را زمانی که نهایی می گردد، تطبیق نماید. از آنجایی که فقره ۲ ماده ۱۲ برای هریک از طرفین منازعه ۳۰ روز برای درخواست به محکمه مهلت می دهد، تصمیم بورد فقط وقتی می تواند نهایی گردد که مدت ۳۰ روز انقضاء گردد در آن صورت هیچ یک از طرفین منازعه نمی تواند درخواست ارائه نماید. طوری که در فقره ۲ ماده ۱۲ پیشبینی گردیده یک تصمیم زمانی نهایی است که طرفین درخواست ارائه ننموده باشند.

مثال :

بادرنظرداشت حقایق توضیح داده شده در مثال فقره ۲ ماده ۱۲ که فوقاً درج می باشد، هرگاه اداره مالیاتی تا ۶ سنبله و مالیه دهنده تا ۸ سنبله درخواست خود را ارائه ننموده باشند، تصمیم نمی تواند تا ۹ سنبله نهایی گردد.

۱۰,۱۲ اداره مالیاتی در صورتی که تصمیم کاملاً به نفع مالیه دهنده نباشد، نباید تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی را تا زمانی که نهایی نگردد، تطبیق نماید. این بدان معنی است در صورتی که تصمیم، یا قسمت از آن، به موضوعی ارتباط بگیرد که مالیه دهنده تا

کنون با ارائه درخواست به محکمه اعتراض داشته باشد، اداره مالیاتی باید تا زمانی که قطعی گردد که هیچ درخواستی ارائه نمی گردد، منتظر باشد.

۱۱,۱۲ اداره مالیاتی در صورتی که تصمیم به صورت کامل به نفع مالیه دهنده بوده و اداره مذکور تصمیم گرفته باشد تا تصمیم بورد را بدون درخواست به محکمه بپذیرد می تواند قبل از نهایی شدن تصمیم به تطبیق آن مبادرت ورزد.

۱۲,۱۲ تصمیم محکمه زمانی نهایی است که حق درخواست به محکمه استیناف در میان نباشد. هیچ محدوده زمانی برای تطبیق وضع نگردیده، با آن هم اداره مالیاتی باید تصمیم را بدون تأخیر تطبیق نماید. تطبیق در خلال ۳۰ روز پیشبینی گردیده مگر اینکه حالات استثنایی مستلزم زمان بیشتر باشد.

۱۳,۱۲ فقره ۳ ماده ۱۲ مشخص نکرده که سرنوشت تصمیم اتخاذ شده در مورد اعتراض مطابق فقره ۱ ماده ۱۲ در صورتی که مالیه دهنده به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست ننماید، چه خواهد شد. واضح است که اداره مالیاتی باید تصمیم خود را تطبیق نماید.

اعتبار اسناد

مادۀ سیزدهم:

(1) تصمیم مالیاتی، اطلاعیۀ تصمیم و سایر اسناد صادر شده یا اجراء شده مطابق احکام قوانین مالیاتی بخاطر نواقص یا اشتباه جزئی که اصل هدف را متأثر نه سازد، از اعتبار ساقط نمی گردد.

(۲) حکم فقرۀ (۱) این ماده زمانی قابل تطبیق میباشد که اسناد آن قانونی بوده و به شخصیکه صادر میگردد، مشخص شده باشد.

نقص یا اشتباه:

۱,۱۳ یک سند صادر شده مطابق قوانین مالیاتی با داشتن نقص یا اشتباه بی اعتبار تلقی نمی گردد. این حکم یادداشتهای سنجش، اطلاعیه ها یا اسناد که در آن تصمیم مالیاتی درج می گردد و سایر اطلاعیه های تصمیم را مطابق قوانین مالیاتی در بر می گیرد. این حکم اسناد صادره توسط اداره مالیاتی یا بورد حل منازعات مالیاتی را نیز در بر می گیرد.

۲,۱۳ اداره مالیاتی، مالیه دهنده، بورد حل منازعات مالیاتی و محکمه باید چنین اسنادی را به حیث اسناد معتبر تا حدی که آنها جزئیات کافی را در بر داشته و مطابق آن عمل می گردد، بپذیرد.

۳,۱۳ در صورتی که نقص یا اشتباه خیلی بزرگ باشد که به مشکل درک یا اجرا گردد، ماده ۱۳ از چنین سندی پشتیبانی نمی کند. در اینگونه موارد نقص یا اشتباه خیلی بزرگ است که امکان مدنظر گرفتن آنچه را که باید سند ارائه نماید از دست داده باشد.

مثال ۱:

یادداشت سنجش مالیات برعایدات صادره توسط اداره مالیاتی حاوی نمبر تشخیصیه، نام مالیه دهنده، آدرس، مالیه قابل پرداخت، تاریخ صدور و سایر معلومات عمومی می باشد. با آن هم، بخاطر ارتکاب اشتباه توسط مسؤول مالیاتی که یادداشت را تهیه می نماید تاریخ پرداخت در آن به صورت نادرست درج گردیده است.

این یادداشت سنجش تا کنون معتبر می باشد. مالیه دهنده نمی تواند در مورد اعتبار آن اعتراض نماید. اداره مالیاتی می تواند یادداشت سنجش را تطبیق نماید، با آن هم، اداره متذکره می تواند با صدور یک مکتوب تاریخ پرداخت را تصحیح نماید.

مثال ۲ :

یادداشت سنجش مالیات برعایدات صادره توسط اداره مالیاتی حاوی نمبر تشخیصیه، نام مالیه دهنده، آدرس، مالیه قابل پرداخت، تاریخ صدور و سایر معلومات عمومی می باشد. با آن هم، بخاطر ارتکاب اشتباه توسط مسؤول مالیاتی در محاسبه مالیه قابل پرداخت، مبلغ ۲۳۰۰ افغانی قابل پرداخت به جای مبلغ درست ۲۸۰۰ افغانی که باید اظهار می گردید، درج شده است.

این یادداشت سنجش تاکنون معتبر می باشد. مالیه دهنده نمی تواند در مورد اعتبار آن اعتراض نماید. اداره مالیاتی می تواند یادداشت سنجش را با گرفتن اقدامات مناسب جهت تحصیل مالیه قابل پرداخت که ۲۳۰۰ اظهار گردیده تطبیق نماید، با آن هم، اداره متذکره باید یک یادداشت تصحیح شده را زمانی که اشتباه کشف می گردد، صادر و مبلغ ۵۰۰ افغانی اضافی را در آن زمان اجرا نماید.

مثال ۳:

یادداشت سنجش مالیات برعایدات صادره توسط اداره مالیاتی حاوی نمبر تشخیصیه، نام مالیه دهنده، آدرس، مالیه قابل پرداخت، تاریخ صدور و سایر معلومات عمومی می باشد. با آن هم، بخاطر مشکل چاپی که مسوول مالیاتی ارسال کننده یادداشت متوجه آن نشده و در یادداشت هیچ مالیه قابل پرداخت مشخص نگردیده یا حاوی محاسبه مالیه دیگر می باشد.

سند که هیچ مالیه قابل پرداخت را نشان ندهد و هیچ محاسبات مالیه معلومات لازم را که مبین تصمیم مالیاتی باشد، ثبت ننماید در این صورت سند صادر شده توسط اداره مالیاتی در این زمینه یک یادداشت سنجش مالیات برعایدات معتبر نمی باشد.

مثال ۴ :

اداره مالیاتی مطابق ماده ۲۲ به مالیه دهنده یادداشت صادر می نماید و وی را هشدار می دهد که در صورتی که وی نتواند اظهارنامه مالیاتی سال ۱۳۹۵ خود را در خلال ۷ روز ارائه نماید، تشبث به صورت موقت مسدود خواهد شد. در واقع مالیه دهنده قبلاً اظهارنامه مالیاتی متذکره را ارائه نموده، مسؤول مالیاتی که یادداشت را تهیه نموده می خواهد پرداخت مبلغ مالیه که تاریخ پرداخت آن گذشته را مشخص نماید.

ماده ۱۳ از معتبر بودن این سند حمایت نمی نماید. اشتباه خیلی بزرگ است که امکان اجرای آن وجود ندارد. اداره مالیاتی نمی تواند به مسدود نمودن موقت تشبث برای عدم پرداخت مالیه ادامه دهد زیرا به مالیه دهنده از اجرای چنین مقصدی اطلاع داده نشده است.

مثال ۵:

عمران با وحید جهت اجرای خدمات ساختمانی قرارداد می نماید. وحید یک مبلغ از مالیه مدیون است که وقت آن گذشته است، لذا اداره مالیاتی مطابق ماده ۱۶ یادداشتی را به عمران صادر و وی را به وضع ۲۰ فیصد از پرداختهای قابل پرداخت به وحید و پرداخت آن به اداره مالیاتی مکلف می نماید. دریادداشت اشتباه صورت گرفته و اشاره به پرداخت معاش یا دستمزد به وحید را دارد، اما درحقیقت وحید به حیث قراردادی کار می کند نه کارمند.

یادداشت تاکنون معتبر است زیرا اشتباه روی توانایی عمران جهت پیروی از مقصد یادداشت تأثیر نمی نماید. شرح نادرست پرداختها به وحید مکلفیت اقدام عمران را که عبارت از وضع ۲۰ فیصد مبالغ قابل پرداخت به وحید است، متأثر نمی نماید.

سند باید قانونی باشد:

۴,۱۳ بخاطر اینکه ماده ۱۳ اعتبار سند را از نقص یا اشتباه محافظت نماید، سند باید قانونی باشد. سند درحالی قانونی می باشد که در قوانین مالیاتی پیشبینی و مطابق قانون ایجاد و صادر گردیده باشد. این شامل به رسمیت شناختن سند توسط شخص باصلاحیت در اداره مالیاتی می باشد.

مثال:

رؤف در بخش ارائه خدمات مالیه دهندگان در اداره مالیه دهندگان بزرگ کار می کند. وی با مالیه دهنده ای ملاقات می کند که به دفتر آمده و در مورد یادداشت سنجش که بعد از بررسی وی صادر گردیده، شکایت می کند. رؤف فکر می کند شکایت مالیه دهنده موجه است، لذا وی پشت کمپیوتر رفته و یادداشت سنجش تعدیل شده را با ایجاد تغییرات که شکایت مالیه دهنده را رفع نماید، تهیه می کند.

یادداشت سنجش صادره توسط رؤف معتبر نمی باشد، زیرا یادداشت متذکره قانونی نمی باشد. رؤف شکایت مالیه دهنده را به ساحه درست اداره مالیاتی جهت ملاحظه ارسال نکرده است و وی شخصاً صلاحیت صدور چنین یادداشتهای را ندارد.

باید دریافت کننده به صورت مناسب مشخص گردد:

۵,۱۳ اداره مالیاتی باید دریافت کننده سند را به صورت مناسب مشخص نماید. این مسئله دو جنبه دارد (جزئیات مندرج سند و سند به کی ارسال گردد).

۶,۱۳ بسیاری اسناد صادره توسط اداره مالیاتی به مالیه دهنده مشخصات نمبر تشخیصیه، نام و آدرس را دارا می باشد. سند همچنان به یک شخص ارسال می گردد، لذا ۴ مشخصه وجود دارد که حین تصمیم ازاینکه آیا سند به شخص مناسب صادر گردید ،یا خیر.

۷,۱۳ سند وقت معتبر پنداشته خواهد شد که حد اقل دو مشخصه شناخت آن درست بوده به شرط اینکه به صورت فیزیکی به شخص درست یا نماینده شخص یا به سکونت فعلی یا آدرس تثبث مالیه دهنده سپرده شود.

مثال ۱ :

مالیه دهنده برای تمدید زمان مطابق فقره ۲ ماده ۱۱جهت ارائه اعتراض درخواست می نماید. اداره مالیاتی تصمیم می گیرد تا درخواست را مسترد و اطلاعیه کتبی به مالیه دهنده زمانی به اداره مالیاتی می آید بدهد. اطلاعیه کتبی دارای نام و آدرس درست مالیه دهنده می باشد اما بعضی نمرات نمبر تشخیصیه موجود نمی باشد. یادداشت تاکنون معتبر می باشد زیرا دارای دو مشخصه شناخت از سه می باشد و به مالیه دهنده واقعی سپرده شده است.

مثال ۲ :

مانند مثال ۱، به استثنای اینکه این بار دارای نمبر تشخیصیه و نام درست می باشد، اما آدرس غلط است. یادداشت تاکنون معتبر می باشد زیرا دارای دو مشخصه شناخت از سه می باشد و به مالیه دهنده واقعی سپرده شده است.

مثال ۳:

مانند مثال ۱، به استثنای اینکه این بار دارای نمبر تشخیصیه و آدرس درست می باشد، اما اشتباهاً نام تجارتی تشبث به جای نام شخصی مالیه دهنده درج گردیده است. یادداشت به آدرس اقامت مالیه دهنده ارسال شده است. یادداشت تاکنون معتبر می باشد زیرا با درنظرداشت تمام حقایق یادداشت به صورت مناسب به مالیه دهنده ارسال گردیده و مشخصه شناخت کافی در یادداشت درج گردیده که آنها باید بدانند که یادداشت برایشان فرستاده شده است.

مسؤلیت اثبات و سایر موارد

مادۀ چهاردهم:

(۱) مالیه دهنده مکلف است، غیر دقیق بودن تصمیم مالیاتی را در هر مرحله منازعه مطابق احکام این فصل، به اثبات برساند.

(۲) هرگاه منازعه مالیاتی بروز نماید، وزارت مالیه الی (۳۰ ٪) مالیه تحت منازعه را تحصیل می نماید.

(۳) درخواست مالیه دهنده به بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه، به موارد مندرج درخواست اعتراض محدود میباشد، مگر اینکه بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه به مالیه دهنده اجازه دهد تا موارد جدید را بر آن اضافه نماید.

تبصره: قبلاً در فقره (۲) این ماده حد بمنظور تحصیل مالیه که مورد منازعه در نظر گرفته نشده بود، حکم تحصیل (۳۰٪) مالیه تحت منازعه در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ ایزاد شده است.

مسؤلیت اثبات – حقایق:

۱,۱۴ هرگاه مالیه دهنده مطابق ماده ۱۱ با مراجعه به بورد حل منازعات مالیاتی یا درخواست به محکمه در مورد تصمیم مالیاتی اعتراض نماید، وی مسؤل است تا هرگونه حقایق منازعه اداره مالیاتی را ثابت نماید. مسؤلیت ثبوت حقایق در هر سطح از منازعه به عهده مالیه دهنده می باشد. مسؤلیت ثبوت تمام مراحل منازعه به شمول ارجاع به بورد حل منازعات مالیاتی نیز به عهده مالیه دهنده می باشد.

۲,۱۴ ماده ۱۴ مسؤلیت ثبوت تمام حقایق مربوط به اداره مالیاتی را بالای مالیه دهنده حکم نمی نماید. آنها فقط مسؤلیت ثبوت حقایق مربوط به تغییر تصمیم متازعه را دارند.

مثال :

اداره مالیاتی مالیه دهنده را بررسی و یادداشت سنجش تعدیل شده که کسرات مال التجاره را کاهش می دهد، صادر می نماید. بررس تعدیل ایجاد می نماید زیرا کمبود شواهد در مورد مبلغ و مصرف خریداریهای مال التجاره در جریان سال مالیاتی وجود داشت. هیچ تغییری دیگری ایجاد نگردیده است.

هرگاه مالیه دهنده بخواهد در مقابل تصمیم اعتراض نماید، مسؤلیت ثبوت نادرست بودن تعدیل را به عهده دارد. این امر معمولاً مستلزم صدور شواهد مستند خریداریها می باشد. در این مورد هیچ تغییری در مورد عواید صورت نمی گیرد، لذا هیچ شواهد در ارتباط با عواید مالیه دهنده لازم نمی باشد.

مسؤلیت اثبات – تعبیر حقوقی:

۳,۱۴ هرگاه منازعه بالای تعبیر حقوقی باشد، مالیه دهنده مسؤلیت ارائه دلایل را در چوکات یک اعتراض و هرگونه ارجاع به بورد حل منازعات مالیاتی را دارا می باشد. هرگاه منازعه به محکمه کشانده شود، هریک از طرفین منازعه برای ارائه دلایل در قسمت از تصمیم بورد که مورد اعتراض می باشد، مسؤل است.

مالیه تحت منازعه قابل پرداخت می باشد:

۴,۱۴ مالیه دهنده نمی تواند از پرداخت مالیه به سادگی با ارائه اعتراض فرار نماید. مبلغ مالیه مطابق قوانین مالیاتی به زمان معین مطابق قانون مربوطه قابل پرداخت می باشد. مالیه اضافی در صورتی که توسط قانون حکم گردد، وضع خواهد شد.

۵,۱۴ اگرچه مالیه قابل پرداخت باقی می ماند، اداره مالیاتی اجازه به تعویق انداختن اقدامات تطبیقی را تا زمانی که منازعه حل و فصل نگردد، خواهد داد. پالیسی ها و رهنمودها به این منظور توسط اداره مالیاتی تنظیم خواهد گردید. به حیث رهنمود عمومی، هرگاه مالیه دهنده (۳۰) ٪ از مالیه منازعه را بپردازد و امکان مؤثق مؤفقیت قسمی یا کلی مالیه دهنده در اعتراض وجود داشته باشد، اقدامات تطبیقی جهت تحصیل مالیه باقیمانده به تعویق انداخته می شود. .

۶,۱۴ در تصمیم اینکه آیا اقدامات تطبیقی برای مالیه منازعه به تعویق انداخته شود یا خیر،اداره مالیاتی می تواند عوامل دیگری را به شمول موارد ذیل مدنظر گیرد:

الف) تاریخچه اطاعت پذیری مالیه دهنده

ب) مبلغ مالیه مرتبط

ج) آیا مالیه دهنده میتواند تضمین کافی برای پرداخت مبلغ تحت منازعه ارائه نماید

د) آیا پرداخت مبلغ مورد بحث منتج به مشکل مالی مالیه دهنده می گردد

ه) آیا فریب کاری در اصل منازعه وجود دارد

و) آیا مالیه دهنده در ارائه معلومات مطالبه شده مطابق قوانین مالیاتی به منظور اتخاذ تصمیم مالیاتی در منازعه ناکام مانده است.

۷,۱۴ آیا امکان مؤثق موفقیت کامل یا قسمی مالیه دهنده در منازعه وجود دارد یا خیر مسئله ای است که اداره مالیاتی باید آن را بطور واقعی و بی طرفانه مدنظر گیرد. تصمیم گیری که مالیه دهنده امکان پیروزی در منازعه را دارد، بدان معنی نیست که اداره مالیاتی انتظار عدم موفقیت مالیه دهنده را داشته باشد.

مثال ۱:

مالیه دهنده بررسی می گردد و نتیجه بررسی منتج به سنجش تعدیل شده گردیده و کسرات استهلاک را تعدیل می نماید. تعدیلات صورت گرفت زیرا مالیه دهنده هیچ شواهد از قیمت اصلی داراییها را در اختیار نداشت. مالیه دهنده طی اعتراض بعضی از شواهد را که از عرضه کنندگان دریافت نموده ارائه می نماید. مالیه دهنده همچنان در اعتراض مدعی می گردد که شواهد بیشتر زمانی که از گدام دریافت گردید به تعقیب ارائه می گردد.

در این مورد چنین وانمود می گردد که مالیه دهنده در اعتراض خویش بعضاً به پیروزی می رسد. پیروزی حتمی نیست اما ممکن است. نتیجه نهایی نامعلوم است، با آن هم اداره مالیاتی در این مورد توجیه می گردد تا بالای پرداخت (۳۰) ٪ مالیه تحت منازعه پافشاری و اقدامات تطبیقی را بالای مبلغ باقیمانده به تأخیر بیندازد.

مثال ۲ :

اداره مالیاتی بررسی مالیه برارزش افزوده را بالای معاملات بین مالیه دهنده و اشخاص مرتبط راه اندازی می نماید. بررس متیقن است که ارزش بعضی از معاملات نادرست است و تعدیلات را مبنی بر تشخیص ارزشهای بازار به وجود می آورد.

مالیه دهنده در مقابل ارزشها اعتراض می نماید. اعتراض شامل بعضی دلایل در مورد قیمت گذاری و بعضی شواهد از تشبثات غیر مرتبط دیگر در مورد ارزشهای معاملات مشابه می باشد.

در این مورد تردید موثق در مورد قیمت ها درست بازار برای معاملات وجود دارد. تحقیقات بیشتر لازم است، لذا تحصیل (۳۰) ٪ از مالیه قابل پرداخت و به تعویق انداختن اقدامات تطبیقی بالای مبلغ باقی مانده توجیه پذیر می باشد.

مثال ۳ :

مالیه دهنده سه خانه بزرگ را ساخته و آنها را برای مفاد فروخته است. اداره مالیاتی در می یابد که این مفاد در اظهارنامه مالیاتی مالیه دهنده گنجانده نشده و یادداشت سنجش تعدیل شده که شامل مالیه بالای مفاد متذکره می باشد را صادر می نماید. مالیه دهنده طی اعتراض ادعا می نماید که چنین مفادها به منظور مالیات برعایدات قابل سنجش نمی باشد. در اعتراض هیچ دلیل حقوقی جهت حمایت ادعا، درج نگردیده است.

در این مورد، با درنظرداشت ماده ۲۰ قانون مالیات برعایدات، اعتراض مالیه دهنده به موفقیت نمی انجامد. اداره مالیاتی باید اقدامات تطبیقی را جهت پرداخت کامل مبلغ مالیه قابل پرداخت روی دست گیرد.

دلایل جهت به منازعه کشاندن تصمیم اعتراض:

۸,۱۴ مالیه دهندگان باید محتاطانه دلایل که در اسناد اعتراض (به ماده ۱۱ مراجعه نمایید) تسلیم می گردد، مدنظر گیرد. هرگاه مالیه دهنده با تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی در ارتباط با اعتراض خود قناعت نداشته باشد، وی فقط می تواند همان دلایل را در وقت مراجعه به اداره یا مراجع حل منازعات مالیاتی مطرح نماید. همان دلایل در درخواست به محکمه نیز قابل تطبیق است.

۹,۱۴ مالیه دهنده می تواند دلایل خود را به بورد یا محکمه دوباره بیان نماید اما دلایل تجدید شده باید مبتنی بر دلایل اصلی اظهار شده در اعتراض شان باشند. مالیه دهنده می تواند همچنان شواهد جدید را به بورد یا محکمه (مطابق قواعد محکمه) طوری که با دلایل مندرج اعتراض مرتبط باشند، معرفی نماید.

مثال:

در نتیجه بررسی، اداره مالیاتی بعضی مصارف ادعا شده توسط مالیه دهنده مجرا نمی نماید زیرا به این باور است که مصارف برای تجهیزات سرمایه وی می باشد. مالیه دهنده اعتراض را ارائه و ادعا می نماید که اجناس مذکور مواد و اجناس مصرفی بوده است.

بعد از اینکه اداره مالیاتی اعتراض را غیر مجاز دانسته مالیه دهنده به بورد حل منازعات مالیاتی جهت ارزیابی درخواست می نماید و می پذیرد که مصارف جزء خریداریهای تجهیزات بوده است اما ادعا می نماید که کسر مصارف به خاطر از بین رفتن تجهیزات در آتش سوزی صورت گرفته است.

بورد می تواند این استدلال را که یک دلیل جدید بوده و قبلاً در اعتراض درج نگردیده است، مسترد نماید.

۱۰,۱۴ بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه می تواند جهت طرح دلایل جدید به مالیه دهنده اجازه دهد.

فصل پنجم
تحصیل مالیات

پرداخت مالیه

مادهٔ پانزدهم:

(۱) مالیه دهنده مکلف است ، مالیهٔ ذمت خویشرا مطابق احکام قوانین مالیاتی تأدیه نماید.

(۲) مالیه دهنده، بنابر موجودیت دلایل مؤجه، میتواند به منظور تمدید زمان پرداخت مالیه ذمت خویش به اداره مالیات درخواست کتبی را در خلال مدت مندرج قوانین مالیاتی، ارایه نماید .

(۳) در حالت مندرج فقرهٔ (۲) این ماده، اداره مالیات میتواند با نظر داشت دلایل، وضعیت مالی و اسناد ضمیمه درخواست مالیه دهنده زمان پرداخت مالیه را تمدید یا پرداخت را به اقساط منظور و مالیه دهنده را کتباً اطلاع دهد.

(۴) هرگاه مالیه دهنده در پرداخت اقساط تعلل نماید، مجموع مبلغ پرداخت ناشده طور یکبارگی از وی قابل تحصیل میباشد.

(۵) تمدید زمان پرداخت یا پرداخت به اقساط مانع وضع مالیات اضافی بابت تأخیر در پرداخت مالیات نمی گردد.

(۶) هرگاه اداره مالیات به اساس مدارک دست داشته، متیقن گردد که مالیه دهنده قبل از موعد معیین تادیه مالیه ؛افغانستان را ترک مینماید؛ مالیه به تاریخی قابل پرداخت میباشد که اداره مالیات آن را تعیین و ذریعهٔ اطلاعیه کتبی به مالیه دهنده اطلاع می دهد.

درخواست برای تمدید زمان پرداخت:

۱,۱۵ مالیه دهنده می تواند جهت پرداخت مالیه درخواست تمدید نماید. درخواست می تواند به تمدید زمان برای پرداخت مبلغ کامل یا برای موافقه پرداخت به اقساط اشاره نماید. یک مالیه دهنده می تواند جهت تمدید زمان ارائه اظهارنامه مطابق ماده ۷ و تمدید زمان پرداخت مطابق ماده ۱۵ در عین زمان درخواست نماید.

۲,۱۵ در درخواست تمدید زمان باید با دلایل توضیح داده شود که چرا مالیه دهنده نمی تواند مالیه قابل پرداخت را بپردازد. اداره مالیاتی می تواند به این منظور فورمه مناسب را فراهم و اسناد حمایوی در ارتباط به معلومات مندرج درخواست را مطالبه نماید.

۳,۱۵ مالیه دهنده باید دوره تمدید تقاضا شده را در درخواست خود اظهار نماید.

۴,۱۵ ضرور نیست تمام دلایل که برای تمدید زمان معقول می باشد، لست گردد. در ذیل مثالهای از بعضی حالت ها ذکر گردیده که توجیه کننده تمدید زمان می باشند:

- مالیه دهنده یا تشبث وی به صورت جدی توسط حوادث طبیعی مثل آتش سوزی، سیل یا زلزله متأثر گردیده است؛
- مالیه دهنده یا تشبث وی به صورت جدی توسط آشوب مدنی یا جنگ متأثر گردیده است؛
- منفعت زایی تشبث مالیه دهنده به دلیل بیماری جدی یا زخم خوردگی وی متأثر گردیده است؛
- عضو نزدیک فامیل مالیه دهنده وفات نموده یا از بیماری یا زخم خوردگی رنج می برد و مالیه دهنده دارای مسؤولیت یا مکلفیت مهم فامیلی بوده تا در زمان ادای مالیه باید برآورده نماید؛
- محلات موجود جهت پرداخت مالیه به دلیل حوادث طبیعی، جنگ و آشوب مدنی بسته می باشد.

۵,۱۵ هرگاه مالیه دهنده برای تمدید زمان به دلیل مشکلات مالی درخواست می نماید باید در درخواست ، صورت حساب دوران پولی مالیه دهنده برای دوره که وی درخواست تمدید یا پرداخت به اقساط نموده است، شامل باشد. این به معنی ارائه پیشبینی تخمینی

عواید به شمول جدول از تاریخ های که چه موقع عواید به دست می آید، می باشد. همان پروسه باید در ارائه زمان بندی فعالیت و مصارف شخصی متوقعه توسط مالیه دهنده تعقیب گردد.

به علاوه، صورت حساب مکلفیتها و داراییهای مالیه دهنده باید در درخواست شامل گردد. این شامل مبالغ بیلانسهای نگهداشته شده، بیلانسهای حساب بانکی و جایدادهای منقول و غیر منقول می باشد. هرگاه مالیه دهنده صورت حساب نادرست را در درخواست خود بگنجاند مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ مرتکب تخلف می گردد.

۶,۱۵ درخواست باید بیانگر تمدید زمان که توسط مالیه دهنده لازم پنداشته می شود، باشد. در صورتی که درخواست پرداخت به اقساط باشد، مالیه دهنده باید مبالغ و زمانهای پیشنهادی اقساط را با جزئیات بیان کند.

۷,۱۵ بخاطر اینکه درخواست مطابق ماده ۱۵ رسمی باشد باید در تاریخ معینه مالیه که تمدید برای آن درخواست گردیده، ارائه گردد. با ارائه درخواست به موقع، مالیه دهنده حق دارد تصمیم گرفته شده توسط اداره مالیاتی را که بالای درخواست صورت گرفته به منازعه بکشاند. مطابق فقره ۳ ماده ۱۵ تصمیم در توضیح تصمیم مالیاتی مطابق ماده ۳ شامل می باشد و لذا می تواند مطابق طرزالعملهای مندرج فصل ۴ به منازعه کشانده شود.

۸,۱۵ اداره مالیاتی باید درخواست را مدنظر گرفته و تصمیم بگیرد تا آن را مسترد یا بپذیرد. در صورت مسترد نمودن درخواست، اداره مالیاتی باید دوره تمدید کوتاه تر یا موافقه اقساط که مغایر با آنچه که توسط مالیه دهنده پیشنهاد گردیده، اجازه دهد.

۹,۱۵ اداره مالیاتی باید در مورد درخواست تصمیم بگیرد. طبق قانون هیچ محدوده زمانی در اتخاذ تصمیم وضع نگردیده اما باید در خلال دوره زمانی معقول صورت گیرد. در بسا موارد تصمیم باید در خلال ۱۴ روز گرفته شود، مگر اینکه درخواست ناتکمیل یا معلومات بیشتر لازم باشد. تصمیم باید به صورت کتبی به مالیه دهنده ارائه گردد.

تأخیر درخواستها:

۱۰,۱۵ مالیه دهنده می تواند بعد از تاریخ معینه تادیه مالیه درخواست ارائه نماید اما به حیث درخواست غیر رسمی تلقی می گردد. چنین درخواستی در مطابقت با فقره ۲ ماده ۱۵ نمی باشد، لذا تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی بالای درخواست مطابق فقره ۳ ماده ۱۵ نخواهد بود. این بدان معنی است که تصمیم یک تصمیمی نخواهد بود که توسط مالیه دهنده مورد منازعه قرارداده شود.

۱۱,۱۵ با وجودی که تصمیم اداره مالیاتی در مورد درخواست به تأخیر ارائه شده تابع منازعه توسط مالیه دهنده نمی باشد، اداره مالیاتی باید به صورت دقیق طبق معلومات ارائه شده توسط مالیه دهنده آن را مورد ملاحظه قرار داده و تصمیم عادلانه مطابق به پالیسها اتخاذ نماید.

۱۲,۱۵ مجاز قراردادن درخواستهای به تأخیر ارائه شده به نفع تطبیق مؤثر قوانین مالیاتی می باشد و هرگاه حالات معقول باشد اقدام تطبیقی را جهت تمدید زمان پرداخت به تأخیر انداخته شود. این امر به اداره مالیاتی اجازه می دهد تا بالای تطبیق قانون آن عده از مالیه دهندگانی که تبعیت نمی نمایند، تمرکز کند.

۱۳,۱۵ سایر اقدامات تطبیقی که در قانون اداره امور مالیات پیشبینی گردیده و مالیه دهندگان را به موافقه، مطابق ماده ۱۵ تشویق می نماید. یا در صورتی موافقه مالیه دهنده مطابق ماده ۱۵ اقدام تطبیقی متوقف می گردد. به صورت مشخص، یک موافقه که طی آن تادیه مالیه به تاخیر انداخته شده را مالیه دهنده به اقساط بپردازد بعمل امده میتواند. به فقره ۱ ماده ۱۷، فقره ۲ ماده ۲۰ و فقره ۴ ماده ۲۲ مراجعه نمایید.

۱۴,۱۵ از آنجایی که اقدامات تطبیقی عموماً نمی تواند تا بعد از زمان معین پرداخت مالیه شروع گردد، واضح است که قصد آن وجود دارد که مالیه دهندگان و اداره مالیاتی بتوانند بالای پرداخت به اقساط مطابق ماده ۱۵ توافق نمایند. با آن هم، این امر تابع منازعه توسط مالیه دهنده نمی باشد.

مالیه اضافی تأخیر پرداخت:

۱۵،۱۵ تحصیل مالیه تأثیر دارد. این کار مانع مالیه اضافی تأخیر پرداخت نمی گردد. ماده ۳۴ می تواند مالیه اضافی تأخیر پرداخت را از تاریخ معینه پرداخت مالیه تا دوره که درخواست مدنظر گرفته می شود و هر دوره که تمدید توسط اداره مالیاتی اجازه داده می شود، وضع نماید.

۱۶،۱۵ از آنجایی که تمدید زمان پرداخت مطابق ماده ۱۵ مانع وضع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ نمی گردد، لزومی ندارد که در هر مورد پرداخت شود. در موارد خیلی استثنایی اداره مالیاتی می تواند تصمیم بگیرد که مالیه اضافی را بالای تأخیر پرداخت زمانی که تمدید ها مطابق ماده ۱۵ اعطاء گردیده باشد، وضع ننماید. موارد خیلی استثنای می تواند زمانی شامل گردد که تشبث مالیه دهنده توسط آفات طبیعی یا آفات ملی متأثر گردیده باشد. در چنین مورد تمدید زمان جهت پرداخت مالیات مطابق ماده ۱۵ می تواند اعطاء گردد و تاریخ پرداخت بعدی مالیه بعد از تمدید زمان تاریخی است که مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ شروع به وضع شدن می گردد.

منازعه بر تصمیم اداره مالیاتی در مورد تمدید زمان:

۱۷،۱۵ تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی جهت مسترد نمودن درخواست تمدید زمان برای پرداخت مالیه که در زمان معینه ارائه گردیده طبق تعریف ماده ۳ تصمیم مالیاتی می باشد و مطابق ماده ۱۱ می تواند علیه آن اعتراض شود. تصمیم وزارت (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

به جلو انداختن تاریخ پرداخت:

۱۸،۱۵ فقره ۶ ماده ۱۵ به اداره مالیاتی صلاحیت می دهد تا تاریخ پرداخت مالیه را در صورتی داشتن شواهد که مالیه دهنده ممکن افغانستان را قبل از تاریخ معینه پرداخت ترک نماید، به جلو اندازد. به منظور مشخص نمودن تاریخ پرداخت مکلفیت مالیاتی در قدم اول مکلفیت مالیاتی باید وجود داشته یا ایجاد شده باشد.

۱۹،۱۵ در مورد مکلفیت مالیاتی که تا کنون در اظهارنامه مالیاتی ارائه شده یا یادداشت سنجش صادره درج نگردیده باشد، به منظور تطبیق فقره ۶ ماده ۱۵ اداره مالیاتی باید در قدم اول یادداشت سنجش تهیه و مالیه قابل پرداخت را مشخص نماید. این امر مطابق فقره ۵ ماده ۸ صورت می گیرد.

۲۰،۱۵ صلاحیت پیشبینی شده در فقره ۶ ماده ۱۵ می تواند با موافقه یا بدون موافقه مالیه دهنده مورد استفاده قرار گیرد.

مثال:

در ۲۰ دلو سال ۱۳۹۵، اداره مالیاتی به معلوماتی دست می یابد که آقای صورت قصد ترک افغانستان را با فامیلش دارد. صورت دارای یک تشبث که ثبت مالیه برارزش افزوده می باشد، است. وی درحال حاضرا زمالیه مقروض نمی باشد، با آن هم، تا کنون اظهارنامه مالیاتی خود را برای سال مالیاتی ۳۰ قوس ۱۳۹۵ یا اظهارنامه مالیه برارزش افزوده را برای ربع که در همان تاریخ ختم می گردد، ارائه ننموده است.

طبق فقره ۵ ماده ۸ اداره مالیاتی می تواند فوراً یادداشت سنجش را برای مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده وی تهیه نماید. در صورتی که اداره مالیاتی یادداشت سنجش برای هر مالیه را در ۲۰ دلو ۱۳۹۵ صادر نماید، می تواند هر تاریخی را از ۲۰ دلو ۱۳۹۵ انتخاب نماید.

منازعه بر تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر جلو انداختن تاریخ معینه:

۲۱,۱۵ تصمیم اداره مالیاتی جهت جلو انداختن تاریخ معینه مالیه به این باور که مالیه دهنده ممکن افغانستان را ترک نماید، مطابق تعریف مندرج ماده ۳ یک تصمیم مالیاتی است و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست نماید.

تطبیق قانون بر مبالغ کوچک و مبالغ غیر اقتصادی:

۲۲,۱۵ تمام مکلفیتهای مالیاتی مطابق قوانین مالیاتی قابل پرداخت می باشد. با آن هم، اداره مالیاتی صلاحیت دارد تا برای اقدام تطبیق قانون به منظور تحصیل مالیه معوق اولیت بالاتر یا پایین تر قایل شود. به صورت عموم مبالغ بزرگتر در اولویت بالاتر قراردارد. زمان تعویق مورد ملاحظه قرار می گیرد (قروض قدیمی تر در اولویت بالاتر قرار می گیرد). به علاوه، مدنظر گرفتن هزینه تحصیل مالیه در مقابل مبلغ مکلفیت مالیاتی یک شیوه اداری حسنه می باشد. وزارت مالیه به شمول اداره مالیاتی مکلف است تا از منابع خود تا حد امکان استفاده مؤثر نمایند. مؤثریت ایجاب نماید که این منابع باید جهت افزایش عواید مالیاتی در دراز مدت مورد استفاده قرار گیرند.

۲۳,۱۵ مقررات این اصول را با ارائه دو قواعد برای به تعویق یا به تأخیر انداختن تطبیق قانون جهت تحصیل مالیه معوق، کمک می نماید. اولین قاعده این است که اداره مالیاتی می تواند اقدامات تطبیقی را در برابر مالیه دهنده جای که مجموع مکلفیت مالیاتی کمتر از ۱۰۰۰ افغانی باشد، به تعویق یا به تأخیر بیندازد.

۲۴,۱۵ قاعده دومی این است که اداره مالیاتی می تواند اقدامات تطبیقی را جای که تمام هزینه های تخمینی تحصیل برای دولت بیشتر از مبلغ مجموعی مکلفیت مالیاتی گردد، به تعویق (به تأخیر) بیندازد. هزینه های مربوطه می تواند شامل مصارف معاش کارکنان مالیاتی مصروف تطبیق قانون بعلاوه هزینه های اداری می باشد.

۲۵,۱۵ تأخیر یا تعویق اقدام تطبیقی جهت تحصیل مالیه به هیچ صورت بالای مکلفیت مالیه مذکور تأثیر نمی نماید. از مالیه دهنده تا کنون انتظار پرداخت مبلغ می رود و این در حساب حفظ شده توسط اداره مالیاتی قابل پرداخت باقی خواهد ماند. در صورت مرتبط بودن، وقوع مالیه اضافی تأخیر پرداخت نیز ادامه خواهد داشت.

شناسایی مبلغ پرداخت شده:

۲۶,۱۵ مالیه دهندگان طبق قانون مکلف اند تا مکلفیت های مالیاتی خود را بپردازند. دو امر جهت برآورده نمودن مکلفیت لازم می باشد. اول آنها باید پول را به دولت بپردازند. دوماً آنها باید مکلفیت مالیاتی را که باید پرداخت گردد، مشخص نمایند. مقرره ها این مکلفیت را اثبات خواهد کرد.

۲۷,۱۵ هرگاه مالیه دهنده بدون مشخص نمودن مکلفیت مالیاتی قابل پرداخت، پرداخت نماید، پرداخت در حساب معوق به صورت مبلغ قابل مجرایی مالیه دهنده یادداشت می گردد. این مبلغ قابل مجرایی تا زمانی به سود مالیه دهنده ثبت می گردد که وی حصه مکلفیت مالیاتی خود را مشخص نماید.

۲۸,۱۵ وضع مالیه اضافی برای تأخیر در پرداخت مکلفیت مالیاتی تا زمانی ادامه پیدا می کند که پرداخت بتواند به مکلفیت مالیاتی تخصیص یابد.

تحصیل مالیات تأدیه ناشده مالیه دهنده ازشخص سوم

مادهٔ شانزدهم:

(۱) اداره مالیات می تواند، بدون موافقه مالیه دهنده، بالاثر اطلاعیهٔ کتبی، مالیه تأدیه ناشده را از شخص سوم تحصیل نماید.

(۲) در حالت مندرج فقرهٔ(۱) این ماده ، شخص سوم مکلف به تأدیه کل یا قسمت از مالیه تأدیه ناشده ومالیه اضافی مربوط به آن در میعاد پیشبینی شده اطلاعیه میباشد. تاریخ پرداخت مندرج اطلاعیه قبل از تاریخ مکلف شدن شخص سوم به پرداخت، بوده نمیتواند.

(۳) در حالت مندرج فقرهٔ (۲) این ماده، شخص سوم مکلف به تأدیه مبلغ اضافه تر از مبلغ که از مالیه دهنده نزد وی بوده ویا از او مقروض است، نمی باشد .

(۴) شخص سوم که مکلف به وضع مبالغ مندرج اطلاعیه از معاش یا دستمزد میباشد، نمیتواند اضافه تر از بیست فیصد چنین تأدیات را به منظور این ماده، وضع نماید .

(۵) ادارهٔ مالیات اصل اطلاعیهٔ مندرج این ماده را به شخص سوم و نقل آن را به مالیه دهنده ارسال می نماید.

تحصیل مالیه از شخص سوم:

۱,۱۶ اداره مالیاتی می تواند مالیه پرداخت ناشده را از اشخاص سوم تحصیل نماید. شخص سوم در ماده ۳ تعریف گردیده است و عموماً شخصی است که برای مالیه دهنده پول نگهداری می نماید ویا در آینده نگهداری خواهد کرد یا از مالیه دهنده مقروض بوده یا مقروض خواهد شد.

مثال:

استخدام کننده مالیه دهنده ، شخص سوم می باشد که استخدام کننده مذکور در طی زمان از مالیه دهنده مدرک معاش یا مزد مقروض (معاش یا دستمزد) می گردد.

۲,۱۶ صلاحیت تحصیل مالیه مطابق ماده ۱۶ عموماً زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که اداره مالیاتی از قبل اقدامات دیگری را جهت تحصیل مالیه از مالیه دهنده گرفته باشد. حداقل اداره مالیاتی باید یک تذکر نامه کتبی به مالیه دهنده جهت اطلاع وی از مبلغ قابل پرداخت، ارسال نموده باشد.

۳,۱۶ به منظور تحصیل مکلفیت مالیه پرداخت ناشده از شخص سوم، اداره مالیاتی باید اطلاعیه کتبی به شخص سوم صادر نماید. این "اطلاعیه تحصیل" خوانده می شود. این اطلاعیه تحصیل ارایه شده به شخص سوم باید مالیه دهنده را که یادداشت به وی تعلق دارد و پرداخت مبلغ قابل پرداخت که شخص سوم باید برای اداره مالیاتی وضع نماید، را مشخص نماید.
اطلاعیه تحصیل همچنان باید مبلغ را که توسط شخص سوم وضع یا به حساب اداره مالیاتی پرداخت گردد و تاریخ را که به اداره مالیاتی تأدیه شده را نیز مشخص نماید.

۴,۱۶ یک نقل از اطلاعیه تحصیل باید به مالیه دهنده داده شود. هیچ محدوده زمانی در قانون مشخص نگردیده، با آن هم باید تا حد امکان به تاریخ که اطلاعیه به شخص سوم داده می شود، نزدیک باشد.

تاریخ پرداخت:

۵،۱۶ تاریخ مشخص شده می تواند تاریخ مخصوص باشد، یا می تواند تاریخ که به وقوع یک واقعه اشاره دارد، باشد. در ذیل مثال از هرکدام ارائه گردیده است:

- پرداخت در تاریخ ۲۰ سنبله ۱۳۹۵ اجرا گردد؛ یا
- در خلال ۷ روز از پرداخت معاش بعدی پرداخت گردد.

۶،۱۶ تاریخ پرداخت به اداره مالیاتی توسط شخص سوم نمی تواند قبل از تاریخ مکلفیت پرداخت شخص سوم به مالیه دهنده باشد. بگونه مثال، استخدام کننده ای که به حیث شخص سوم به وی اطلاعیه داده شده مکلف به پرداخت از مبلغ معاش قابل پرداخت به کارمند گردیده، نمی تواند برای پرداخت تا روزی که معاش قابل پرداخت نشده باشد، مکلف گردد.

۷،۱۶ حین تعیین زمان پرداخت، اداره مالیاتی باید تعداد روزهای منطقی را برای شخص سوم با درنظرداشت مستوجبات اداری، اجازه دهد. بگونه مثال، استخدام کننده که به عنوان شخص سوم مکلف به پرداخت از مبلغ معاش قابل پرداخت به کارمند می باشد باید حد اقل ۷ روز بعد از پرداخت معاش به حیث دوره ای که مبلغ کسر شده به اداره مالیاتی پرداخت گردد، اجازه داده شود.

۸،۱۶ در مورد شخص سوم که پول نزد وی می باشد و به یک تیلفون در اختیار مالیه دهنده قرار می گیرد (بگونه مثال، بانک که وجوه را در یک حساب برای مالیه دهنده نگاه می دارد) مکلفیت بین بانک و مالیه دهنده جاری مدنظر گرفته می شود. در چنین حالت شخص سوم مکلفیت دارد تا هر زمانی که مالیه دهنده درخواست نماید وجوه را پرداخت یا ارائه نماید. به همین خاطر تاریخ پرداخت در اطلاعیه صادره به شخص سوم می تواند در هرزمانی به شمول فوراً بعد از دریافت اطلاعیه تعیین گردد.

مبلغ پرداخت:

۹،۱۶ شخص سوم را نمی توان مکلف نمود تا به اداره مالیاتی بیشتر از مبلغ که به مالیه دهنده مکلف باشد، بپردازد.

مثال:

مالیه دهنده در بانک وردک یک حساب بانکی با بیلانس ۱۰۰۰۰ افغانیگی دارد. هرگاه اداره مالیاتی مطابق ماده ۱۸ به بانک اطلاعیه صادر نماید، حداکثر مبلغ قابل اجرا که بانک مکلف به پرداخت آن می باشد، ۱۰۰۰۰ افغانی است.

۱۰،۱۶ هرگاه در اطلاعیه صادره توسط اداره مالیاتی مبلغ بیشتر از مکلفیت شخص سوم به مالیه دهنده، مشخص گردد، اطلاعیه بی اعتبار نمی باشد (به ماده ۱۴ مراجعه نمایید). اطلاعیه معتبر است، اما فقط تا مبلغ که شخص سوم به مالیه دهنده مکلف است، قابل اجرا می باشد.

۱۱،۱۶ مبلغ قابل پرداخت به اداره مالیاتی می تواند به طرق مختلف مبتنی بر حالات بیان گردد. در ذیل بعضی مثالها ارائه می گردد:

- پرداخت مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی از حساب بانکی مالیه دهنده؛
- کسر ۲۰ فیصد از معاش در هر دوره پرداخت؛
- پرداخت عایدات فروش دارایی تا ۱۰۰۰۰ افغانی.

۱۲،۱۶ مبلغ قابل کسر از معاش یا دستمزد تابع محدودیت خاص می باشد. حداکثر مبلغ که استخدام کننده مطابق ماده ۱۶ مکلف به پرداخت آن می باشد، ۲۰ فیصد از معاش یا دستمزد قابل پرداخت به کارمند می باشد. این محدودیت برای هر معاش یا دستمزد قابل پرداخت در دوره پرداخت، تطبیق و محاسبه می گردد. در مبلغ، مبلغ ناخالص پرداخت به شمول تمام امتیازات، اضافه معاش، جایزه یا اضافه کاری یا درآمد مشابه مدنظر گرفته می شود. حد اکثر ۲۰ فیصد مطابق ماده ۱۶ بالای مبلغ ناخالص قبل از وضع مالیه یا سایر کسرات تطبیق می گردد.

۱۳،۱۶ در اطلاعیه صادره به استخدام کننده مطابق ماده ۱۶ مبلغ که به حیث فیصدی از پرداخت هر معاش یا دستمزد باید پرداخت گردد (تا مبلغ حد اکثر)، مشخص شود، ارجحیت داده شود . بگونه مثال:

۱۴،۱۶ "شما مکلف هستید تا به اداره مالیاتی ۱۵٪ از پرداخت ناخالص معاشات را تا زمانی که مجموع چنین پرداختها به ۱۰۰۰۰ افغانی برسد، پرداخت نمایید."

۱۵،۱۶ حین تصمیم اخذ مبلغ از شخص سوم مطابق ماده ۱۶، اداره مالیاتی در مورد مالیه دهنده که شخص حقیقی است باید مدنظر گیرد که آیا این امر مالیه دهنده یا نزدیکان وی را در تنگ دستی قرار می دهد یا خیر. تنگ دستی زمانی ناشی می گردد که وضع مبلغ مطابق ماده ۱۶ باعث گردد تا مالیه دهنده نتواند غذا و نیازهای اولیه خود و خانواده خود را بر آورده نماید. در صورتی که مبلغ یا فیصدی قابل کسر از معاش یا دستمزد باعث تنگ دستی گردد، باید در حد مناسب کاهش داده شود.

منازعه بالای تصمیم اداره مالیاتی جهت تحصیل از شخص دیگر:

۱۶،۱۶ تصمیم اداره مالیاتی جهت تحصیل مالیه (مطابق این ماده) از شخص دیگر یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت مالیه (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

۱۷،۱۶ تصمیم مالیاتی مربوطه در این مورد می تواند تصمیم تحصیل از شخص، یا تصمیم مبتنی بر مبلغ که باید از آن شخص تحصیل گردد، یا هردو باشد.

۱۸،۱۶ شخصی که تصمیم مالیاتی را مطابق این ماده مورد منازعه قرار می دهد، قسمی پنداشته میشود که مالیه دهنده ذمت مالیاتی خویش را ادا نکرده است.

۱۹،۱۶ اداره مالیاتی اختیار دارد تا چه موقع از صلاحیت مندرج ماده ۱۶ استفاده نماید. عموماً اداره متذکره از این صلاحیت جهت تحصیل مبالغ کوچک استفاده نمی نماید(در صورتی که مبلغ مالیه پرداخت ناشده بالغ بر ۱۰۰۰ افغانی باشد (مقرره)).

تعدیل اطلاعیهٔ تحصیل مالیه به شخص سوم

مادهٔ هفدهم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده، تمام مبلغ مندرج اطلاعیه یا قسمت آنرا تأدیه نماید یا طبق حکم فقرهٔ (۳) ماده پانزدهم این قانون موافقه صورت گرفته باشد،اداره مالیات اطلاعیهٔ مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون را باطل یا تعدیل نموده و در مورد به شخص سوم طور کتبی اطلاع میدهد.

(۲) هرگاه شخص سوم مطابق حکم ماده شانزدهم این قانون اطلاعیه را دریافت نماید، میتواند به ادارهٔ مالیات به مقصد تعدیل مبلغ یا تعدیل تاریخ معینه مندرج اطلاعیه،کتباً درخواست ارایه نماید.

(۳) در حالت مندرج فقرهٔ (۲) این ماده ،ادارهٔ مالیات درخواست را ارزیابی نموده وتصمیم خویش را در مورد به شخص سوم و مالیه دهنده ابلاغ مینماید.

(۴) اطلاعیهٔ که مطابق حکم این ماده صادر میگردد جایگزین اطلاعیه مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون دانسته میشود.

لغو یا تعدیل اطلاعیه:

۱,۱۷ هرگاه مکلفیت مالیاتی مربوط به اطلاعیه تحصیل، پرداخت گردد یا اداره مالیاتی مطابق فقره ۳ ماده ۱۵ بالای تمدید زمان پرداخت یا پرداخت به اقساط توافق نماید، اطلاعیه تحصیل لغو گردد و اطلاعیه کتبی ، باید به شخص سوم ابلاغ گردد.

۲,۱۷ پرداخت های صورت گرفته ،طبق اطلاعیه تحصیل توسط شخص سوم به حیث پرداخت تحت صلاحیت مالیه دهنده طبق فقره ۱ ماده ۱۸ تلقی می گردد. با آن هم، اداره مالیاتی مکلف به لغو یا تعدیل اطلاعیه تحصیل در هرزمانی که پرداخت صورت بگیرد، نمی باشد. هر پرداخت به سادگی با اطلاعیه اصلی هماهنگ خواهد بود.

۳,۱۷ احکام فقره ۱ ماده ۱۷ نمی تواند اداره مالیاتی را از لغو داوطلبانه یا تعدیل اطلاعیه تحصیل بنا به دلایل دیگر، جلوگیری نماید. بطور مثال، اداره مالیاتی می تواند اطلاعیه تحصیل را تعدیل یا تغییر دهد در صورتی که دریابد که پیروی از اطلاعیه اصلی باعث محدودیت به مالیه دهنده یا وابستگان وی می گردد.

۴,۱۷ هیچ محدوده زمانی جهت صدور اطلاعیه لغو در این قانون درج نگردیده است، با آن هم، اداره مالیاتی باید در اسرع زمان ممکن اطاعت نماید. قانون ارائه یک کاپی اطلاعیه لغو به مالیه دهنده را مکلف ننموده، با آن هم، انجام این کار برای اداره مالیاتی یک شیوه معقول می باشد.

درخواست تغییر:

۵,۱۷ شخص سوم با دریافت اطلاعیه تحصیل می تواند برای تغییر مبلغ یا تاریخ پرداخت مبلغ مندرج اطلاعیه درخواست نماید. اداره مالیاتی باید در مورد درخواست تصمیم بگیرد و اطلاعیه کتبی تصمیم را به هردو شخص سوم و مالیه دهنده ارسال نماید.

۶,۱۷ اطلاعیه تصمیم در ارتباط با تغییر پذیری منحیث جایگزین اطلاعیه تحصیل به شرطی که (اطلاعیه اصلی را تغییر دهد) تلقی می گردد. تصمیم اطلاعیه هرگونه معلومات مندرج اطلاعیه تحصیل اصلی را تا اندازه که هیچ تغییری در آن رو نما نگردد را در بر می گیرد.

۷،۱۷ مالیه دهنده نمی تواند شخصاً چنین درخواستهای را مستقیماً به اداره مالیاتی ارائه نماید. در صورتی که مالیه دهنده بخواهد اطلاعیه تحصیل تغییر نماید، می تواند از شخص سوم تقاضا نماید تا به نمایندگی از وی چنین کاری انجام دهد. مالیه دهنده می تواند درخواست را تهیه و با امضاء و منظوری شخص سوم ارائه نماید، و این درخواست به حیث درخواست رسمی توسط شخص سوم تلقی می گردد.

۸،۱۷ مالیه دهنده می تواند درخواست غیر رسمی برای تغییر اطلاعیه تحصیل را بدون معلومات یا منظوری شخص سوم ارائه نماید. اداره مالیاتی می تواند چنین درخواستی را در نظر گرفته و پیرامون آن اقدام نماید. با آن هم، چنین درخواستی مطابق به فقره ۲ ماده ۱۷ نمی باشد و تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی در مورد درخواست تصمیمی نیست که در فقره ۳ ماده ۱۷ پیشبینی گردیده است.

منازعه بالای تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر تغیر اطلاعیه تحصیل:

۹،۱۷ تصمیم اداره مالیاتی مطابق فقره ۳ ماده ۱۷ در ارتباط با درخواست برای تغییر اطلاعیه مندرج ماده ۱۶ یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم یا عدم تصمیم وزارت مالیه در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده، که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

۱۰،۱۷ شخصی که تصمیم مالیاتی را مطابق این ماده مورد منازعه قرار می دهد، مالیه دهنده می باشد، با وصف اینکه شخص دیگری (پرداخت کننده) بوده که به وزارت مالیه مطابق فقره ۲ ماده ۱۷ درخواست نموده باشد.

۱۱،۱۷ حق اعتراض مالیه دهنده فقط بالای تصمیم در مورد درخواست رسمی مطابق فقره ۲ ماده ۱۷ تطبیق می گردد. مالیه دهنده حق ندارد تا تصمیم مبنی بر درخواست غیر رسمی را مورد اعتراض قرار دهد.

رعایت اطلاعیهٔ تحصیل مالیه

مادهٔ هجدهم:

(۱) پرداخت مالیه توسط شخص سوم طوری پنداشته میشودکه به صلاحیت مالیه دهنده صورت گرفته ومنحیث مدرک اثباتیهٔ اداء دین شخص سوم به مالیه دهنده محسوب می گردد.

(۲) شخص سوم مکلف است، که از هر مبلغ تادیه شده مطابق حکم مادهٔ شانزدهم این قانون، به مالیه دهنده اطلاع دهد.

(۳) مبلغ تادیه شده توسط شخص سوم منحیث تأدیه دربرابر ذمت مالیاتی مالیه دهنده پنداشته میشود.

(۴) هرگاه شخص سوم، حکم مادهٔ شانزدهم این قانون را رعایت ننما ید، شخصاً مکلف به پرداخت مبلغ مندرج آن میباشد.

پرداخت توسط شخص سوم

۱،۱۸ پرداخت توسط شخص سوم در مطابقت با اطلاعیه تحصیل دو تأثیر دارد. اولاً، مبلغ دریافت شده توسط اداره مالیاتی به حیث پرداخت مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده پنداشته می شود. ثانیآ، پرداخت کلاً به منظور ادای حقی بوده و جهت رفع وجایب شخص سوم به مالیه دهنده تا حد که مبلغ پرداخت شده، مدنظرگرفته می شود.

مثال ۱:

عظیم کارمند بانک غزنی بوده و ماهانه مبلغ ۳۰۰۰۰ افغانی معاش به دست می آورد. وی مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی از مالیه مقروض بوده که وقت آن گذشته است. وی قرض مالیه خود را پرداخت نمی نماید، لذا اداره مالیاتی مطابق ماده ۱۶ اطلاعیه تحصیل صادر و

استخدام کننده عظیم را مکلف به وضع ۵۰۰۰ افغانی از پرداخت معاش ماهانه در هرماه و تسلیم مبلغ متذکره به اداره مالیاتی در خلال ۱۴ روز از پرداخت معاش به عظیم می نماید.

هر پرداخت توسط بانک به اداره مالیاتی به حیث پرداخت ذمت مالیاتی عظیم تلقی می گردد. بین عظیم و استخدام کننده وی، پرداخت مکلفیت بانک را جهت پرداخت معاش تا حد آن مبلغ برآورده می نماید و بانک فقط مبلغ باقیمانده معاش را بعد از وضع مبلغ ۵۰۰۰ افغانی (و بعد از کسر مالیه و سایر مبالغ طبق معمول) به عظیم پرداخت می نماید.

مثال ۲ :

عظیم یک حساب در بانک غزنی با موجودی مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی دارد. اداره مالیاتی مطابق ماده ۱۶ اطلاعیه تحصیل به بانک فرستاده و مکلف به پرداخت مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی به اداره مالیاتی از حساب متذکره را می نماید. زمانی که بانک انرا به حساب وزارت مالیه پرداخت می نماید، مبلغ متذکره بالای ذمت مالیاتی عظیم تطبیق می گردد. مبلغ باقیمانده (۳۰۰۰۰) افغانی مکلفیت کامل بانک به عظیم در مورد حسابش می باشد. چنین تلقی می شود که مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی توسط خود عظیم از بانک کشیده شده باشد.

شخص سوم باید مالیه دهنده را مطلع نماید:

۲,۱۸ شخص سوم مسؤولیت دارد تا مالیه دهنده را هر زمانی که پرداخت به اداره مالیاتی مطابق اطلاعیه تحصیل صورت می گیرد، مطلع نماید. قوانین مالیاتی هیچگونه جریمه را بالای شخص سوم (در صورتی که از این مکلفیت پیروی ننماید) وضع ننموده است. این موضوع بین شخص سوم و مالیه دهنده می باشد تا آن را بین خود مطابق روابط و مکلفیتهای متقابل حل نماید.

۳,۱۸ اداره مالیاتی نیز می تواند مالیه دهنده را در مورد هر پرداخت مالیه معلومات دهد، یا از باقیمانده مکلفیت مالیاتی آگاه نماید، اما انجام این کار تا وقتیکه شخصاً توسط مالیه دهنده درخواست نگردد، لازمی نمی باشد. در صورتی که مالیه دهنده برای چنین معلوماتی درخواست نماید مطابق ماده ۵ حق دریافت آن را دارا می باشد.

۴,۱۸ حد اقل اداره مالیاتی باید مالیه دهنده را زمانی که مکلفیت مالیاتی به صورت کامل پرداخت گردد، آگاه نماید.

عدم اطاعت از اطلاعیه تحصیل:

۵,۱۸ شخص سوم که نتواند از اطلاعیه تحصیل اطاعت نماید شخصاً برای مبلغ که وی نتوانسته آن را بپردازد، مکلف می گردد. وزارت مالیه میتواند موضوع را به حیث قرضه دولت غرض تحصیل به محکمه راجع سازد.

۶,۱۸ مالیه دهنده نیز به پرداخت مبلغ باقی مانده مکلفیت مالیاتی خود نیز باقی می ماند. اداره مالیاتی می تواند مبلغ قابل پرداخت را از مالیه دهنده یا شخص سوم تحصیل نماید. اقدام تطبیقی در عین زمان در برابر هردو (مالیه دهنده یا شخص سوم) می تواند روی دست گرفته شود.

۷,۱۸ در صورتی که شخص سوم مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده را پرداخت نماید، مکلفیت شخص سوم و مالیه دهنده تا حد مبلغ پرداخت شده برآورده میگردد. در صورتی که مبلغ قابل پرداخت از مالیه دهنده تحصیل گردد، مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده تاحد مبلغ پرداخت شده برآورده می گردد اما فقط مکلفیت شخص سوم را تا حد که مبلغ باقیمانده مکلفیت مالیاتی زیر مکلفیت پرداختی شخص سوم قرار گیرد، برآورده می نماید.

مثال ۱:

یوسف در بانک غزنی حساب با موجودیت ۶۰۰۰۰ افغانی دارد. وی ۸۰۰۰۰ افغانی از مالیه مقروض می باشد که زمان پرداخت آن گذشته است. اداره مالیاتی اطلاعیه تحصیل را مطابق ماده ۱۶ به بانک فرستاده و بانک را مکلف می نماید تا ازموجودی هرگونه

وجوه حساب بانکی را تا مبلغ ۸۰۰۰۰ افغانی بپردازد. بانک از اطلاعیه پیروی نمی نماید و به یوسف اجازه می دهد تا تمام وجوه خود را از بانک برداشت نماید. برداشت بعد از دریافت اطلاعیه توسط بانک صورت می گیرد.

مکلفیت مالیاتی یوسف به مبلغ ۸۰۰۰۰ افغانی قابل پرداخت باقی می ماند و می تواند با اقدامات تطبیقی اداره مالیاتی (به شمول هرگونه مالیه اضافی) اجرا گردد. اداره مالیاتی همچنان می تواند بانک غزنی را مجبور به پرداخت مبلغ ۶۰۰۰۰ افغانی مبلغی که بانک از پرداخت آن پیروی ننمود، نماید. اداره مالیاتی می تواند علیه یک طرف یا هردو طرف در عین زمان در صورت انتخاب اقدام نماید.

مثال ۲ :

در ادامه حالات یوسف در مثال قبلی، وی مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی می پردازد. به همین خاطر مکلفیت مالیاتی وی از ۸۰۰۰۰ افغانی به ۷۰۰۰۰ افغانی کاهش می یابد. با آن هم، بانک ۶۰۰۰۰ افغانی از آنجایی که مکلفیت مالیاتی باقیمانده تا کنون زیر مکلفیت بانک مطابق اطلاعیه تحصیل قرار نگرفته است، مکلف باقی می ماند.

بعداً یوسف مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی می پردازد. به همین خاطر مکلفیت مالیاتی وی از ۷۰,۰۰۰ افغانی به ۵۰,۰۰۰ افغانی کاهش می یابد. مکلفیت مالیاتی بانک حالا به مبلغ ۵۰,۰۰۰ افغانی کاهش می یابد زیرا نمی توان وی را مکلف به پرداخت بیشتر از مکلفیت مالیاتی موجود نمود(باید بخاطر داشت که نتیجه پرداخت دوم همچنان توسط فقره ۱ ماده ۱۷ که تعدیل اطلاعیه سنجش اصلی در آن پیشبینی گردیده، حمایت می گردد).

پرداخت اشتباه:

۸,۱۸ هرگاه شخص سوم اشتباهاً پرداخت نموده باشد (پرداخت که تحت پوشش اطلاعیه تحصیل نمی باشد) اداره مالیاتی باید مبلغ را به شخص سوم باز پرداخت نماید. اداره مالیاتی هیچ مبنای قانونی ندارد تا در چنین قضایا مبلغ را دریافت و یا برگرداند.

۹,۱۸ هرگاه شخص سوم مطابق اطلاعیه تحصیل پرداخت نماید و اداره مالیاتی بعد از دریافت مبلغ پرداختی دریابد که مبلغ متذکره بالغ بر مکلفیت مالیاتی باقیمانده مالیه دهنده می گردد، مالیه دهنده به حالت مجرایی (کریدت) قرار دارد و اداره مالیاتی با این موضوع مطابق ماده های ۶۰ و ۶۱ برخورد نماید.

مثال:

استخدام کننده عظیم مبلغ ۵۰۰۰ افغانی را از معاش ماهانه عظیم برای چند ماه وضع نموده است. در ماه میزان، طبق تقاضا ۵۰۰۰ افغانی می پردازد. بعد از دریافت مبلغ پرداختی اداره مالیاتی سوابق خود را ارزیابی نموده و در می یابد که بخاطر پرداختهای قبلی توسط شخص سوم و خود مالیه دهنده فقط مبلغ ۱۰۰۰ افغانی قابل پرداخت بوده است. به همین خاطر مالیه دهنده مبلغ ۴۰۰۰ افغانی طلب می باشد.

۱۰,۱۸ اداره مالیاتی باید مالیه دهنده را از این حقیقت مطلع و با مبلغ اضافه پرداخت شده مطابق ماده های ۶۱ و ۶۲ برخورد نماید. در صورتی که پرداختهای بیشتر تا کنون مطابق اطلاعیه تحصیل اصلی لازم باشد، مطابق فقره ۱ ماده ۱۷ به شخص سوم باید اطلاع داده شود که اطلاعیه تحصیل ملغی گردیده است.

تصفیه کننده

مادۀ نزدهم:

(۱) تصفیه کننده، در خلال چهارده روزازتاریخ تعیین موقف خود، به اداره مالیات کتباً اطلاع می دهد.

(۲) اداره مالیات، از تاریخ دریافت اطلاعیهٔ مندرج فقره (۱) این ماده در خلال شصت روز از هرنوع ذمت مالیاتی که توسط مالیه دهنده قابل تادیه بوده یا در آینده قابل تادیه میگردد، تصفیه کننده را مطلع میسازد.

(۳) تصفیه کننده نمی تواند، الی دریافت اطلاعیهٔ مندرج فقرهٔ (۲) این ماده، بدون اجازه اداره مالیات، دارائی مالیه دهنده را از کنترول خود خارج سازد.

(۴) تصفیه کننده مکلف است، به منظور تأدیه ذمت مالیاتی مالیه دهنده، ازعواید حاصله فروش دارائی مالیه دهنده، مبلغ قابل تأدیه مندرج فقرهٔ (۲) این ماده را تخصیص دهد، در غیر آن شخصاً مسؤل تأدیه آن می باشد.

(۵) حکم این ماده، تصفیه کننده را از پرداخت هرنوع دین که مطابق احکام قانون بر ذمت مالیاتی اولویت دارد، مانع نمی سازد.

(۶) هرگاه مالیه دهنده دو یا بیشتر از دو تصفیه کننده داشته باشد، حسب احوال هر یک طور انفرادی ومشترک درقبال ادای مکلفیت های مالیاتی مندرج این ماده مسؤل میباشند.

تصفیه کنندگان از موقف خود باید اطلاع دهند:

1.19 تصفیه کننده به منظور قانون اداره امور مالیات که در ماده ۳ تعریف وسیع گردیده است. (هر شخصی که در محدوده تعریف تصفیه کننده بگنجد) باید اداره مالیاتی را در خلال ۱۴ روز از تعیین خود به عنوان تصفیه کننده مطلع نماید. عدم اطاعت از این حکم مطابق فقره ۳ ماده ۴۵ تخلف شمرده می شود. تعیین به منظور این ماده تعیین توسط دیگران (محکمه، طلبکاران، فامیل متوفی) یا تعیین خودی(هرگاه شخص خود را به حیث تصفیه کننده مسؤل بپندارد) مذکور را تحت پوشش تعریف تصفیه کننده قرار می دهد.

2.19 اطلاعیه عنوانی اداره مالیاتی باید کتبی باشد، نام و آدرس مالیه دهنده که موقف تصفیه کننده به آنها ارتباط می گیرد و معرفی تصفیه کنندگان باید به طور درست مشخص گردد. نمبر تشخیصیه مالیه دهنده (در صورت دانستن) و همچنان نمبر تشخصیه خود تصفیه کننده باید ذکر گردد. در صورتی که تصفیه کننده که اطلاعیه را ترتیب می دهد مسؤولیتی را با اشخاص دیگر به حیث تصفیه کنندگان شریک سازد، باید توافق تشریک را تشریح و نام تصفیه کننده یا تصفیه کنندگان را تذکردهد .

3.19 درصورتی که یک تصفیه کننده به عنوان جایگزین تصفیه کننده دیگر تعیین گردد، در اطلاعیه باید تاریخ جایگزینی و معرفی شخص جایگزین مشخص گردد.

4.19 تصفیه کننده تازمانی که اطلاعیه کتبی جایگزینی وی دریافت یا از عنوان تصفیه کننده دست نکشیده باشد، به حیث ادامه دهنده آن نقش توسط اداره مالیاتی تلقی می گردد.

اطلاعیه مکلفیت مالیاتی به تصفیه کننده:

5.19 اداره مالیاتی باید در خلال ۲ ماه از اطلاع تعیین تصفیه کننده جدید، تصفیه کننده را به صورت کتبی از ذمت مالیاتی موجود و آینده مالیه دهنده مربوطه مطلع نماید.

6.19 مکلفیتهای موجود و آینده شامل مکلفیتهای می گردد که نزد اداره مالیاتی حین تهیه اطلاعیه به تصفیه کننده، همچنان مکلفیتهای مالیاتی متوقعه آینده که باید تعیین گردد، معلوم باشد. هرگاه مبلغ مکلفیتهای مالیاتی معلوم باشد، باید در اطلاعیه مشخص گردد. در صورتی که مکلفیت مالیاتی پیشبینی گردد یا متکی به وقایع آینده باشد و مبلغ مکلفیت مالیاتی تا هنوز توسط اداره مالیاتی معلوم نباشد، تشریح مکلفیت مالیاتی باید در اطلاعیه درج گردد.

7.19 در اطلاعیه باید تاریخ که اداره مالیاتی صورت حساب مکلفیتهای مالیاتی مالیه دهنده را تهیه می نماید، مشخص گردد.

مثال:

تصفیه کننده در ۲۰ ثور ۱۳۹۵ جهت منحل نمودن یک شرکت تعیین می گردد. تصفیه کننده اطلاعیه کتبی مبنی بر انتصاب خود را در ۲۹ ثور ۱۳۹۵ به اداره مالیاتی ارائه می نماید. شرکت از سال ۱۳۹۳ به مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی از مالیه مقروض می باشد و اظهارنامه سال ۱۳۹۴ را بدون پرداخت ارائه نموده که هنوز توسط اداره مالیاتی طی مراحل نگردیده است. به علاوه، اظهارنامه مالیاتی در آینده برای قسمت از سال ۱۳۹۵ که شرکت فعالیت داشته و هرگونه مکلفیت مالیاتی ناشی از این تصفیه (بگونه مثال، فروش یا انتقال جایداد شرکت) درج ان دراطلاعیه لازم خواهد بود.

اداره مالیاتی مکلف است به صورت کتبی تصفیه کننده را از مکلفیتهای مالیاتی موجود و آینده تا ۲۹ سرطان ۱۳۹۵ مطلع نماید. در یادداشت باید مبلغ مکلفیتهای مالیاتی ذیل مشخص گردد:

مبلغ مکلفیت مالیاتی سال مالیاتی ۱۳۹۳؛

مبلغ مالیه اضافی طوری که بالای قرض سال مالیاتی ۱۳۹۳ الی تاریخ مندرج اطلاعیه محاسبه گردیده است؛

مبلغ مکلفیت مالیاتی تعیین شده در اظهارنامه ارائه شده در سال مالیاتی ۱۳۹۴ ؛

مبلغ مالیه اضافی وضع شده بالای مکلفیت سال مالیاتی ۱۳۹۴، چنانچه الی تاریخ مندرج اطلاعیه محاسبه گردیده است.

به علاوه اطلاعیه باید مکلفیتهای مالیاتی ذیل را که هنوز تعیین نگردیده است می تواند در نتیجه وقایع آینده ناشی گردد به توجه تصفیه کننده برساند:

مالیه اضافی بابت مالیه که پرداخت ناشده باقی می ماند؛

مکلفیتهای مالیاتی ممکن سال مالیاتی ۱۳۹۵ از بابت هرگونه تجارت یا معاملات به شمول پروسه انحلال در همان سال.

محدودیتها بالای داراییها:

8.19 تصفیه کننده نباید بدون منظوری اداره مالیاتی دارایی مالیه دهنده را بین تاریخ تقرر خود به حیث تصفیه کننده و تاریخ که اداره مالیاتی اطلاعیه کتبی مکلفیتهای مالیه دهنده را مطابق فقره ۲ ماده ۱۹ ارائه می نماید بفروشد برساند یا انتقال دهد.

9.19 اداره مالیاتی تصفیه کنندگان که تشبث را در کنترل دارد اجازه می دهد تا آن را باز نگهداشته و مال التجاره آن را بفروش برساند. به شرط اینکه مال التجاره به قیمتهای معمول بازار به فروش رسیده و عواید آن به عنوان دارایی انحلال نگهداری شود، تصفیه کنندگان نیاز به کسب منظوری خاص از اداره مالیاتی ندارند.

10.19 اداره مالیاتی همچنان به صورت عموم برای تصفیه کنندگان که تشبث را در کنترول دارد منظوری عمومی جهت پرداخت مصارف لازم برای داراییهای مالیه دهنده، ارائه می نماید. تصفیه کنندگان نیاز به اخذ منظوری خاص از جانب اداره مالیاتی برای این نوع مصارف ندارند. بگونه مثال، پرداخت حق بیمه که داراییها را تحت پوشش قرار می دهد، پرداخت تیل جنراتور جهت فراهم نمودن برق برای تازه نگهداشتن اجناس فاسد شدنی یا پرداخت به محافظین در مقر تشبث. هیچ مصرف دیگر جواز ندارد مگر اینکه منظور کتبی از اداره مالیاتی کسب گردد یا اطلاعیه مطابق فقره ۲ ماده ۱۹ دریافت گردد.

11.19 تصفیه کننده می تواند جهت انصراف از یک دارایی خارج از منظوری عمومی مندرج فوق، درخواست منظوری خاص نماید. فقره ۳ ماده ۱۹ به صورت واضح پیشبینی می نماید که منظوری توسط اداره مالیاتی برای تصفیه کننده جهت انصراف از داراییها می تواند داده شود. طرزالعمل درخواست توسط تصفیه کننده جهت دریافت چنین منظوری در قانون مشخص نگردیده است. درخواست کتبی از جانب تصفیه کننده که دارایی را مشخص و دلایل انصراف از دارایی را توضیح دهد، حد اقل مکلفیت برای چنین درخواست می باشد.

۱۲,۱۹ طرزالعمل جهت مدنظر گرفتن درخواست توسط اداره مالیاتی نیز در قانون پیشبینی نگردیده است. با آن هم، منظوری درخواست باید در صورت متوقع باشد که انصراف از دارایی منافع اداره مالیاتی را در تحصیل مالیات قابل پرداخت متضرر ننماید. بگونه مثال، فروش دارایی به قیمت بازار می تواند به شرط منظور شود که پرداخت دریافتی تخصیص یا جهت پرداخت مالیه معوق استفاده شود.

۱۳,۱۹ مطابق قانون ،توانایی تصفیه کننده جهت انصراف از دارایی تابع سایر مکلفیتها به علاوه مکلفیتهای آنها مطابق قانون مالیات، می باشد. بگونه مثال، منظوری انصراف از دارایی تصفیه کننده می تواند توسط اداره مالیاتی اعطا گردد، اما تصفیه کننده می تواند تا کنون در انجام چنین کاری با مکلف بودن در برابر سایر قرضداران و جناح های ذیدخل دیگر در تصفیه محدودباشد.

۱۴,۱۹ در صورتی که اداره مالیاتی نتواند مطابق فقره ۲ ماده ۱۹ در خلال زمان لازم (دو ماه) اطلاعیه ارائه نماید، تصفیه کننده می تواند به فروش، انتقال یا به عبارت دیگر ترتیب داراییها بدون اجازه اداره مالیاتی ادامه دهد.

تصفیه کننده باید مبالغ را برای مکلفیتهای مالیاتی تخصیص دهد:

۱۵,۱۹ تصفیه کننده مکلف است از محصول فروش داراییها وجوه کافی را جهت پرداخت مکلفیتهای مالیاتی اطلاع داده شده توسط اداره مالیاتی تخصیص دهد. فروش داراییها شامل هرگونه انتقال مالکیت داراییها می باشد.

۱۶,۱۹ تخصیص یک مبلغ به معنی حفظ پول انحلال و نگهداری آن به منظور پرداخت مکلفیتهای مالیاتی می باشد. این موضوع انتخاب برای تصفیه کننده می باشد که چگونه وی آن را تخصیص دهد. آنها می تواند آن را به حیث پول نقد یا در یک حساب بانکی نگهداری نماید. با توجه به مقتضیات حقوقی و اولویتهای قرضداران یا سایر اشخاص مدعی پروسه انحلال، تصفیه کننده مکلفیت مالیاتی را از وجوه نگهداشته شده زمانی که اجازه داده شود، پرداخت خواهد کرد.

۱۷,۱۹ ماده ۱۹ هیچگونه مکلفیت را بالای تصفیه کننده وضع نمی نماید که کدام داراییها فروخته یا انتقال یابد یا از فروش کدام داراییها پول مکلفیتهای مالیاتی باید تخصیص یابد. این تصمیماتی است که تصفیه کننده حین تنظیم پروسه انحلال اتخاذ می نماید.

مثال ۱:

تصفیه کننده تخصیص داراییهای شخص را که وفات نموده است، تنظیم می نماید. مالیه دهنده متوفی ذریعه اطلاعیه کتبی از جانب اداره مالیاتی مطلع می گردد که مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده ۱۲۰۰۰۰ افغانی می باشد و هیچ قرضی دیگری وجود ندارد. تنها دارایی که به مالیه دهنده باقی مانده است سه عراده موتر می باشد که هر کدام شان ۱۵۰۰۰۰ افغانی ارزش دارد. دو پسر مالیه دهنده مستحق سهم داراییهای باقی مانده می باشد.

تصفیه کننده می تواند از سه عراده موتر یک عراده موتر به هریک از پسران انتخاب نماید. وی می تواند قبل یا بعد از انتقال موترها به پسران، موتر باقیمانده را جهت دریافت وجوه برای پرداخت مکلفیتهای مالیاتی بفروشد.

مکلفیت تصفیه کنندگان:

۱۸,۱۹ ماده ۱۹ تصفیه کنندگان را در صورت مکلف می نماید که آنها داراییها را متفرق نموده و نتواند از آن داراییها وجوه تخصیص دهند. در صورتی که عدم تخصیص وجوه باعث اتلاف وجوه برای پرداخت مکلفیتهای مالیاتی گردد، آنها شخصاً برای این اتلاف مکلف می باشند. اداره مالیاتی می تواند قرض را در محکمه تعقیب نماید. مالیه دهنده نیز می تواند مطابق فقره ۳ ماده ۴۵ برای عدم اطاعت تحت تعقیب قرار گیرد.

مثال ۲ :

بادرنظرداشت حقایق مثال قبلی، تصفیه کننده، مالکیت دو موتر را به پسران انتقال می دهد. موتر سومی در یک حادثه ترافیکی درگیر گردیده و به همین خاطر به قیمت نازل ۵۰۰۰۰ افغانی به فروش می رسد. این مبلغ جهت پرداخت مکلفیت مالیاتی استفاده می گردد اما ۷۰۰۰۰ افغانی پرداخت ناشده کمبود می باشد. تصفیه کننده شخصاً برای مبلغ پرداخت ناشده مکلف می باشد.

۱۹,۱۹ هنگامی که تصفیه کننده انتخاب می نماید که کدام دارایی را جهت پرداخت مکلفیت مالیاتی بفروشد، وی مکلفیت شخص خود را در صورتی که تصمیم اشتباه بگیرد، یا حتی اگر حالات غیر منتظره باشد، به مخاطره می اندازد.

۲۰,۱۹ در صورت وجود بیش از یک تصفیه کننده، هر تصفیه کننده به صورت مشترک و جداگانه مطابق ماده ۱۹ برای تمام وجایب مکلف می باشد. تصفیه کننده مکلف است تا اداره مالیاتی را مطابق فقره ۱ ماده ۱۹ از تعیین خود و تعیین تصفیه کننده دیگر که برایش شناخته شده است، مطلع نماید.

۲۱,۱۹ تصفیه کنندگان متعدد به صورت مشترک و جداگانه برای مکلفیت وضع شده توسط ماده ۱۹ مسئول می باشند. بگونه مثال، در صورت که دو تصفیه کننده برای یک انحلال تعیین گردیده باشند و یکی از آنها دارایی را انتقال داده باشد که بعداً باعث کمبود وجوه جهت پرداخت مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده گردد، اداره مالیاتی می تواند جهت اجرای پرداخت علیه یکی یا هردو تصفیه کننده در عین زمان اقدام نماید. هرگونه پرداخت توسط یک تصفیه کننده مکلفیت مشترک هردو را کاهش می دهد.

۲۲,۱۹ به شرط اینکه تصفیه کننده از فقره ۴ ماده ۱۹ پیروی نماید، شخصاً برای مکلفیتهای مالیاتی مالیه دهنده اضافه از مبلغ تخصیص داده شده از عواید فروش دارایی های مالیه دهنده مکلف نخواهد بود.

مثال ۳:

صادق به حیث تصفیه کننده برای یک شرکت تعیین و اداره مالیاتی را طوری که ایجاب می نماید، اطلاع میدهد . اداره مالیاتی طی اطلاعیه وی را مطلع = می سازدکه شرکت مبلغ ۳۰۰۰۰۰ افغانی در مجموع از مالیات مقروض می باشد.

صادق همه دارایی های شرکت را به فروش می رساند و در نتیجه مبلغ ۴۰۰۰۰۰ افغانی عواید به دست می آورد. وی مبلغ ۳۰۰۰۰۰ افغانی را تخصیص و به اداره مالیاتی می پردازد. مبلغ باقیمانده ۱۰۰۰۰۰ افغانی به طلبگاران و سهمداران در ختم انحلال توزیع می گردد.

شش ماه بعد از نهایی شدن انحلال اداره مالیاتی تعیین می نماید که شرکت منحل شده باید مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی دیگر را به حیث مالیه بپردازد. صادق برای این مبلغ هیچ مکلفیت ندارد زیرا وی کاملاً از وجایب خود به حیث تصفیه کننده پیروی نموده است.

منازعه اطلاعیه اداره مالیاتی با تصفیه کننده:

۲۳,۱۹ تصمیم ارائه شده در اطلاعیه به تصفیه کننده در مورد مبلغ قابل پرداخت صادره توسط اداره مالیاتی مطابق فقره ۲ ماده ۱۹ به حیث تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت مالیه (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

۲۴,۱۹ تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر عدم اجازه برای تصفیه کننده جهت فروش دارایی مطابق فقره ۳ ماده ۱۹ یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت مالیه (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی بوده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

تعلیق معاملات مالی

مادهٔ بیستم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده، مالیه ذمت خویش رادر میعاد مندرج قانون تادیه نه نماید، یا برای تادیه آن آمادگی که مورد قناعت ادارهٔ مالیات قرار گیرد، نشان ندهد، اداره مالیات حسب احوال کل یا قسمتی از حسابات مالی و واردات یا صادرات اجناس وی را تعلیق وطور کتبی به او اطلاع می دهد.

(۲) چگونگی و طرز تعلیق ورفع آن در مقررهٔ مربوط تنظیم می گردد.

تبصره: در تعدیلات که در جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ در فقره (۱) این ماده صادرات ایزاد شده است.تعلیق معاملات مالی:

۱,۲۰ اداره مالیاتی می تواند نهادهای مالی را مکلف نماید تا معاملات و حسابات شخص را به تعلیق اندازد. عین اقدام همچنان می تواند بالای حساب شخص دوم در صورتی که حساب نگهداشته شده توسط شخص دوم به منفعت شخص اول باشد، صورت گیرد.

۲,۲۰ یک حساب در صورت به نفع یک شخص می باشد که:

- صلاحیت معامله کردن حساب را در صورت انتخاب داشته باشد؛
- سوابق نشان دهنده که شخص به دارنده حساب بانکی مربوطه هدایت دهد و دارنده حساب عموماً از هدایات مذکور پیروی نماید؛
- سوابق نشان دهنده که شخص مذکور از حساب بانکی پول دریافت نموده ، و پول متذکره پرداخت برای اجناس، خدمات یا استخدام نباشد.

۳,۲۰ به تعلیق انداختن حساب بانکی یک اقدام استثنایی برای اداره مالیاتی است. اداره مالیاتی باید برای به تعلیق انداختن معاملات یک حساب بانکی دلایل مؤجه داشته باشد . مالیه دهنده دارای مکلفیت مالیاتی بوده که قادر به پرداخت آن نباشد ویا اینکه آنها وارد موافقه با اداره مالیاتی از قبیل تهیه موافقتنامه جهت پرداخت به اقساط، ارائه تضمین برای پرداخت، یا اخذ منظوری برای تمدید زمان پرداخت مطابق ماده ۱۵ نگردیده باشند. صلاحیت مندرج ماده ۲۰ فقط در صورت مدنظر گرفته می شود که مبلغ مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ افغانی باشد. (طرزالعمل)

۴,۲۰ برعلاوه داشتن مکلفیت مالیاتی موجود، باید شواهد وجود داشته باشد که مالیه دهنده قصد پرداخت مالیه را ندارد یا به عبارت دیگر پرداخت مالیه در مخاطره می باشد.

۵,۲۰ اقدام پیشبینی شده در ماده ۲۰ تعلیق می باشد نه مسدود. اقدام متذکره به ذات خود یک اقدام تطبیقی نبوده و یک اقدام مؤقت جهت حفاظت عواید و دادن زمان برای بعضی اقدامات تطبیقی که باید گرفته شود، می باشد. وقتی اقدامات تطبیقی دیگر روی دست گرفته شود، حالت تعلیق رفع می گردد.

۶,۲۰ تعلیق حساب بانکی جهت دادن زمان برای یکی از اقدامات تطبیقی ذیل صورت می گیرد:

- نهایی شدن قضیه در محکمه جهت اجرای قرض؛
- صدور اطلاعیه یا اطلاعیه ها به اشخاص سوم مطابق ماده ۱۶ (که شامل صدور اطلاعیه به نهادهای مالی یا شخص که حساب تعلیق شده را در اختیار دارد می باشد)؛
- تعیین تصفیه کننده؛
- صدور حکم ممنوع الخروج؛
- اتخاذ محدودیت در مورد انتقال یا فروش داراییها طبق ماده ۲۴.

۷,۲۰ زمانی که اقدامات لست شده فوق صورت بگیرد و عواید به صورت مؤثر محفوظ مدنظر گرفته شود، تعلیق باید توسط اداره مالیاتی لغو گردد. تعلیق در صورتی که مکلفیتهای مالیاتی پرداخت گردد یا موافقه در مورد مکلفیتهای مالیاتی آینده مطابق ماده ۱۵ صورت گرفته باشد، رفع گردد

۸,۲۰ اداره مالیاتی صلاحیت دارد تصمیم بگیرد که چه زمانی از صلاحیت مندرج ماده ۲۰ استفاده گردد. این امر بستگی به مدنظر گرفتن حالات و خطرات مکلفیت مالیاتی دارد. بعضی حالات که باید مدنظر گرفته شود عبارت از مبلغ دین، سابقه اطاعت پذیری مالیه دهنده و سطح همکاری با اداره مالیاتی می باشد.

تعلیق توریدد:

۹,۲۰ ماده ۲۰ قانون اداره امور مالیات همچنان به اداره مالیاتی اجازه می دهد تا در مورد تعلیق توریدد اجناس توسط مالیه دهنده ،حکم صادر نماید.

۱۰,۲۰ اداره مالیاتی مطابق این ماده به ریاست عمومی گمرکات هدایت می دهد تا این حکم را در تمام نقاط ورودی افغانستان تطبیق نماید. یک نقل به مالیه دهنده نیز داده می شود. ریاست گمرکات مسؤولیت و مکلفیت اجرای این حکم را دارد.

۱۱,۲۰ این اقدام تطبیقی صرف در صورت استفاده می گردد که مالیه برای بیش از ۳۰ روز پرداخت نگردیده و تا هنوز تحت پوشش موافقه طبق ماده ۱۵ قرار نگرفته باشد. صلاحیت مندرج ماده ۲۰ فقط در صورتی مدنظر گرفته می شود که مبلغ مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ افغانی باشد. (مقرره)

۱۲,۲۰ هرگاه حکم تعلیق صادر شده باشد، تا زمانی به قوت خود باقی خواهد ماند که مالیه دهنده تمام مکلفیتهای ادأ ناشده خود را تصفیه یا وارد یک موافقه طبق ماده ۱۵ گردیده باشد، در چنین زمانی حکم تعلیق باید لغو گردد. اطاعت از تصمیم محکمه نیز می تواند دلیل برای لغو باشد.

۱۳,۲۰ هرگاه حکم تعلیق توریدد به دلیل یک مکلفیت مالیاتی صادر گردد و سایر مکلفیتهای مالیاتی حین نافذ شدن تعلیق اضافه گردد، حکم تعلیق تازمانی لغو نمی گردد که تمام مکلفیتهای مالیاتی باقیمانده پرداخت یا تحت پوشش موافقه مطابق ماده ۱۵ قرار گیرد.

مثال:

رؤف توریدد کننده وسایل الکترونیکی می باشد. وی از مالیه مبلغ ۱۰۰۰۰۰ افغانی مقروض بوده که بیش از یک ماه از وقت پرداخت آن گذشته است و وی هیچ درخواستی را مطابق ماده ۱۵ ارائه نکرده است. در تاریخ پنجم ماه میزان اداره مالیاتی حکم تعلیق توریدد را به گمرکات جهت جلوگیری رؤف از توریدد اجناس صادر می نماید.

در ۳۰ ماه میزان مکلفیت مالیاتی بیشتر به مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی به مقروضیت وی به دلیل صدور اطلاعیه سنجش اضافه می گردد.

در ۵ عقرب وی مبلغ ۱۰۰۰۰۰ افغانی را به اداره مالیاتی می پردازد. ولو اینکه این پرداخت مکلفیت مالیاتی است که حین صدور حکم تعلیق وجود داشته، لازم نیست حکم تعلیق تا زمانی که وی جهت مبلغ باقیمانده قرض خود (۵۰۰۰۰ افغانی) اقدام ننماید، لغو گردد.

۱۴,۲۰ اداره مالیاتی صلاح می داند که چه زمانی از صلاحیت مذکور استفاده شود. با توجه به پالیسی، این صلاحیت عموماً زمانی مدنظر گرفته خواهد شد که مبلغ مجموع مالیه برای بیش از ۳۰ روز پرداخت نشده و بیش از ۱۰۰۰۰۰افغانی باشد.

عدم رعایت مکلفیت مالیه موضوعی (قابل وضع) برکرایه

مادۀ بیست ویکم:

(1) هرگاه مالیه موضوعی (قابل وضع) برکرایه مطابق احکام قانون مالیات بر عایدات در خلال مدت پانزده روز بعد از سپری شدن تاریخ معینه تادیه نگردد، اجراآت ذیل صورت گرفته میتواند:

1- انتقال حق مؤجر در یک توافق نامه کرایه یا قرار داد های مشابه آن، جهت حصول پول در بدل استفاده از جایداد طوری عملی می گردد که حق فوق الذکر بعد از یاد داشت کتبی اداره مالیات به حیث نماینده دولت، مؤقتاً به اداره مالیات منتقل گردد.

2- هرگاه مستأجر، مالیهٔ قابل تأدیه را در خلال سی روز بعد از دریافت یادداشت اداره مالیات تحویل نه نماید حق مؤجر در قرارداد کرایه و یا قرارداد های مشابه آن، جهت اخراج کرایه نشین نسبت عدم پرداخت کرایه طوری عملی می گردد که حق مذکور به اداره مالیات منحیث نمایندهٔ دولت منتقل گردد.

(۲) حکم مندرج فقره (۱) این ماده تا زمانی ادامه میابد که اداره مالیات، مالیه قابل تادیه را به شمول هر نوع مالیه اضافی حصول نماید.

1.21 ماده ۵۹ قانون مالیات برعایدات مکلفیت وضع مالیه را بالای مستأجران مشخص که تعمیر را به منظور تجارت استفاده می نمایند، وضع می کند. در صورت تطبیق، مستأجر باید مبلغ تجویز شده را از کرایه بر اساس ماهوار وضع و به اداره مالیاتی بپردازد.

۲,۲۱ مستأجران باید مالیه وضع شده را به اداره مالیاتی در خلال ۱۵ روز از پرداخت اجاره به مالک جایداد بپردازند. در صورتی که مالیه موضوعی در زمان معین پرداخت نگردد، قانون اداره امور مالیات صلاحیتهای تطبیقی را به اداره مالیاتی تفویذ نموده است. اقدامات ذیل ممکن صورت پذیرد:

۳,۲۱ اداره مالیاتی با صلاحیت خود می تواند به مستأجر اطلاعیه کتبی مبنی بر انتقال حق دریافت کرایه از مالک جایداد به اداره مالیاتی به حیث نماینده دولت افغانستان ارائه نماید.

۴,۲۱ از زمان ارائه اطلاعیه تا زمانی که مالیه پرداخت ناشده تجدید نگردد هرگونه پرداخت اجاره توسط مستأجر باید به اداره مالیاتی پرداخت گردد. ماده ۲۱ شرایط مندرج قرارداد اجاره بین مالک جایداد و مستأجر را لغو می نماید و مستأجر در صورتی که مکلف به پرداخت اجاره به اداره مالیاتی به جای مالک جایداد باشد، قرارداد را نقض نمی نماید.

۵,۲۱ پرداخت مالیه موضوعی توسط مستأجر به اداره مالیاتی مطابق ماده ۵۹ قانون مالیات برعایدات مبلغی است که از اجاره ناخالص قابل پرداخت وضع می گردد و به منظور حقوقی به حیث پرداخت آن قسمت از اجاره ناخالص قابل پرداخت مطابق قرارداد اجاره تلقی می گردد. پرداخت اجاره تابع ماده ۲۱ قانون اداره امور مالیات نیز به حیث قسمت از پرداخت اجاره ناخالص قابل پرداخت مطابق قرارداد اجاره تلقی می گردد.

۶,۲۱ هرگاه مستأجر به اداره مالیاتی بیشتر از مالیه موضوعی اجاره قابل پرداخت کنونی پرداخت نموده باشد، اداره مالیاتی مبلغ اضافه پرداخت را به حیث نماینده مالک جایداد حفظ به وی پرداخت خواهد کرد.

مثال:

یک مستأجر، ساختمان تجارتی را به اجاره گرفته است. اجاره ماهوار قابل پرداخت به مالک جایداد ۵۰۰۰۰ افغانی می باشد. مطابق ماده ۵۹ قانون مالیات برعایدات مستأجر مکلف به وضع ۱۰ فیصد مالیه از این مبلغ (۵۰۰۰ افغانی) و پرداخت آن به اداره مالیاتی می باشد. تاریخ پرداخت اجاره اول هر ماه می باشد و مستأجر هرماه مبلغ کامل ۵۰۰۰۰ افغانی را با عدم تابعیت از قانون به مالک جایداد می پردازد.

در ۱۲ جدی ۱۳۹۶ اداره مالیاتی کشف می نماید که مستأجر مالیه موضوعی بر اجاره را برای ۳ ماه نپرداخته است. یک اطلاعیه مطابق ماده ۲۱ قانون اداره امور مالیات توسط اداره مالیاتی در ۱۵ جدی ۱۳۹۶ ارائه می گردد. به همین خاطر مطابق ماده ۲۱ اداره مالیاتی حق دارد تا اجاره را از مستأجر به جای مالک جایداد دریافت نماید.

در اول ماه دلو اجاره ماه دیگر باید پرداخت گردد. مستأجر مکلف است تا کرایه خود را به اداره مالیاتی پرداخت نماید. مستأجر باید مالیه موضوعی برای ماه متذکره (۵۰۰۰ افغانی) را به علاوه مالیات پرداخت ناشده برای ماه های گذشته (۳×۵۰۰۰ افغانی) به علاوه مالیه اضافی تعیین شده در صورت قابل پرداخت بودن، پرداخت نماید. مستأجر نباید اجاره را به مالک جایداد تا زمانی که مبالغ مالیه توسط اداره مالیاتی دریافت نگردد، پرداخت نماید.

هرگاه مستأجر این پرداختها را به اداره مالیاتی با پیروی از اطلاعیه انجام دهد سپس اطلاعیه لغو شده تلقی می گردد.

۷,۲۱ مستأجر از تاریخ دریافت اطلاعیه مندرج فقره ۱ این ماده، ۳۰ روز وقت دارد مبلغ قابل پرداخت مالیه را بپردازد. در صورتی که مستأجر نتواند مبلغ درست مالیه را بپردازد، حق مالک جایداد از مستأجر برای عدم پرداخت مالیه به اداره مالیاتی به حیث نماینده دولت افغانستان منتقل می گردد.

متوقف نمودن فعالیت

مادۀ بیست و دوم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده الی تاریخ معینه، اظهار نامۀ مالیاتی را ارایه نکند یا مالیه ذمت خویش را بشمول مالیات موضوعی تادیه ننماید، اداره مالیات طور کتبی برای مالیه دهنده اطلاع میدهد تا در خلال ده روز بعد از دریافت اطلاعیه، اظهارنامه مالیاتی را ارایه یا مالیه ذمت خویش را تأدیه نماید.

(۲) هرگاه مالیه دهنده در میعاد مندرج اطلاعیه فقره (۱) این ماده اظهارنامه مالیاتی را ارایه نکند یا مالیه ذمت خویش را تأدیه ننماید، اداره مالیات فعالیت وی را کلا یا قسما برای مدت حد اکثر چهارده روز متوقف می سازد.

(۳) درحالت مندرج فقرۀ (۲) این ماده کارکنان مالیاتی به همکاری پولیس وارد محلات فعالیت مالیه دهنده گردیده واطلاعیه را با متن(بنابرعدم ادای مکلیفت های مالیاتی متوقف است)در معرض دید عامه در محلات فعالیت وی نصب می نماید.

(۴) هرگاه مالیه دهنده در خلال مدت توقف فعالیت، اظهارنامۀ مالیاتی را ارایه یا مالیۀ ذمت خویش را تأدیه نماید، اداره مالیات در روز کاری بعدی اطلاعیۀ مندرج فقرۀ (۳) این ماده را لغو می نماید .

1.22 این ماده می تواند بالای مالیه دهندگانی که فعالیت تجارتی دارند، تطبیق گردد. هرگاه چنین مالیه دهندگان نتواند از وجایب ارائه اظهارنامه یا پرداخت مالیه (به شمول مالیه موضوعی) را در وقت معینه ارایه ننمایند، تشبث آنها می تواند موقتاً متوقف گردند.

عدم اطاعت:

۲,۲۲ در صورتی که مالیه دهنده اظهارنامه را در تاریخ معین ارائه ننموده یا نتوانسته مالیه را در تاریخ مشخص پرداخت تأدیه نماید، این ماده مدنظر گرفته می شود. مالیه برای این منظور شامل مالیه موضوعی که شخص مکلف است از پرداختها وضع و به اداره مالیاتی بپردازد، نیز می باشد.

۳,۲۲ متوقف نمودن فعالیت مالیه دهنده یک عمل جدی است که می تواند برای تشبث شخص خسارت وارد نماید. در مورد مالیه دهنده ای که نتواند مالیه خود را بپردازد، توقف تشبث می تواند بالای توانایی شخص در پرداخت مالیه تأثیر نماید و به همین خاطر جهت دریافت پرداخت مفید نخواهد بود. بنا به این دلایل تصمیم توقف تشبث فقط باید در جدی ترین قضایای عدم اطاعت پذیری اتخاذ شود. سایر اقدامات تطبیقی مطابق قوانین مالیاتی در صورت موجودیت ترجیح داده می شود.

۴,۲۲ در مورد عدم ارائه اظهارنامه، اداره مالیاتی در قدم اول مطابق فقره ۲ ماده ۷ عمل نماید، مگر اینکه حالات استثنای وجود داشته باشد. مثال از حالات استثنای عبارت است از اینکه مالیه دهنده مکرراً سابقه عدم ارائه اظهارنامه داشته یا به اطلاعیه ها توجه نمی نماید. اداره مالیاتی سپس می تواند مطابق فقره ۲ ماده ۸ این قانون در صورتی که معلومات کافی جهت تخمین مکلفیت مالیاتی موجود باشد، اقدام نماید.

۵,۲۲ در صورت عدم پرداخت مالیه به وقت معین، اداره مالیاتی معمولاً قبل از اقدام مطابق ماده ۲۲، یک مکتوب یادآوری صادر می نماید. اداره مالیاتی همچنان می تواند ماده ۱۶ یا ۲۰ را در صورت کاربرد قبل از تطبیق ماده ۲۲ درنظر گیرد.

۶,۲۲ اداره مالیاتی به حیث مقرره عمومی، تشبث را به خاطر عدم پرداخت مالیه در صورتی که مبلغ مالیه پرداخت ناشده کمتر از ۱۰۰۰۰۰ افغانی باشد، متوقف نمی نماید.

مثال ۱ :

مالیه دهنده مالک یک شرکت ساختمانی بزرگ می باشد. اظهارنامه توسط مالیه دهنده بدون پرداخت مالیه تسلیم گردیده است. مبلغ مالیه، مالیه اضافی و تکتانه قابل پرداخت در مجموع ۲۵۰۰۰۰۰۰ افغانی می گردد. در دو جلسه قبلی، مالیه دهنده گفته است که پول از خارج افغانستان به زودی می آید. ۳۰ روز بعد از تاریخ معین هیچ پولی به بانک تحویل نگردیده است. اداره مالیاتی باید مطابق ماده ۲۲ اقدام نماید.

مثال۲:

یک تشبث برای ۶ ماه جنراتورهای الکترونیکی را فروخته است. تشبث مذکور ۲۶ کارمند دارد و مالیه را از معاش آنها وضع نموده اما از پرداخت هرگونه مالیه به وزارت مالیه ابا می ورزد. رئیس شرکت گفته است که پول برای مصارف شرکت لازم است. "ما نمي توانيم از عهده پرداخت اين مبلغ موضوعی بزرگ بر آمده و به فعالیت تشبث ادامه دهیم". هیچ همکاری از جانب مالیه دهنده جهت تحویل مبالغ وضع شده دیده نمی شود. اداره مالیاتی باید مطابق ماده ۲۲ اقدام نماید.

صدور اطلاعیه:

۷,۲۲ هرگاه اداره مالیاتی تصمیم بگیرد که اقدام تطبیقی مطابق ماده ۲۲ بعد از مدنظر گرفتن اقدامات تطبیقی مطروحه فوق، مناسب است، فقره ۱ ماده ۲۲ صدور یک اخطاریه به مالیه دهنده را ایجاب می نماید. ذریعه اطلاعیه باید به مالیه دهنده اخطار دهد که ۱۰ روز فرصت دارد تا اظهارنامه را ارائه یا مکلفیت مالیاتی مربوطه را بپردازد و در صورتی که آنها در خلال این مدت نتواند اطاعت نمایند ، اداره مالیاتی می تواند قسمت یا تمام تشبث وی را برای مدت ۱۴ روز متوقف نماید. مدت ۱۰ روز جهت پیروی از اطلاعیه از روز که مالیه دهنده (یا نماینده وی) اطلاعیه را دریافت می نماید، تعین می شود.

۸,۲۲ دوره توقف ۱۴ روز یک دوره ستندرد می باشد. دوره کوتاه تر می تواند مدنظر گرفته شود در صورتی که حالات خاص در بین باشد. مثال از حالات خاص زمانی است که تشبث غذاهای فاسد شدنی خود را بفروشد (هدف از توقف تشبث اعمال فشار بالای مالکان تشبث بوده تا از وجایب مالیاتی خود پیروی نماید، نه خساره رساندن به اعتبار مالی تشبث).

۹,۲۲ در اطلاعیه باید تمام جزئیات مکلفیت که مالیه دهنده نتوانسته از آن پیروی نماید، اظهار شود. در اطلاعیه همچنان اظهار شود که تشبث در صورتی که نتواند طی ۱۰ روز از دریافت اطلاعیه عدم اطاعت خود را مرفوع سازد توسط اداره مالیاتی طور مؤقت متوقف خواهد شد.

۱۰,۲۲ اطلاعیه باید به مالیه دهنده یا نماینده وی تسلیم و با امضاء و درج تاریخ توسط شخص که اطلاعیه را دریافت می نماید، اعلام وصول گردد. هرگاه شخص از امضاء و درج تاریخ سند ثبت اعلام وصول اجتناب نماید، مسؤول مالیاتی که اطلاعیه را انتقال می دهد باید یک سند امضاء و تاریخ زده شده را که حاوی جزئیات انتقال می باشد، تهیه نماید.

توقف:

۱۱,۲۲ هرگاه مالیه دهنده نتواند عدم پیروی مشخص شده در اطلاعیه مندرج فقره ۱ ماده ۲۲ را در خلال ۱۰ روز مقتضی رفع بسازد، اداره مالیاتی می تواند جهت توقف تشبث اقدام نماید. لزومی ندارد که به صورت فوری اقدام شود، با آن هم، در خلال ۷-۱۰ روز از ختم زمان مندرج اطلاعیه صورت بگیرد. این مدت زمان می تواند جهت گرفتن منظوری از داخل اداره مالیاتی و ترتیب کمک از سایر مراجع استفاده شود.

۱۲,۲۲ بعد از استفاده از اطلاعیه مندرج فقره ۱ ماده ۲۲، ضروری نیست اداره مالیاتی اخطاریه بیشتر در مورد زمان اقدام، در صورتی که مالیه دهنده پیروی ننماید، ارائه نماید.

کمک پولیس:

۱۳,۲۲ طوری که در فقره ۳ ماده ۲۲ پیشبینی گردیده، اداره مالیاتی می تواند از پولیس درخواست نماید تا حین اجرای انسداد تشبث حضور داشته باشد. کمک از پولیس باید همیشه مطالبه گردد. مسؤول مالیاتی توظیف شده جهت اجرای انسداد تشبث در مورد زمان و روز انسداد با مسؤولین پولیس صحبت خواهد کرد و روی زمان مناسب توافق خواهد نمود. مسؤولین پولیس برای تعیین تعداد مناسب و نوع پولیس مورد نیاز جهت ارایه کمک مکلف می باشند.

۱۴,۲۲ مسؤولین مالیاتی مسؤولیت عمومی برای رهبری انسداد تشبث را عهده دار می باشند. نقش پولیس حفظ امنیت می باشد. هرگاه مالیه دهنده در برابر اقدامات قانونی مسؤولین مالیاتی امتناع یا مقاومت نماید، پولیس می تواند مداخله و هر اقدامی که لازم بداند روی دست گیرد.

اجرای مسدودیت:

۱۵,۲۲ فقره ۳ ماده ۲۲ تصریح می نماید که مسؤولین مالیاتی حین بازدید از محل تشبث جهت اجرای انسداد، باید یک لوحه یا اطلاعیه را در محل برجسته نصب نمایند. اطلاعیه باید مردم را مطلع نماید که تشبث موقتاً بخاطر عدم اطاعت پذیری از مکلفیتهای مالیاتی، مسدود گردیده است.

۱۶,۲۲ ماده ۲۲ جزئیات دیگر را جهت اجرای انسداد مشخص ننموده است. این جزئیات با توجه به حالت های تشبث و مشوره با پولیس که در بستن تشبث کمک می نماید، تصمیم گیری خواهد شد. در صورت که پولیس در دسترس باشد، آنها می توانند در تمام مدت انسداد حاضر باشند، یا آنها می توانند بازدیدهای منظم جهت بررسی و متیقین شدن از اینکه تشبث در مدت مقتضی مسدود باقی می ماند، داشته باشند. اداره مالیاتی می تواند قفلها یا سایر تجهیزات را که باید در محل تشبث نصب گردیده جهت متیقین شدن از اینکه تشبث مسدود باقی می ماند،تهیه نماید.

۱۷,۲۲ شخصی که نتواند از اطلاعیه یا حکم مطابق این ماده پیروی نماید، مرتکب تخلف می گردد. به فقره ۴ ماده ۴۵ مراجعه نمایید. شخص که نتواند با مسؤولین مالیاتی که انسداد را انجام می دهند همکاری نماید، (بگونه مثال، جلوگیری از دسترسی یا تلاشهای فیزیکی جهت بازداشتن مسؤولین مالیاتی از بستن تشبث) نیز می تواند مطابق ماده ۴۶ به خاطر ممانعت مسؤولین مالیاتی مورد پی گرد قرار گیرد.

رفع مسدودیت:

۱۸,۲۲ زمانی که مدت انسداد موقت تکمیل می گردد، مسؤولین مالیاتی باید مجدداً از محل تشبث دیدن نموده و اطلاعیه انسداد و سایر مواد (مثل قفلها) نصب شده توسط مسؤولین مالیاتی بخاطر مسدود شدن را بر دارد. لازم نیست پولیس برای این اقدام حضور داشته

باشد صرف از موضوع به اداره پولیس مربوطه اطلاع داده شود با آن هم، وزارت مالیه می تواند مطابق ماده ۴ از آنها درخواست کمک نماید.

۱۹,۲۲ مسدودیت، زمانی خاتمه می یابد که مدت اصلی اطلاع داده شده انسداد منقضی گردیده باشد، یا عدم اطاعت که باعث انسداد گردیده رفع گردیده باشد (اظهارنامه لازم ارائه گردیده باشد یا مالیه قابل پرداخت تأدیه شده باشد). هرگاه مالیه دهنده اظهارنامه لازم را ارائه یا قرض مالیه را بپردازد اداره مالیاتی باید هرچه عاجل به انسداد خاتمه دهد. در بسا قضایا خاتمه انسداد در روزی صورت می گیرد که اظهارنامه ارائه یا مالیه پرداخت گردیده باشد در غیر آن صورت این امر نباید طولانی تر از روز کاری بعدی گردد.

۲۰,۲۲ هرگاه تشبث به خاطر عدم پرداخت مکلفیت مالیاتی مسدود گردیده باشد، اداره مالیاتی مطابق فقره ۶ ماده ۲۴ می تواند در صورت توافق جهت ارائه ضمانت توسط مالیه دهنده به انسداد خاتمه دهد.

مسدودیت متعدد:

۲۱,۲۲ ماده ۲۲ می تواند بیش از یکبار در صورتی که مالیه دهنده به عدم پیروی وجایب مالیاتی خود ادامه دهد، استفاده گردد. اداره مالیاتی باید تمام قدمه های لازم مندرج ماده ۲۲ را برای هربار انسداد تکرار نماید. اخطاریه باید به مالیه دهنده مطابق فقره ۱ ماده ۲۲ (دادن ۷ روز دیگر جهت پیروی) صادر گردد. این اخطاریه فقط بعد از ختم انسداد قبلی می تواند صادر گردد.

مثال:

قادر در یک مارکیت کوچک فعالیت دارد. وی نمی تواند اظهارنامه مالیاتی سال ۱۳۹۶ خود را به وقت معینه (ختم ماه حوت) ارائه نماید. از آنجایی که اولین بار است که قادر نتوانسته اظهارنامه مالیاتی خود را به موقع ارائه نماید، اداره مالیاتی به حیث اولین قدم یک اطلاعیه را مطابق ماده ۷ در ۱۵ حمل به وی ارسال می نماید. اطلاعیه مذکور ۳۰ روز به وی فرصت می دهد تا اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه نماید.

در ۱۶ ماه جوزا قادر تا کنون اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه ننموده است،لذا اداره مالیاتی تصمیم می گیرد تا به اقدام بعدی مبادرت ورزد. اخطاریه مطابق فقره ۱ ماده ۲۲ صادر و در تاریخ ۱۸ سرطان تسلیم وی می گردد. مسؤول مالیاتی اخطاریه را به دست قادر داده و از وی می خواهد تا با امضاء یک سند اعلام وصول نماید که قادر امضاء می کند.

قادر هنوز تا ۲۵ ماه سرطان اظهارنامه خود را ارائه ننموده است. در ۲۶ ماه سرطان اداره مالیاتی جهت بستن مارکیت برای ۱۴ روز حکم صادر می نماید. مسؤول مالیاتی مؤظف با پولیس برنامه ریزی می نماید تا باهم در روز دیگر ساعت ۹ صبح از مارکیت قادر بازدید نمایند. مسؤول مالیاتی و پولیس ساعت ۹ صبح در تاریخ ۲۷ سرطان به مارکیت رسیده و با نصب اطلاعیه در دروازه ورودی طوری که در فقره ۳ ماده ۲۲ تجویز شده تشبث را بسته می نماید. پولیس روز دوبار از محل تشبث دیدن می نماید تا متیقین گردد که تشبث بسته می ماند.

قادر اظهارنامه خود را ارائه نمی نماید. در صبح ۱۲ اسد مسؤول مالیاتی به مارکیت بر می گردد و اطلاعیه را از دروازه بر می دارد. قادر حالا می تواند مارکیت را دوباره باز نماید. با آن هم در عین زمان مسؤولین مالیاتی اخطاریه جدید را مطابق فقره ۱ ماده ۲۲ که به قادر ۷ روز دیگر فرصت می دهد تا اظهارنامه خود را ارایه نماید، تسلیم می کند. اخطاریه قادر را مطلع می نماید که عدم ارائه اظهارنامه در خلال زمان معینه منتج به بستن موقتی دیگر تشبث خواهد شد.

هرگاه قادر هنوز نتواند تا ۱۹ ماه اسد اظهارنامه خود را ارائه نماید، اداره مالیاتی مبادرت به بستن تشبث برای بار دوم مطابق ماده ۲۲ خواهد نمود. این روند می تواند برای چندین بار تا زمانی که قادر اظهارنامه خود را ارائه نماید، ادامه یابد.

منازعه تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر بستن یک تشبث:

۲۲,۲۲ تصمیم اداره مالیاتی مطابق این ماده یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت مالیه (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعات مالیاتی درخواست نماید.

۲۳,۲۲ **تصمیم اداره مالیاتی برای اعتراض می تواند:**

- تصمیم مطابق فقره ۱ ماده ۲۲ جهت اخطار مالیه دهنده از قصد انسداد قسمت یا کل تشبث؛
- تصمیم انسداد کل یا قسمت از فعالیت تشبث مطابق فقره ۲ ماده ۲۲

حالات ممنوع الخروج بودن

مادۀ بیست و سوم:

(1) اداره مالیات میتواند، در یکی از حالات ذیل اطلاعیۀ کتبی ممنوع الخروج مالیه دهنده را از افغانستان صادر نماید و در خلالپنج روز کاری مکلف است، پیشنهاد ممنوع الخروجی مالیه دهنده را از محکمه اخذنماید. :

1- در صورتیکه ذمت مالیاتی خود را که بالغ بر(۵۰۰۰۰۰) پنجصد هزار افغانی یا بیشتر از آن باشد، الی سی روز پس از سپری شدن تاریخ معینه تادیه ننماید.

۲- در صورت حصول اطمینان و موجودیت اسناد و مدارک مبنی بر اینکه شخص قبل از ادای ذمت مالیاتی، افغانستان را طور دایمی ترک مینماید.

(2) هرگاه مالیه دهنده ذمت مالیاتی خویشرا تأدیه یا تضمین کافی را جهت ادای آن فراهم نماید، ادارۀ مالیات اطلاعیۀ ممنوع الخروج شخص را فسخ می نماید .

(۳) مراجع امنیتی مکلف اند درتطبیق حکم مندرج فقرۀ (۱) این ماده با وزارت مالیه همکاری نمایند.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ در فقره (۱) این ماده پنج روز کاری و در جز ۱ این فقره حد مبلغ (۵۰۰۰۰۰) افغانی ایزاد شده است.

۱,۲۳ این ماده در مورد حکم ممنوع الخروج که می تواند توسط اداره مالیاتی در یکی از دو حالت ذیل صادر گردد، صراحت دارد:

۱. مالیه دهنده مکلفیت مالیاتی داشته که بیشتر از ۳۰ روز از موعد پرداخت آن گذشته است.

۲. اداره مالیاتی علایم را مشاهد ه نماید که مالیه دهنده به طور دایمی قصد ترک افغانستان را بدون پرداخت مکلفیت مالیاتی حال و آینده را دارد.

مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده برای بیشتر از ۳۰ روز:

۲,۲۳ در وضعیت اول به سادگی مسئله موجودیت مکلفیت مالیاتی مطرح است و اینکه آیا مکلفیت متذکره برای بیشتر از ۳۰ روز بعد از تاریخ معین پرداخت ناشده مانده است. مکلفیتهای مالیاتی بالقوه مربوطه به دوره های که هیچ اظهارنامه مالیاتی ارائه نگردیده و هیچ سنجش صادر نگردیده، شامل نمی شود. هرگاه مالیه دهنده اظهارنامه لازم را ارائه نکرده باشد، اداره مالیاتی باید سنجش تخمینی و تعیین مکلفیت مالیاتی را قبل از مدنظر گرفتن حکم ممنوع الخروج صادر نماید.

مثال:

سید اظهارنامه مالیه برارزش افزوده را برای ربع ماه حوت با مکلفیت مالیاتی مالیه برارزش افزوده که مطابق قانون مالیه برارزش افزوده ۳۰ روز از ختم دوره مالیه برارزش افزوده می گذرد، ارائه نموده است (۳۰ ماه حمل). وی مالیه را در تاریخ معین پرداخت

نمی نماید و تا آخر ماه ثور نیز پرداخت ننموده است. به همین خاطر اداره مالیاتی می تواند در هر زمانی از اول ماه جوزا صدور حکم ممنوع الخروج را برای سید مدنظر گیرد.

۳,۲۳ باتوجه به طرزالعمل مربوطه ، اداره مالیاتی نمی تواند حکم ممنوع الخروج را برای مالیه دهنده که مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده دارد، صادر نماید مگر اینکه مبلغ پرداخت ناشده بالغ بر(۵۰۰۰۰۰) افغانی باشد (طرزالعمل).

۴,۲۳ حین مدنظر گرفتن استفاده از صلاحیت مطابق جزء ۱ فقره (۱) ماده ۲۳، اداره مالیاتی در صورتی می تواند از آن استفاده کند که به مالیه دهنده از مبلغ باقیات طی یاد داشت به مالیه تذکر داده باشد. اداره مالیاتی باید در قدم اول یک اطلاعیه به مالیه دهنده صادر و به وی تذکر دهد که موعد پرداخت مالیه گذشته است. ازینرو در صورت مبلغ قابل پرداخت به صورت عاجل پرداخت نگردد، اقدامات تطبیقی بیشتر مطابق قوانین مدنظر گرفته خواهد شد.

مثال:

لیاقت مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده که بیشتر از ۳۰ روز از تاریخ معین پرداخت آن گذشته است، دارد. هیچ اقدام تطبیقی توسط اداره مالیاتی تا کنون روی دست گرفته نشده است. لیاقت دارای خانه ها و موترها در کابل می باشد همچنان دارای یک دکان با اموال با ارزش می باشد. حکم ممنوع الخروج توسط اداره مالیاتی تا زمانی که اطلاعیه به لیاقت صادر نگردد، نباید صادر شود. بادرنظرداشت داراییها و ضمانتهای موجود لیاقت، اداره مالیاتی باید تمام اقدامات تطبیقی موجود را مدنظر گیرد.

مالیه دهنده بدون پرداخت افغانستان را ترک می نماید:

۵,۲۳ وضعیت دومی می تواند با مکلفیت مالیاتی موجود یا مکلفیت مالیاتی آینده مرتبط باشد. در این وضعیت حتمی نیست که ۳۰ روز از وقت معین مکلفیت مالیاتی موجود بگذرد و همچنان نیاز نیست حتی وقت پرداخت گذشته یا رسیده باشد. مکلفیت مالیاتی آینده حتی در صورت می تواند مدنظر گرفته شود که مالیه از طریق اظهارنامه مالیاتی یا صدور یادداشت سنجش تثبیت نگردیده باشد.

۶,۲۳ این مسئله که مکلفیت مالیاتی در آینده وجود خواهد داشت یا خیر با آزمایش فعالیتهای مالیه دهنده جواب داده می شود. هرگاه مالیه دهندگان تجارت یا هرچیزی دیگر داشته باشند که عاید به دست آورند یا درگیر معاملاتی باشند که بتواند مکلفیت مالیاتی را در آینده برای آنها پیشبینی نماید، داشتن مکلفیت مالیاتی آینده قابل توجیه خواهد بود.

۷.۲۳ با آن هم، جهت مدنظر گرفتن اطلاعیه ممنوع الخروج در این حالتها، لازم است سؤالات بیشتری مدنظر گرفته شوند (آیا شواهد وجود دارد که مالیه دهنده قصد ترک افغانستان را برای همیشه بدون پرداخت مکلفیت مالیاتی حال یا آینده دارد؟)

۸,۲۳ لازم نیست شواهد به صورت دقیق ثابت نمایند که مالیه دهنده قصد ترک افغانستان را بدون پرداخت مالیه دارد. وجود بعضی شواهد که نشان دهد مالیه دهنده ممکن بدون پرداخت مالیه ترک نماید جهت اجازه اطلاعیه ممنوع الخروج کافی خواهد بود.

مثال:

غازی با ۷ تکسی تجارت می کند. اظهارنامه مالیاتی و پرداخت هایش تجدید شده می باشد. با آن هم اداره مالیاتی در می یابد که غازی موارد ذیل را طی دو ماه اخیر انجام داده است:

وی جهت اخذ پاسپورت برای خودش، خانم اش و اطفالش درخواست نموده است؛

وی تمام سپردگیهای بانکی خود را به صورت پول نقد از بانک خارج و حساب هایش را مسدود نموده است؛

وی تاکسیهای خود را ترجیحاً به دالر آمریکایی به فروش رسانده است.

اگرچه این موارد قطعی نیست، شواهد وجود دارد که غازی داراییهای موجود خود را در افغانستان به پول نقد تبدیل می کند و ممکن خود را با خانواده اش برای ترک افغانستان آماده نماید. اداره مالیاتی می تواند اطلاعیه ممنوع الخروج را به غازی صادر نماید.

۹,۲۳ اطلاعیه ممنوع الخروج نباید جهت جلوگیری عزیمت موقتی از افغانستان که قسمت از فعالیتهای عادی تشبث مالیه دهنده می باشد، استفاده گردد، مگر اینکه شواهد وجود داشته باشد که مالیه دهنده در واقع قصد برگشت به افغانستان را نداشته باشد.

مثال:

نظام، تجارت واردات را انجام می دهد. وی دارای مکلفیت مالیاتی است که برای بیش از ۳۰ روز پرداخت ناشده باقی مانده است. وی یک تکت رفت و برگشت به دوبی را خریداری می نماید که به گفته وی با عرضه کنندگان ملاقات و برای خریداریهای جدید مذاکره خواهد کرد. وی سابقه چنین سفرها را سال سه بار داشته است. هیچ شواهدی وجود ندارد که نظام در قسمت آمادگی جهت ترک دایمی افغانستان چیزهای انجام دهد. تجارت و امور خانوادگی اش به صورت عادی پیش می رود و وی دارای داراییهای چشمگیری در افغانستان می باشد.

در این صورت اطلاعیه ممنوع الخروج نباید صادر گردد. قصد سفر نظام جزء عادی از تجارت وی می باشد و هیچ شواهد در قسمت خطر تحصیل مالیات وجود ندارد.

صدور اطلاعیه ممنوع الخروج:

۱۰,۲۳ باید اجازه اطلاعیه ممنوع الخروج توسط مسؤول مالیاتی ارشد با صلاحیت صورت گیرد و اسناد حمایوی اطلاعیه ممنوع الخروج باید دلایل ممنوع الخروج به شمول مقدار مکلفیت مالیاتی را مشخص نماید. اطلاعیه ممنوع الخروج توسط اداره مالیاتی به وزارت امور داخله و مسؤول امنیت مرزی صادر می گردد.

۱۱,۲۳ یک نقل از اطلاعیه ممنوع الخروج باید به مالیه دهنده همراه با جزئیات مکلفیت مالیاتی که باعث صدور اطلاعیه ممنوع الخروج گردیده، داده شود.

لغو اطلاعیه ممنوع الخروج:

۱۲,۲۳ اداره مالیاتی در صورت پرداخت مکلفیت مالیاتی مکلف است تا اطلاعیه ممنوع الخروج را لغو نماید. اطلاعیه متذکره در صورت ارائه تضمین کافی نیز باید لغو گردد. تضمین می تواند مطابق فقره ۱ ماده ۲۴ به صورت اجباری یا موافقه داوطلبانه مطابق فقره ۶ ماده ۲۴ ارائه گردد.

۱۳,۲۳ لغو می تواند هنگام صورت پذیرد که انجام آن بنا به تصمیم محکمه الزامی باشد.

۱۴,۲۳ ممنوع الخروج صادره توسط اداره مالیاتی تا ۵ روز کاری بدون منظوری محکمه معتبر می باشد. اداره مالیاتی باید در خلال ۵ روز کاری برای ادامه ممنوع الخروج بیشتر از ۵ روز کاری از محکمه تأییدی اخذ نماید. هرگاه چنین تأییدی اخذ نگردد، ممنوع الخروج صادره توسط اداره مالیاتی از اعتبار ساقط می گردد.

محدودیت انتقال و فروش دارائی ها

مادۀ بیست و چهارم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده مطابق احکام قوانین مالیاتی، اظهارنامۀ مالیاتی خود را ارایه نکند یا مالیات ذمت خویش را تادیه ننماید، ادارۀ مالیات میتواند وضع محدودیت دسترسی به دارائی های منقول و غیر منقول وی را از محکمۀ مربوط تقاضا نماید.

(۲) درحالت مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، هرگاه مالیه دهنده درخلال سی روز بعد از صدور حکم محکمه اظهار نامهٔ مالیاتی را ارایه نکند یا مالیهٔ ذمت خویش را تأدیه ننماید ویا موافقه ای را مطابق حکم فقرهٔ (۳) مادهٔ پانزدهم این قانون حاصل نکند، ادارهٔ مالیات میتواند صدور حکم مصادره و فروش دارائی وی را از محکمه تقاضا نماید.

(۳) هرگاه مالیه دهنده، اظهار نامهٔ مالیاتی را ارایه یا مالیهٔ ذمت خویش را تأدیه نماید ویا موافقه ای را مطابق حکم فقرهٔ (۳) مادهٔ پانزدهم این قانون قبل از صدور حکم محکمه مبنی بر مصادره و فروش دارائی مالیه دهنده حاصل کند، حکم وضع محدودیت مندرج فقرهٔ (۱)این ماده براساس درخواست مالیه دهنده یا ادارهٔ مالیات لغو میگردد.

(۴) در حالت مندرج فقرهٔ (۲) این ماده، هر گاه محکمه حکم مبنی بر فروش دارائی را صادر نماید، ادارهٔ مالیات مکلف به اجراآت ذیل میباشد:

۱- دلایل مصادره ومشخصات دارائی را طور کتبی بلا فاصله به مالک یا شخصیکه دارائی قبل از مصادره در کنترول وتصرف وی میباشد، ابلاغ نماید.

۲- درصورتیکه اموال مصادره شده سریع الفساد باشد، طبق احکام قوانین مربوط به فروش آن اقدام نماید.

۳- در صورتیکه اموال سریع الفساد نباشد، برای مدت بیست ویک روز بعد از مصادره آنرا نگهداری وبا ختم میعاد متذکره به فروش آن مطابق احکام قانون اقدام نماید.

۴- از عواید فروش دارائی مصادره شده، نخست مصارف مصادره، نگهداری و فروش و در قدم دوم ذمت مالیاتی مالیه دهنده وضع و مبلغ باقیمانده به مالیه دهنده، تأدیه گردد.

(۵) هرگاه عواید فروش دارائی مصادره شده، مبالغ مندرج جزء (۴) فقرهٔ (۴) این ماده را تکافو ننماید، مالیه دهنده مطابق احکام قانون مکلف به تأدیه مبلغ باقیمانده میباشد.

(۶) ادارهٔ مالیات و مالیه دهنده میتوانند، منحیث بخش از موافقهٔ مندرج فقره (۳) مادهٔ پانزدهم و فقرهٔ (۲) مادهٔ بیست و سوم این قانون یا بنا بر سایر دلایل مؤثر در تطبیق قوانین مالیاتی، روی ارایه تضمین یا وضع محدودیت بالای دارائی منقول یا غیر منقول، توافق نموده واین توافق مرعی الاجرا میباشد.

محدودیت ها بر دارایی:

۱,۲۴ اداره مالیاتی می تواند از محکمه جهت محدودیت مالیه دهندگان در قسمت دارایی های مالیه دهنده در صورتی که آنها نتوانند اظهارنامه های خود را ارائه یا مالیه خود را به وقت معین تأدیه نماید، درخواست نماید. این حکم عدم تأدیه مالیه موضوعی را نیز شامل می گردد. محدودیت می تواند برای دارایی منقول و غیر منقول درخواست گردد.

۲,۲۴ هرگاه اظهارنامه به شمول فورمه مربوط به مالیه موضوعی ارائه نگردیده، ومکلفیت مربوط تا هنوز تثبیت نگردیده باشد. اداره مالیاتی مطابق حکم این ماده می تواند درخواست حکم بنا برعدم ارایه اظهارنامه به حیث اقدام جلوگیری کننده از ادای مکلفیت مالیاتی را از محکمه تقاضا نماید. مکلفیت مالیاتی متوقعه به مکلفیت مالیاتی اظهارنامه که وقت ارائه قانونی آن گذشته است، راجع می گردد. این تشخیص می تواند بر مبنای اظهارنامه های مالیاتی قبلی یا هرگونه معلومات موجود در اداره مالیاتی باشد.

۳,۲۴ دونوع حکم محکمه در این ماده تصریح گردیده است. اول اینکه مالیه دهنده در قسمت معامله دارایی مندرج حکم محکمه محدود می گردد. این امر می تواند جهت حفظ عواید از اتلاف داراییها توسط مالیه دهنده صورت گیرد، یا به خاطر یک اقدام جهت تطبیق پرداخت به کار گرفته شود.

۴,۲۴ در درخواست به محکمه باید ارائه اظهارنامه، مالیه موضوعی یا مکلفیت پرداخت که مالیه دهنده باید از آنها اطاعت نماید، مشخص گردد. در صورتی که مبلغ مالیه به صورت خلاصه معلوم نگردد (بگونه مثال، چون مالیه دهنده اظهارنامه را ارائه نکرده است)، تخمین از مالیه پرداخت ناشده باید جهت معلومات محکمه تهیه گردد. تخمین می تواند مبتنی بر نمونه اظهانامه های قبلی یا هرگونه معلومات موجود در اداره مالیاتی باشد.

۵,۲۴ در درخواست برای حکم محکمه باید داراییهای که محدودیت برای آنها تقاضا می گردد، توضیح داده شود. داراییهای انتخاب شده باید دارای ارزش باشد که جهت رفع مکلفیت مالیاتی کافی باشد، مگر اینکه مالیه دهنده داراییهای قابل تشخیص کافی نداشته باشد، در این صورت درخواست باید به تمام داراییهای موجود ارتباط بگیرد.

۶,۲۴ در تشخیص داراییها برای محدودیت، اداره مالیاتی باید به داراییهای ترجیح قایل شود که فعالیتهای دوامدار تشبث مالیه دهنده را در صورتی که محدود گردند، ممانعت نکند. بگونه مثال، محدودیت بالای فروش وسایط نقلیه یا ساختمانها نسبت به محدودیت بالای مال التجاره تجار، ارجحیت دارد. مالیه دهنده می تواند علی الرغم استفاده نشدن از موتر یا ساختمان در تشبث شان به فعالیت ادامه دهد، اما محدودیت بالای مال التجاره باعث می گردد تجار تجارت خود را ببندد. چنین محدودیت می تواند توانایی مالیه دهنده را جهت تصفیه مکلفیت مالیاتی که به منفعت وزارت مالیه نمی باشد، کاهش دهد.

۷,۲۴ آیا محدودیت بالای دارایی تقاضا گردد یا خیر تصمیم اداره مالیاتی است که بستگی به حالات قضیه دارد. حالات مربوطه می تواند تخمین مکلفیت بالقوه، نوع دارایی موجود مالیه دهنده و سابقه پرداخت مالیه دهنده را شامل گردد. به حیث قاعده عمومی،محدودیت بر دارایی در صورتی از محکمه تقاضا نمی گردد که مبلغ مالیه پرداخت ناشده (یا مبلغ مالیه تخمینی مربوط به اظهارنامه ارائه نشده باشد) پایین تر از ۲۰۰۰۰۰ افغانی باشد.

۸,۲۴ هرگاه اداره مالیاتی یک قضیه را به محکمه ارائه نماید و مالیه دهنده قبل از صدور حکم وجایب خود را مرفوع سازد، قضیه پس گرفته می شود.

فروش دارایی:

۹,۲۴ نوع دوم حکم محکمه نوع اول را در صورتی که مالیه دهنده به عدم اطاعت خود ادامه دهد، تعقیب می نماید. این نوع حکم صرف بعد از گذشت ۳۰ روز از تسلیم حکم اول از محکمه تقاضا می گردد. در مرحله دوم حکم فروش دارایی مالیه دهنده که مطابق حکم اول محدود گردیده بود، از محکمه تقاضا می گردد.

۱۰,۲۴ محکمه می تواند برای اداره مالیاتی حکم فروش دارایی مالیه دهنده را از طریق مزایده در صورتی که وجایب مالیاتی مرفوع نگردیده باشد، صادر نماید.

۱۱,۲۴ دارایی محدود شده و مالیه مندرج حکم اول مبنا و اساس حکم دوم را تشکیل می دهد. تلاش در مورد فروش دارایی متفاوت یا طرح مکلفیتهای مالیاتی جدید که در حکم اول محکمه تشریح نگردیده، مجاز نیست.

۱۲,۲۴ هرگاه حکم اول محکمه مربوط به عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی مالیه دهنده باشد و مالیه دهنده تاهنوز اظهارنامه مالیاتی را ارائه ننموده باشد، اداره مالیاتی باید قبل از درخواست جهت صدورحکم دوم محکمه سنجش تخمینی مطابق فقره ۲ ماده ۸ را صادر نماید. این امر جهت تثبیت مبلغ مکلفیت مالیاتی که با فروش دارایی منتج گردد، لازم و ضروری است.

۱۳,۲۴ هرگاه مالیه دهنده مکلفیتهای مالیاتی خود را قبل از اینکه محکمه حکم دوم را صادر نماید، مرفوع سازد، حکم آن تطبیق نخواهد شد.

۱۴,۲۴ نقض حکم محکمه می تواند مطابق قواعد و طرزالعمل های محکمه صادر گردد.

مثال۱:

عالم نتوانسته اظهارنامه مالیات برعایدات خود را برای سال ۱۳۹۳ در وقت معینه ارائه نماید. از آنجایی که این اولین بار است که وی نتوانسته اظهارنامه مالیاتی خود را به وقت معین ارائه نماید، اداره مالیاتی مطابق ماده ۷ به وی اطلاعیه ارسال می نماید. ۳۰ روز بعد از دریافت اطلاعیه متذکره، وی هنوز نتوانسته اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه نماید.

مطابق اظهارنامه های قبلی وی، اداره مالیاتی به این باور است که مکلفیت مالیاتی زمانی که اظهارنامه ارائه گردد، وجود خواهد داشت. از این رو اداره مالیاتی می تواند مطابق فقره ۱ ماده ۲۴ از محکمه درخواست نماید تا حکم محدودیت دارایی های مشخص را که عالم مالک آنهاست، صادر نماید.

مثال ۲ :

رفیع دارای مکلفیت مالیات برعایدات می باشد که وقت معین پرداخت آن سپری گردیده است. اداره مالیاتی در مورد پرداخت مالیه با وی به تماس گردیده اما وی از همکاری امتناع ورزیده است.

رفیع در ساختمان خودش یک رستورانت فعال نموده است و وی همچنان دارای یک عراده موتر می باشد. اداره مالیاتی می تواند از محکمه برای محدود نمودن وی در قسمت فروش دارایی اش درخواست نماید. اداره مالیاتی می تواند برای محدود نمودن هرگونه دارایی رفیع درخواست نماید، اما اداره متذکره موتر را انتخاب می نماید زیرا ارزش موتر با مکلفیت مالیاتی مطابقت دارد و از سوی دیگر محدودیت تشبث فعالیت رفیع را نیز مختل نخواهد کرد.

هرگاه عالم در خلال ۳۰ روز از صدور حکم محکمه مکلفیت مالیاتی خود را پردخت ننماید، اداره مالیاتی سپس می تواند به محکمه مراجعه و برای حکم دیگر مبنی بر اجازه فروش موتر درخواست نماید.

توافقات داوطلبانه:

۱۵,۲۴ فقره ۱ ماده ۲۴ در مورد پروسه برای اداره مالیاتی جهت آغاز محدودیتهای بر دارایی مالیه دهنده صراحت دارد. موافقه مالیه دهنده لازم نمی باشد. فقره ۶ ماده ۲۴ در مورد پروسه بدیل ، صراحت دارد که در آن مالیه دهنده داوطلبانه موافقه می نماید تا دارایی خود را برای محدودیت تسلیم نماید. این توافقات دخیل شدن محکمه را ایجاب نمی نماید.

۱۶,۲۴ مالیه دهندگان می توانند تصمیم بگیرد تا وارد موافقه داوطلبانه به حیث طرف مذاکرات بالای وجایب و حقوق مالیاتی گردند. محدودیت بالای دارایی می تواند در تشویق اداره مالیاتی جهت منظوری امتیازات به مالیه دهنده مطابق قوانین مالیاتی کمک نماید. بگونه مثال، مالیه دهنده می تواند محدودیت بالای دارایی را به منظور گرفتن تمدید زمان جهت پرداخت مالیه شان مطابق ماده ۱۵ یا اخذ منظوری جهت پرداخت به اقساط مطابق همان ماده بپذیرد.

۱۷,۲۴ سایر فواید توافق داوطلبانه برمحدود نمودن دارایی شامل موارد ذیل می باشد:

- به حیث قسمت از گرفتن منظوری تمدید زمان ارائه اظهارنامه مطابق ماده ۷؛
- اجازه لغو حکم ممنوع الخروج مطابق فقره ۲ ماده ۲۳؛
- لغو بستن تشبث مطابق ماده ۲۲ یا متقاعد کردن اداره مالیاتی که لازم نیست برای بستن اقدام شود.

۱۸,۲۴ شکل و محتوی موافقتنامه داوطلبانه تابع مذاکره بین اداره مالیاتی و مالیه دهنده می باشد. موافقتنامه می تواند با توجه به نیازهای مالیه دهنده و اداره مالیاتی دارای شرایط دیگر باشد. از آنجایی که موافقتنامه داوطلبانه، بدیل برای پروسه رسمی مطابق فقره ۱ ماده ۲۴ می باشد، موافقتنامه داوطلبانه می تواند حاوی شرایط باشد که اداره مالیاتی صلاحیت ضبط و فروش دارایی محدود شده را در صورتی که مالیه دهنده از شرایط مشخص پیروی ننماید، داشته باشد.

مثال:

ببرک دارای یک تشبث واردات می باشد. وی مکلفیت مالیاتی زیادی دارد که بیش از ۳۰ روز از تاریخ معینه، پرداخت ناشده باقی مانده است. اداره مالیاتی از صلاحیت خود مطابق ماده ۲۳ استفاده نموده و حکم ممنوع الخروج را برای جلوگیری ببرک از ترک افغانستان صادر نموده است.

ببرک می خواهد پسرش را که در کانادا زندگی می کند ملاقات نماید. وی نمی تواند تمام مکلفیت مالیاتی خود را عاجلتاً بپردازد، لذا به خاطر لغو حکم ممنوع الخروج وی ارائه تضمین به اداره مالیاتی را جهت حفظ قرضه مالیاتی خود پیشنهاد می نماید. وی بالای محدودیت مقداری زمین که در کندهار دارد، توافق می نماید. یکی از شرایط مندرج قرارداد که وی امضاء نموده این است که هرگاه وی نتواند در خلال ۶۰ روز از عزیمت به افغانستان برگردد، می پذیرد که اداره مالیاتی دارایی وی را به فروش رسانده و از وجوه آن جهت پرداخت مکلفیتهای مالیاتی استفاده نماید.

۱۹,۲۴ این موافقتنامه یک موافقتنامه داوطلبانه مطابق فقره ۶ ماده ۲۴ خواهد بود و یک موافقتنامه قابل تطبیق مطابق به قوانین افغانستان می باشد.

۲۰,۲۴ با عقد قرارداد، اداره مالیاتی حکم ممنوع الخروج را که در فقره ۲ ماده ۲۳ پیشبینی شده لغو خواهد کرد.

ضبط اجناس:

۲۱,۲۴ دارایی در صورتی می تواند توسط اداره مالیاتی ضبط گردد که حکم محکمه مندرج فقره ۲ ماده ۲۴ گرفته شده باشد. دارایی همچنان می تواند با توجه به شرایط موافقتنامه امضاء شده مطابق فقره ۶ ماده ۲۴ نیز ضبط گردد.

۲۲,۲۴ ماده ۲۴ قانون اداره امور مالیات در مورد طرزالعملهای که توسط اداره مالیاتی حین ضبط دارایی مالیه دهنده صراحت دارد درنظرگیرد. اداره مالیاتی باید خود را متیقن سازد که مالیه دهنده مالک حقیقی دارایی مورد هدف می باشد. اداره متذکره نباید دارایی را که تحت ملکیت کامل یا قسمی شخصی که از مالیه مقروض نیست، ضبط نماید.

۲۳,۲۴ دارایی مالیه دهنده در حالی که در کنترول یا امانت شخص دیگر قراردارد، می تواند ضبط گردد.

مثال :

مالیه دهنده با مکلفیت مالیاتی که تاریخ معین پرداخت آن گذشته مالک یک لاری کلان می باشد. اداره مالیاتی لاری را از طریق نمبر ثبت و راجستر تشخیص می دهد و در می یابد که در جلال آباد موقعیت دارد. اداره مالیاتی می تواند لاری را متوقف و ضبط نماید حتی اگر آن توسط شخص دیگر رانندگی می گردد و مالیه دهنده موجود نباشد.

مراحل ضبط :

۲۴,۲۴ مراحل که باید توسط اداره مالیاتی در اجرای ضبط دارایی، پیروی گردد، عبارتند از:

۱. بلافاصله در جریان ضبط(یا در اسرع وقت ممکن بعد از ضبط) به مالک جایداد یا شخص که ظاهراً جایداد را در زمان ضبط در کنترل یا نزدش امانت است، اطلاعیه کتبی ارسال گردد. اطلاعیه باید دلیل ضبط و مشخصات کامل جایداد ضبط شده را تشریح نماید.

۲. فروش جایداد: فروش عموماً از طریق داوطلبی عمومی اجرا می گردد. در صورت که دارایی فاسد شدنی باشد، فروش باید به زودی و در خلال مدت که اجناس را در خطر فاسد شدن یا از دست دادن قیمت قابل توجه قرار نگیرد، انجام شود. در مورد اجناس فاسد ناشدنی، باید به مدت ۲۱ روز حفظ و سپس بعد از انقضاء دوره مذکور فروخته شود.

۳. اقدامات را اولاً بالای قیمت ضبط، نگهداری و فروش جایداد تطبیق شود. ثانیاً، از اقدامات جهت برآورده نمودن مکلفیت مالیاتی که دلیل ضبط می باشد، استفاده گردد. ثالثاً، هرگاه مبلغ که بعد از اجرای دو اقدام باقی بماند باید به مالیه دهنده پرداخت گردد.

مصارف فروش:

۲۵,۲۴ مصارف ضبط، نگهداری و فروش جایداد مصارفی است که به جناح های سوم پرداخت می گردد. این مصارف شامل معاشات یا مصارف داخلی اداره مالیاتی نمی باشند. مثالهای از مصارف که از فروش اجناس پرداخت می گردد شامل مصارف ترانسپورت (بگونه مثال، کرایه لاری)، مصارف ذخیره (بگونه مثال، اجاره گدام) و مصارف داوطلبی می باشند.

کمک پولیس:

۲۶,۲۴ اداره مالیاتی می تواند از پولیس تقاضا نماید تا در جریان ضبط حضور داشته باشد. هر شخصی که در مقابل ضبط مقاومت نماید یا به عبارت دیگر مانع مسؤولین مالیاتی حین اجرای ضبط گردد مطابق ماده ۴۶ می تواند تحت تعقیب قرار گیرد.

فصل ششم

حفظ اسناد و جمع آوری معلومات

ترتیب ونگهداری اسناد ودفاتر

مادۀ بیست و پنجم:

(۱) مالیه دهنده مکلف است، اسناد ودفاترکه در قوانین مالیاتی وتعلیمات نامه های مربوط آن پیشبینی شده است، ترتیب نماید.

(۲) مالیه دهنده مکلف است، اسناد ودفاتر مندرج فقرۀ(۱) این ماده را الی پنج سال اعتبار از ختم میعاد ارایه اظهار نامۀ مالیاتی، در کشور نگهداری و در صورت مطالبه، به دسترس ادارۀ مالیات قرار دهد.

(۳) مالیه دهندۀ که مطابق احکام قوانین مالیاتی اظهارنامۀ مالیاتی خویش را به وقت معینه ارایه ننماید، مکلف است اسناد و دفاتر مندرج فقرۀ (۱) این ماده را از تاریخ ارائۀ اظهارنامۀ برای مدت پنج سال نگهداری نماید.

(۴) هرگاه اسناد، دفاتر ومعلومات کمپیوتری به زبان خارجی ترتیب شده باشد، مالیه دهنده مکلف است عندالمطالبه ادارۀ مالیات آنرا به مصرف خود به یکی از زبانهای رسمی دولت توسط ترجمان دارندۀ جواز، ترجمه و بدسترس قرار دهد.

۱،۲۵ تمام اشخاص حکمی بدون درنظرداشت اینکه عواید تابع مالیه داشته باشند یا خیر، مکلف به نگهداری اسناد و دفاتر می باشند.

۲.۲۵ اداره مالیاتی مطابق ماده ۲۵ قانون اداره امور مالیات صلاحیت تجویز اسناد و دفاتر که باید نگهداری گردد و راپورهای که هر مالیه دهنده یا صنف مالیه دهندگان مکلف به ارائه آنها می باشند را دارد. وزارت مالیه صلاحیت دارد تا روی کامل بودن اسناد و دفاتر و قابل تشخیص بودن اندراجها به منظور بررسی اسناد و دفاتر مالیه دهنده تأکید نماید. به صورت عموم هرگونه سیستم ثبت دوگانه محاسبه که توسط انجمن متخصصین محاسبه قبول و به رسمیت شناخته شده باشد برای تمام شرکتها و شرکتها محدودالمسؤولیت تجویز گردد. اسناد و دفاتر محاسبه باید همه وقت با ثبت معاملات که صورت می گیرند، تجدید شده نگهداری گردد. محاسبات باید طوری باشد که صورت حسابات تفصیلی بتواند به صورت آماده تهیه و نشاندهنده موقف شرکت در تاریخ معین (بیلانس) و فعالیتهای شرکت در دوره معین (صورت حساب منفعت و ضرر) باشد.

۳.۲۵ اداره مالیاتی تمام شرکتها، شرکتهای محدودالمسؤولیت و سایر نهادهای (به شمول اشخاص حقیقی) مصروف فعالیت در افغانستان و کسانی که مکلف به پرداخت مالیات برعایدات سالانه هستند را مکلف به نگهداری اسناد و دفاتر ذیل نموده است:

- ژورنال ها
- لیجرها
- اسناد موجودی و اجناس داخل گدام
- اسناد ثبت دارایی
- معلومات معاملات بانکی و مالی
- اسناد حقوقی به شمول قراردادها
- اسناد مصارف و رسیدات
- بیلانس نفع و ضرر.
- بیلانس اختتامیه

۴,۲۵ اشخاص انفرادی که دارای عواید تابع مالیه نیستند مکلف به نگهداری تمام اسناد و دفاتر تجارتی مطروحه فوق از آنجایی که این اسناد و دفاتر با وضعیت شان مرتبط نخواهند بود، نمی باشند. این بدان معنا نیست که آنها نباید هیچ اسناد و دفاتر را حفظ کنند. بستگی به وضعیت، آنها دارد ممکن نیاز به نگهداری اسناد و مدارک کافی جهت نشان دادن اینکه آنها هیچ عواید تابع مالیه ندارند، داشته باشند.

مثال:

یک شخص حقیقی دارای یک تشبث کوچک منفعت پایین تر از حد تابع مالیه مالیات برعایدات به دست می آورد. آنها مکلف به نگهداری اسناد و دفاتر ابتدایی عواید شان (فروشات) که برای نشان دادن سطح عواید شان کافی باشند، هستند اما مکلف به نگهداری تمام اسناد و دفاتر حسابات مطروحه فوق نمی باشند.

۵,۲۵ برای اشخاص که ادعای نداشتن عواید تابع مالیه از تشبث شان را دارند، شواهد متکی به وضعیت می باشد. بگونه مثال، شخصی که در سالهای قبلی فعالیت تشبث داشته ادعای نداشتن عواید تابع مالیه به خاطر فروش تشبث خود به شخص دیگر دارد، مکلف به ارائه اسناد و شواهد فروش تشبث می باشد.

۶,۲۵ اشخاصی با عواید غیر تابع مالیه عبارتند از:

- اشخاصکه یگانه عاید شان از فعالیتهای تجارتی تابع مالیه ثابت به عوض مالیات برعایدات قرار گیرد؛
- اشخاصیکه تمام عایدش از کشاورزی باشند؛
- اشخاصیکه با عاید کمتر از معافیت شخصی ۵۰۰۰ افغانی در ماه و(۶۰۰۰۰ در سال)؛ و
- اشخاصیکه با عاید از منبع معاف از مالیه، یا اشخاصیکه بر علاوه عاید معاف، همچنان دارای عاید تابع مالیه می باشند اما مبلغ تابع مالیه کمتر از ۵۰۰۰ افغانی در ماه (۶۰۰۰۰ افغانی در سال) می باشد.

مثال:

شخصی مبلغ ۱۲۰۰۰ افغانی را از بابت فروش گندم و ۲۵۰۰۰ افغانی را از فروش انگور که از زمین خودش تولید می گردد وطبق قانون مالیه زمین مالیه می پردازد، به دست می آورد. وی همچنان دارای عاید از دکان میوه فروشی می باشد که مطابق فصل ۱۱ قانون اداره امور مالیات مالیه بالای آن وضع می گردد. منبع سوم عاید دریافت معاش از استخدام کننده به مبلغ ۴۰۰۰ افغانی در ماه می باشد.

از آنجایی که صرف عاید تابع مالیات برعایدات معاشش می باشد و از آنجایی که معاش وی ۴۸۰۰۰ افغانی در سال کمتر از حد اقل مبلغ تابع مالیات برعایدات است، این شخص مکلف به نگهداری تمام اسناد و دفاتر نمی باشد.

۷,۲۵ اشخاصی که ادعا می کنند که در سیستم مالیات ثابت قانون مالیات برعایدات قراردارند نیاز به نگهداری تمام اسناد و دفاتر مطروحه فوق ندارند، با آن هم، آنها مکلف به داشتن شواهد و اسناد که به صورت درست تحت مالیه ثابت قرار گرفته اند، می باشند. هرگاه آنها ادعا بکنند که به خاطر پایین بودن عاید شان از حد در سیستم مالیه ثابت قراردارد باید شواهد و اسناد را جهت ثبوت ادعای خود حفظ کنند. این به معنای حفظ اسناد و دفاتر کامل عواید می باشد. دفتر نقدی که فروشات روزانه (به شمول فروش غیر نقدی) ثبت می گردد، لازم است.

۸,۲۵ هرچند یک فرد از فعالیت معمول خود عاید تابع مالیه نداشته باشد، مکلف به نگهداری اسناد و دفاتر که هرگونه معامله دیگری را که می تواند منجر به عاید تابع مالیه گردد، قرار دهد، می باشد.

مثال : یک دکان دار مطابق فصل ۱۱ قانون مالیات برعایدات مالیه ثابت می پردازد. اما وی همچنان مقدار زیاد مفاد سهم در ارتباط به سهام که در بازار سهم دارد به دست می آورد. مفاد سهم تابع مالیات برعایدات می باشد. هرچند شخص مکلف به نگهداری

اسناد و دفاتر در ارتباط فعالیتهای دکان نمی باشد، با آن هم وی باید اسناد و دفاتر مربوط به سهام که دریافت می دارد، را حفظ نماید.

۹,۲۵ اشخاص دارای کارکنان باید اسناد و دفاتر هر پرداخت معاش یا دستمزد به هر کارمند را در جریان سال نگهداری نمایند. اشخاصیکه پرداختهای تابع مالیه موضوعی از قبیل مفاد سهم، تکتانه، حق الامتیاز و پرداختهای قراردادی را انجام می دهند باید اسناد و دفاتر این پرداختها را نگهداری نمایند. اسناد و دفاتر باید نشان دهنده مبلغ پرداخت شده و مبلغ مالیه وضع شده باشد.

۱۰,۲۵ اسناد و دفاتر که مطابق ماده ۲۵ باید نگهداری گردد می تواند به صورت الکترونیکی نگهداشته شود. شخص باید اقدام معقولی را جهت متیقن شدن از این که این اسناد و دفاتر الکترونیکی محفوظ نگهداری و نقلهای دیگر نیز از آنها برداشته می شود را روی دست گیرد.

۱۱,۲۵ اسناد و دفاتر باید برای مدت ۵ سال بعد از ختم سال مالیاتی که اسناد و دفاتر به آن ارتباط می گیرد به عنوان نمونه دوره که محدودیت سنجش برای آن در قانون پیشبینی گردیده، نگهداری گردد.

ترجمه اسناد و دفاتر:

۱۲,۲۵ مالیه دهنده می تواند اسناد و دفاتر یا معلومات ذخیره شده در کمپیوتر را به هر زبانی که خواسته باشد به شمول زبان که در افغانستان رسمی و رایج نباشد، نگهداری نماید. با آن هم، این انتخاب در صورتی که اداره مالیاتی دسترسی به آن اسناد و دفاتر را الزامی قرار دهد، تابع یک شرط است؛ اداره مالیاتی می تواند با اطلاعیه کتبی شخص را مکلف به ترجمه اسناد و دفاتر یا معلومات ذخیره شده در کمپیوتر به یکی از زبانهای رسمی کشور نماید.

۱۳,۲۵ طبق قانون اساسی، زبانهای دری و پشتو زبانهای رسمی افغانستان می باشد. به علاوه، در بعضی مناطق افغانستان زبان سوم می تواند همچنان زبان رسمی باشد. در منطقه که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه ای، بلوچی یا پامیری تکلم کنند، به علاوه زبانهای دری و پشتو زبان رسمی سوم برای آن ساحه می باشد. شخصی که در یکی از این مناطق زندگی می نماید یا فعالیت تجارتی در یکی از آن ساحات دارد مکلف به ترجمه اسناد و دفاتر مشخص به یکی از سه زبانهای رسمی مربوطه می باشد.

۱۴,۲۵ هرگاه اسناد و دفاتر برای ترجمه مدنظر گرفته شود، اداره مالیاتی باید مراقب باشد تا هزینه های غیر معقول بالای شخص تحمیل نگردد. مواد ترجمه صرف محدود به آن موادی باشد که برای اجرای تفتیش، بررسی یا تحقیقات، لازم و ضروری پنداشته می شوند.

مثال:

یک شرکت ساختمانی ترکی توسط اداره مالیاتی بررسی می گردد. اسناد و دفاتر تشبث به زبانهای رسمی افغانستان نمی باشد. آمر بررسی قبل از شروع بررسی تصمیم می گیرد که تفتیش بالای این موضوع که آیا تشبث تمام عواید خود را اظهار نموده و در مورد مصارف تشبث نگران نمی باشد، تمرکز خواهد کرد. در این مورد، اداره مالیاتی باید صرف ترجمه اسناد و دفاتر مربوط به عواید تشبث را درخواست نماید و ترجمه سایر اسناد و دفاتر که با عواید ارتباط نمی گیرد را درخواست ننماید.

۱۵,۲۵ اداره مالیاتی باید تلاشهای معقولی را جهت پذیرش اسناد و دفاتر ارائه شده توسط شخص به زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه ای، نورستانی، بلوچی یا پامیری حتی اگر زبان متذکره زبان رسمی در ساحه اقامت یا تشبث شخص نباشد، مبذول دارد. اداره مالیاتی در صورت نیاز باید قضیه را به مسؤول مالیاتی با داشتن مهارت زبان مربوطه ارجاع نماید تا فشار ترجمه بالای شخص تحمیل نگردد.

۱۶,۲۵ شخصی که اسناد و دفاتر را به یکی از زبانهای رسمی به شمول زبانی که زبان رسمی سوم برای محل شخص مذکور یا تشبث می باشد، نگهداری نماید، مکلف به ترجمه اسناد و دفاتر به زبان رسمی دیگر نمی باشد.

مثال :

یک تشبث فعال در جلال آباد اسناد و دفاتر خود را به زبان پشتو نگهداری می نماید. اداره مالیاتی نمی تواند شخص را مکلف به ترجمه اسناد و دفاتر به زبان دری نماید. این مورد حتی اگر زبان دری برای بررس توظیف شده به دوسیه خیلی راحت باشد، صدق می کند.

۱۷,۲۵ اداره مالیاتی باید مواظب باشد تا هزینه های غیر معقول را بالای مردم تحمیل ننماید. این بدان معنی است که حتی اگر شخص اسناد و دفاتر خود را به زبانی که زبان رسمی نیست نگهداری می نماید، در صورتی که درک آن اسناد و دفاتر ممکن باشد، نباید مکلف به ترجمه گردد.

مثال:

یک تشبث در کابل که شاخه از شرکت مستقر در دوبی می باشد، فعالیت دارد. این تشبث اسناد و دفاتر خود را به شکل که توسط دفتر مرکزی دوبی مقتضی است، نگهداری می نماید. اگرچه این اسناد و دفاتر کاملاً به زبان رسمی افغانستان نمی باشد، بررس اداره مالیاتی توظیف شده به قضیه در شاخه کابل می تواند نمبرها و متن را بخواند و درک کند. در این مورد غیر معقول است تا تشبث را مکلف به ترجمه اسناد و دفاتر نماید.

مطالبه معلومات

مادۀ بیست و ششم:

(1) اداره مالیات میتواند، ذریعۀ اطلاعیه کتبی شخص را به ارایه اسناد، دفاتر، معلومات یا معلومات کمپیوتری که در اختیارش قرار دارد، در میعاد مندرج اطلاعیه یا حضور در زمان و محل مشخص شده اطلاعیه بمنظور ارزیابی امور مالیاتی وی یا شخص دیگری، مکلف نماید. زمان تعیین شده در اطلاعیه کمتر از شش روز کاری بوده نمی تواند.

(2) اطلاعیۀ مندرج فقرۀ (۱) این ماده به شخص، نماینده وی ویا شخص مؤظف دیگری که در محل تجارتی او بوده واز در یافت اطلاعیه تصدیق نماید، تسلیم داده می شود .

(۳) درصورت عدم موجودیت اشخاص مندرج فقره (۲) این ماده، کارکن مالیاتی اطلاعیه را در آخرین محل فعالیت یا اقامتگاه معمول آنها گذاشته و موضوع را در نقل اطلاعیه که نزدش است، تحریر مینماید، این عمل ارایه اطلاعیه پنداشته میشود.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ در فقره (۱) این ماده شش روز کاری برای زمان اطلاعیه ایزاد شده است.

۱,۲۶ در ماده ۲۶ دو صلاحیت برای اداره مالیاتی پیشبینی گردیده است. اول شخص را مکلف به تهیه دفاتر، اسناد و معلومات (به شمول سوابق ذخیره شده در کمپیوتر) به اداره مالیاتی می نماید. ارائه اسناد مشخص به اداره مالیاتی می تواند مطالبه گردد یا شخص را مکلف به ارائه جوابات به سؤالات کتبی که توسط اداره مالیاتی پرسیده می شود، نماید.

۲,۲۶ صلاحیت دوم مکلف نمودن شخص جهت حضور به مصاحبه می باشد. هردو صلاحیت مندرج ماده ۲۶ می تواند در عین زمان استفاده گردد (اداره مالیاتی می تواند شخص را مکلف به حضور برای مصاحبه نموده و همچنان از وی بخواهد تا اسناد و دفاتر مشخص را در مصاحبه با خود بیاورد).

۳,۲۶ صلاحیتهای مندرج ماده ۲۶ به صورت رسمی می تواند با صدور اطلاعیه به شخص یا نماینده وی استفاده گردد. در اطلاعیه باید به وضوح اظهار شود که این اطلاعیه در مطابقت با ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات می باشد. درخواست به این شیوه شخص را

مکلف به اطاعت از اطلاعیه نموده و احتمال مالیه اضافی مطابق ماده ۳۹ را در صورتی که شخص نتواند پیروی نماید، باز می نماید. در قضایای جدی شخص می تواند مطابق فقره ۸ ماده ۴۵ تحت پیگرد قرار گیرد.

۴,۲۶ اداره مالیاتی می تواند اسناد و دفاتر را تقاضا نماید یا حضور شخص را برای مصاحبه بدون استفاده صلاحیت رسمی مندرج ماده ۲۶ مطالبه نماید. در قضایای که مالیه دهندگان همکاری نمایند مطالبه غیر رسمی بدون اشاره به صلاحیت مندرج ماده ۲۶ صورت می گیرد. برای مثال، اداره مالیاتی می تواند از مالیه دهنده توسط تلیفون درخواست نماید. در این قضایا عدم پیروی با مالیه اضافی و پیگرد قابل مجازات نمی باشد. با آن هم، هرگاه شخص نتواند از درخواست غیر رسمی اطاعت نماید انتظار می رود که اداره مالیاتی با تهیه درخواست رسمی مطابق ماده ۲۶ ادامه دهد.

۵,۲۶ در قضایای که معلومات یا اسناد و دفاتر در ارتباط با مالیه دهنده از شخص سوم تقاضا گردد، طرزالعمل رسمی، استفاده از اطلاعیه رسمی مطابق ماده ۲۶ را ایجاب می نماید. مکلفیت پیروی از درخواست مطابق قوانین مالیاتی مکلفیت محرمیت موجود بین شخص سوم و مالیه دهنده را لغو می نماید. با استفاده از اطلاعیه رسمی، شخص سوم از مکلفیت به مالیه دهنده مبرا می گردد.

۶,۲۶ شخص مکلف به ارائه اسناد و دفاتر که در کنترول اش نیست، نمی باشد. اسناد و دفاتر در صورت تحت کنترول شخص می باشد که وی اسناد و دفاتر را در تصرف داشته یا صلاحیت اخذ اسناد و دفاتر را از شخص دیگر داشته باشد. بطور مثال، صورت حسابات بانکی تحت کنترول دارنده حساب مدنظر گرفته می شود حتی اگر وی در حال حاضر نقل از صورت حساب را نداشته باشد، زیرا صلاحیت درخواست صورت حساب خود را از بانک خود دارد.

۷,۲۶ یک اطلاعیه جهت مطالبه معلومات یا اسناد و دفاتر که نزد شرکت نگهداری می گردد به صورت عموم عنوانی شرکت ارسال می گردد. به منظور متیقن شدن از اینکه اطلاعیه به ملاحظه مقام مسؤول شرکت رسیده است یا خیر، شیوه درست برای اداره مالیاتی این است که یک مکتوب عنوانی مقام مسؤول با ضمیمه اطلاعیه ارسال نماید.

مثال:

شرکت مواد نفتی حبیب دارای بعضی اسناد و دفاتر می باشد که اداره مالیاتی لازم می داند جهت بررسی اخذ گردد. اداره مالیاتی یک اطلاعیه رسمی را عنوانی شرکت مواد نفتی حبیب با این مطالب که این یک اطلاعیه رسمی مطابق ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات می باشد، ارسال می نماید.

به منظور متیقن شدن از اینکه اطلاعیه توسط مقام رسمی مناسب شرکت دریافت گردیده، اداره مالیاتی اطلاعیه را به مکتوب ضمیمه می نماید. مکتوب عنوانی مسؤول اجراییوی شرکت ارسال و وی را مطلع می نماید که اطلاعیه رسمی مطابق ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات ضمیمه می باشد. در این صورت شرکت مکلف می گردد تا جواب مقتضی را در شش روز کاری مطابق حکم فقره (۱) ماده بیست و ششم به اداره مالیاتی مربوطه ارایه نماید .

۸,۲۶ هرگاه شرکت نتواند از اطلاعیه جهت ارائه معلومات یا اسناد و دفاتر مطابق ماده ۲۶ پیروی نماید، می تواند تحت پیگرد قرار گیرد. همچنان مطابق ماده ۴۸ مقامات مسؤول شرکت نیز می تواند مورد پیگرد قرار گیرند.

۹,۲۶ برخلاف اطلاعیه که به شرکت صادر می گردد، اطلاعیه که به اداره دولتی جهت مطالبه معلومات یا اسناد و دفاتر صادر می گردد باید عنوانی مقام مسؤول دولتی باشد. این بدین معنی است که اداره نمی تواند مطابق ماده ۴۸ برای عدم اطاعت از اطلاعیه مورد پیگرد قرار گیرد. دولت نمی تواند خود را مورد پیگرد قرار دهد. با آن هم، یک مسؤول دولت به حیث شخص حقیقی می تواند برای عدم اطاعت از قانون مورد پیگرد قرار گیرد.

مصاحبه ها:

۱۰,۲۶ اطلاعیه مبنی بر حضور برای مصاحبه باید به وضوح زمان و مکان مصاحبه را مشخص نماید. در اطلاعیه، مسؤول مالیاتی که مصاحبه را اجرا می نماید، نیز مشخص شود. اطلاعیه در صورت نداشتن این جزئیات ناتکمیل و بی اعتبار خواهد بود.

۱۱,۲۶ اطلاعیه باید همچنان حاوی شرح مختصر از موضوع مصاحبه باشد. مقدار شرح بستگی به حالاتی دارد، اما باید به حد کافی باشد تا شخص بتواند امادگی های لازم را (به شمول مشخص نمودن مشاورین یا معاونین که ممکن آنها را همراهی نمایند) قبل از مصاحبه بگیرد.

۱۲,۲۶ شخص که مکلف است تا برای مصاحبه حاضر گردد حق دارد اشخاص دیگر را جهت کمک و مشوره با خود بیاورد. بگونه مثال، شخص می تواند مشاور حقوقی، محاسب یا یکی از اعضای فامیل خود را بیاورد. این مشاورین می توانند در جواب دادن به سؤالات کمک نمایند، با آن هم شخص مشخص شده در اطلاعیه تا هنوز شخص مسؤول جهت پیروی از اطلاعیه و متضمن درست جواب سؤالات با توجه به دانش خود می باشد.

۱۳,۲۶ عدم حضور برای مصاحبه طوریکه مطابق ماده ۲۶ مکلف می باشد، می تواند مطابق فقره ۸ ماده ۴۵ مورد پیگرد قرار گیرد. شخص باید با شمولیت این موضوع به اطلاعیه رسمی از آن مطلع گردد.

۱۴,۲۶ هرگاه شخص در مصاحبه رسمی حاضر شود و جوابات غلط و گمراه کننده به سؤالات ارائه نماید، مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ می تواند مورد پیگرد قرار گیرد. در شروع مصاحبه مسؤولی مالیاتی که مصاحبه را اجرا می نماید باید شخص را مطلع نماید که وی مکلف به ارائه جوابات درست با توجه به دانش شان می باشد و ارائه جوابات غلط و گمراه کننده می تواند مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ مورد پیگرد قرار گیرد. مسؤولین مالیاتی همچنان باید شخص را مطلع نماید که هرگاه وی از دادن جواب امتناع ورزد (درصورت شخص جوابات را بداند)، مطابق ماده ۴۶ می تواند مورد پیگرد قرار گیرد. جریمه های موجود در محکمه مطابق هریک از این احکام نیز باید مطرح گردد.

۱۵,۲۶ در صورتی که معلومات توسط شرکت نگهداری می گردد، یک اطلاعیه رسمی جهت حضور برای مصاحبه باید همیشه عنوانی شخص حقیقی ارسال گردد. شخص حقیقی باید مسؤول مربوطه شرکت بوده و دارای آن معلومات باشد یا صلاحیت اخذ آن را داشته باشد. عدم حضور یا عدم اطاعت حین حضور راه را برای پیگرد شخص باز خواهد کرد.

۱۶,۲۶ در صورتی که معلومات توسط اداره دولتی نگهداری گردد، یک اطلاعیه رسمی جهت حضور برای مصاحبه باید همیشه عنوانی شخص حقیقی ارسال گردد. شخص حقیقی باید یک مقام مسؤول مربوطه دولتی بوده و به معلومات در داخل اداره دولتی دسترسی داشته باشد. عدم حضور یا عدم اطاعت حین حضور راه را برای پیگرد شخص باز خواهد کرد.

۱۷,۲۶ شخص که مکلف به حضور برای مصاحبه می باشد حق دارد جوابات خود را به زبان ترجیحی خود در صورتی که آن زبان در ماده ۱۶ قانون اساسی درج گردیده باشد، ارائه نماید. برای زبانهای دیگر، شخص باید توسط ترجمان جوابات را ارائه نماید. اداره مالیاتی همچنان می تواند ترجمان خود را انتخاب نماید.

۱۸,۲۶ فقره های ۲ و ۳ ماده ۲۶ مقتضیات تسلیمی مناسب اطلاعیه را مشخص می نماید. ماده های ۵۲ و ۵۳ نیز باید در تهیه و ارسال اطلاعیه مدنظر گرفته شود.

ورود کارکن مالیاتی به محلات

مادۀ بیست و هفتم:

(۱) هرگاه اداره مالیات به اساس اسناد ومدارک دست داشته متیقن گردد که احکام قوانین مالیاتی،نقض گردیده است، می تواند به منظور بررسی آن کارکن مالیاتی را طور کتبی توظیف نماید.

(۲) کارکن مالیاتی توظیف شده، در صورت ضرورت به اقدامات ذیل متوصل شده میتواند:

۱- دسترسی آزاد به محلات، ملکیتها، اسناد، دفاتر، کمپیوتر و وسایل مربوط به آن و سایر معلومات مالیه دهنده در هر زمان.

۲- اخذ نقل اسناد، دفاتر و معلومات ذخیره شده در کمپیوتر.

۳- دراختیارگرفتن اسناد یا دفاتر لازم که بتواند برای تعیین ذمت مالیاتی مالیه دهنده یا به منظور سایر اجراآت مطابق قوانین مالیاتی ضروری باشد.

(۳) هرگاه کارکن مالیاتی مندرج فقرهٔ (۲)این ماده نتواند نقل چاپی یا الکترونیکی معلومات ذخیره شده در کمپیوتر یا وسایل مربوط به آنرا اخذ نماید، میتواند کمپیوتر یا وسایل را تا زمانیکه نقل معلومات آنرا بدست آورد،دراختیار گرفته و نگهداری نماید.

(۴) کارکن مالیاتی نمی تواند بدون داشتن اجازه نامهٔ کتبی از اداره مالیات به اقدام مندرج فقرهٔ (۲) این ماده متوسل گردد.

(۵) مراجع امنیتی بنا به درخواست اداره مالیاتی مکلف اند، در تطبیق حکم این ماده همکاری نماید.

(۶) در حالات مندرج فقرهٔ (۲) این ماده مالک یا متصرف قانونی محل، مکلف است تسهیلات لازم را فراهم و در اختیار کارکن مالیاتی قرارداده وبا وی همکاری نماید.

(۷) شخصیکه اسناد، دفاتر یا کمپیوتر وی مطابق حکم فقرهٔ های (۲و ۳) این ماده دراختیارکارکن اداره مالیاتی قرار گرفته است، میتواند نقل آنرا دراوقات رسمی به مصرف خویش بدست آورد .

(۸) در حالت اجزای مندرج فقرهٔ (۲) این ماده، کارکن اداره مالیاتی مکلف است حین دراختیار گرفتن، سند دراختیار گرفته را امضا وبه مالک آن بدهد و در خلال چهارده روز کاری، اسناد کمپیوتر ویا وسایل را دو باره به وی مسترد نماید.

۱,۲۷ ماده ۲۷ در مورد صلاحیت مامورین مالیاتی توظیف شده جهت داخل شدن به محل تشبث و دسترسی به اسناد و دفاتر، کمپیوتر و تجهیزات مربوط به آن و سایر معلومات متعلق به مالیه دهنده صراحت دارد. این صلاحیت از صلاحیتهای عمومی بررسهای مالیاتی متفاوت و جدا می باشد.

۲,۲۷ بررسهای توظیف شده به بررسی یک مالیه دهنده به صورت عادی محدود به استفاده از صلاحیتهای مندرج ماده ۲۶ می باشند و در بسیاری از قضایا جهت اجرای بررسی کافی خواهد بود. با آن هم، در بعضی حالات ممکن به استناد صلاحیتهای خاص مندرج ماده ۲۷ لازم باشد. صرف عالی ترین و با تجربه ترین بررسها می توانند برای این وظیفه توظیف گردند.

۳,۲۷ به صورت عموم ترجیح داده می شود که بررسها از صلاحیت مندرج ماده ۲۶ جهت اخذ اسناد و دفاتر و معلومات لازم برای اجرای بررسی استفاده نمایند. مالیه دهندگان یا سایر اشخاص مکلف به پیروی از اطلاعیه های صادره مطابق آن ماده می باشند و در صورت عدم پیروی مجازات در قانون اداره امور مالیاتی پیشبینی گردیده است (به توضیحات مندرج مواد ۲۶، ۳۹ و فقره ۸ ماده ۴۵ این تعلیماتنامه مراجعه نمایید). با آن هم در بعضی حالات لازم خواهد بود تا صلاحیت مندرج ماده ۲۷ جهت اخذ معلومات یا اسناد و دفاتر لازم جهت تکمیل بررسی مالیه دهنده استفاده شود. این صلاحیت می تواند به جای صلاحیت مندرج ماده ۲۶ استفاده شود، یا می تواند بعد از ناکامی تلاشها جهت اخذ معلومات یا اسناد و دفاتر مطابق ماده ۲۶ استفاده گردد.

۴,۲۷ استفاده از صلاحیتهای مندرج ماده ۲۷ بدون تلاش اولیه جهت اخذ معلومات یا اسناد و دفاتر مطابق ماده ۲۶ فقط در حالات استثنایی صورت می گیرد. حالت خاص می تواند شامل شخص که سابقه عدم اطاعت پذیری با مطالبات اداره مالیاتی داشته باشد، گردد یا دلایل وجود داشته باشد که شخص در صورتی که اطلاع حاصل نماید ،که اداره مالیاتی اسناد و دفاتر آنها را حریق نماید.

۵,۲۷ در حالات عادی، درمرحله اول از ماده ۲۶ توسط اداره مالیاتی استفاده صورت می گیرد و فقط در صورتی که عدم پیروی از ماده ۲۶ وجود داشته باشد، صلاحیتهای مندرج ماده ۲۷ مدنظر گرفته می شود.

مثال:

اداره مالیاتی یک اطلاعیه را مطابق ماده ۲۶ به فیاض می فرستد و از وی می خواهد تا اسناد و دفاتر فروشات خود را برای سال مالیاتی تحت بررسی به اداره مالیاتی تسلیم نماید. بعد از سپری شدن تاریخ معین، به فیاض طی یک مکتوب تذکر داده شود و همچنان تلیفونی به فیاض اطلاع داده می شود که در صورت ارائه ننمودن اسناد و دفاتر مطالبه شده وی تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. وی ازپیروی ان امتناع می ورزد.

در این مورد اداره مالیاتی می تواند با استفاده از صلاحیتهای مندرج ماده ۲۷ جهت تعیین مسؤولین مالیاتی و اجرای بازدید از دفتر مرکزی فیاض، جستجو اسناد و دفاتر فروشات را مدنظر گیرد.

۶,۲۷ تصمیم جهت استفاده از صلاحیتهای مندرج ماده ۲۷ یک اقدام جدی بوده و صرف باید با منظوری رئیس عمومی عواید برای هر قضیه گرفته شود. در صورت منظوری، رئیس عمومی باید منظوری را به صورت کتبی ارائه و مسؤولین مالیاتی منظور شده جهت بازدید و همچنان محلات که تابع منظوری می باشد را نیز مشخص نماید. منظوری کتبی باید تاریخ یا مدت که منظوری جهت داخل شدن به محل اعطاء گردیده، مشخص نماید. منظوری کتبی اصلی باید به مالک یا شخص متصرف محل نشان داده و یک نقل از منظوری به آنها ارائه گردد.

۷,۲۷ لازم نیست اطلاعیه کتبی (اخطاریه) به مالک یا متصرف محل از قبل داده شود. در موارد که تردید معقول وجود داشته باشد که ارائه اطلاعیه قبلی اسناد و دفاتر خواسته شده را در معرض خطر قرار می دهد (اسناد و دفاتر ممکن جابجا، مخفی یا حریق گردد) سپس هیچ اطلاعیه به مالک یا متصرف داده نشود.

۸,۲۷ مسؤولین مالیاتی که برای بازدید محل مطابق ماده ۲۷ آمادگی می گیرند باید با وزارت امور داخله قبل از بازدید جهت درخواست کمک برای بازدید هماهنگی نمایند. مسؤولین امنیتی مطابق فقره ۵ ماده ۲۷ مکلف به ارائه هرگونه همکاری لازم می باشند. پرسونل امنیتی دخیل در بازدید مسؤول اجرای دخول به محل و تأمین امنیت کسانی که بازدید می کنند، می باشند، اما در غیر آن صورت به حیث مشاهده کننده ایستاده شده و در بازرسی اسناد و دفاتر مشارکت نمی نمایند.

۹,۲۷ مطابق فقره ۶ ماده ۲۷، مالک یا متصرف محل که حین بازدید حاضر می باشد باید تسهیلات و همکاریهای لازم را به مسؤولین مالیاتی ذیصلاح ارائه نماید. مثال از چنین تسهیلات می تواند شامل استفاده از برق برای وسایل اداره مالیاتی یا استفاده از ماشین فوتوکاپی که از قبل در محل موجود می باشد و ملکیت مالک یا متصرف محل می باشد، گردد. مثال از همکاری که توسط مالک یا متصرف ارائه می گردد عبارتند از بازکردن قفلهای اتاقها، الماریها یا کانتینرهای ذخیره حین درخواست، وارد شدن به کمپیوتر و دسترسی مسؤول مالیاتی به آن، یا جواب دادن به سؤالات در مورد موقعیت یا محتوای اسناد و دفاتر.

۱۰,۲۷ مالک یا متصرف محل که نتواند تسهیلات یا همکاری لازم را ارائه نماید می تواند مطابق فقره ۶ ماده ۴۵ تحت تعقیب قرار گیرد. هرگاه آنها فعالانه مقاومت یا تلاش نماید تا مانع اجرای جستجوی اسناد و دفاتر یا بازرسی مسؤول مالیاتی گردد آن شخص می تواند مطابق ماده ۴۶ تحت تعقیب قرار گیرد.

۱۱,۲۷ کارکنان مالیاتی (یا ارشدترین کارمند مالیاتی، هرگاه بیشتر از یک کارمند بازدید را انجام دهند) باید به مالک یا متصرف یک سند امضاء شده ،لست تمام اقلام و اسناد و دفاتر اصلی گرفته شده را از محل ارائه نمایند. لست، شامل اسناد و دفاتر کاپی شده یا ارزیابی شده که اصل آن در محل می باشد، نمی گردد.

۱۲,۲۷ ارزیابی این اقلام می تواند برای مدت در محل اداره مالیاتی ادامه یابد و این مدت در قانون اداره امور مالیات محدود و پیشبینی نگردیده است، با آن هم، باید هرچه زودتر که عملی باشد، تکمیل گردد. هرگاه ارزیابی تکمیل گردد، تمام اقلام لست شده باید به مالک اقلام در خلال ۱۴ روز از تکمیل ارزیابی بازگردانده شود.

۱۳,۲۷ در حالیکه اسناد و دفاتر یا کمپیوترها توسط اداره مالیاتی نگهداری می گردد، مالک آن اقلام حق دسترسی به آنها را در جریان ساعات رسمی به منظور گرفتن کاپی دارد.

۱۴,۲۷ در صلاحیتنامه کتبی باید نام مسؤول مالیاتی و موقف وی ذکر گردد.

فصل هفتم

نمبر تشخیصیه مالیه دهنده

در خواست نمبر تشخیصیه

مادۀ بیست و هشتم:

(۱) شخصی که مطابق احکام قوانین مالیاتی تابع پرداخت مالیه می باشد، مکلف است درخواست اخذ نمبر تشخیصیه را درفورمۀ منظورشده به ادارۀ مالیات ارایه نماید.

(۲) ادارۀ مالیات درخواست نمبر تشخیصیه را در حالات ذیل رد می نماید:

۱- در صورتیکه هویت اصلی درخواست کننده، تثبیت شده نتواند.

۲- درصورتیکه به درخواست کننده قبلاً نمبر تشخیصیه صادر و تا هنوز مدار اعتبار باشد.

(۳) ادارۀ مالیات درخلال چهارده روز ازتاریخ تصمیم صدور نمبر تشخیصیه یا رد آن، طور کتبی به درخواست کننده اطلاع می دهد.

۱,۲۸ اشخاص حقیقی و حکمی تابع مالیه مطابق قوانین مالیاتی مکلف به درخواست نمبر تشخیصیه می باشند. مکلفیت درخواست نمبر تشخیصیه بر اشخاص دارای هرگونه مکلفیت مالیاتی به شمول مکلفیت وضع مالیه موضوعی تطبیق می گردد. شخصی که تا هنوز مکلفیت مالیاتی قابل پرداخت نداشته باشد اما بداند که در آینده تابع مالیه خواهد شد، باید فوراً برای نمبر تشخیصیه درخواست نماید. فورمه های درخواستی را می توان از دفاتر ریاست عمومی عواید یا از صفحه انترنیتی این ریاست به دست آورد.

۲,۲۸ اشخاص که اجناس یا خدمات تورید می نمایند نیز مکلف به درخواست نمبر تشخیصیه می باشند. چنین اشخاص در ماده ۲۸ درج نگردیده است، با آن هم به دلیل این واقعیت که تورید کننده مکلف به درخواست نمبر تشخیصیه مطابق ماده ۳۰ می باشد، این اشخاص مکلف به درخواست نمبر تشخیصیه می باشند.

۳,۲۸ مؤسسات غیر انتفاعی و خیریه که مکلف به وضع مالیه از معاشات یا دستمزدهای کارکنان خود می باشند باید نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را اخذ نمایند.

مثال۱:

عزیز قبلاًاستخدام نگردیده یا تجارت نداشت. وی تجارت جدید را به حیث یک شخص حقیقی که از اول ماه میزان آغاز می گردد، شروع می نماید. اولین اظهارنامه ها یا مالیه قابل پرداخت الی ختم دوره مربوطه هر مالیه قابل ارائه و قابل پرداخت نمی باشد. حتی اگر وی در اول میزان مالیه قابل پرداخت نداشته باشد، وی مکلف به ارائه درخواست برای نمبر تشخیصیه از زمان متذکره (اول میزان) می باشد زیرا وی تابع مالیه خواهد شد.

مثال ۲ :

واحد کارمند مؤسسه غیر دولتی می باشد. واحد مبلغ ۴۰۰۰ افغانی ماهانه حاصل می نماید. واحد هیچ عاید دیگری ندارد. واحد مطابق نورمها و حدود مندرج ماده ۴ قانون مالیات برعایدات تابع مالیات برعایدات نمی گردد. واحد مکلف به اخذ نمبر تشخیصیه مالیه دهنده نمی باشد زیرا وی تابع مالیه نمی گردد.

مثال ۳ :

واحد کارمند یک مؤسسه غیر دولتی می باشد. وی ماهانه مبلغ ۳۰۰۰۰ افغانی معاش می گیرد. واحد مطابق نورمها و حدود مندرج ماده ۴ قانون مالیات برعایدات تابع مالیه است و باید برای اخذ نمبر تشخیصیه درخواست نماید مؤسسه غیر دولتی نیز باید برای اخذ نمبر تشخیصیه مالیه دهنده درخواست نماید زیرا مکلف به وضع مالیه از معاش واحد می باشد.

مثال ۴ :

شرکت (الف) یک شرکت افغانی است که مدعی ضرر در هر سال فعالیت می باشد. اگرچه شرکت (الف) ضرر می نماید با آن هم مکلف به ارائه اظهارنامه جهت ثبت این ضررها برای استفاده در سالهای آینده می باشد. مطابق ماده ۳۰ شرکت مکلف به درج نمبر تشخیصیه در اظهارنامه می باشد، به همین خاطر باید برای نمبر تشخیصیه به آن منظور درخواست نماید.

مثال ۵:

شرکت (ب) یک شرکت افغانی است که مصروف کار ساختمانی در هرات می باشد. در جریان اولین سال فعالیت، شرکت (ب) اجناس و خدمات تورید می نماید که تابع محصول گمرکی می باشد. شرکت (ب) در اولین سال فعالیت دارای عواید نمی باشد. شرکت (ب) در جریان اولین سال فعالیت هیچ مفادی به دست نیاورد. اگرچه شرکت (ب) در جریان اولین سال فعالیت نباید مالیات برعایدات،مالیه معاملات انتفاعی بپردازد، با آن هم شرکت مذکور باید نمبر تشخیصیه اخذ نماید، زیرا مکلف به محصولات گمرکی بوده و باید نمبر تشخیصیه را در اسناد تورید که به ریاست گمرکات تسلیم می نماید، درج کند.

۴,۲۸ مکلفیت درخواست برای نمبر تشخیصیه که در ماده ۲۸ پیشبینی گردیده مستقیماً بالای تصفیه کنندگان، اشخاص ثالث یا نمایندگان که در ماده ۳ تعریف گردیده، تطبیق نمی گردد. با آن هم، به خاطر داشته باشید در صورتی که آنها مکلف به ارائه جزئیات شان در اظهارنامه منظور شده یا فورمه که به اداره مالیاتی ارائه گردد، باشند ماده ۳۰ به صورت غیر مستقیم براین اشخاص مکلفیت ایجاد می نماید تا نمبر تشخیصیه داشته باشند.

مثال ۶ :

عزیز تصمیم می گیرد تا کار و بار خود را به حیث شرکت به پیش ببرد و برای این منظور یک شرکت ایجاد می نماید. بعد از مدنظر گرفتن گردش معاملات متوقعه، وی مشخص می نماید که مکلف به ثبت و راجستر برای مالیه برارزش افزوده مطابق قانون مالیه برارزش افزوده می باشد. به حیث رئیس اجرائیوی شرکت وی باید برای فورمه ثبت مالیه برارزش افزوده که باید حاوی جزئیات و امضاء وی به حیث نماینده اصلی شرکت باشد، درخواست نماید. فورمه مقتضی نمبر تشخیصیه نماینده اصلی بوده و مطابق مقررات مالیه برارزش افزوده فورمه منظور شده می باشد. از این رو وی باید نمبر تشخیصیه ارائه نماید و هرگاه وی از قبل نمبر تشخیصیه نداشته باشد، لازم است برای اخذ نمبر تشخیصیه درخواست نماید.

۵,۲۸ جهت اخذ نمبر تشخیصیه ، مالیه دهنده باید برای اخذ فورمه درخواست نمبر تشخیصیه از وزارت مالیه یا دفاتر مستوفیت ها که دفتر نمبر تشخیصیه در تعمیر آن موقعیت دارد، درخواست نماید. صفحه انترنیتی اداره مالیاتی www.ard.mof.gov.af حاوی فورمه های درخواست بوده که می توان آن را از آنجا اخذ، تکمیل و به اداره مالیاتی تحویل داد.

۶,۲۸ اداره مالیاتی باید از مشخصات شناخت درخواست کننده مطمئن باشد. یکی ازاسناد ذیل به حیث ثبوت شناسایی افراد قابل قبول می باشد:

- تذکره تابعیت
- پاسپورت افغانی یا خارجی مدار اعتبار؛
- جواز رانندگی افغانی؛

- جواز رانندگی منقضی نشده خارجی به شرط اینکه دارای عکس درخواست کننده باشد.

۷,۲۸ در مورد شرکت، تصدیق نامه ثبت یا جواز شرکت ثبوت شناخت میباشد. به علاوه حد اقل یک شخص حقیقی نماینده شرکت نیز باید ثبوت شناخت را مطابق مکلفیتها برای افراد که در فوق مطرح گردیده، ارائه نماید.

۸,۲۸ در مورد شرکت تضامنی، ثبوت شناخت اساسنامه شرکت تضامنی یا موافقتنامه می باشد. به علاوه، حد اقل یک شخص حقیقی شریک در شرکت تضامنی باید ثبوت شناخت خود را مطابق مکلفیتهای افراد که در فوق مطرح گردیده، ارائه نماید.

۹,۲۸ درمورد سایر نهادهای اشخاص، تصدیقنامه ثبت و راجستر یا سایر اسناد تأسیس ان لازم می باشد. بر علاوه، یک شخص حقیقی نماینده نهاد مطابق مکلفیتها برای افراد که در فوق مطرح گردیده، مشخصات خود را ارائه نماید.

۱۰,۲۸ وزارت مالیه در صورت نمبر تشخیصیه صادر می نماید که تمام مکلفیتهای ذیل برآورده گردند:

- درخواست که در فورمه منظور شده ارائه شده باشد باید تکمیل و درست باشد;
- وزارت مالیه از شناخت مالیه دهنده راضی باشد؛
- وزارت مالیه نتواند هیچگونه نمبر تشخیصیه را که قبلاً به درخواست کننده صادر گردیده، تشخیص دهد.

۱۱,۲۸ در صورتی که این مکلفیتها برآورده گردند اداره مالیاتی نمبر تشخیصیه را به درخواست کننده کتباً صادر می نماید. هیچ فیس برای درخواست نمبر تشخیصیه یا دریافت آن قابل وضع نیست.

۱۲,۲۸ در مواردی که اداره مالیاتی تشخیص دهد نمبر تشخیصیه قبلاً به شخص صادر گردیده و نمبر تشخیصیه قبلی در مخاطره می باشد، شیوه درست این است که اولاً نمبر تشخیصیه قبلاً صادر شده لغو گردد. لغو نمبر تشخیصیه قبلی اعتبار آن را ساقط نموده و اداره مالیاتی می تواند نمبر تشخیصیه جدید برای درخواست کننده (در صورتی که تمام مکلفیتها برآورده گردیده باشد)صادر نماید.

۱۳,۲۸ هرگاه وزارت مالیه درخواست برای نمبر تشخیصیه را مسترد نماید، درخواست کننده را در خلال ۱۴ روز از مستردی درخواست مطلع خواهد ساخت . مدت ۱۴ روز از زمان اتخاذ تصمیم محاسبه می گردد نه از زمان ارائه درخواست.

۱۴,۲۸ ماده ۲۸ مشخص می نماید که کی ها باید برای نمبر تشخیصیه درخواست نمایند. هرگاه اداره مالیاتی اشخاص را شناسایی نماید که باید نمبر تشخیصیه داشته باشند یا هرگاه از نگاه اداری تخصیص نمبر تشخیصیه به شخص تسهیل کننده باشد، این ماده اداره مذکور را از صدور نمبر تشخیصیه به زعم خودش باز نمی دارد. بگونه مثال، هرگاه تصفیه کنندگان، اشخاص سوم و نمایندگان که تابع مالیه بابت فعالیتهای خودش نمی باشند و مسؤولیت اداری در ارتباط به مکلفیتهای مالیاتی شخص دیگر دارند. برای اداره مالیاتی مناسب است تا نمبر تشخیصیه را به تصفیه کننده، شخص سوم یا نماینده تخصیص دهد حتی اگر شخص برای اخذ نمبر تشخیصیه درخواست ننموده و مکلف به درخواست برای نمبر تشخیصیه نباشد.

اعتراض بر تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر مسترد نمودن نمبر تشخیصیه:

۱۵,۲۸ تصمیم اداره مالیاتی مبنی بر مسترد نمودن درخواست برای نمبر تشخیصیه یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید

غیر مقیم :

۱۶,۲۸ شخص غیر مقیم که برای نمبر تشخیصیه درخواست می نماید مکلف به معرفی نماینده که مقیم افغانستان باشد، می باشد. (مقرره)

لغو نمبر تشخیصیه

مادۀ بیست و نهم:

(1) ادارۀ مالیات، نمبر تشخیصیه را در یکی از حالات ذیل لغو مینماید:

-1 در صورتیکه هویت مالیه دهنده متفاوت ثابت گردد.

-2 در صورتیکه مالیه دهنده بیش از یک نمبر تشخیصیه داشته باشد .

(2) ادارۀ مالیات میتواند درصورت لزوم، نمبر تشخیصیۀ مالیه دهنده را لغو و نمبر تشخیصیۀ جدید را به وی صادر نماید.

(۳) در حالات مندرج فقره های (۱و۲) این ماده، ادارۀ مالیات موضوع را طور کتبی به دارندۀ نمبر تشخیصیه اطلاع می دهد.

۱,۲۹ طرزالعمل صدور نمبر تشخیصیه در ماده ۲۸ پیشبینی گردیده و مبتنی بر رضایت وزارت مالیه از هویت درخواست کننده می باشد. در موارد جعل، اشتباه یا دلیل دیگر که بعداً کشف شود هویت واقعی شخص از آنچه که وزارت مالیه حین درخواست می دانست، متفاوت است، وزارت مالیه باید نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را لغو نماید.

۲,۲۹ طرزالعمل پیشبینی شده در ماده ۲۸ جهت صدور نمبر تشخیصیه مالیه دهنده همچنان وزارت مالیه را مکلف به تشخیص هرگونه نمبر تشخیصیه مالیه دهنده که قبلاً به شخص صادر گردیده می نماید. در موارد جعل، اشتباه یا دلیل دیگر، بعداً کشف شود که شخص دارای نمبر تشخیصیه دیگر که مدار اعتبار است می باشد، وزارت مالیه باید نمبر تشخیصیه که اخیراً صادر گردیده را لغو نماید.

۳,۲۹ نمبر تشخیصیه به منظور این ماده تا وقتی نافذ می باشد که از زمان صدور تا کنون توسط مالیه دهنده استفاده گردیده و لغو نگردیده است. وزارت مالیه در صورت می تواند نمبر تشخیصیه از قبل صادر شده را به جای نمبر تشخیصیه که اخیراً صادر گردیده لغو نماید که نمبر تشخیصیه از قبل صادر شده هرگز استفاده نگردیده باشد.

۴,۲۹ اداره مالیاتی باید نمبر تشخیصیه را در حالات مندرج ماده ۲۹ لغو نماید. اداره متذکره همچنان می تواند نمبر تشخیصیه را در صورتی که در حالات دیگر لازم دانسته شود، لغو نماید.

اعتراض علیه تصمیم وزارت مالیه جهت لغو نمبر تشخیصیه مالیه دهنده:

۵,۲۹ تصمیم اداره مالیاتی جهت لغو نمبر تشخیصیه مطابق فقره ۱ ماده ۲۹ یک تصمیم مالیاتی طبق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد و می تواند مطابق ماده ۱۱ در مقابل آن اعتراض صورت گیرد. تصمیم وزارت مالیه (یا عدم تصمیم) در مورد اعتراض می تواند به صورت تصمیم قابل ارزیابی در آمده که مالیه دهنده ناراضی می تواند مطابق ماده ۵۶ جهت ارزیابی به بورد حل منازعه مالیاتی درخواست نماید.

درج نمبر تشخیصیه

مادۀ سی ام:

مالیه دهنده مکلف است، نمبرتشخیصیه خویش را دراظهارنامۀ مالیاتی، اطلاعیه، مکاتیب و سایر اسناد مربوط به قوانین مالیاتی و قانون گمرکات، درج نماید.

۱,۳۰ مالیه دهندگان مکلف اند تا نمبر تشخیصیه را در اظهارنامه های مالیات برعایدات، مالیه برارزش افزوده و مالیه معاملات انتفاعی وسایر اظهارنامه های مالیاتی حین ارائه درج نمایند.

۲,۳۰ مالیه دهندگان همچنان مکلف اند تا نمبرهای تشخیصیه (درصورتی که نمبر تشخیصیه برایشان صادر گردیده باشد) را در اطلاعیه ها و فورمه های تحویلی ذیل به اداره مالیاتی یا اشخاص دیگر درج نمایند:

- درخواست برای تمدید زمان ارائه اظهارنامه مطابق ماده ۷.
- اعتراض به تصمیم مالیاتی مطابق فقره ۱ ماده ۱۱.
- درخواست مطابق فقره ۲ ماده ۱۱ برای تمدید زمان ارائه اعتراض.
- درخواست مطابق فقره ۲ ماده ۱۵ جهت تمدید زمان پرداخت.
- درخواست به بورد حل منازعات مالیاتی مطابق فقره ۱ ماده ۵۶.
- درخواست به بورد حل منازعات مالیاتی برای تمدید زمان مطابق فقره ۲ ماده ۵۶.
- صورت حسابات معاش و مالیه که به کارکنان مطابق فقره ۱ ماده ۶۱ قانون مالیات برعایدات ارائه می گردد.
- صورت حسابات معاشات سالانه و مالیه ارائه شده به کارکنان مطابق فقره ۲ ماده ۶۱ قانون مالیات برعایدات.
- بل های مالیه برارزش افزوده طوری که در ماده ۲۰ قانون مالیه برارزش افزوده تشریح گردیده است.
- کریدت نوت و دبت نوت صادره مطابق ماده ۲۱ قانون مالیه برارزش افزوده.
- درخواست برای پس پرداخت مطابق فقره ۳ ماده ۲۵ قانون مالیه برارزش افزوده.
- درخواست برای مجرایی مطابق فقره ۵ ماده ۲۵ قانون مالیه برارزش افزوده.
- تقاضا برای مجرایی مطابق فقره ۱ ماده ۳۳ قانون مالیه برارزش افزوده.

۳,۳۰ تصفیه کننده که تحت پوشش ماده ۱۹ قرار می گیرد مکلف به درج نمبر تشخیصیه مالیه دهنده ای که امور وی را اداره می نماید به اسناد وی در صورتی که در وضعیت انحلال قرار نداشت مکلف به درج نمبر تشخیصیه می بود، می باشد.

۴,۳۰ تصفیه کننده همچنان مکلف به درج نمبر تشخیصیه مالیه دهنده مربوطه به اسناد تهیه شده به زعم خودش نیز می باشد. این اسناد عبارتند از:

- اطلاعیه ارائه شده به اداره مالیاتی مطابق فقره ۱ ماده ۱۹؛
- درخواست منظوری از اداره مالیاتی جهت تفکیک داراییها مطابق فقره ۳ ماده ۱۹؛
- هرگونه اعتراض در برابر تصمیم اداره مالیاتی که مطابق ماده ۱۹ اتخاذ گردیده است.

۵,۳۰ اداره مالیاتی می تواند ادعای پس پرداخت را در صورت مسترد نماید که مالیه دهنده نمبر تشخیصیه را زمانی که مکلف به درج باشد، درج ننماید و می تواند به مستردی ادعا تا زمانی که نمبر تشخیصیه ارائه نگردد، ادامه دهد.

۶,۳۰ ضروری نیست درخواست پرداخت کننده مطابق فقره ۲ ماده ۱۷ از آنجایی که شخص مالیه دهنده مربوطه نمی باشد، حاوی نمبر تشخیصیه مالیه دهنده باشد. با آن هم، پرداخت کننده در چنین حالت می تواند به صورت داوطلبانه نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را ارائه نماید. عین شیوه بالای اطلاعیه صادره توسط پرداخت کننده مطابق فقره ۲ ماده ۱۸ تطبیق می گردد.

۷,۳۰ آیا درخواست به محکمه جهت بازنگری تصمیم توسط بورد حل منازعات مالیاتی ایجاب شمولیت نمبر تشخیصیه را می نماید یا خیر، موضوعی است که توسط مقررات محکمه تشخیص می گردد.

۸,۳۰ ماده ۳۰ به هیچ وجه نمی تواند اداره مالیاتی را از پذیرش اظهارنامه، فورمه، اطلاعیه، درخواست یا سند تحویل شده بدون نمبر تشخیصیه باز دارد در صورتی که وزارت مالیه بتواند نمبر تشخیصیه مربوطه را از طرق دیگر تشخیص دهد.

۹,۳۰ برای اداره مؤثر و شناخت هویت مناسب مالیه دهندگان، اداره مالیاتی نیز می تواند نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را در هر اطلاعیه، مکتوب یا سایر اسناد ارائه شده به مالیه دهنده، ذکر نماید.

۱۰,۳۰ توریدکنندگان نیز مکلف به درج نمبر تشخیصیه مالیه دهنده به اسناد که در ریاست گمرکات به منظور تصفیه واردات تسلیم می گردد، می باشند.

فصل هشتم
نمایندگی از مالیه دهنده

مکلفیت ها و وجایب نماینده

مادۀ سی و یکم:

(1) نماینده، مسؤل اجرای مکلفیت های مالیه دهنده به شمول پرداخت ذمت مالیاتی وی به اندازه ای میباشد که دارایی مالیه دهنده در تصرف یا کنترول او قرار دارد .

(2) نماینده درصورتی مکلف به پرداخت ذمت مالیاتی تادیه ناشدۀ مالیه دهنده میباشد که مبالغ یا دارائی های ذیل مالیه دهنده که نزد وی بوده، آنرا از تصرف خویش خارج نماید:

1- پول دریافت شده یا قابل دریافت که در ارتباط به آن مالیۀ ذمت، قابل پرداخت میباشد.

2- پول یا دارائی مربوط به مالیه دهنده که در تصرف نماینده قرارداشته یا بعد از اینکه مالیۀ ذمت قابل پرداخت گردیده، قرارگیرد .

(3) حکم این ماده ذمت مالیه دهنده را از ادای مکلفیت های مندرج قوانین مالیاتی که نماینده آن را اداء ننموده باشد، معاف نمی نماید.

(۴) هرگاه مالیه دهنده دو یا بیش از دو نماینده داشته باشد، حسب احوال هریک طور انفرادی و مشترک درقبال ادای مکلفیت های مندرج این ماده مسؤل میباشند.

۱,۳۱ نماینده در ماده ۳ تعریف گردیده است. ماده ۳۱ تصریح می نماید که نمایندۀ شخص، مسؤول اجرای بعضی یا تمام وجایب مالیاتی مالیه دهنده می باشد. این بدان معنی نیست که تمام نمایندگان همیشه مسؤول اجرای تمام وجایب شخص می باشند، این امر بستگی به نوع نماینده و اندازه صلاحیت که مالیه دهنده به نماینده اعطا می نماید دارد تا به نمایندگی از وی عمل نماید. پاسخ این سؤالات به سایر قوانین و شیوه های تجاری مربوط به موکل و نماینده بستگی دارد. نماینده را نمی توان مسؤول انجام بعضی چیزهای که مالیه دهنده صلاحیت نداده است، دانست.

۲,۳۱ انواع نماینده مندرج در تعریف ماده ۳ به دو کتگوری ذیل تقسیم می گردد:

۱. اشخاص که به خاطر داشتن وظیفه یا نگهداری دفتر نماینده می باشند (بندهای ۴,۳,۲و۶ در تعریف نماینده مندرج ماده ۳)؛

۲. اشخاص که توسط مالیه دهنده صلاحیت داشته تا به نمایندگی از وی عمل نمایند (بندهای ۵,۱ و ۷ مندرج تعریف نماینده در ماده ۳).

۳،۳۱ شخص که مطابق کتگوری اول نماینده باشد (به خاطر داشتن وظیفه یا نگهداری دفتر) مکلف به اجرای وجایب مالیه دهنده مطابق صلاحیتهای که شخص به طور عادی در آن موقف دارد، می باشد. بگونه مثال، یک شریک برای اجرای تمام وجایب شراکت مطابق قانون و شیوه شراکت مکلف می باشد. شخص که مطابق کتگوری دوم نماینده باشد فقط برای چیزهای که توسط مالیه دهنده برای انجام آن صلاحیت داده شده، مکلف خواهد بود.

۴،۳۱ رئیس اجرایی شرکت برای اداره شرکت مکلف می باشد، لذا مکلف خواهد بود تا خود را متیقن بسازد که اظهارنامه ها به موقع ارائه و اظهارات مندرج آنها صحیح و درست می باشد. با آن هم، رئیس اجرایی شرکت معمولاًبرای پرداخت مالیه شرکت مکلف نخواهد بود (مگر اینکه در فریبکاری مشارکت داشته یا همچنان مدیر عامل شرکت باشد، به ماده ۳۲ مراجعه نمایید)

۵،۳۱ تصفیه کننده نیز مکلف به ارائه تمام اظهارنامه ها و فورمه ها حین اجرای وظایف شان به حیث تصفیه کننده، می باشد. آنها فقط برای پرداخت مالیات به اندازه دارایی مالیه دهنده منحل شده که نزد شان است، مکلف می باشند. آنها فقط شخصاً برای کمبود مالیات که به دلیل کاستی ها ونواقص در اجرای وظایف شان به حیث تصفیه کننده بروز میکند، مکلف می باشند.

۶،۳۱ شخصی که مطابق بند ۱ یا ۷ تعریف نماینده، تعین شده باشد با مالیه دهنده که از وی نمایندگی می نماید، رابطه رئیس و نماینده را دارد. مکلفیت آنها جهت وجایب مالیه دهنده مطابق قوانین تجاری افغانستان و شیوه ها یکه تعیین گردیده و صلاحیت داده شده توسط مالیه دهنده به نماینده در هر قضیه نیز مدنظر گرفته می شود. برای مثال، هرگاه مالیه دهنده یک محاسب را جهت نمایندگی از خود در جلسه با اداره مالیاتی تعیین نماید، شخص مذکور درقبال اجراات خود در آن جلسات مکلف خواهد بود اما برای مطالب دیگر مثل پرداخت مالیه یا ارائه اظهارنامه در صورت نداشتن صلاحیت یا کنترول روی چنین اقدامات، مکلف نمی باشد.

۷،۳۱ شخصی که مطابق بند ۵ تعریف نماینده، تعین شده باشد مکلفیت مالیاتی شان مطابق توافق آنها با مالیه دهنده تعیین می گردد. هرگاه شخص کارمند، شخص غیر مقیم باشد، مکلفیت آنها فقط به آن وجایبی که می توانند در افغانستان کنترول کامل داشته باشد، محدود می گردد. بگونه مثال، یک کارمند در صورتی که استخدام کننده وی وجوه کافی جهت پرداخت مالیه فراهم ننموده باشد، مکلف به پرداخت مالیه نمی باشد. هرگاه شخص نماینده شخص غیر مقیم باشد، مکلفیت وی برای وجایب مالیه دهنده مطابق قوانین تجارتی افغانستان و طرزالعمل های مربوطه تعیین می گردد.

مسؤولیتهای نمایندگان:

۸،۳۱ طوری که در فوق تشریح گردیده، نماینده می تواند برای اجرای وجایب مالیه دهنده مسؤول باشد اما میزان مسؤولیت بستگی به موقف و صلاحیت وی به حیث نماینده می باشد.

مثال 1 :

ظاهر با عابد و حسیب در تشبث ترانسپورت شریک می باشد. ظاهر عمدتاً رانندگان، فهرست ها و فعالیتهای روزانه را تنظیم می نماید. حسیب امور مالی و اداری را تنظیم می کند. ظاهر مبلغ بزرگی را جهت شروع تشبث ارائه و از دفتر مرکزی فقط در جلسات اتفاقی دیدن می نماید. هر شریک مطابق قوانین مالیاتی وسایر قوانین افغانستان نماینده می باشد به همین خاطر هرکدام شان مسؤول پیروی از قوانین مالیاتی مبنی برادای وجایب مالیاتی تشبث می باشند. مهم نیست آنها چگونه وظایف را بین یکدیگر تنظیم یا بالای آن موافقه می نماید.

مثال ۲ :

حاجی احمد میر مسؤول اجراییه شرکت بانکی پکتیا می باشد. از این رو وی مطابق تعریف مندرج ماده ۳ نماینده بانک می باشد. بانک بیشتر از دوصد کارمند دارد و مکلف به وضع مالیه موضوعی و تسلیم آن به اداره مالیاتی هر زمانی که معاشات به کارمندان پرداخت گردد، می باشد. به حاجی احمد میر از آنجایی که به نمایندگی از بانک برای وضع مالیه و پرداخت به موقع آن به اداره

مالیاتی صلاحیت داده شده و این اموراتی است که انجام آن در کنترول وی می باشد، بنآ برای متیقین شدن از این امورات مسؤول می باشد.

وی همچنان برای ارائه صورت حسابات سالانه به کارمندان و اداره مالیاتی مطابق قانون مالیات برعایدات مسؤول می باشد.

مثال ۳ :

حنیف در کانادا زندگی می کند اما هنوز مالک یک ساختمان بزرگ در جلال آباد می باشد. وی با امرالله یک موافقتنامه جهت اجاره ساختمان به شمول جمع آوری کرایه و مراقبت و مکلفیت جواز امضاء نموده است. امرالله مطابق ماده ۳ نماینده حنیف می باشد. ارتباط شان ارتباط رئیس و نماینده است. از این رو امرالله برای متیقین شدن از اینکه وجایب مالیاتی در ارتباط با عواید کرایه ساختمان ادا گردیده مسؤول می باشد زیرا این موارد است که وی صلاحیت انجام آن را به نمایندگی از حنیف داشته و همچنان وی تمام معلومات لازم را دارا بوده و روی وجوه کنترول دارد.

مثال ۴ :

محمد کارمند یک شرکت انجینری خارجی می باشد. محمد ارشدترین کارمند شرکت در افغانستان بوده و فعالیتهای تجارتی شرکت را در کشور تنظیم می نماید. وی یادداشتهای تمام عواید و مصارف فعالیتهای شرکت را به شمول معاشات کارمندان داخلی حفظ می نماید، با آن هم، معاملات مصارف توسط محاسب شرکت در دوبی از حساب بانکی در بانک دوبی پرداخت می گردد. محمد نماینده شرکت مطابق تعریف مندرج ماده ۳ می باشد. وی مکلف است تا خود را متیقین بسازد که اظهارنامه ها و فورمه ها شرکت به اداره مالیاتی ارائه می گردد، با آن هم، وی شخصاً برای پرداخت مالیات از آنجایی که این موضوع در کنترول وی نمی باشد، مکلف نخواهد بود.

۹,۳۱ طوری که در فوق تشریح گردید، نماینده معنی تعریف شده را در قانون اداره امور مالیات دارد. و شخصی که در حیطه آن تعریف قرار می گیرد مطابق قوانین مالیات وجایب مشخص دارد. بعضی از فورمه های تعریف شده برای جزئیات شخص ارتباطی در ارتباط با مالیه دهنده سؤال می نماید. نماینده در صورتی که به حیث شخص ارتباطی تعیین شود، می تواند شخص ارتباطی باشد. به عنوان بدیل شخص ارتباطی مطابق قوانین مالیات می تواند نقش اداری بدون وجایب یا مسؤولیتهای مالیاتی داشته باشد. دو وضعیت مختلف در مثالهای ذیل نشان داده شده است:

مثال ۱:

یک شرکت برای ثبت وراجستر مالیه برارزش افزوده در فورمه منظور شده مطابق قانون مالیه برارزش افزوده درخواست می نماید. از رئیس اجراییه شرکت به حیث نماینده اصلی در فورمه نام گرفته می شود. رئیس اجرایی تصمیم می گیرد تا به حیث شخص ارتباطی باشد لذا وی نام و نمبر تلیفون شخصی خود را به عنوان جزئیات ارتباطی در فورمه ثبت ارائه می نماید. وی در موقف خود به حیث نماینده وجایب مالیاتی خواهد داشت.

مثال ۲ :

یک شرکت برای ثبت وراجستر مالیه برارزش افزوده در فورمه منظور شده مطابق قانون مالیه برارزش افزوده درخواست می نماید. از رئیس اجرایی شرکت به حیث نماینده اصلی در فورمه نام گرفته می شود. رئیس اجرایی یک شخص خیلی مصروف می باشد لذا وی یک سکرتر (به نام لیلا) دارد که به عنوان دستیار اداری وی تلیفونهایش را جواب، مکتوبها را به نمایندگی از وی دریافت و تسوید و ملاقاتها را نیز تنظیم می نماید. از لیلا در فورمه ثبت به حیث شخص تماس گیرنده نام گرفته می شود. مطابق قانون اداره امور مالیات لیلا نماینده نیست و هیچ مسؤولیت مالیاتی به نمایندگی از شرکت ندارد.

مکلفیت رئیس و سهمدار کنترول کننده شرکت

مادهٔ سی و دوم :

(1) هرگاه شرکت معامله یا موافقه (قرارداد، پلان، موافقت یا تفاهم) را انجام دهد که بالاثر آن نتواند ذمت مالیاتی فعلی یا آینده مندرج قوانین مالیاتی را تأدیه نماید، در این صورت اشخاصیکه در زمان معامله یا موافقهٔ رئیس یا سهمدار کنترول کننده شرکت بوده، هرکدام حسب احوال به صورت جداگانه و مشترک مکلف به ادای ذمت مالیاتی شرکت میباشند.
سهمدار کنترول کننده به مفهوم این فقره شخصی است که بصورت منفرد یا مشترک بیش از پنجاه فیصد حقوق رای در شرکت یا مفاد سهم از شرکت یا سرمایه در شرکت را طور مستقیم یا غیر مستقیم دارا باشد.

(۲) هرگاه رئیس شرکت در منافع مالی یا منافع دیگر شرکت سهیم نباشد، شخصاً مسؤل ادای ذمت مالیاتی شرکت نمی باشد، مشروط بر اینکه حین حصول اطلاع از چنین معامله یا موافقه، عدم موافقت خویش را رسماً در شرکت ثبت و به اداره مالیات کتباً اطلاع داده باشد یا در زمان معامله یا موافقه مندرج فقرهٔ(۱) این ماده در مدیریت اجرائیوی شرکت دخیل نبوده و از معامله یا موافقه آگاهی نداشته باشد.

۱,۳۲ هرگاه ماده ۳۲ بالای رئیس یا سهمدار کنترول کننده تطبیق گردد، شخصاً وی را برای ادای مکلفیت مالیاتی شرکت در صورتی که شرکت مکلفیت مالیاتی خود را نپرداخته باشد، مکلف می نماید. هرگاه ماده ۳۲ بالای بیش از یک رئیس یا سهمدار کنترول کننده تطبیق گردد، هریک از اشخاص متذکره به صورت مشترک و جداگانه مکلف خواهد بود.

۲,۳۲ در صورتی که شرکت وارد معامله یا موافقه گردد که باعث عدم توانایی شرکت در پرداخت مکلفیت مالیاتی شود، ماده ۳۲ تطبیق می گردد. در تعیین اینکه آیا حکم تطبیق می گردد یا خیر، یک معامله منفرد یا سلسله از معاملات یا وقایع در صورتی که سلسله از معاملات یا وقایع قسمت از پلان کلی باشد، مدنظر گرفته می شود.

مثال ۱ :

یک شرکت ساختمانی با سه رئیس یک قرارداد را تکمیل و دارای ۳,۰۰۰,۰۰۰ افغانی پول نقد در بانک می باشد. این شرکت داراییهای متنوع به شمول جایداد غیر منقول به ارزش ۵,۰۰۰,۰۰۰ افغانی که توسط قرضه بانکی برای مبلغ متذکره به تضمین بانک گذاشته شده، دارد. شرکت هیچ دارایی یا مکلفیت و قرارداد دیگر ندارد. روئسای شرکت باهم جلسه نمودند و برای شرکت لایحه را به اتفاق آراء تصویب کردند تا به سهمداران مفاد سهم پرداخت نمایند. بلافاصله بعد از آن مفاد سهم با استفاده از تمام مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰ افغانی پول نقد در بانک پرداخت نمود.

جلسه در ۱۵ ماه قوس، قبل از ختم سال مالی برگزار گردید. بعد از ختم سال مالی ، شرکت اظهارنامه مالیاتی را ارائه و نشان داد که مالیات برعایدات قابل پرداخت۱,۰۰۰,۰۰۰ افغانی می گردد. شرکت هیچ مالیه را نپرداخته و بزودی به سمت منحل شدن حرکت می کند.

بعد از فروش دارایی و بازپرداخت قرضه بانک هیچ پولی برای پرداخت مالیه باقی نخواهد ماند.

در این مورد فقره ۱ ماده ۳۲ بالای رئیسان شرکت تطبیق خواهد شد. در نتیجه تصمیم پرداخت مفاد سهم، شرکت با وجوه ناکافی جهت پرداخت مالیه رها گردیده است. حتی اگر مکلفیت مالیاتی در زمان تصمیم گیری پرداخت مفاد سهم قابل پرداخت نمی بود، حکم تطبیق می گردد زیرا مکلفیتهای بعدی مالیاتی را نیز در بر می گیرد.

۳,۳۲ فقره ۱ ماده ۳۲ در صورت بالای سهمدار تطبیق می گردد که سهمدار کنترول کننده باشد. یک سهمدار زمانی کنترول کننده می باشد که مستقیم یا غیر مستقیم بیش از ۵۰ فیصد حق رأی در شرکت را داشته باشد،یا بیش از ۵۰ فیصد حق مفاد سهم داشته باشد،

یا حق بیش از ۵۰ فیصد در سرمایه شرکت را دارا باشد. در محاسبه فیصدی حقوق شخص، حقوق اشخاص مرتبط شخص نیز محاسبه می گردد. اداره مالیاتی تعریف اشخاص مرتبط در قانون مالیه برارزش افزوده را زمانی تطبیق خواهد کرد که شخص مستقیم یا غیر مستقیم حقوق را مشترکاً با اشخاص دیگر در اختیار داشته باشد.

مثال ۲ :

جمال و میوند دو برادر هستند که هر یک شان ۳۰ فیصد سهم در شرکت مندرج مثال ۱ فوق دارند. داود مالک ۴۰ فیصد سهم باقیمانده می باشد. داود هیچ ارتباط با جمال و میوند ندارد و با جمال و میوند از طریق دیگر نیز ارتباط ندارد. جمال، میوند و داود ازجمله رئیسان شرکت نمی باشند، آنها فقط سرمایه گذاران می باشند. تمام اسهام در شرکت در صورتی که مفاد اسهام پرداخت گردد، مختص مفاد اسهام می باشند.

جمال و میوند باهم برادر هستند و از این رو مرتبط مدنظر گرفته می شود. به عنوان اشخاص مرتبط مجموع اسهام آنها حق بیش از ۵۰ فیصد هر مفاد سهم را دارد. به همین خاطر هریک از آنها به حیث سهمداران کنترول کننده مدنظر گرفته می شود. فقره ۱ ماده ۳۲ بالای هردو جمال و میوند تطبیق خواهد شد. این حکم بالای داود تطبیق نخواهد شد زیرا وی سهمدار کنترول کننده نمی باشد.

۴,۳۲ هرگاه ماده ۳۲ بالای بیش از یک شخص تطبیق گردد، هریک از آنها به صورت مشترک و جداگانه مکلف به پرداخت مالیه پرداخت ناشده می باشند. اداره مالیاتی می تواند علیه هر یک یا بیش از یک شخص اقدام قانونی نماید. هرگاه مالیه پرداخت ناشده از یک شخص مکلف تحصیل گردد، شخص مذکور می تواند از اشخاص دیگر مطالبه جبران نماید اما این موضوع داخلی این افراد می باشد و اداره مالیاتی هیچ نوع مداخله یا مسؤولیتی در قبال این موضوع ندارد.

مثال ۳ :

به ادامه حقایق مندرج مثال ۱ و ۲ فوق، فقره ۱ ماده ۳۲ بالای ۵ شخص (سه رئیس و همچنان جمال و میوند) تطبیق می گردد. این ۵ شخص مشترکاً ونیز هریک به صورت جداگانه برای مالیه پرداخت ناشده مکلف می باشند. اداره مالیاتی تصمیم می گیرد تا علیه جمال اقدام قانونی نموده و تمام مبلغ را از وی تحصیل نماید. اداره متذکره مطابق ماده ۳۲ حق انجام این کار را دارد. جمال می تواند جبران بعضی از این مبالغ را از میوند و سه رئیس دیگر مطالبه نماید اما این موضوع کار خودش می باشد و اداره مالیاتی طرف این اقدام نخواهد بود.

۵,۳۲ فقره ۲ ماده ۳۲ از بعضی مکلفیت رؤسآ شرکت در صورتی حفاظت می نماید که ماده متذکره بالای حالت های دوسیه شان تطبیق گردد. این حکم نمی تواند از سهمداران کنترول کننده که ازجمله رؤسآ شرکت نمی باشند، حفاظت نماید.

مثال ۴ :

به ادامه حقایق مندرج مثال قبلی، رؤسآ می توانند فقره ۲ ماده ۳۲ را مدنظر گیرند. اما حکم مذکور بالای جمال و میوند تطبیق نمی گردد.

۶,۳۲ به منظور این که یک رئیس بتواند از مکلفیت مطابق ماده ۳۲ حفاظت کند، دو شرط را باید برآورده نماید، اول، رئیس نباید هیچ منفعتی از معامله یا موافقه که باعث گردیده تا شرکت نتواند مالیه را بپردازد، کسب نماید. در صورت که شرط اول برآورده نگردد، رئیس از مکلفیت مبری نمی گردد و هیچ نیازی نیست تا شرط دوم مدنظر گرفته شود. در صورتی که رئیس شرط اول را برآورده نماید (هیچ منفعت از معامله یا موافقه بدست نیاورد) سپس لازم است تا شرط دوم را که ذیلاً تشریح گردیده مدنظر گرفت.

۷,۳۲ در تعیین اینکه آیا رئیس منفعت مالی یا سایر منفعت را به دست می آرود یا خیر، اداره مالیاتی پرداختها یا منافع داده شده به صورت مستقیم و همچنان پرداختهای غیر مستقیم به شخص مذکور (بگونه مثال، پرداخت یا منفعت ارائه شده به اعضای فامیل وی) را مدنظر می گیرد.

مثال ۵ :

به ادامه حقایق مثالهای قبلی فوق، حمید، مختار و بشیر سه رئیس می باشند. حمید و مختار با هیچ یک از روسایا سهمداران مرتبط نمی باشند. با آن هم، بشیر فرزند داود است. هنگامی که داود مفاد اسهام را دریافت کند برای بشیر یک موتر جدید خریداری مینماید .

هیچ یک از رؤسا مفاد مستقیم از تصمیم پرداخت مفاد سهم از آنجایی که آنها شخصاً آن را دریافت نمی کنند، به دست نمی آورند.

باتوجه به حقایق فوق حمید و مختار همچنان مفاد غیر مستقیم نیز دریافت نمی نمایند لذا آنها شرط اول فقره ۲ ماده ۳۲ را برآورده می نمایند. سپس لازم است شرط دوم فقره ۲ ماده ۳۲ که ذیلاً تشریح گردیده، مدنظر گرفته شود.

با آن هم، حالت بشیر در مقایسه با حمید و مختار متفاوت است، زیرا مفاد غیر مستقیم از تصمیم پرداخت مفاد سهم را دارا می باشد، زیرا پدرش مفاد سهم دریافت و به بشیر یک موتر جدید می دهد. از این رو وی از مکلفیت فقره ۲ ماده ۳۲ مبری نمی گردد. لازم نیست تا شرط دوم فقره ۲ ماده ۳۲ را مدنظر گرفته شود زیرا وی شرط اولی را برآورده ننموده است.

۸,۳۲ شرط دوم در فقره ۲ ماده ۳۲ دو قسمت دارد که مدنظر گرفتن هریک از این قسمتها بستگی دارد یکی اینکه آیا رئیس در مورد معامله یا موافقه معلومات داشته یا خیر. هرگاه رئیس در مورد معامله یا موافقه قبل از انجام آن معلومات داشته باشد، وی شرط دوم فقره ۲ ماده ۳۲ را در صورتی برآورده می نماید که عدم موافقه وی با شرکت ثبت گردیده و اداره مالیاتی را کتباً از معامله یا موافقه مطلع نموده باشد. به عبارت دیگر آنها در صورتی شرط دوم را برآورده می نمایند که در مورد معامله یا موافقه قبل از انجام آن هیچ معلومات نداشته باشند و آنها در اداره شرکت در آن زمان دخیل نبوده باشند.

مثال ۶ :

به ادامه همان حقایق مثالهای قبلی فوق، حمید و مختار شرط اول فقره ۲ ماده ۳۲ را برآورده نموده اند لذا حالا حکم باید شرط دوم ماده مذبور مدنظر گرفته شود. واضح است که آنها در مورد معامله یا موافقه ازقبل معلومات داشته اند زیرا آنها در تصمیم گیری پرداخت مفاد سهم شرکت داشته اند. از آنجایی که هردوی آنها برای منظوری مفاد سهم رأی دادند و عدم موافقه خود را در مورد این معامله یا موافقه ثبت ننموده اند، هردوی آنها (حمید و مختار) شرط دوم فقره ۲ ماده ۳۲ را برآورده ننموده اند. لذا آنها از مکلفیت حکم مذکور مبری نمی گردند.

به همین خاطر هردو حمید و مختار برای ادای ذمت مالیاتی شرکت مطابق ماده ۳۲ مکلف می باشند.

به خاطر داشته باشید هرگاه حمید یا مختار علیه تصمیم پرداخت مفاد سهم در اقلیت رأی داده باشند، باید عدم موافقه خود را با معامله ثبت نمایند. هرگاه شخص مذکور که عدم موافقه خود را ثبت نموده باشد اداره مالیاتی را قبل از پرداخت مفاد سهم مطلع نماید که این معامله باعث عدم توانایی شرکت در پرداخت مکلفیتهای مالیاتی می گردد، رئیس متذکره تمام شرایط مقتضی مصؤنیت از مکلفیت مالیاتی مطابق فقره ۲ ماده ۳۲ را برآورده نموده است.

۹,۳۲ ماده ۳۲ هیچ مکلفیت را بالای رئیسان یا سهمداران کنترول کننده برای مکلفیت مالیاتی شرکت در صورتی وضع نمی نماید که معامله یا موافقه شیوه های عادی تجارت باشد و امکان نداشته باشد، پیشبینی گردد که معامله یا موافقه باعث ان می گردد که شرکت نتواند مکلفیت مالیاتی خود را بپردازد.

مثال ۷:

یک شرکت ساختمانی در داوطلبی برای پروژه بزرگ سرک سازی که در دوسال تکمیل می گردد برنده می شود. از قیمت داوطلبی انتظار می رود پروژه برای شرکت مفاد ایجاد کند و در سال اول طبق انتظار مفاد می کند. با آن هم، در سال دوم به علت باران سنگین و سیل کار پروژه به تعویق می افتد وباعث مصارف بیشتر از بودجه می گردد. شرکت نمی تواند پروژه را تکمیل کند و منحل می گردد و نمی تواند تمام مکلفیتهای مالیاتی را پرداخت نماید.

در این مورد رؤسآ و سهمدار کنترول کننده برای مکلفیتهای مالیاتی شرکت مکلف نمی باشند. رئیسان شرکت فعالیت را به شیوه تجارتی عادی پیش برده اند و از معاملات شرکت یا موافقه ها انتظار نمی رفت باعث ا ن گردد که شرکت نتواند تمام مکلفیتهای مالیاتی خود را بپردازد.

ثبت محاسب مالیاتی

ماده سی و سوم

(۱) اداره مالیات، جواز فعالیت را منحیث محاسب مالیاتی به اشخاصیکه دارای شرایط ذیل باشند، می دهد:

۱. درخواست کتبی شخص

۲. تحصیلات عالی مرتبط

۳. سپری نمودن مؤفقانه امتحان محاسبین مالیاتی

۴. داشتن دفتر و آدرس مشخص

(۲) شخصی واجد شرایط مندرج فقره (۱) این ماده میتواند جهت کسب جواز به اداره مالیات درخواست جواز فعالیت را بررسی نموده بعد ازتکمیل شرایط مندرج فقره (۱) این ماده دربدل قیمت معینه که ازطرف شورای وزیران تصویب می گردد، برای متقضی جواز صادرمی نماید.

(۳) محاسب مالیاتی دارنده جواز اداره مالیات می تواند خدمات محاسباتی و مشورتی را در مقابل مزد (فیس) به مالیه دهنده انجام دهد.

(۴) محاسب مالیاتی دارنده جواز، می توانند به نمایندگی از مالیه دهنده در اداره مالیاتی حضور داشته باشد.

(۵) محاسب مالیاتی مکلف است در ارائه خدمات محاسباتی و مشورتی قوانین مالیات و سایر قوانین را رعایت کند.

۱,۳۳ ماده ۳۳ در مورد سیستم ثبت و راجستر محاسبین مالیاتی صراحت دارد. محاسبین مالیاتی مسلکی که در بدل فیس خدمات ارائه می نمایند باید دارای جواز از اداره مالیاتی باشند. محاسبین مالیاتی صرف در صورت می توانند جواز بگیرند که شرایط این ماده را برآورده نمایند. شخص باید برای ثبت و راجستر درخواست نماید، درخواست وی باید ارائه کننده مدرک تحصیلی از دانشگاه مربوطه باشد، آنها باید دارای تعمیر برای نهاد خود باشند و باید امتحان اداره مالیاتی را به موفقیت سپری نموده باشند.

۲,۳۳ اداره مالیاتی از سرو کار داشتن با محاسب مالیاتی که دارای جواز نمی باشد، در صورت اجتناب می نماید که بداند یا با دلیل مشکوک باشد که شخص در بدل خدمات خود مغایر با قانون فیس اخذ می نماید.

۳,۳۳ یک محاسب مالیاتی که کارمند یک تشبث می باشد و خدمات مشوره دهی مالیاتی را به کارفرما اش به عنوان قسمت از وظیفه ارائه می نماید، مکلف به اخذ جواز نمی باشد.

۴,۳۳ تحصیلات عالی مرتبط عبارت از سند لیسانس در اقتصاد، محاسبه یا حقوق می باشد.

۵،۳۳ اداره مالیاتی لست محاسبان مالیاتی موجود را نگهداری و آن را در صفحه انترنتی آگاهی عامه نشرمی نماید. لست باید شامل نمبر جواز محاسب مالیاتی، نام آنها، نام نهاد (در صورت موجودیت) و آدرس باشد.

۶،۳۳ یک محاسب مالیاتی دارای جواز اجازه دارد تا از مشتری هایش در همه موارد مالیاتی مربوطه در اداره مالیاتی نمایندگی نماید، مشروط به اینکه مشتری تأیید نموده باشد که محاسب مالیاتی به نمایندگی از آنها عمل نماید.

۷،۳۳ هرگاه یک مالیه دهنده صلاحیت عمل را به نمایندگی از خود به محاسب مالیاتی دارای جواز داده باشد، اداره مالیاتی باید این امر را در سوابق وی حفظ نماید. هرگاه یک مالیه دهنده به اداره مالیاتی ابلاغ نماید که محاسب مالیاتی را تعویض یا به عبارت دیگر صلاحیت وی را لغو نموده است، اداره مالیاتی باید سوابق وی را تجدید نماید.

فصل نهم
مالیات اضافی

مقدمه:

در این فصل یک سلسله از مالیات اضافی برای عدم پیروی از مکلفیتها و وجایب قانونی مالیاتی وضع گردیده است. مالیات مندرج این فصل در صورت نیاز توسط اداره مالیاتی وضع میگردد.صلاحیت تعین مالیه اضافی ذریعه طرزالعمل تفویض صلاحیت مشخص میگردد

تمام این مالیات اضافی با صدور اطلاعیه سنجش به شخص و تعیین مبلغ قابل پرداخت، قابل تادیه می گردد. طرزالعمل های اطلاعیه سنجش تا آنجای که به سنجش مالیه ارتباط می گیرد (مالیه برارزش افزوده یا مالیات برعایدات) همانند اند و می توان از اطلاعیه سنجش یکسان جهت اطلاع مالیه و مالیه اضافی قابل پرداخت استفاده گردد.

مالیه دهنده می تواند علیه درستی یا کاربرد هرگونه مالیه اضافی تطبیق شده توسط این فصل اعتراض نماید، زیرا توسط سنجش مالیاتی وضع می گردد. سنجش مالیاتی یک تصمیم مالیاتی مطابق تعریف اصطلاح مندرج ماده ۳ می باشد، لذا می تواند مطابق طرزالعملهای فصل ۴ مورد اعتراض قرار گیرد.

بیش از یک مالیه اضافی می تواند بالای مالیه یکسان و دوره یکسان تطبیق گردد. بگونه مثال، یک مالیه دهنده که نتواند اظهارنامه را به موقع ارائه و مالیه مربوطه را به موقع پرداخت نماید تابع مبالغ مالیه اضافی جداگانه مطابق هریک از ماده های ۳۴ و ۳۵ خواهد بود.

مالیات اضافی نباید با احکام جریمه نقدی مندرج فصل ۱۰ اشتباه گرفته شود.

مالیهٔ اضافی تأخیر در تأدیات

مادهٔ سی و چهارم:

(1) هرگاه شخص، ذمت مالیاتی خود را مطابق احکام قوانین مالیاتی یا اطلاعیهٔ مادهٔ شانزدهم این قانون در میعاد معینه تادیه ننماید، علاوه بر پرداخت مالیهٔ اصلی مکلف به پرداخت مالیهٔ اضافی(۰،۰۵٪) در برابر هرروز تأخیر میباشد. مالیه اضافی مندرج این ماده بیشتر از صد فیصد اصل مالیه تادیه ناشده بوده نمی تواند.

(۲) مالیه اضافی تأخیر تادیه مالیه موضوعی مندرج قوانین مالیاتی یا مبلغ که در اطلاعیهٔ مندرج مادهٔ شانزدهم این قانون درج گردیده است، توسط شخصیکه مکلف به وضع و تادیه آن میباشد، قابل تادیه بوده واز دریافت کننده پول تحصیل نمیگردد.

(۳) مالیهٔ اضافی قابل تادیه مطابق این ماده برعلاوه سایر مالیات اضافی مندرج این فصل، قابل پرداخت میباشد.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده (۰٫۱۰٪) به (۰٫۰۵٪) کاهش یافته و همچنان حکم اینکه مالیه اضافی مندرج این ماده از صد فیصد اصل مالیه تادیه ناشده بیشتر بوده نمی تواند، ایزاد شده است.

۱,۳۴ مالیه اضافی مندرج ماده سی و چهارم زمان تطبیق میگردد که مالیه به وقت معینه ان پرداخت نشده باشد. مالیه مذکور به حیث فیصدی از مالیه اصلی که به موقع پرداخت نگردیده است، محاسبه می گردد. مالیه اصلی برای این منظور شامل مالیات برعایدات سالانه، مالیه معاملات انتفاعی، مالیه برارزش افزوده، مالیه موضوعی و مالیه ثابت که توسط قانون مالیات برعایدات وضع می گردد و هرگونه مالیه جدید که می تواند مطابق قانون مالیه جدید آینده وضع گردد، می باشد. مالیه اصلی به منظور ماده ۳۴ به صورت مشخص ذکر گردیده تا مبالغ قابل پرداخت توسط اشخاص سوم مطابق ماده ۱۶ را شامل گردد. مالیه اصلی شامل مالیات اضافی که توسط فصل ۹ قانون اداره امور مالیات وضع می گردد، نمی باشد و همچنان شامل جرایم که مطابق فصل ۱۰ قانون اداره امور مالیات وضع می گردد، نیز نمی شود.

۲,۳۴ مالیه اضافی به نورم روزانه وضع می گردد. مالیه مذکور بالای مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده در شروع هر روز تطبیق می گردد. مالیه اضافی تأخیر در پرداخت صرف بالای مالیه اصلی تطبیق گردیده و بالای مالیه اضافی پرداخت ناشده تطبیق نمی گردد.

مثال ۱:

مالیه دهنده مالیه برارزش افزوده دارای مکلفیت مالیاتی ۶۰۰,۰۰۰ افغانی برای ربع میزان – قوس می باشد. طبق قانون مالیه برارزش افزوده مکلفیت مالیاتی در ۳۰ جدی قابل پرداخت بوده است، اما مالیه دهنده تا آن روز هیچ پرداخت ننموده است. در ۵ دلو وی مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ افغانی پرداخت می نماید. در ۱۰ دلو وی به اداره مالیاتی جهت پرداخت مکلفیت مالیاتی باقیمانده به شمول مالیه اضافی مراجعه می نماید. (به منظور این مثال نورم روزانه مالیه اضافی برای هر روز تأخیر۰٫۰۲۵٪ افغانی می باشد)

در اول هر روز از اول دلو تا ۵ دلو (۵ روز) مکلفیت مالیاتی اصلی پرداخت ناشده ۶۰۰,۰۰۰ افغانی می باشد. از این رو مالیه اضافی برای تأخیر در پرداخت ۵ روز 1500 = 5 x 0.5% x 600,000 می باشد.

در شروع هر روز از ۶ دلو تا ۱۰ دلو (۵ روز) مکلفیت مالیاتی اصلی ۳۰۰,۰۰۰ افغانی می باشد. از این رو مالیه اضافی تأخیر در پرداخت برای ۵ روز 750= 5 x0.5% x 300,000 افغانی خواهد شد.

به همین خاطر در ۱۰ دلو مالیه دهنده باید مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ مالیه اصلی به علاوه۲۲۵۰ افغانی (مجموع ۳۰۲۲۵۰ افغانی) جهت تصفیه مجموع مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده خود، بپردازد.

درصورت روز های انقضای پرداخت مالیات مندرج این مثال زیاد باشد که مالیه اضافی بیشتر از اصل مالیه گردد، در آن صورت مطابق حکم تعدیل شده ماده سی و چهارم قانون اداره امور مالیات، مالیه اضافی مندرج این ماده بیشتر از صد فصید اصل مالیه تادیه ناشده بوده نمیتواند.

تعیین وقت معینه زمانی که اداره مالیاتی تعطیل باشد:

۳,۳۴ زمانی که تاریخ معین برای پرداخت در روزی قرار بگیرد که اداره مالیاتی بسته باشد، از شخص پذیرفته می شود که مالیه خود را به موقع پرداخته است در صورتی که وی در روز کاری بعد از تاریخ معین پرداخته باشد.

مثال ۲:

جمال ثبت مالیه برارزش افزوده بوده و مکلف به پرداخت مالیه برارزش افزوده قابل پرداخت در خلال ۳۰ روز بعد از ختم ربع می باشد. تاریخ پرداخت مالیه برارزش افزوده ربع حمل – جوزا ۳۰ سرطان می باشد. ۳۰ سرطان در روز جمعه در سال مورد نظر قرار می گیرد و دفتر مالیاتی محلی در آن روز بسته می باشد. هرگاه وی مبلغ مالیه برارزش افزوده را در روز شنبه ۳۱ سرطان بپردازد

تابع مالیه اضافی برای تأخیر در پرداخت قرار نمی گیرد زیرا دفتر مالیاتی محلی در روز که پرداخت باید صورت بگیرد، بسته بوده است.

۴,۳۴ در محاسبه تعداد روزهای تأخیر بعد از تاریخ معین، هر روز که دفتر مالیاتی محلی شخص بسته باشد در صورت محاسبه می گردد که آن روزها بعد از اینکه مالیه دهنده فرصت پرداخت مالیه را داشته باشد، قرار بگیرند.

مثال ۳ :

با مدنظر گرفتن حقایق مثال قبلی، آخرین مهلت برای پرداخت مالیه برارزش افزوده جمال برای ربع حمل – جوزا ۳۰ سرطان می باشد. روز ۳۰ سرطان در سال مورد نظر در جمعه قرار می گیرد و دفتر مالیاتی محلی در این روز بسته می باشد. شنبه ۳۱ سرطان روزی است که دفتر مالیاتی باز می باشد، اما مالیه دهنده مالیه خود را در این روز و قبل از آن نپرداخته است. در روز اول اسد دفتر محلی مالیاتی به علت رخصتی ملی در تمام ولایات بسته می باشد. دفتر در روز دیگر، ۲ اسد باز می شود و وی مالیه اش را در آن روز می پردازد. در این مورد وی باید مالیه خود را تا ۳۱ سرطان می پرداخت اما وی نتوانسته این کار را انجام دهد. وی تا ۲ اسد که دو روز بعد از تاریخ که باید پرداخته می شد، نپرداخته است. وی تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ برای دو روز به شمول روز تعطیلی اول اسد خواهد شد.

۵,۳۴ مالیه اضافی بالای هرگونه مالیه که شخص مطابق قوانین مالیات مکلف به پرداخت می باشد، تطبیق می گردد. این شامل مالیه موضوعی که شخص مکلف به وضع و پرداخت آن مطابق قانون مالیات برعایدات می باشد، نیز است. مالیه اضافی همچنان بالای تأخیر در پرداخت مبلغ قابل پرداخت توسط شخص سوم مطابق ماده ۱۶ قانون اداره امور مالیات تطبیق می گردد. هرگاه شخص سوم در پرداخت لازم تأخیر نماید، مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ بالای شخص سوم نیز تطبیق می گردد.

۶,۳۴ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ بالای اشخاص که مالیه موضوعی را به موقع نپرداخته یا شخص سوم که نتوانسته مطابق ماده ۱۶ مبلغ لازم را بپردازد، وضع می گردد. آنها نمی توانند این مالیه اضافی را از پرداخت کننده طوری که این مالیه اضافی یک مجازات به خاطر عدم پیروی شان از قانون می باشد، بگیرند.

۷,۳۴ در مورد شخص سوم که نتوانسته مبلغی را که مطابق ماده ۱۶ به پرداخت آن مکلف بوده بپردازد، مالیه اضافی تا زمانی که مالیه مذکور پرداخت نگردد، محاسبه می شود. پرداخت توسط شخص سوم، مالیه دهنده یا شخص دیگر قابل قبول بوده و باعث متوقف شدن مالیه اضافی می گردد.

۸,۳۴ در مورد شخص سوم که مکلف به پرداخت مبلغ مطابق ماده ۱۶ بوده، شخص مالیه دهنده نیز برای مالیه ابتدایی مکلف باقی می ماند (در این مورد به تعلیماتنامه در ماده ۱۷ مراجعه نمایید). از این رو هرگاه شخص سوم نتواند مبلغ لازم را بپردازد، مالیه اضافی می تواند بالای هردو شخص سوم و مالیه دهنده تا زمانی که هریک از آنها نتوانند پرداخت لازم را نمایند، وضع گردد.

۹,۳۴ ماده ۳۴ مالیه اضافی را مستقیماً بالای تصفیه کننده وضع نمی نماید. با آن هم، تصفیه کننده می تواند غیر مستقیم برای مالیه اضافی تأخیر پرداخت مطابق ماده ۱۹ در صورتی مکلف گردد که نتواند وجایب خود را به عنوان تصفیه کننده برآورده نماید. مالیه اضافی برای تأخیر پرداخت اولاً بالای مالیه دهنده مربوطه وضع می گردد. هرگاه تصفیه کننده نتواند از وجایب خود به حیث تصفیه کننده پیروی نماید سپس مالیه اضافی بالای مالیه دهنده وضع و هم چنان مکلفیت مالیاتی مطابق به ماده نزدهم بالای تصفیه کننده نیز انتقال میگردد.

مالیهٔ اضافی عدم ارایهٔ اسناد مالیاتی

مادهٔ سی و پنجم:

(1) شخصی که بدون دلایل مؤجه اظهارنامهٔ مالیاتی و یا سایر اسنادیکه ارایه آن در قوانین مالیاتی پیشبینی گردیده به ادارهٔ مالیات ارائه ننماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ (۱۵) افغانی وشخص حکمی به پرداخت مبلغ (۵۰) پنجاه افغانی مالیه اضافی در برابر هر روز تأ خیر مکلف می باشد .

(2) در حالات مندرج فقرهٔ(۱) این ماده وضع مالیهٔ اضافی زمانی متوقف میگردد که اظهار نامهٔ مالیاتی دریافت یا یادداشت تعیین مالیه تخمینی بابت دوره ای که اظهار نامهٔ مالیاتی به آن ارتباط میگیرد، توسط اداره مالیات صادر گردد. در سایر موارد، زمانیکه اسناد بدسترس اداره مالیات قرار گیرد .

(۳) هرگاه مالیه دهنده در ارایه اظهارنامهٔ مالیاتی از موعد تمدید شده مادهٔ هفتم این قانون تأخیر نماید، مالیهٔ اضافی مندرج فقرهٔ(۱) این ماده از انقضای تاریخ معینه اصلی ارایه اظهار نامهٔ مالیاتی، بالای وی محاسبه میگردد.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده برای شخص حقیقی از مبلغ (۳۰) به مبلغ (۱۵)افغانی و به شخص حکمی از مبلغ (۱۰۰) به مبلغ (۵۰) افغانی کاهش یافته است.

۱,۳۵ ماده ۳۵ در مورد مالیه اضافی برای عدم ارائه اسناد مالیاتی صراحت دارد. وشامل عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی (طوری که در ماده ۳ وسیعاً تعریف گردیده) نیز می گردد. این ماده همچنان شامل عدم ارائه سایر اسناد قابل تحویل مطابق قوانین مالیات می باشد.همچنان بیلانس نیز مثالی از چنین اسناد می باشد در صورتی که مالیه دهنده مکلف به ارائه چنین اسناد با اظهارنامه مطابق احکام قانون مالیات برعایدات باشد. بخاطر داشته باشید که شمولیت وسیع اسناد یک تغییر اداری از موقف،قبلی در قانون مالیات برعایدات قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات می باشد.

۲,۳۵ مالیه اضافی فقط بالای عدم ارائه اسناد که مالیه دهنده مشخصاً مطابق قوانین مالیات مکلف به ارائه آن باشد، تطبیق می گردد و شامل اسناد که اداره مالیاتی از طریق سایر وسایل یا در زمانهای دیگر درخواست می نماید، نمی گردد.

مثال :

اداره مالیاتی تصمیم می گیرد تا بررسی مالیاتی را بالای تشبث احمد اجرا نماید. اداره متذکره برای این منظور اطلاعیه را جهت ارائه اسناد مختلف تشبث برای سال ۱۳۹۵ به شمول اسناد فروشات تا ۳۰ جدی ۱۳۹۸ صادر می نماید. احمد نمی تواند این اسناد را به موقع ارائه نماید.

این عدم پیروی تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ نمی گردد زیرا به سند مشخص مالیاتی که مطابق قوانین مالیاتی مکلف به ارائه آن باشد، ارتباط نمی گیرد. مالیه اضافی برای قضیه مذکورمطابق ماده ۳۹ تعیین می گردد.

۳,۳۵ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ برای اشخاص حقیقی روزانه ۱۵ افغانی و برای اشخاص حکمی ۵۰ افغانی می باشد. این حکم بالای هر نوع اظهارنامه مالیاتی که به موقع معینه آن که در قوانین مالیاتی پیشبینی شده است ارائه نگردیده باشد، تطبیق می گردد.

تمدید زمان:

۴,۳۵ هرگاه یک شخص برای ارائه اظهارنامه مطابق ماده هفتم قانون اداره امور مالیات تمدید زمان دریافت نماید، هیچ مالیه اضافی مطابق ماده سی و پنجم این قانون بشرطی تطبیق نمی گردد که اظهارنامه در آخرین روز مهلت تمدید شده ارائه گردد.

۵،۳۵ با آن هم، هرگاه شخص تمدید زمان دریافت نماید و سپس نتواند در خلال زمان تمدید شده اسناد را ارائه نماید، مالیه اضافی از تاریخ معینه اصلی مندرج قوانین مالیات که باید ارائه می شد محاسبه می گردد.

مثال ۱:

احمد مکلف به ارائه راپور ماهانه مالیه موضوعی با جزئیات مالیه وضع شده از معاشات و دستمزدها طبق (ماده ۶۰ قانون مالیات برعایدات) می باشد. طوری که در ماده ۳ قانون اداره امور مالیات تعریف گردید این راپور یک اظهارنامه می باشد. راپور ماه میزان وی در ۱۰ عقرب قابل ارائه می باشد، با آن هم وی تا ۲۵ عقرب از اداره مالیاتی تمدید زمان دریافت می نماید.

احمد در واقع در ۲۴ ماه عقرب راپور ارائه می نماید. به طور عادی وی تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ برای ۱۴ روز از ۱۰ عقرب تا ۲۴ عقرب می گردد. اما به خاطر دریافت تمدید زمان و پیروی از زمان تمدید شده هیچ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ تطبیق نخواهد شد.

مثال ۲ :

با درنظرداشت حقایق مندرج مثال قبلی به استثنای اینکه احمد در واقع تا ۲۷ ماه عقرب راپور را ارائه ننموده است. در این مورد، بخاطر اینکه وی ضرب الاجل تمدید شده را برآورده نکرده است، مالیه اضافی از تاریخ اصلی قابل تطبیق می باشد. وی تابع مالیه اضافی از ۱۰ عقرب تا ۲۷ عقرب (۱۷ روز) خواهد گردید.

تعیین تخمینی مالیه:

۶،۳۵ در موارد که شخص نمی تواند اظهارنامه خود را به تاریخ معین ارائه نماید، اداره مالیاتی می تواند یادداشت تخمینی تعیین مالیه را صادر نماید. این تعیین مالیه مبتنی بر معلومات موجود در اداره مالیاتی بنا بر عدم ارائه اظهارنامه می باشد. به ماده ۸ قانون اداره امور مالیات برای توضیح بیشتردرمورد تعیین تخمینی مالیه مراجعه گردد.

۷،۳۵ هرگاه یادداشت تعیین مالیه صادر گردد، مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ از تاریخ معینه که اظهارنامه مطابق قانون قابل ارائه می باشد تا تاریخ صدور یادداشت تعیین تخمین مالیه محاسبه می گردد.

مثال ۳:

احمد مکلف به ارائه راپور مالیه موضوعی ماهانه همراه با جزئیات مالیه وضع شده از معاشات و دستمزدها می باشد. وی باید راپور ماه میزان را تا ۱۰ عقرب ارائه نماید، اما وی تا ۲۰ عقرب راپور را ارائه ننموده و همچنان هیچ توضیحی یا درخواست تمدید نیز نکرده است. اداره مالیاتی در تاریخ ۲۱ عقرب طی اطلاعیه از وی می خواهد تا راپور خود را در خلال ۳۰ روز ارائه نماید (به ماده ۷ مراجعه نمایید).

احمد از درخواست اداره مالیاتی پیروی نمی نماید، لذا در ۲۵ ماه قوس اداره مالیاتی یادداشت تعیین مالیه به وی صادر می نماید. یادداشت تعیین مالیه، مالیه تخمینی قابل پرداخت بابت مالیه موضوعی قابل پرداخت جمع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ برای عدم ارائه راپور را نشان می دهد. مالیه اضافی از ۱۰ عقرب تا ۲۵ قوس محاسبه می گردد. (باید مطرح شود که سایر مالیه اضافی نیز می تواند مطابق ماده های ۳۴ و ۳۶ تطبیق گردد. جهت جزئیات به ماده های متذکره مراجعه گردد.)

۸،۳۵ مالیه اضافی به نورم روزانه وضع می گردد. هرگاه تاریخ معین برای ارائه اظهارنامه در روزی قرار بگیرد که دفتر ساحوی مربوط مالیه بسته باشد، آنوقت عذرمالیه دهنده بشرطی پذیرفته می شود که مالیه ده در روز کاری بعد از تاریخ معین پیروی نموده باشد. (مقرره)

۹،۳۵ در محاسبه تعداد روزهای تأخیر بعد از تاریخ معین، روزهای تعطیل اداره محلی مالیاتی شخص در صورت محاسبه می گردد که آن روزها بعد از روز قرار بگیرد که شخص فرصت ارائه اسناد را داشته باشد. به مباحثات و مثالهای ماده ۳۴ این تعلیماتنامه مراجعه نمایید. عین اصول بالای ماده ۳۵ نیز تطبیق می گردد.

دلایل منطقی برای عدم ارائه اظهارنامه:

۱۰,۳۵ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۵ در صورت بالای شخص تطبیق نمی گردد که دلایل موجه ومنطقی برای عدم ارائه داشته باشد. به صورت عموم بیخبری از مکلفیتهای ارائه اسناد دلیل منطقی پنداشته نمی شود. مثالهای ذیل نشان می دهد که چگونه اداره مالیاتی ماده ۳۵ را تطبیق می نماید.

مثال ۱ :

شرکت باران یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت متذکره مکلف است تا اظهارنامه سال ۱۳۹۸ خود را در آخرین روز ماه حوت ۱۳۹۸ ارائه نماید. شرکت باران اظهارنامه خود را تا ۱۰ روز بعد از آخرین روز ماه حوت ارائه نمی نماید. زمانی که ریاست عمومی عواید از شرکت باران می پرسد که چرا نتوانسته اظهارنامه خود را به موقع ارائه نماید، مدیریت شرکت باران جواب می دهد که آنها در تکمیل صورت حسابات مالی شان مشکل داشته اند. شرکت باران معذرت منطقی برای عدم تهیه و ارائه به موقع اظهارنامه نداشته است. شرکت باران باید تابع مالیه اضافی ۵۰ افغانی فی روز قرار گیرد.

مثال ۲ :

شرکت گل یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت متذکره مکلف است تا اظهارنامه مالیاتی سال مالی ۱۳۹۸ خود را در آخرین روز ماه حوت ۱۳۹۸ ارائه نماید. شرکت گل نتوانستهاظهارنامه سال مالی ۱۳۹۶خود را در وقت معینه قانونی (اخیر حوت ۱۳۹۶) ارائه نماید. دلیل که شرکت گل نتوانسته اظهارنامه خود را به موقع ارائه نماید این است که دفترش حریق گردیده و تمام سوابق مالی شان نیز نابود شده است. شرکت گل اظهارنامه خود را بعد از آتش سوزی ارائه می نماید. شرکت گل نباید تابع مالیه ا ضافی فی روز ۵۰ افغانی گردد.

مثال ۳ :

نصیر احمد یک تجارت پیشه انفرادی است که مصروف صادرات میوه تازه و خشک می باشد. وی اظهارنامه مالیاتی سال ۱۳۹۸ خود را در آخرین روز سرطان ۱۳۹۹ ارائه می نماید. زمانی که ریاست عمومی عواید بابت تأخیر ارائه اظهارنامه می پرسد، وی جواب می دهد که مصروف خریدن میوه های تازه در ولایات بوده است، لذا قادر به ارائه اظهارنامه به موقع نبوده است. معذرت نصیر احمد منطقی نمی باشد، از این رو وی باید تابع مالیه اضافی ۱۵ افغانی فی روز برای دوره تأخیر گردد.

مثال ۴:

گل احمد در مندوی مالک یک مارکیت است که دکانهایش را به دکانداران به کرایه داده است. مارکیت دارای ۴ طبقه می باشد و کرایه های هر طبقه متفاوت است. کرایه دکانهای طبقه اول و دوم بیش از ۱۰ هزار افغانی در ماه می باشد و اجاره داران زمانی پرداخت کرایه مالیه را وضع و به حساب بانکی دولت انتقال می دهد. کرایه فضای که به حیث گدام در طبقه ۳ استفاده می گردد کمتر از ۱۰۰۰۰ افغانی است. طبق قانون مالیات برعایدات، احمد مکلف به ارائه اظهارنامه تا آخر ماه سوم بعد از ختم سال مالیاتی و پرداخت مکلفیت مالیاتی بعد از کسر مالیه موضوعی می باشد. احمد اظهارنامه خود را در ۲۵ میزان سال بعدی ارائه می نماید. زمانی که دلیل تأخیر ارائه اظهارنامه از وی پرسیده شد، جواب داد که به علت منازعه با دکانداران در مورد تعیین نرخ کرایه، قادر به ارائه اظهارنامه نهایی خود نبوده است. این معذرت منطقی نمی باشد. از این رو وی مکلف به پرداخت مالیه اضافی فی روز ۱۵ افغانی تا تاریخ ارائه اظهارنامه می باشد.

۱۱,۳۵ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی تأخیر در پرداخت را بعد از اینکه وضع گردیده باشد، معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید. بگونه مثال، هرگاه اداره مالیاتی اشتباهاً یادداشت سنجش صادر و مالیه اضافی تأخیر ارائه اظهارنامه را در حالی نشان دهد که مالیه دهنده در واقع درخواست تمدید زمان جهت ارائه اظهارنامه را مطابق ماده ۷ ارائه و تمدید زمان به وی اعطا شده باشد.

۱۲,۳۵ اداره مالیاتی همچنان می تواند سوابق خود را در صورتی تصحیح نماید که این مالیه اضافی به صورت نادرست وضع گردیده باشد زیرا مالیه دهنده دلیل مقنع برای ارائه اظهارنامه که به تأخیرا رائه داشته است ندارد. هرگاه مالیه دهنده اظهارنامه را به تأخیر ارائه و دارای دلیل موجه برای تاخیر ارائه اظهارنامه باشد، هرگونه مالیه اضافی بابت تأخیر در ارائه اظهارنامه که وضع شده، می تواند حذف گردد.

نورمهای قبلی مالیه اضافی تأخیر در ارائه اظهارنامه:

۱۳,۳۵ طبق حکم ماده ۱۰۲ قانون مالیات برعایدات قبلی، نورم روزانه مالیه اضافی از تاریخ ۲۸ حوت ۱۳۸۷، ۱۰۰ افغانی برای اشخاص حقیقی و ۵۰۰ افغانی برای اشخاص حکمی بوده است. این نورم برای هر روز تأخیر تا ۲۰ سنبله ۱۳۹۲ زمانی که ماده ۱۰۲ تعدیل گردید تطبیق می گردد. نورم تعدیل شده روزانه تأخیر ۳۰ افغانی برای اشخاص حقیقی و ۱۰۰ افغانی برای اشخاص حکمی می باشد در تعدیل جدید ماده سی و پنجم قانون اداره امور مالیات ، مالیات اضافی برای اشخاص حقیقی به (۱۵) افغانی و برای اشخاص حکمی مبلغ (۵۰) افغانی کاهش یافته و از تاریخ ۱۰ میزان ۱۳۹۷ قابل تطبیق میباشد.

۱۴,۳۵ اداره مالیاتی ماده ۱۰۲ قانون مالیات برعایدات قبلی را تفسیر نمود که فقط بالای تأخیر ارائه اظهارنامه های مالیات برعایدات سالانه تطبیق می گردید. ماده ۳۵ قانون اداره امور مالیات بر تمام اظهارنامه ها به شمول مالیه معاملات انتفاعی و فورمه های مالیه موضوعی که باید توسط پرداخت کننده ارائه گردد(که در تعریف اظهارنامه مندرج ماده ۳ شامل است) تطبیق می گردد. اظهارنامه که تحت پوشش ماده ۳۵ قانون اداره امور مالیات قرار می گیرد و شامل ماده ۱۰۲ قانون مالیات برعایدات نمی گردد، مالیه اضافی فقط برای روزهای تأخیر بعد از تاریخ انفاذ قانون اداره امور مالیات قابل تطبیق خواهد بود.

مالیه اضافی عدم وضع یا عدم تأدیه مالیه موضوعی

مادۀ سی و ششم:

(1) هرگاه شخص مطابق احکام قوانین مالیاتی، مالیه را از تأدیات تابع مالیه موضوعی وضع یا تأدیه ننماید، مکلف به پرداخت مالیه اضافی معادل ده فیصد مبلغ مالیه قابل وضع از تأدیات می باشد.

(۲) مکلفیت پرداخت مبلغ مندرج فقره (۱) این ماده به عهده شخصی میباشد که مالیه موضوعی را وضع یا تأدیه ننموده است.

۱,۳۶ ماده ۳۶ مالیه اضافی را در صورتی که شخص مالیه را زمانی که مکلف به وضع آن می باشد، وضع ننماید، تطبیق می گردد. ماده متذکره همچنان مالیه اضافی را در صورتی که شخص مالیه را وضع اما نتواند به اداره مالیاتی بپردازد، تطبیق می نماید. پرداختها ئیکه که وضع مالیه، از ان لازم می باشد شامل معاش و دستمزد پرداخت شده توسط استخدام کننده ویابحسابات شان انتقال نماید می باشد، پرداختهای کرایه، تکتانه، مفاد سهم، حق الامتیاز و پرداختهای مشخص به قراردادیها می باشد.

۲,۳۶ شخص ممکن نتواند مالیه را وضع و پرداخت نماید در این صورت فقط یک مبلغ مطابق ماده ۳۶ تطبیق می گردد. در چنین مورد اطلاعیه سنجش که مالیه اضافی را وضع می نماید می تواند چنین شرح دهد "مالیه اضافی برای عدم وضع مالیه و عدم پرداخت مالیه".

مثال:

یک شرکت با کارکنانش بررسی گردیده و آشکار می گردد که در مورد وضع و پرداخت مالیه مجموع مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی از معاشات کارکنانش کوتاهی نموده است. اداره مالیاتی اطلاعیه سنجش جهت تحصیل مالیه ۲۰۰۰۰ افغانی را صادر می نماید. مالیه اضافی ۱۰٪ (۲۰۰۰ افغانی) نیز شامل است.

۳۶،۳ هرگاه تاریخ معینه برای ارائه اظهارنامه در روزی قرار بگیرد که دفتر ساحوی مالیه مربوط بسته باشد، از شخص در صورت پذیرفته می شود که از روز کاری بعد از تاریخ مذکور پیروی نموده باشد.

مالیه اضافی باید از شخص که مالیه را وضع ننموده اخذ گردد:

۴،۳۶ مبلغ مطابق ماده ۳۶ برابر با ۱۰٪ مالیه که شخص نتوانسته وضع نماید، می باشد. شخص مسؤول عدم پیروی باید شخصاً این مبلغ را متقبل گردد. این مبلغ از شخص دیگر قابل تحصیل نمی باشد.

۵،۳۶ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی مطابق ماده ۳۶ را بعد از اینکه وضع گردیده باشد، معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذبور به صورت نادرست وضع گردیده باشد(اشتباهاً وضع گردیده)، تصحیح نماید. بگونه مثال، هرگاه اداره مالیاتی اشتباهاً یادداشت سنجش مالیه صادر و مالیه اضافی را مطابق این ماده در حالی نشان دهد که مالیه موضوعی در واقع پرداخت و در سوابق اداره مالیاتی به صورت نادرست ثبت گردیده باشد، مالیه اضافی می تواند حذف گردد.

مالیه اضافی عدم تهیه و حفظ اسناد و دفاتر

مادۀ سی و هفتم:

شخصی که حکم مادۀ بیست و پنجم این قانون را رعایت ننماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ پنج هزار(۵۰۰۰) افغانی و شخص حکمی به پرداخت مبلغ بیست هزار (۲۰۰۰۰)افغانی مالیۀ اضافی مکلف می باشد.

۱،۳۷ مالیه اضافی بالای شخص در صورتی تطبیق می گردد که نتوانسته باشد اسناد و دفاتر خود را مطابق قوانین مالیاتی، حفظ نماید.

۲،۳۷ مطابق فقره (د) ماده ۶ قانون اداره امور مالیات، مالیه دهنده مکلف به حفظ اسناد و دفاتر به منظور مالیه می باشد. این به معنی حفظ هرگونه اسناد لازم برای محاسبه درست مالیه آنها می باشد. برای معلومات بیشتر به ماده ۶ مراجعه نمایید.

۳،۳۷ کوتاهی مربوطه می تواند مربوط به مالیات برعایدات، مالیه موضوعی، مالیه برارزش افزوده یا هرگونه مکلفیت دیگر مطابق قوانین مالیاتی باشد.

۴،۳۷ کشف عدم تهیه و حفظ اسناد و دفاتر در جریان اجرای بررسی توسط اداره مالیاتی، اتفاق می افتد. در جریان بررسی اداره مالیاتی می تواند از شخص مطالبه نماید تا اسناد ضروری و مشخصی را جهت تعیین مکلفیتهایش ارائه نماید. هرگاه اسناد و دفاتر و یادداشتهای که مطابق قوانین مالیاتی شخص مکلف به حفظ آنها می باشد و وی نتوانسته آنها را ارائه نماید، چنین پنداشته خواهد شد که شخص آنها را حفظ ننموده است.

۵،۳۷ مالیه اضافی بالای شخص در صورتی تطبیق نمی گردد که وی بتواند ثابت نماید که اسناد و دفاتر به علت حوادث طبیعی یا سایر حوادث خارج از حیطه کنترول وی حریق یا تخریب گردیده است.

۶،۳۷ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۷ بر هر وضعیت (بررسی) در صورتی تطبیق می گردد که کشف گردد، شخص وجایب خود را بر آورده ننموده است. ماده متذکره بالای هر سند انفرادی یا دوره مالیاتی تطبیق نمی گردد.

مثال ۱ :

احمد مالک یک شرکت ترانسپورتی می باشد (شرکت ترانسپورتی احمد). شرکت در سال ۱۳۹۹ توسط اداره مالیاتی بررسی می گردد و به حیث قسمت از بررسی از وی خواسته می شود تا بیلانس و سایر اسناد لازم را مطابق قوانین مالیاتی برای سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۷ ارائه نماید. شرکت نمی تواند از این خواسته پیروی نماید و هیچ توضیحی در مورد این کوتاهی یا عدم اطاعت پذیری ندارد.

یک مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانیگی مالیه اضافی مطابق ماده ۳۷ برای کوتاهی کشف شده در بررسی بالای وی تطبیق می گردد.

۷,۳۷ هرگاه مالیه اضافی بالای مالیه دهنده برای عدم تهیه و حفظ اسناد و دفاتر وضع گردد(وضعیت اول)، ماده ۳۷ در صورتی می تواند برای کوتاهی متعاقب (وضعیت دوم) مجدداً تطبیق گردد که مالیه دهنده از مالیه اضافی وضعیت اول مطلع شده باشد.

مثال ۲:

به ادامه حقایق مثال اول، مالیه اضافی مندرج آن مثال توسط اداره مالیاتی با صدور یادداشت سنجش که مالیه دهنده در ۱۰ جوزا ۱۳۹۹ دریافت نموده، وضع می گردد. دلیل مالیه اضافی در یادداشت تشریح می گردد. در سال ۱۴۰۰ اداره مالیاتی یک بررسی جدید را برای سال ۱۳۹۸ آغاز می نماید. کشف می گردد که مالیه دهنده اسناد و دفاتر لازم را برای سال ۱۳۹۸ مالیات برعایدات حفظ ننموده است.

در این مورد مالیه اضافی مطابق ماده ۳۷ تطبیق نخواهد شد زیرا عدم پیروی قبل از تاریخ که ماده ۳۷ برای اولین بار تطبیق شود، اتفاق افتاده است. اطلاعیه صادر شده به مالیه دهنده در ۱۰ جوزای ۱۳۹۹ عمل شان را قبل از آن تاریخ مجازات می نماید و همچنان یک هشدار به مالیه دهنده که باید در آینده اسناد و دفاتر خود را به صورت مناسب حفظ نماید، می باشد. از آنجایی که عدم پیروی مالیه دهنده برای سال ۱۳۹۸ از قبل اتفاق افتاده است، امکان تغییر عمل قبلی برای آنها مقدور نیست. آنها برای عمل شان تا تاریخ اولین وضع مالیه اضافی ۱۰ جوزای ۱۳۹۹ مجازات گردیده اندو حالا فقط مسؤول عمل شان بعد از آن تاریخ می باشند.

کوتاهی قسمی:

۸,۳۷ عدم پیروی از تهیه و حفظ اسناد و دفاتر به عدم اطاعت عمده یا مهم ارتباط می گیرد. کوتاهی یا اشتباه کوچک در اسناد و دفاتر تحت پوشش ماده ۳۷ قرار نمی گیرد و می تواند صرف نظر گردد.

مثال ۳:

یک شرکت عموماً اسناد و دفاتر را به خوبی حفظ می نماید، اما اسناد سه روز معامله در جریان بررسی لادرک می باشد. هیچ شواهد موجود نیست تا نشان دهد که عمداً صورت گرفته باشد و همچنان تأثیر عمده بالای مجموع محاسبات مالیه ندارد زیرا بررس و شرکت می توانند ترمیم نموده و معلومات از دست رفته را تخمین نمایند. مالیه اضافی باید مطابق ماده ۳۷ تطبیق گردد.

مالیه اضافی عدم رعایت اطلاعیه

مادۀ سی و هشتم:

شخصیکه بدون دلایل مؤجه ، اطلاعیۀ که مطابق حکم مادۀ شانزدهم این قانون از طرف ادارۀ مالیات به وی صادر شده، رعایت ننماید، به پرداخت مالیۀ اضافی معادل ده فیصد مالیه قابل تحصیل، مکلف می باشد.

۱,۳۸ شخص سوم که از اطلاعیه مندرج ماده ۱۶ اطاعت ننماید تابع مالیه اضافی مساوی با مبلغ که در پرداختش کوتاهی نموده می گردد. این همچنان بالای اطلاعیه تحصیل مطابق ماده ۱۷ که فقره ۴ ماده ۱۷ آن را به حیث اطلاعیه مطابق ماده ۱۶ تلقی می نماید، نیز تطبیق می گردد.

مثال:

یعقوبی دارای مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده ۵۰،۰۰۰ افغانی می باشد. اداره مالیاتی در دریافت پرداخت از وی مشکل داشته است، لذا اداره متذکره یک اطلاعیه به بانک که دارای حساب بانکی یعقوبی می باشد، صادر می نماید.

بانک اطلاعیه را در تاریخ ۱۲ سرطان ۱۳۹۶ دریافت می نماید. در آن زمان یعقوبی مبلغ ۳۰۰۰۰ افغانی در حساب بانکی خود داشته است. اطلاعیه بانک را مکلف به پرداخت هرگونه وجوه موجود در حساب تا مبلغ ۵۰،۰۰۰ افغانی به اداره مالیاتی تا تاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۹۶ به حیث پرداخت مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده وی، می نماید.

بانک اطلاعیه را نادیده گرفته و هیچ اقدامی جهت پیروی از اطلاعیه در محدوده این دوره نمی نماید. بانک به همین خاطر مکلف به پرداخت مالیه اضافی مطابق ماده ۳۸ برای مبلغ که در پرداخت آن کوتاهی نموده می باشد. از آنجایی که وجوه موجود و تحت پوشش اطلاعیه ۳۰،۰۰۰ افغانی می باشد و این همان مبلغی است که از پرداخت آن پیروی ننموده است. بانک تا کنون مکلف به پرداخت مبلغ که در پرداخت آن با توجه به اطلاعیه (۳۰،۰۰۰) افغانی مطابق فقره ۴ ماده ۱۸ کوتاهی نموده، می باشد. به علاوه بانک مکلف به پرداخت مالیه اضافی برابر (۱۰٪) همان مبلغ مطابق ماده ۳۸ (۳۰،۰۰۰) افغانی می باشد. مجموع مکلفیت مالیاتی بانک به همین خاطر ۳۳۰۰۰ افغانی می باشد.

بخاطر داشته باشید که هرگاه بعداً یعقوبی شخصاً مکلفیت مالیاتی پرداخت ناشده خود را بپردازد، بانک از پرداخت مکلفیت مالیاتی اصلی مندرج اطلاعیه خلاص می گردد، اما تا کنون برای مبلغ مطابق ماده ۳۸ مکلف می باشد زیرا این یک مجازات برای عدم اطاعت پذیری می باشد.

۲،۳۸ هرگاه تاریخ معینه برای پرداخت مبلغ مشخص یادداشت در روزی قرار بگیرد که دفتر ساحوی مالیه مربوط بسته باشد، از شخص در صورت پذیرفته می شود که از تاریخ معین روز کاری بعد از تاریخ معین پیروی نموده باشد. (مقرره)

مالیهٔ اضافی عدم ارایهٔ معلومات

مادهٔ سی و نهم:

شخصیکه بدون دلایل مؤجه، حکم مادهٔ بیست وششم این قانون را رعایت ننماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ (۵۰) افغانی و شخص حکمی به پرداخت مبلغ (۱۰۰) افغانی مالیهٔ اضافی در برابر هر روز تأخیر مکلف می باشد.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مالیه اضافی مندرج این ماده برای شخص حقیقی از (۱۰۰) به (۵۰) افغانی و برای شخص حکمی از (۲۰۰) افغانی به (۱۰۰) افغانی کاهش یافته است.

۱،۳۹ عدم رعایت ماده ۲۶ به معنی عدم رعایت درخواست مندرج اطلاعیه صادره مطابق این ماده می باشد. مالیه اضافی به نورم روزانه برای هر روز تأخیر بعد از تاریخ معینه مندرج اطلاعیه تا زمانی که شخص از اطلاعیه پیروی ننماید، وضع می گردد.

۲،۳۹ عدم رعایت ارائه معلومات می تواند شامل موارد ذیل باشد:

- عدم ارائه جواب سؤالات یا درخواستهای کتبی در تاریخ تعین شده.
- عدم حضور در مکان و جای لازم.
- عدم ارائه اسناد به شمول اسناد ذخیره شده در کمپیوتر به اداره مالیاتی در تاریخ تعین شده.
- هرگاه شخص مکلف به حضور در مکان و زمان معینه برای استجواب سؤالات گردیده باشد، عدم جواب شخص به سؤال در آن زمان تعین شده.

۳،۳۹ مالیه اضافی فقط در صورتی می تواند تطبیق گردد که اطلاعیه به صورت درست صادر گردیده باشد. اطلاعیه باید به وضوح بیان نماید که اطلاعیه مذکور "مطابق ماده ۲۶ قانون اداره امور مالیات" می باشد. سایر اسناد صادره توسط اداره مالیاتی بدون ارجاع به این صلاحیت که معلومات، اسناد یا حضور شخص را مطالبه نماید، تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۹ نمی گردد.

۴،۳۹ مالیه اضافی به صورت خود سرانه وضع نمی گردد. برای اداره مالیاتی لازم است تا تصمیم بگیرد که آیا شخص دلیل منطقی برای عدم رعایت اطلاعیه داشته یا خیر. بستگی به سنجش یک سلسله عوامل احتمالی، به شمول موارد ذیل دارد:

- نوع و کمیت معلومات درخواست شده
- شخص چه اقداماتی جهت رعایت از اطلاعیه، به شمول رعایت قسمی از آن روی دست گرفته است.
- مدت تأخیر.
- آیا شخص اداره مالیاتی را بدون معطلی از دلایل عدم رعایت مطلع ساخته یا خیر.

۵،۳۹ از آنجایی که حالتهای احتمالی زیاد برای مدنظر گرفتن موجود باشد، اما امکان ندارد تمام آن حالتها را که در آن مالیه دهنده (دارنده دلیل منطقی) برای عدم رعایت اطلاعیه مدنظر گرفته شود، در این تعلیماتنامه مشخص نمود. هر قضیه باید باتوجه به حالتهای خاص شخص تعیین گردد. در ذیل بعضی از مثالهای مربوط به حالتهای که در آن مالیه اضافی تطبیق نمی گردد، ارائه گردیده است:

مثال ۱ :

اداره مالیاتی مطابق ماده ۲۶ یک اطلاعیه رسمی را به نادر صادر و وی را مکلف به ارائه اسناد مشخص در ارتباط با تشبث وی در خلال ۳۰ روز از دریافت اطلاعیه می نماید. نادر جمع آوری معلومات را که برای آن مکلف گردیده شروع می نماید، اما ۱۰ روز قبل ازختم میعاد مندرج اطلاعیه به بیماری جدی مصاب می گردد و زمانی که وقت تعین شده ختم می گردد وی در شفاخانه بستر می باشد. بعد از اینکه از شفاخانه مرخص می شود، وی بلا فاصله جمع آوری اسناد و معلومات مجدداً شروع می نماید و اسناد درخواستی را با ۱۴ روز تأخیر به اداره مالیاتی ارسال می نماید.

دلیل نادرمنطقی پنداشته شده و دراین صورت هیچ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۹ تطبیق نمی گردد.

۶،۳۹ وقتیکه دلیل منطقی شخص برای عدم رعایت اطلاعیه در خلال زمان که برای آن مکلف گردیده مدنظر گرفته شود، هنوز انتظار می رود تا مالیه دهنده باید اقدامات را جهت رعایت اطلاعیه هرچه عاجل تر روی دست گیرد. مالیه دهنده فقط در صورت موقتاً از مالیه اضافی رهایی می یابد که دلیل منطقی برای عدم رعایت اطلاعیه داشته باشد..

مثال ۲ :

اداره مالیاتی مطابق ماده ۲۶ اطلاعیه رسمی را به نادر صادر و وی را مکلف به ارائه اسناد مشخص مربوط به تشبث در خلال ۳۰ روز از دریافت اطلاعیه می نماید. نادر جمع آوری معلومات را که برای آن مکلف گردیده بود شروع می نماید، اما ۱۰ روز قبل به بیماری جدی مصاب و زمانی که وقت تعین شده ختم می گردد در شفاخانه بستر می باشد. یک هفته بعد از انقضای اطلاعیه وی از شفاخانه مرخص و جهت اداره به تشبث بر می گردد. وی هیچ تلاش جهت جمع آوری اسناد درخواستی نمی نماید و بعد از یک ماه هیچ سندی را به اداره مالیاتی ارائه نمی نماید.

نادر دارنده دلیل منطقی برای تأخیر در رعایت از اطلاعیه هنگامی که مریض بوده مدنظر گرفته می شود. با آن هم، زمانی که از شفاخانه مرخص می گردد هیچ تلاش مناسب را جهت رعایت اطلاعیه انجام نمی دهد و به همین خاطر مالیه اضافی از تاریخ تأخیر تطبیق می گردد.

۷،۳۹ در بعضی موارد شخص ممکن دلیل منطقی برای عدم رعایت کامل اطلاعیه در تاریخ معینه داشته باشد، اما می تواند قسماً رعایت نموده بقیه اش را بعداً تعقیب نماید. در این وضعیت این مسئله که مالیه اضافی تطبیق گردد یا خیر بستگی به رعایت قسمی اطلاعیه تا حد ممکن دارد.

مثال ۳ :

اداره مالیاتی مطابق ماده ۲۶ یک اطلاعیه را به سمیع الله صادر و وی را مکلف به ارائه اسناد و دفاتر ۴ سال اخیر می نماید. اطلاعیه برای انجام این کار ۳۰ روز به وی وقت می دهد.

قبل ازوقت تعین شده، سمیع الله اسناد و دفاتر درخواستی را برای چهار سال گذشته ارائه می نماید. با آن هم وی اداره مالیاتی را مطلع می نماید که اسناد و دفاتر سالهای قبل در ذخیره بوده و باید از گدام گرفته شود. محل کار سمیع الله در کابل می باشد، حالانکه اسناد و دفاتر قبلی در گدام فامیلی در جلال آباد ذخیره می باشد. سمیع الله اداره مالیاتی را از تأخیر مطلع می نماید و سر انجام اسناد و دفاتر درخواست باقیمانده را دو هفته بعد از میعاد مندرج اطلاعیه ارائه می نماید. سمیع الله نهایت تلاش می کند تا از اطلاعیه پیروی نماید و رعایت قسمی از اطلاعیه را تا حد ممکن نشان می دهد. وی نهایت تلاش را به خرچ داده و به صورت کامل در زمان بیشتر از اطلاعیه اطاعت می نماید. هیچ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۹ بالای وی تطبیق نخواهد شد.

۸،۳۹ مالیه اضافی مندرج ماده سی و نهم قانون اداره امور مالیات توسط اداره مالیات سنجش و تعیین میگردد، یاداشت تعیین مالیه ذریعه اطلاعیه رسمی به مالیه دهنده صادر و مالیه دهنده مکلف به تادیه آن می باشد. یاداشت تعیین مالیه مندرج این ماده طوریکه درماده سوم قانون اداره امور مالیات تعریف شده، تصمیم مالیاتی بوده و از طرف مالیه دهنده مورد اعتراض قرار گرفته می تواند.

۹،۳۹ مالیه اضافی به نورم روزانه وضع می گردد. هرگاه تاریخ معینه رعایت اطلاعیه در روزی قرار بگیرد که دفتر ساحوی مالیه مربوطه بسته باشد، آن وقت عذر مالیه دهنده به شرطی پذیرفته می شود که مالیه دهنده در روز کاری بعد از تاریخ معین پیروی نموده باشد. (مقرره)

۱۰،۳۹ در محاسبه تعداد روزهای تأخیر بعد از تاریخ معینه، روزهای تعطیل اداره محلی مالیاتی شخص، در صورت محاسبه می گردد که آن روزها بعد از روزی که مالیه دهنده فرصت رعایت از اطلاعیه را داشته باشد، قرار بگیرد. به مباحثات و مثالهای ماده ۳۴ این تعلیماتنامه مراجعه نمایید. عین اصول بالای ماده ۳۸ نیز تطبیق می گردد.

۱۱،۳۹ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده را معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذبور به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید. بگونه مثال، هرگاه اداره مالیاتی اشتباهاً یادداشت سنجش را صادر و مالیه اضافی مطابق این ماده را در حالی نشان دهد که مالیه دهنده دلیل مقنع جهت عدم ارائه معلومات داشته باشد، درینصورت هرگونه مالیه اضافی وضع شده می تواند حذف گردد.

مالیهٔ اضافی اظهارات نادرست یا گمراه کننده

مادهٔ چهلم:

(1) شخصی که اظهارات نادرست یا گمراه کننده را ارایه یا بخش مشخصی آنرا حذف نماید که سبب کاهش مالیه وی گردد، مکلف به پرداخت مالیه اضافی معادل بیست و پنج فیصد تفاوت مالیه، میباشد .

(2) مالیه اضافی مندرج فقرهٔ (۱) این ماده در یکی از حالات ذیل تطبیق نمی گردد:

1- در صورتیکه تفاوت مالیه در نتیجهٔ اعتراض مالیه دهنده بر تطبیق احکام قانون مربوط مالیاتی بالای وضعیت مالیاتی وی بوجود آمده باشد.

۲- در صورتیکه شخص ارایه کنندهٔ اظهارات، از نادرست بودن یا گمراه کننده بودن آن، آگاهی نداشته باشد و توقع آگاه بودن وی بصورت مؤجه نیز نرود.

(3) مالیهٔ اضافی فقرهٔ (۱) این ماده، مانع تطبیق مالیهٔ اضافی مندرج مادهٔ سی و چهارم این قانون نمی گردد .

(4) اظهارات مندرج این قانون شامل موارد ذیل میباشد :

1- اسناد تهیه شده، صادر شده یا ارایه شده مطابق قوانین مالیاتی.

2- معلوماتیکه مطابق قوانین مالیاتی، ارایه شده باشد.

3- اسنادیکه مطابق قوانین دیگر، ارایه شده باشد.

4- پاسخ سوالات اداره مالیات .

۵- اظهارات به شخصی دیگری با توقع اینکه به اداره مالیات انتقال داده خواهد شد.

مفهوم اظهارات:

۱,۴۰ اظهار عبارت ازمطلب گفته شده یا اظهارشده که به شکل تقریری یا تحریری به منظور مرتبط با قانون مالیات می باشد. این تعریف شامل هرمطلب گفته شده یا اظهار شده به کارمند مالیاتی حین استفاده از صلاحیت شان یا اجرای وظایف مطابق قانون مالیات نیز می گردد. این تعریف همچنان شامل هرمطلب گفته شده یا اظهار شده به کارمند گمرکات حین تطبیق مالیه برارزش افزوده و ارائه هرگونه اسناد به ریاست گمرکات که برای تطبیق مالیه برارزش افزوده استفاده می گردد، نیز می شود.

۲,۴۰ اظهار می تواند به شکل تحریری، تقریری یا سایر شیوه ها به شمول برقی وقلمی صورت گیرد. اظهارات می تواند در فورمه، مکاتب، پاسخ درخواست برای معلومات، اطلاعیه اعتراض، درخواست برای تعدیل سنجش، پاسخ به پرسشنامه یا در ارتباط با ارزیابی یا بررسی صورت گیرد.

۳,۴۰ اظهار شامل درج یک مبلغ یا معلومات در سند متمم یک درخواست، فورمه منظور شده، اظهاریه، اطلاعیه، اظهارنامه مالیاتی یا سایر اسناد تهیه شده یا ارائه شده مطابق قانون مالیات می باشد.

۴,۴۰ یک اظهاریه همچنان زمان صورت می گیرد که شخص نتواند معلومات را در سند یا فورمه منظور شده زمانی که مکلف به آن باشد، شامل نماید، و سند یا فورمه منظور شده جای برای آن معلومات داشته باشد. شخص چنین مدنظر گرفته می شود که اظهارات را با قلم خورده گی انجام داده است. بگونه مثال، قلم افتادگی می تواند یک اظهاریه بدون مکلفیت بوده یا یک واقعه که هیچ به وقوع نپیوسته است.

مفهوم اظهارات نادرست یا گمراه کننده:

۵,۴۰ اظهاریه در صورت نادرست می باشد که صرف نظر از اینکه شخص ترتیب کننده اظهاریه می دانست که غلط است، مغایر با واقعیت باشد. اظهاریه می تواند بخاطر وجود بعضی مطالب در آن، یا بخاطر قلم افتادگی بعضی مطالب غلط باشد.

۶,۴۰ یک اظهاریه در صورت گمراه کننده می باشد که گمان نادرست ایجاد کند، عاری از معلومات باشد، غیر واضح، یا فریبنده باشد(حتی اگر اظهاریه درست باشد). اظهاریه می تواند بخاطر وجود بعضی چیزها در آن، یا بخاطر قلم افتادگی بعضی چیزها گمراه کننده باشد.

۷,۴۰ سند مخصوص یک چیزی است که احتمالاً تصمیم مربوط به محاسبه مکلفیت مالیاتی ،شخص را متأثر می سازد. اظهاریه که موقف مالیاتی شخص را متأثر نسازد سندی مخصوص به منظور ماده ۴۰ نخواهد بود.

شخص مکلف برای اظهارات نادرست یا گمراه کننده:

۸,۴۰ شخص که اظهاریه را ارائه یا فراهم می نماید، یا به نمایندگی از وی اظهاریه صورت گرفته باشد، عموماً مکلف به مالیه اضافی می باشد. عموماً، شخص وقتی مکلف به مالیه اضافی می گردد که اظهاریه توسط نماینده با صلاحیت وی صورت گرفته باشد. این شامل اظهاریه تهیه شده توسط نماینده نهاد نیز می گردد. یک شرکت مکلف به مالیه اضافی در نتیجه اظهارات صورت گرفته توسط کارمند باصلاحیت یا مدیر عامل خواهد شد.

۹,۴۰ یک اظهاریه صرف نظر از اینکه درستی یا نادرستی آن را می دانید، در صورت نادرست مدنظر گرفته می شود که مغایر با واقعیت باشد. یک اظهاریه در صورت گمراه کننده می باشد که گمان نادرست ایجاد کند، عاری از معلومات باشد، غیر واضح، یا فریبنده باشد(حتی اگر اظهاریه درست هم باشد).

حالاتیکه مالیه اضافی تطبیق نمی گردد:

۱۰,۴۰ هرگاه اظهارات نادرست یا گمراه کننده صورت بگیرد، در دو حالت مالیه اضافی تطبیق نمی گردد.

۱۱,۴۰ حالت اول زمانی اتفاق می افتد که کسر مالیه مربوط به مالیه دهنده که در مورد تطبیق قانون بالای حالات اعتراض داشته باشد، به وجود آید. عموماً این مورد به اظهارات واقعی ارتباط نداشته بلکه به اظهارات تفسیری، درک یا باور شخص پیرامون چگونگی تطبیق قانون به حالات ارتباط می گیرد.

مثال ۱:

یک شرکت (قراردادی فرعی) جهت ارائه خدمات به شرکت دیگر که با مؤسسه بین المللی قرارداد دارد، قرارداد می نماید. در سال ۱۳۸۶ دولت افغانستان یک موافقتنامه را با مؤسسه بین المللی امضاء نموده و معافیتهای مشخصی را برای فعالیتهای مؤسسه بین المللی ارائه می نماید. جملات موافقتنامه در بعضی نقاط واضح نبوده و حتی در وزارت مالیه مباحث در مورد حالات کسی که موافقتنامه بالایش تطبیق می گردد، موجود می باشد.

قراردادی فرعی ادعای را در اداره مالیاتی ارایه و اظهار می دارد که وی با توجه به موافقتنامه بین المللی از مالیه معاف می باشد. بعد از بررسی ها در اداره مالیاتی تصمیم اتخاذ می گردد که شرکت از مالیه معاف نیست.

اگرچه شرکت به اظهارات نادرست و گمراه کننده مبادرت ورزیده که باعث کسر مالیه شده اما با آن هم مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ بالای شرکت تطبیق نمی گردد.

۱۲,۴۰ حالت دوم، مالیه اضافی در صورت تطبیق نمی گردد که شخص انجام دهنده اظهارات نمی دانست و نمی توان از وی انتظار داشت تا آگاهانه اظهاریه نادرست یا گمراه کننده ارائه کرده باشد. این امر مستلزم ملاحظه حالات که چه انتظاراتی ازیک شخص منطقی است، می باشد.

۱۳,۴۰ این یک امرعادی است که یک شخص بعضآ اشتباه می کند. این امر شامل هردو مالیه دهنده و کارکنان اداره مالیاتی می گردد. منطقی نیست تا انتظار فهم کامل از هر شخص داشته باشیم. همچنان منطقی نیست تا از شخص انتظار دانستن همه مطالب را داشته باشیم. اینکه چه منطقی است، این است که از یک شخص صادق و محتاط انتظار انجام چه کاری می رود.

مثال ۱ :

مالیه دهنده یادداشت روزانه خود را در اسناد فروشات در جریان سال مالیاتی حفظ می نماید. در اخیر سال مالیه دهنده این یادداشتها را به شخص دیگر که وی را در تهیه اظهارنامه کمک می نماید، می دهد. شخص دوم این مبالغ را در صفحه کمپیوتری وارد و ارقام روزانه را جهت محاسبه مجموع فروشات سال مالیاتی اضافه می نماید. هنگام اندراج مبالغ روزانه شخص، اشتباهاً مبلغ یک روز را نمی رساند.

مجموع نادرست مربوط به سال مالیاتی در اظهارنامه مالیه دهنده درج و مالیه دهنده آن را امضاء و به اداره مالیاتی ارائه می نماید.

در این مورد اشتباه ناچیز بوده و در چنین اوضاع منطقی نیست تا انتظار داشته باشیم که مالیه دهنده باید می دانست که اظهارنامه نادرست است. مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ تطبیق نمی گردد.

مثال ۲:

مالیه دهنده یادداشت روزانه خود را در اسناد فروشات در جریان سال مالیاتی حفظ می نماید. در اخیر سال مالیه دهنده این یادداشتها را به شخص دیگر که وی را در تهیه اظهارنامه کمک می نماید، می دهد. مالیه دهنده از صفحه کمپیوتری استفاده نموده و ارقام روازنه را جهت محاسبه مجموع فروشات سال مالیاتی که ۱۲,۵۰۰,۰۰۰ افغانی می گردد، اضافه می نماید.

مالیه دهنده اشتباهاً رقم ۱,۲۵۰,۰۰۰ افغانی را در اظهارنامه مالیاتی اش درج و آن را به اداره مالیاتی ارائه نمود. در نتیجه آن اشتباه مفاد ۲,۰۰۰,۰۰۰ افغانی به ضرر ۹,۲۵۰,۰۰۰ افغانی تبدیل گردید.

در این مورد اشتباه خیلی بزرگ است و در چنین اوضاع منطقی است انتظار داشته باشیم که مالیه دهنده باید می دانست که اظهارنامه نادرست است. مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ باید تطبیق گردد.

۱۴,۴۰ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده را معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذبور به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید. بگونه مثال، هرگاه اداره مالیاتی اشتباهاً یادداشت سنجش صادر و مالیه اضافی مطابق این ماده را نشان دهد اما، بعد از دریافت معلومات بیشتر از مالیه دهنده یا مدنظر گرفتن معلومات ارائه شده در اعتراض به سنجش مشخص نماید که حالات پیشبینی شده در فقره ۲ این ماده تطبیق می گردد، هرگونه مالیه اضافی وضع شده ،می تواند حذف گردد.

مالیهٔ اضافی کتمان مالیه

مادهٔ چهل و یکم:

(1) شخصی که مالیه را عمداً کتمان نماید، بار اول علاوه بر اصل مالیه، مکلف به پرداخت مالیه اضافی (۱۰۰) فیصد مالیه کتمان شده میباشد.

(۲) در حالت مندرج فقره (۱) این ماده، بار دوم علاوه بر پرداخت اصل مالیه و مالیه اضافی به حکم محکمه فعالیت اقتصادی وی متوقف شده میتواند.

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده از دو برابر مالیه کتمان شده به (۱۰۰٪) کاهش یافته است.

۱,۴۱ کتمان مالیه عبارت است از انجام عمل عمدی که به صورت غیر قانونی باعث کم پرداخت شدن مالیه گردد. این شامل کوتاهی در انجام بعضی موارد که باید انجام داده شود، نیز می گردد.

۲,۴۱ مثالها:

- شرکت عمداً فروشات را جهت کاهش مبلغ مالیات برعایدات قابل پرداخت کم اظهار می نماید؛
- تشبث ثبت مالیه برارزش افزوده عمداً مالیه قابل مجرایی را برای خریداریهای صورت نگرفته ادعا می نماید؛
- عمداً هزینه دارایی قابل استهلاک را جهت گرفتن کسرات استهلاک زیاد اظهار می نماید؛
- مالیه دهنده ای که می داند باید اظهارنامه ارائه نماید، اما در ارائه آن کوتاهی می نماید.

۳,۴۱ اعمال کاهش مالیه که در ماده ۹ یا ۱۰ تصریح گردیده کتمان نمی باشد.

۴,۴۱ کتمان مالیه جدی ترین عدم رعایت قانون می باشد. هرگاه ماده ۴۱ بالای اعمال مالیه دهنده تطبیق گردد مالیه اضافی تطبیق می گردد.

۵,۴۱ هرگاه برای اولین بار ماده ۴۱ بالای مالیه دهنده که شخص حقیقی یا حکمی باشد، تطبیق گردد، مالیه دهنده باید مالیه ای را که کتمان نموده بپردازد. مالیه دهنده همچنان باید مالیه اضافی صد فیصد مبلغ مالیه کتمان شده را بر علاوه مالیه اصلی نیز پرداخت نماید.

مثال:

یک مالیه دهنده، بررسی می گردد و معلوم می شود که عواید خود را به اندازه مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ افغانی کم اظهار نموده است. عواید در محاسبات و دفاتر که توسط شرکت حفظ می گردد، درج می باشد اما شرکت عمداً عواید کمتر را در اظهارنامه مالیاتی خود اظهار می نماید. به نورم مالیه ۲۰ فیصد شرکتها ،مالیه کتمان شده مبلغ ۲۰۰۰۰۰ افغانی می گردد.
عمل شرکت کتمان بوده و ماده ۴۱ تطبیق خواهد شد. در صورتی که اولین بار باشد که شرکت مالیه را کتمان نموده باشد تابع مالیه اضافی صد فیصد مالیه کتمان شده خواهد شد. مالیه اضافی کتمان در این مورد ۲۰۰۰۰۰افغانی می باشد. بخاطر داشته باشید که مالیه اضافی مطابق ماده ۳۴ نیز باید مدنظر گرفته شود.

۶,۴۱ هرگاه ماده ۴۱ برای بار دوم بالای مالیه دهنده خواه شخص حقیقی باشد یا حکمی تطبیق گردد، مالیه دهنده باید مالیه کتمان شده را بپردازد. همچنان مالیه دهنده باید مالیه اضافی صد فیصد مبلغ کتمان شده را بپردازد. به علاوه، اداره مالیاتی می تواند به محکمه (محکمه مربوط) جهت حکم انسداد تشبث مالیه دهنده درخواست نماید.

۷,۴۱ مسدود نمودن تشبث یک عمل جدی می باشد و باید بالای جدی ترین قضایای کتمان اعمال گردد. به همین خاطر ماده ۴۱ به اداره مالیاتی صلاحیت می دهد تا تشخیص دهد که آیا حکم محکمه را جهت مسدود نمودن تشبث برای بار دوم (یا بیشتر) که مالیه را کتمان نموده است، بگیرد یا خیر. قبل از مبادرت ورزیدن به حکم، اداره مالیاتی باید سؤالات ذیل را مدنظر گیرد:

- آیا کتمان مالیه مالیه دهنده و هرگونه عدم اطاعت مربوطه جدی است؟
- آیا مالیه اضافی وضع شده بابت کتمان مالیه، مجازات کافی برای کتمان مالیه می باشد؟
- آیا مبالغ دخیل، مسدودنمودن تشبث مالیه دهنده را توجیه می کند؟
- آیا مسدود نمودن تشبث پرداخت مالیه مورد خطر را تحمیل می نماید؟
- آیا مالیه دهنده دارای سوابق رفتار مشابه در گذشته بوده است؟
- آیا مالیه دهنده جهت جلوگیری از کتمان مالیه در آینده کدام اقدام خواهد نمود.
- آیا اقدامات مناسب تر مجازات مندرج فصل ۱۰ (مجازات) (به شمول تصفیه چنین تخلفات) وجود دارد تا روی دست گرفته شود؟

۸,۴۱ به حیث پالیسی عمومی، اداره مالیاتی حکم محکمه را جهت مسدود نمودن تشبث در صورتی که مبلغ مالیه کتمان شده کمتر ازمبلغ ۵۰,۰۰۰ افغانی باشد، نخواهد گرفت.

۹,۴۱ ماده ۴۱ به نمونه دوم کتمان زمانی که مسدود نمودن مدنظر گرفته می شود، ارجاع می نماید. این امر نیز باید تفهیم شود تا به بار سوم و نمونه های متعاقب کتمان در صورتی که به تشبث بعد از نوبت دوم اجازه تداوم فعالیت اعطا گردد، ارجاع داده شود.

مثال:

یک مالیه دهنده برای اولین بار در سال ۱۳۹۶ مالیه را کتمان و مالیه اضافی مطابق ماده ۴۱ وضع گردیده است. دو سال بعد همان مالیه دهنده برای بار دوم مالیه را کتمان می نماید. با آن هم، این بار مبلغ مالیه دخیل صرف ۲۰,۰۰۰ افغانی بوده لذا اداره مالیاتی باتوجه به پالیسی تصمیم می گیرد تا به مسدودیت تشبث برای دومین بار مبادرت نورزد.

چهار سال بعد همان مالیه دهنده مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ افغانی را کتمان می نماید. این سومین بار است که مالیه دهنده به این طریق عمل می کند. اداره مالیاتی می تواند مطابق ماده ۴۱ به مسدود نمودن تشبث مبادرت ورزد. با درنظرداشت مبلغ مالیه دخیل و این حقیقت که مالیه دهنده این عمل را تکرار نموده، مبادرت ورزیدن به مسدودیت تشبث توجیه می گردد.

۱۰,۴۱ هرگاه تصمیم بر آن شود که کتمان مالیه خیلی جدی است که مسدود نمودن تشبث را توجیه می کند، اشخاص مسؤول باید درخواست مسدودیت را به محکمه مربوطه ارائه نمایند.

۱۱,۴۱ هرگاه حکم محکمه صادر گردد، اشخاص مسؤول باید اقدامات لازم را جهت تطبیق آن بگیرند. تطبیق حکم ممکن مستلزم کمک وزارت امور داخله باشد.

۱۲,۴۱ هرگاه کتمان مالیه در ارتباط با مالیه برارزش افزوده بر توریدات باشد، مالیه اضافی باید بالای تورید کننده تطبیق گردد. تحصیل و تطبیق این مبلغ از مسؤولیتهای ریاست عمومی گمرکات می باشد.

۱۳,۴۱ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده را معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذکور به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید. بگونه مثال، هرگاه اداره مالیاتی یادداشت سنجش مالیه را صادر و مالیه اضافی مطابق این ماده را نشان دهد اما، بعد از دریافت معلومات بیشتر از مالیه دهنده یا مدنظر گرفتن معلومات ارائه شده در اعتراض به سنجش مشخص نماید که هیچ عزم برای کتمان وجود نداشته است، هرگونه مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده می تواند حذف گردد. باتوجه به حالات، مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ می تواند در عوض تطبیق گردد یا هیچ مالیه اضافی تطبیق نگردد.

مالیهٔ اضافی عدم درخواست نمبر تشخیصیهٔ

مادهٔ چهل و دوم:

شخصی که مطابق احکام قوانین مالیاتی مکلف به اخذ نمبرتشخیصیه بوده، ولی بدون دلیل مؤجه برای اخذ آن درخواست ارائه ننماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰)افغانی وشخص حکمی به پرداخت مبلغ بیست هزار (۲۰۰۰۰)افغانی مالیه اضافی، مکلف می باشد.

۱,۴۲ مکلفیت داشتن نمبر تشخیصیه غیر مستقیم توسط ماده ۲۸ قانون اداره امور مالیات که اشخاص مشخصی را مکلف به ارائه درخواست نمبر تشخیصیه مالیه دهنده می نماید، پیشبینی گردیده. هرگاه شخص به صورت درست درخواست برای نمبر تشخیصیه مالیه دهنده را ارائه نموده باشد، تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۴۲ نخواهد گردید. در صورتی که توسط اداره مالیاتی کشف گردد که شخص ماده ۲۸ را رعایت ننموده است(درخواست را زمانی که مکلف به ارائه ان بوده، ارائه ننموده باشد) سپس مالیه اضافی مطابق ماده ۴۲ تطبیق می گردد.

۲,۴۲ هرگاه شخص به صورت داوطلبانه برای اخذ نمبر تشخیصیه مالیه دهنده قبل از دریافت مطالبه اداره مالیاتی برای انجام این کار درخواست نموده باشد، تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۴۲ نمی گردد.

۳,۴۲ هرگاه اداره مالیاتی تشخیص دهد که شخص به صورت داوطلبانه از ماده ۲۸ اطاعت ننموده باشد و هرگاه ارائه درخواست مطالبه گردیده باشد یا نمبر تشخیصیه مالیه دهنده بدون همکاری مالیه دهنده صادر گردیده باشد، در این صورت تطبیق مالیه اضافی مطابق ماده ۴۲ باید مدنظر گرفته شود. مالیه اضافی تطبیق می گردد مگر اینکه شخص بتواند دلایل موجه ومنطقی برای عدم رعایت را ارائه نماید.

۴,۴۲ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده را معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذکور به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید.

مالیهٔ اضافی عدم رعایت قانون مالیه بر ارزش افزوده

مادهٔ چهل و سوم:

(1) اشخاصیکه مطابق فصل سوم قانون مالیه بر ارزش افزوده مکلف به ثبت بوده، اما بدون دلیل مؤجه در خواست ثبت را ارائه ننمایند، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به پرداخت مبلغ بیست هزار(۲۰۰۰۰) افغانی مالیه اضافی، مکلف می باشد .

(2) شخصی که از تصدیق نامه ثبت مالیه بر ارزش افزوده بصورت تقلبی استفاده نماید یا به شخص دیگری اجازه دهد تا از آن استفاده نماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ ده هزار(۱۰۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به پرداخت مبلغ چهل هزار(۴۰۰۰۰) افغانی مالیه اضافی، مکلف می باشد .

(3) شخصی که مطابق فصل ششم قانون مالیه بر ارزش افزوده، اسناد مالیه بر ارزش افزوده را صادر ننماید یا اسناد نادرست یا جعلی را صادر نماید، به پرداخت مالیه اضافی معادل بیست و پنج فیصد تفاوت مالیه مکلف می باشد .

(۴) شخصی که شرایط مندرج قانون مالیه بر ارزش افزوده را رعایت ننماید و در صورتیکه مالیه اضافی درین فصل نیز پیشبینی نشده باشد، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ یک هزار(۱۰۰۰) افغانی و شخص حکمی به پرداخت مبلغ چهارهزار(۴۰۰۰)افغانی مالیه اضافی، مکلف می باشد.

۱,۴۳ مکلفیتها برای ثبت الزامی مطابق قانون مالیه برارزش افزوده مبنای معیارهای مندرج آن قانون می باشد. آزمون برای ۱۲ ماه گذشته و ۱۲ ماه آینده مبتنی بر گردش معاملات تابع مالیه می باشد. بطور مؤثرتخمین برای اینکه آیا مالیه دهنده باید برای ثبت درخواست نماید یا خیر باید به تازگی در آخر هرماه مدنظر گرفته شود. در موقعیت اول که شخص شرایط درخواست ثبت را برآورده می نماید باید در خلال ۱۵ روز از برآورده شدن شرایط درخواست نماید. از این رو مالیه اضافی مطابق فقره ۱ ماده ۴۳ بر هر مالیه دهنده ای که نتواند درخواست لازم را به موقع ارائه نماید، تطبیق می گردد. این همچنان بالای مالیه دهنده گانی که به تأخیر رعایت نموده اند و مالیه دهندگانی که از طریق اقدامات اداره مالیاتی به خاطر عدم ارائه درخواست ثبت شده باشد، تطبیق می گردد.

۲,۴۳ مالیه اضافی مطابق فقره ۲ ماده ۴۳ زمانی تطبیق می گردد که از تصدیقنامه های ثبت مالیه برارزش افزوده به شمول تصدیقنامه های تحریف شده سوء استفاده گردیده باشد. تصدیقنامه ها توسط اداره مالیاتی مشخصاً به مالیه دهندگان صادر و محلات تشبث آنها در هر تصدیقنامه مشخص می گردد. فقط مالیه دهنده ذکرشده در تصدیقنامه می تواند از تصدیقنامه استفاده و آن را صرف در محل مشخص شده تشبث نمایش دهد. یک تصدیقنامه نمی تواند به شخص دیگر یا محل تشبث دیگر داده شود. هیچ شخص دیگر نمی تواند از تصدیقنامه استفاده یا در محل تشبث خود نمایش دهد حتی اگر از مالیه دهنده اجازه گرفته باشد. کاپی گرفتن از تصدیقنامه ها مجاز نمی باشد. تخلف از هریک از این مقررات باعث تطبیق مالیه اضافی مطابق فقره ۲ ماده ۴۳ می گردد.

۳,۴۳ عدم نمایش تصدیقنامه ثبت مالیه برارزش افزوده زمانی که لازم باشد تابع مالیه اضافی فقره ۲ ماده ۴۳ خواهد گردید. عدم باز گرداندن تصدیقنامه ثبت مالیه برارزش افزوده به اداره مالیاتی زمانی که لازم باشد نیز به اساس ماده مذکور اجراات میگردد.

۴,۴۳ مالیه اضافی مطابق فقره ۲ ماده ۴۳ می تواند بالای هردو مالیه دهنده و شخص دیگر در صورتی تطبیق گردد که مالیه دهنده شخص دیگر را اجازه کتبی دهد تا از تصدیقنامه ثبت مالیه برارزش افزوده وی استفاده نماید.

۵,۴۳ مالیه اضافی مطابق فقره ۳ ماده ۴۳ در صورتی تطبیق می گردد که شخص نتواند سند مالیه برارزش افزوده را صادرنماید یا سند مالیه برارزش افزوده غلط صادر کند. اسناد مربوطه مالیه برارزش افزوده که توسط این حکم تحت پوشش قرار می گیرد عبارت از

صورت حسابات مالیه بر ارزش افزوده و کریدت نوت و دبیت نوت مالیه برارزش افزوده می باشد. مالیه اضافی مطابق فقره ۳ ماده ۴۳ به اندازه ۲۵٪ مالیه که به دلیل اسناد غلط، گم شده و تلف شده، وضع می گردد.

۶,۴۳ در بعضی موارد مالیه اضافی می تواند مطابق سایر احکام نیز تطبیق گردد. بگونه مثال، مالیه دهنده ای که سند غلط مالیه برارزش افزوده صادر می نماید می تواند تابع مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ نیز قرار گیرد. هرگاه چنین گردد هردو مبلغ مالیه اضافی تطبیق خواهد شد.

مثال:

یک تشبث ثبت مالیه برارزش افزوده توسط اداره مالیاتی بررسی می گردد و مشخص می گردد که کریدت نوت مالیه برارزش افزوده را جعل نموده است. کریدت نوت جعلی جهت حمایت ادعا برای ۱۰۰۰۰ افغانی به حیث کریدت نوت جعلی در اظهارنامه مالیه برارزش افزوده اش بکار گرفته می شود. در این مورد مالیه دهنده تابع مالیه اضافی ۲۵۰۰ افغانی مطابق فقره ۳ ماده ۴۳ خواهد گردید. مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ یا ممکن مطابق ماده ۴۱ طور جداگانه نیز مدنظر گرفته خواهد شد.

۷,۴۳ سایر موارد عدم رعایت از مکلفیتهای قانون مالیه برارزش افزوده ، تابع مالیه اضافی مطابق فقره ۴ ماده ۴۳ قرار می گیرد. این حکم در صورتی تطبیق می گردد که عدم رعایت در فصل ۹ قانون اداره امور مالیات (به شمول فقره های ۱، ۲ یا ۳ ماده ۴۳) مشخص نگردیده باشد. مبلغ ۱۰۰۰ افغانی در صورتی که مالیه دهنده شخص حقیقی باشد مبلغ ۴۰۰۰ افغانی در صورتی که مالیه دهنده شخص حکمی باشد. این مالیه اضافی می تواند در یک حالت دیگر که مالیه دهنده نتواند اداره مالیاتی را در خلال ۱۵ روز از توقف یک فعالیت اقتصادی مطلع نماید، تطبیق گردد.

۸,۴۳ هیچ صلاحیت وجود ندارد تا مالیه اضافی وضع شده مطابق این ماده را معاف نماید. با آن هم،اداره مالیاتی می تواند سوابق خود را در صورتی که مالیه اضافی مذکور به صورت نادرست وضع گردیده باشد، تصحیح نماید.

محاسبه مالیه اضافی

مادۀ چهل و چهارم:

(1) هرگاه جریمۀ مالیاتی به حکم محکمه وضع گردد، تطبیق مالیه مندرج این فصل متوقف می گردد، حکم مندرج مادۀ سی و چهارم این قانون از این امر مستثنی است.

(2) ادارۀ مالیات، مالیۀ مندرج این فصل را سنجش نموده وشخص را از مبلغ قابل پرداخت ومیعاد پرداخت آن کتباً اطلاع میدهد .

(۳) هرگاه مالیۀ قابل تأدیه که مالیۀ اضافی بالای آن نیز وضع گردیده، تعدیل یابد، مالیۀ اضافی مربوط به مالیه متذکره مجدداً محاسبه میگردد .

(۴) هرگاه مالیه دهنده مطابق تعلیمات نامه، طرزالعمل یا رهنمود وضع شده عمل نماید که بعداً اسناد متذکره مغایر قوانین مالیاتی ثابت گردد، مالیه دهنده تابع مالیه اضافی و جریمه های مندرج این قانون قرار نمی گیرد.

۱,۴۴ مطابق فقره ۱ ماده ۴۴، مالیه اضافی وضع شده توسط احکام فصل ۹ قانون اداره امور مالیات در صورتی که محکمه جریمه مالیاتی مطابق احکام مشابه فصل دهم را وضع نماید، متوقف می گردد. احکام مشابه احکامی است که عدم رعایت یکسان را مورد مجازات قرار می دهد. احکام مشابه احتمالاً عبارتند از:

عدم رعایت	حکم مالیه اضافی	حکم جریمه مالیاتی

عدم ارائه اظهارنامه	ماده ۳۵	فقره ۱ ماده ۴۵
عدم وضع مالیه یا عدم پرداخت مالیه موضوعی	ماده ۳۶	فقره ۲ ماده ۴۵
عدم تهیه و حفظ اسناد و دفاتر	ماده ۳۷	فقره ۵ ماده ۴۵
عدم ارائه معلومات	ماده ۳۹	فقره ۸ ماده ۴۵
اظهارات نادرست و گمراه کننده	ماده ۴۰	فقره ۹ ماده ۴۵

۲,۴۴ مالیه اضافی وضع شده مطابق فصل ۹ تا زمانی پا برجا می ماند که محکمه بر وضع جریمه مالیاتی تصمیم بگیرد. هرگاه محکمه ،مالیه دهنده را محکوم اما هیچ جریمه مالیاتی وضع ننماید، مالیه اضافی قابل پرداخت باقی می ماند.

مثال:

یک مالیه دهنده بررسی گردیده و در جریان بررسی معلوم می شود که عواید خود را کم اظهار نموده است این امر باعث کم شدن مالیه به مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ افغانی گردیده است. بررس مالیه اضافی ۱۰۰,۰۰۰ افغانی (۲۵ فیصد مالیه کم اظهار شده) را مطابق ماده ۴۰ بر مبنای اینکه مالیه کم اظهار شده نتیجه اظهار غلط مالیه دهنده در اظهارنامه اش می باشد، وضع نموده است. قضیه سپس به لوی څارنوالی جهت تحقیق و پیگرد ممکن راجع گردد.

مالیه اضافی در جریان تحقیق و پیگرد قابل پرداخت باقی می ماند. هرگاه قضیه به محکمه راجع گردد و محکمه مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ جریمه وضع نماید، مالیه اضافی وضع شده مطابق ماده ۴۰ قطع خواهد گردید. اداره مالیاتی سپس یک یادداشت سنجش تعدیل شده را که در آن مالیه اضافی مربوطه را حذف می نماید، صادر می کند. هرگاه مالیه دهنده مالیه اضافی را پرداخت نموده باشد، باید باز پرداخت گردد.

مالیه اضافی توسط یادداشت سنجش وضع می گردد:

۳,۴۴ هیچ مبلغ مالیه اضافی تا زمانی قابل پرداخت نمی باشد که در یادداشت سنجش ارائه شده به شخص(یا نماینده وی) و مکلف نمودن وی برای پرداخت مالیه اضافی، درج نگردیده باشد. اداره مالیاتی باید یادداشت سنجش را با ذکر مبلغ قابل پرداخت و تاریخ پرداخت تهیه و آن را با نظرداشت ماده ۵۳ تسلیم نماید. دلیل وضع مالیه اضافی باید در یادداشت یا ضمیمه آن ذکر گردد.

مالیه اضافی در صورتی که اصل مالیه تعدیل گردد، دوباره محاسبه می شود:

۴,۴۴ مالیه اضافی وضع شده مطابق ماده های ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰ ، ۴۱ و فقره ۳ ماده ۴۳ مبتنی بر فیصدی مالیه اصلی می باشد. هرگاه مالیه اضافی مطابق هریک از ماده های متذکره وضع گردد و مبلغ مالیه اصلی متعاقباً تغییر نماید، مبلغ مالیه اضافی همچنان باید دوباره محاسبه گردد.

مثال:

اسناد یک مالیه دهنده تابع بررسی است و درکسرات تغییر صورت گرفته است که منجر به افزایش مالیات برعایدات ۱۰۰۰۰۰ افغانی گردیده. وبررس عقیده بر آن شد که اظهار غلط در ارتباط با کسرات صورت گرفته، لذا مالیه اضافی ۲۵۰۰۰ افغانی را مطابق ماده ۴۰ وضع می نماید. یادداشت سنجش به مالیه دهنده صادر و وی را مکلف به پرداخت هردو مبلغ می نماید.

بعداً مالیه دهنده در مقابل سنجش اعتراض و تعدیل بعمل آمده ، توسط بررس را مورد منازعه قرار می دهد. اعتراض مدنظر گرفته شده و تصمیم گرفته می شود که تصمیم بررس قسماً نادرست است. تعدیل صورت گرفته توسط بررس ۴۰,۰۰۰ افغانی کاهش و

۶۰،۰۰۰ افغانی تا کنون قابل پرداخت می باشد. در این مورد مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ نیز باید دوباره محاسبه گردد. هنگامی که دوباره محاسبه می گردد ۲۵۰۰۰ افغانی به ۱۵۰۰۰ افغانی تقلیل می یابد.

حکم تخصیص پرداختهای دریافت شده:

۵،۴۴ حین پرداخت به اداره مالیاتی، مالیه دهنده حق دارد تا مشخص نماید که پرداخت برای چیست. هرگاه مالیه دهنده مکلفیت مالیاتی بیشتر از یک مالیه داشته باشد (بگونه مثال، هردو مالیات برعایدات و مالیه برارزش افزوده)، آنها باید مشخص نماید که پرداخت برای یک یا دو یا ترکیب از دو مالیه می باشد. اداره مالیاتی باید درخواست مالیه دهنده را قبول و بنا بر این پرداخت را به حساب مالیه مشخص تخصیص دهد. هرگاه مالیه دهنده مشخص نماید که پرداخت برای مالیه مشخص می باشد، اداره مالیاتی نمی تواند آن پرداخت را گرفته و به چیز دیگری تخصیص دهد.

۶،۴۴ این به نفع مالیه دهنده است تا قبل از پرداخت مالیه اضافی مبالغ مالیه اصلی خود را اول بپردازد، زیرا پرداخت مالیه اصلی وقوع مالیه اضافی بیشتر را کاهش می دهد. این یک شیوه منطقی برای مالیه دهندگان است تا تعقیب نمایند وبه معنی سوء استفاده از قواعد و طرزالعملهای مالیه اضافی نمی باشد.

۷،۴۴ مطابق ماده ۵ مالیه دهنده حق دارد تا از اداره مالیاتی کمک (کمک مسلکی) جهت محاسبه و پرداخت مالیه دریافت نماید. از این رو مناسب است به مالیه دهنده مشوره لازم ومؤثر ارائه گردد. این همچنان مناسب است که اداره مالیاتی حین تطبیق قانون با رعایت حقوق مالیه دهنده عمل نماید. به همین خاطر هرگاه مالیه دهنده بدون مشخص نمودن که پرداخت برای چیست، پرداخت نماید اداره مالیاتی باید پرداخت را با اولویت بندی ذیل اختصاص دهد:

۱. پرداخت مالیه اصلی به تاخیر افتیده ، به ترتیب اول ترین مالیه تآخیر افتیده پرداخت گردد. مالیه اصلی به معنی مالیات برعایدات، مالیه معاملات انتفاعی، مالیه برارزش افزوده، مالیه موضوعی یا هرگونه مالیه دیگر که توسط قوانین مالیاتی وضع می گردد اما شامل مالیه اضافی یا جریمه ها نمی باشد. هرگاه بیش از یک مالیه اصلی در یک تاریخ قابل پرداخت باشد و پرداخت برای تمام مبالغ ناکافی باشد، باید به ترتیب از بزرگترین مبلغ به کوچکترین مبلغ اختصاص یابد.

۲. بعد، مبالغ مالیه اضافی به ترتیب تاریخ تأخیر پرداخت. تاریخ تأخیر پرداخت با توجه به تاریخ که مالیه اضافی خواه در اظهارنامه ارائه شده یا یادداشت سنجش صادره به مالیه دهنده سنجش گردیده، محاسبه می گردد. هرگاه بیش از یک مبلغ مالیه اضافی در یک تاریخ قابل پرداخت باشد و پرداخت برای تمام این مبالغ ناکافی باشد، باید به ترتیب اولویت از بزرگترین مبلغ به کوچکترین مبلغ اختصاص یابد.

۸،۴۴ در موارد که شخص بدون اظهار مکلفیت مالیاتی قابل پرداخت خویش را پرداخت نموده باشد، اداره مالیاتی می تواند پرداخت را در صورتی به یک مکلفیت مالیاتی اختصاص دهد که حقایق موجود نشان دهد که پرداخت برای مکلفیت مالیاتی متذکره صورت گرفته است. بگونه مثال، هرگاه مبلغ پرداخت بگونه دقیق با مبلغ مکلفیت مالیاتی قبلاً به مالیه دهنده اطلاع داده شده ،با یادداشت سنجش تطابق داشته باشد.

فصل دهم
جریمه های مالیاتی

تخلفات مالیاتی

مادۀ چهل و پنجم:

(1) شخصی که بدون دلایل موجه اظهارنامۀ مالیاتی خویش را مطا بق احکام قانون مالیاتی یا الی انقضای مدت تمدید شده اداره مالیات، ارایه ننماید، شخص حقیقی به پرداخت مبلغ پنج هزار(۵۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به پرداخت مبلغ بیست هزار(۲۰۰۰۰) افغانی جریمه پولی از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم می گردد.

(2) شخصی که بدون دلایل مؤجه، مالیه موضوعی را مطابق احکام قوانین مالیاتی وضع یا تادیه ننماید، حسب احوال به پرداخت جزای نقدی معادل ده فیصد مالیۀ موضوعی قابل تحصیل یا به حبس که از شش ماه بیشتر نباشد، به یکی و یا هردوی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد .

(3) تصفیه کنندۀ ای که حکم مادۀ نزدهم این قانون را رعایت ننماید، به پرداخت مبلغ بیست هزار(۲۰۰۰۰) افغانی جریمه پولی از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

(4) شخصی که اطلاعیه مندرج فقره (۳) مادۀ بیست و دوم این قانون را رعایت ننماید، شخص حقیقی به مبلغ پنج هزار(۵۰۰۰)افغانی وشخص حکمی به مبلغ بیست هزار (۲۰۰۰۰)افغانی جزای نقدی از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

(5) شخصی که عمداً اسناد و دفاتر خود رامطابق احکام قوانین مالیاتی تر تیب وحفظ ننماید، شخص حقیقی به مبلغ بیست وپنج هزار (۲۵۰۰۰)افغانی وشخص حکمی به مبلغ یک صد هزار(۱۰۰۰۰۰)افغانی جزای نقدی و یا به حبس که بیشتر از شش ماه نباشد، و یا هردوی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

(6) شخصی که مطابق حکم فقرۀ (۶) ماده بیست وهفتم این قانون تسهیلات لازم رابه کارکنان مالیاتی فراهم نکند یا همکاری نه نماید، شخص حقیقی به مبلغ ده هزار (۱۰۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به مبلغ چهل هزار (۴۰۰۰۰) افغانی جریمه پولی از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد .

(7) شخصیکه عمداً نمبر تشخیصیه غلط را در اظهارنامه مالیاتی ویا هر سند که در قوانین مالیاتی پیشبینی گردیده است ویا به این منظور استفاده میشود، به کار ببرد، شخص حقیقی به مبلغ بیست وپنج هزار (۲۵۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به مبلغ یک صد هزار(۱۰۰۰۰۰)افغانی جزای نقدی ویا به حبس که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد، و یا هردوی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

(8) شخصیکه عمداً بدون دلایل موجه اطلاعیه مندرج مادۀ بیست وششم این قانون را رعایت ننماید ، شخص حقیقی به مبلغ پنج هزار(۵۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به مبلغ بیست هزار(۲۰۰۰۰)افغانی جزای نقدی ، از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

(9) شخصیکه عمداً اظهارات نادرست یا گمراه کننده را ارئه ویا بخش مشخص آن را حذف نماید، شخص حقیقی به مبلغ چهل هزار(۴۰۰۰۰)افغانی وشخص حکمی به مبلغ یک صد وشصت هزار(۱۶۰۰۰۰)افغانی جزای نقدی ویا به حبس که بیشتر از شش ماه نباشد، به یکی ویاهردوی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد .

(10) شخصیکه حکم مادۀ پنجا ه و چهارم این قانون را نقض نماید، به مبلغ یک صد هزار (۱۰۰۰۰۰) افغانی جزای نقدی یا به حبس که بیشتر از یک سال نباشد، و یا به هردو ی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم میگردد.

فقره ۱ ماده ۴۵ – عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی:

۱,۴۵ ماده ۳۵ مالیه اضافی را بالای موارد عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی یا سایر اسناد مالیه دهنده طور دایمی تطبیق می نماید. درفقره ۱ ماده ۴۵ جریمه سنگین تر بالای اعمال جدی عدم اطاعت پذیری از ارائه اظهارنامه وضع گردیده است.

۲,۴۵ از آنجائیکه که جدی ترین موارد عدم رعایت ارائه اظهارنامه مالیاتی را تشکیل می دهد بستگی به حالات خواهد داشت. وعوامل مربوط که باید مدنظر گرفته شود عبارتند از:

- مبلغ مالیه که در اظهارنامه مالیاتی انتظار می رود، تعیین گردد.
- سابقه اطاعت پذیری مالیه دهنده، به شمول اینکه آیا مالیه دهنده مکرراً اظهارنامه مالیاتی قبلی را به تأخیر ارائه یا ارائه نکرده.
- مدت تأخیر ارائه اظهارنامه مالیاتی.

۳,۴۵ عموماً اداره مالیاتی باید سایر اقدامات تطبیقی را قبل از ارجاع نمودن شخص به محکمه جهت پیگرد مطابق فقره ۱ ماده ۴۵ روی دست گیرد. مدنظر گرفتن ارجاع برای پیگرد فقط زمانی باید به وقوع بپیوندد که مالیه دهنده در عملی کردن به اقدام تطبیقی مذکور کوتاهی نموده باشد.

۴,۴۵ اداره مالیاتی حداقل در قدم اول یک اطلاعیه مطابق فقره ۲ ماده ۷ به شخص صادر نماید. هرگاه مالیه دهنده در ارائه اظهارنامه مالیاتی در خلال مدت ۳۰ روز مندرج اطلاعیه کوتاهی نموده باشد، اداره مالیاتی می تواند پیگرد را مدنظر گیرد.

۵,۴۵ توضیحات این تعلیماتنامه برای ماده ۳۵ که چه موارد عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی را تشکیل می دهد و اینکه چه موارد دلیل منطقی برای عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی است وبه فقره ۱ ماده ۴۵ مرتبط است. هرچند ماده ۳۵ بالای اظهارنامه های مالیاتی و سایر اسناد که باید مطابق قوانین مالیاتی تسلیم گردد، تطبیق می شود، با آن هم، فقره ۱ ماده ۴۵ فقط بالای اظهارنامه های مالیاتی ای تطبیق می گردد. مفهوم اظهارنامه های مالیاتی در ماده ۳ تعریف گردیده و همچنان در این تعلیماتنامه نیز تشریح گردیده است.

فقره ۲ ماده ۴۵ (عدم وضع مالیه یا پرداخت مالیه موضوعی):

۶,۴۵ ماده ۳۶ مالیه اضافی را بالای عدم وضع یا پرداخت مالیه از پرداختهای تابع مالیه موضوعی وضع می نماید. فقره ۲ ماده ۴۵ جهت وضع جرایم بیشتر بالای جدی ترین اعمال عدم اطاعت پذیری از وجایب مالیه موضوعی ایجاد گردیده است.

۷,۴۵ انچه که جدی ترین موارد عدم رعایت ارائه اظهارنامه مالیاتی را تشکیل می دهد بستگی به حالات خواهد داشت. عوامل که باید مدنظر گرفته شود عبارتند از:

- مبلغ مالیه که شخص آن را وضع یا پرداخت ننموده است؛
- سابقه اطاعت پذیری مالیه دهنده، به شمول اینکه آیا مالیه دهنده سابقه عدم پیروی از وضع مالیه موضوعی داشته است.
- آیا مالیه دهنده وجایب مالیه موضوعی خود را تجدید نموده است و اگر چنین است مدت تأخیر از انجام این کار.

۸,۴۵ مالیه اضافی مطابق ماده سی وشش، ۱۰ فیصد مالیه موضوعی که شخص نتوانسته وضع یا پرداخت نماید، می باشد. جریمه مالی موجود در محکمه مطابق فقره ۲ ماده ۴۵ نیز ۱۰ فیصد مالیه موضوعی که شخص نتوانسته وضع یا پرداخت نماید، می باشد. مجازات اضافی محکمه مطابق پیگرد فقط گزینه زندانی نمودن متخلف برای مدت که از ۶ ماه تجاوز نکند، می باشد. از این رو زمانی که اداره مالیاتی در نظر می گیرد که آیا شخص را برای پیگرد مطابق این حکم راجع نماید یا خیر سؤال این جا است که آیا جدی بودن عدم اطاعت پذیری سزاوار زندان است یا خیر.

فقره ۳ ماده ۴۵ (عدم رعایت از ماده ۱۹):

۹,۴۵ یک تصفیه کننده که نتواند اداره مالیاتی را در خلال ۱۴ روز از استخدام اش اطلاع دهد ، مطابق فقره ۳ ماده ۴۵ مکلف به پیگرد قانونی است. مانند سایر موارد تخلفات مالیاتی که در ماده ۴۵ درج گردیده، فقط جدی ترین قضایا از آنجایی که لوی څارنوالی و محاکم دارای منابع محدود می باشند، جهت پیگرد باید راجع گردد.

۱۰,۴۵ جدی ترین قضایا توسط تصفیه کنندگان وا بستگی به حالات دارد. اولین عامل مربوطه مبلغ مالیه است که مالیه دهنده در حال انحلال، مقروض است. یک تصفیه کننده نباید مطابق این حکم مورد پیگرد قرار گیرد درصورتیکه از هیچ مالیه مقروض نباشد یا مبلغ مالیه ناچیز باشد.

۱۱,۴۵ عامل مربوطه دیگر این است که آیا مالیه دخیل توسط اداره مالیاتی تحصیل گردیده یا تحصیل خواهد شد. یک تصفیه کننده نباید مورد پیگرد قرار گیرد در صورت که فقره ۴ ماده ۱۹ را خواه با پرداخت مالیه از طی مراحل انحلال یا پرداخت مالیه به صورت شخصی، رعایت نموده باشد.

فقره ۴ ماده ۴۵ (عدم رعایت ماده ۲۲):

۱۲,۴۵ شخصی که از اطلاعیه مطابق ماده ۲۲ پیروی ننماید، مورد پیگرد قرار می گیرد. به صورت عموم این مالیه دهنده ای است که تشبث اش مطابق ماده ۲۲ مسدود گردیده، و شخص مذکور آن را در خلال دوره که مطابق اطلاعیه باید مسدود باشد، دوباره باز نماید. برطرف نمودن اطلاعیه بدون اجازه اداره مالیاتی، همچنان عدم اطاعت از ماده ۲۲ تلقی خواهد شد.

۱۳,۴۵ سایر اشخاص نیز برای عدم پیروی از اطلاعیه می توانند مورد پی گرد قرار بگیرند. بگونه مثال، کارکنان مالیه دهنده در صورتی که اطلاعیه را نادیده بگیرند، نیز می توانند مورد پی گرد قرار گیرند. با آن هم، هرگاه عدم اطاعت کارکنان به علت پیروی از هدایات استخدام کننده صورت بگیرد، شخص که هدایت داده متخلف بوده و مطابق فقره ۴ ماده ۴۵ در صورت نیاز ماده ۴۷ مورد پی گرد قرار می گیرد.

۱۴,۴۵ مشتریان که اطلاعیه نصب شده در تشبث مالیه دهنده را با ادامه فعالیت با مالیه دهنده نادیده بگیرند نیز برای پیگرد به خاطر عدم اطاعت از ماده ۲۲ مدنظر گرفته می شوند.

۱۵,۴۵ استفاده از ماده ۲۲ توسط اداره مالیاتی یک اقدام تطبیقی جدی می باشد. از این رو عدم پیروی مالیه دهنده از اطلاعیه نیز عموماً یک اقدام جدی مدنظر گرفته می شود. پیگرد باید به تمام موارد عدم اطاعت مالیه دهنده تعقیب گردد ،مگر اینکه حالات استثنای وجود داشته باشد.

فقره ۵ ماده ۴۵ (عدم تهیه، حفظ و نگهداری اسناد و دفاتر):

۱۶,۴۵ شخصی که آگاهانه اسناد و دفاتر خود را مطابق قوانین مالیاتی تهیه و حفظ ننماید می تواند مورد پیگرد قرار گیرد. در صورت محکومیت، شخص حقیقی تابع جزای نقدی ۲۵۰۰۰ افغانی و شخص حکمی تابع جزای نقدی ۱۰۰۰۰۰ افغانی می گردد. محکمه می تواند به زندانی شدن که از ۶ ماه بیشتر نباشد نیز حکم نماید. محکمه می تواند به جریمه مالی یا زندان یا هردو ان حکم نماید.

۱۷,۴۵ برای تطبیق این حکم، لازم است ثابت شود که شخص آگاهانه از وجایب تهیه، حفظ و نگهداری اسناد و دفاتر مطابق قوانین مالیاتی پیروی ننموده است. انتظار می رود همه مالیه دهندگان مطابق قوانین مالیاتی وجایب خود را بدانند، با آن هم، در مواردی که شخص نتواند اسناد و دفاتر خود را تهیه، حفظ و نگهداری نماید، اداره مالیاتی باید بین وضع مالیه اضافی مطابق ماده ۳۷ یا ارجاع برای پیگرد مطابق فقره ۵ ماده ۴۵ تصمیم بگیرد.

۱۸,۴۵ عموماً اداره مالیاتی ماده ۳۷ را بالای وضعیت اول که مالیه دهنده نتوانسته اسناد و دفاتر خود را تهیه، حفظ و نگهداری نماید، تطبیق می نماید. حین وضع مالیه اضافی، اداره مالیاتی باید به تفصیل شرح دهد که در آینده از مالیه دهنده چه انتظار می رود. هرگاه بعداً کشف گردد که مالیه دهنده تشریحات مکلفیت خود را مبنی بر تهیه و حفظ و نگهداری اسناد و دفاتر نادیده گرفته است، می تواند برای پیگرد قانونی مدنظر گرفته شود.

۱۹,۴۵ در حالات استثنایی اداره مالیاتی می تواند ارجاع مالیه دهنده برای پیگرد قانونی را مطابق به فقره ۵ ماده ۴۵ برای مرحله اول که از وجایب خود اطاعت ننموده، مدنظر گیرد. مثالی از حالات استثنایی این است که مالیه دهنده عمداً اسناد و دفاتر خود را جهت جلوگیری اداره مالیاتی از بررسی کامل،ازبین برده باشد.

۲۰,۴۵ در ذیل مثالهای از تطبیق این حکم بر قضایای جدی ارائه گردیده است.

مثال ۱:

شرکت امنیتی بهار یک شرکت افغانی است که خدمات امنیتی را به تشبثات متعدد در سراسر افغانستان ارائه می نماید. این شرکت دارای دو حساب بانکی بوده که یکی در یک بانک در افغانستان و دیگری در یک بانک در تاجکستان می باشد. اداره مالیاتی شرکت امنیتی بهار را برای سال مالیاتی ۱۳۹۶ بررسی می نماید. در جریان بررسی، اداره مالیاتی در می یابد که شرکت امنیتی بهار عمداً از مشتریان اش خواسته تا پول را به بانک تاجکستان انتقال دهند. شرکت امنیتی بهار پول های انتقال شده به تاجکستان را حتی اگر پول مربوط به خدمات که در افغانستان انجام یافته است، باشد، به حیث عواید ثبت ننموده است. در این مورد شرکت نتوانسته یادداشت کافی از عواید ناشی از این قراردادها را نگهداری نماید. شرکت امنیتی بهار به خاطر اجتناب از پرداخت مالیه که مکلف به پرداخت آن در افغانستان بوده، عواید را ثبت ننموده است. از این رو، مطابق فقره ۵ ماده ۴۵، شرکت امنیتی بهار باید به څارنوالی جهت تحقیق و پیگرد معرفی گردد.

مثال ۲:

شرکت امنیتی نعیمی یک شرکت افغانی است. شرکت متذکره خدمات امنیتی را به مشتریان متعدد در سراسر افغانستان انجام می دهد. در جریان سال ۱۳۹۶، شرکت امنیتی نعیمی ادعا می نماید که دارای ۱,۰۰۰,۰۰۰ عواید و ۹۰۰,۰۰۰مصارف بوده است. ریاست عمومی عواید با بررسی شرکت امنیتی نعیمی در می یابد که شرکت مصرف۲۵۰,۰۰۰ افغانی را که هیچ وجود ندارد با ایجاد صورت حسابات می خواهد توجیه نماید. شرکت امنیتی نعیمی به منظور کاهش مکلفیت مالیات برعایدات صورت حسابات جعلی ایجاد می نماید. مطابق فقره ۵ ماده ۴۵ قانون، اداره مالیاتی می تواند شرکت امنیتی نعیمی را به څارنوالی جهت تحقیقات و پیگرد معرفی نماید.

فقره ۶ ماده ۴۵ – عدم ارائه تسهیلات یا کمکها:

۲۱,۴۵ ماده ۲۷ قانون اداره امور مالیات به مسؤولین مالیاتی صلاحیت می دهد تا به منظور تحقیقات اطاعت پذیری از قوانین مالیاتی به شمول دسترسی به دفاتر، اسناد، کمپیوتر و دستگاه های مربوطه و معلومات وارد دفاتر مالیه دهنده گردند. فقره ۶ این ماده مالک یا متصدی دفتر مالیه دهنده را مکلف می نماید تا تسهیلات و همکاری لازم را به مسؤولین با صلاحیت اداره مالیاتی حین اجرای وظیفه ارائه نماید. شخصی که از این مکلفیت پیروی ننماید می تواند مورد پیگرد قرار گیرد.

۲۲,۴۵ استفاده از ماده ۲۷ توسط اداره مالیاتی یک اقدام تطبیقی جدی می باشد. از این رو عدم رعایت این ماده توسط شخص عموماً یک عمل جدی مدنظر گرفته می شود. پیگرد قانونی باید در تمام موارد عدم رعایت تعقیب گردد مگر اینکه حالات استثنای وجود داشته باشد.

۲۳,۴۵ شخصی که از ورود به دفاتر یا قسمت از دفاتر ممانعت نماید یک تخلف قابل پیگرد را مرتکب گردیده است. ممانعت از باز نمودن امکانات ذخیره (مثل الماری دوسیه ها) یا دستری به سوابق کمپیوتر نیز می تواند توسط این ماده مورد پی گرد قرار گیرد. امتناع از پاسخ به سؤالات که مسؤولین مالیاتی را در اجرای تحقیقات دفتر کمک کند، نیز می تواند مورد پیگرد قرار گیرد.

فقره ۷ ماده ۴۵ (استفاده از نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده):

۲۴,۴۵ شخصی که عمداً نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده را استفاده نماید، می تواند مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. به این منظور نمبر تشخیصیه مالیه دهنده غلط می تواند نمبری باشد که هرگز توسط اداره مالیاتی صادر نگردیده یا لغو گردیده یا مربوط به شخص دیگری باشد.

۲۵,۴۵ از آنجایی که سایر قضایای تخلفات مالیاتی در ماده ۴۵ درج می باشد، طوریکه څارنوالی و محکمه منابع محدود در اختیار دارندبناً فقط قضایای جدی باید برای پیگرد انها راجع گردد.

۲۶,۴۵ عوامل که جدی ترین قضایایی استفاده از نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده را تشکیل می دهد بستگی به حالات دارد. عوامل که باید مدنظر گرفته شوند، عبارتند از:

- مبلغ مالیه که شخص با استفاده از نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده کتمان یا کوشش به کتمان نموده باشد؛
- سابقه اطاعت پذیری مالیه دهنده.
- آیا شخص فوراً وضعیت مالیاتی اش را تصحیح نموده است.

۲۷,۴۵ استفاده عمدی از نمبر غلط تشخیصیه مالیه دهنده در صورت تخلف پنداشته می شود که جهت کتمان مالیه تلاش صورت گرفته باشد، لذا بسیاری از چنین اعمال باید جهت پی گرد قانونی مدنظر گرفته شود. تصمیم جهت عدم راجع نمودن شخص برای پی گرد فقط در صورت توجیع می گردد که مبلغ مالیه دخیل کوچک بوده، شخص سابقه اطاعت پذیری خوب داشته و وضعیت مالیه را تصحیح نموده باشد.

فقره ۸ ماده ۴۵ (عدم رعایت اطلاعیه مطابق ماده ۲۶):

۲۸,۴۵ ماده ۳۹ مالیه اضافی را بالای موارد عدم رعایت دایمی از اطلاعیه مطابق ماده ۲۶ تطبیق می نماید. فقره ۸ ماده ۴۵ به منظور ارائه مجازات قوی تر جهت اعمال جدی تر عدم رعایت از ماده ۲۶ وضع گردیده است.

۲۹,۴۵ مالیه اضافی مطابق ماده ۳۹ به نورم روزانه تطبیق می گردد و یک مجازات ترجیحی برای اشخاصی که اقلام یا معلومات درخواستی مندرج اطلاعیه را اندکی به تأخیر ارائه نموده باشند، می باشد. فقره ۸ ماده ۴۵ باید در قضایای جدی تر زمان که شخص اقلام یا معلومات را اصلاً ارائه ننموده باشد یا بسیار به تأخیر ارائه نموده باشد، مدنظر گرفته می شود.

۳۰,۴۵ توضیحات این تعلیماتنامه برای ماده ۳۹ که چه عوامل عدم رعایت از اطلاعیه را تشکیل می دهد و چه دلیل منطقی برای عدم ارائه اظهارنامه وجود دارد نیز در درک تطبیق فقره ۸ ماده ۴۵ مرتبط می باشد.

فقره ۹ ماده ۴۵ (اظهارات نادرست):

۳۱,۴۵ شخصی که عمداً اظهارات نادرست یا گمراه کننده ارائه یا معلومات مهم را از بین می برد، تحت پی گرد قرار می گیرد. این حکم عمل مشابه را که در ماده ۴۰ درج گردیده با یک تفاوت مهم مورد مجازات قرار می دهد. ماده ۴۰ می تواند بالای شخصی تطبیق گردد که نمی دانست اظهارات نادرست یا گمراه کننده بوده است، در صورتی که از شخص انتظار برود که اساساً باید می

دانست . فقره ۹ ماده ۴۵ فقط در صورت تطبیق می گردد که شخص در واقع می دانسته که اظهارات نادرست یا گمراه کننده است. به خاطر مورد پی گرد قرار دادن یک شخص مطابق این حکم لازم است نشان داده شود که شخص در مورد اظهارات نادرست و گمراه کننده آگاهی داشته است.

۳۲,۴۵ سایر قضایای تخلفات مالیاتی در ماده ۴۵ درج می باشد، فقط قضایای جدی از آنجایی که څارنوالی و محکمه منابع محدود در اختیار دارند، باید برای پیگرد راجع گردد.

۳۳,۴۵ اینکه چه عوامل جدی ترین قضایا مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ را تشکیل می دهد بستگی به حالات خواهد داشت. عوامل مربوطه که باید مدنظر گرفته شوند، عبارتند از:

- مبلغ مالیه که شخص با اظهارات نادرست یا گمراه کننده کوشش به کتمان نموده باشد.
- سابقه اطاعت پذیری مالیه دهنده.
- آیا شخص فوراً وضعیت مالیاتی اش را تصحیح نموده است ؟.

۳۴,۴۵ با درنظرداشت اینکه آیا یک قضیه برای پیگرد راجع گردد یا خیر، اداره مالیاتی باید متوجه باشد که مجازات مالی مطابق ماده ۴۰ ۲۵٪ فیصد مالیه پرداخت ناشده می باشد، در حالیکه جزای موجود در محکمه برای تخلف شخص حقیقی ۴۰,۰۰۰ افغانی و ۱۶۰,۰۰۰ افغانی برای شخص حکمی در صورت محکومیت می باشد. با توجه به حالات، ممکن است که مجازات مالی مطابق ماده ۴۰ بالاتر از مجازات محکمه گردد و به همین خاطر بادرنظرداشت فقره ۱ ماده ۴۴ (لغو مالیه اضافی زمانی که محکمه جزای نقدی وضع نماید) تأثیر پیگرد می تواند باعث پایین آمدن مجازات مالی گردد. به استثنای اینکه هرگاه زندانی شدن خواسته شود، اداره مالیاتی باید به ماده ۴۰ در این موارد ارجحیت داده و پیگرد مطالبه ننماید.

فقره ۱۰ ماده ۴۵ (نقض محرمیت):

۳۵,۴۵ کارکنان مالیاتی که محرمیت مندرج ماده ۵۴ را نقض نمایند می توانند مورد پی گرد قرار گیرند. مکلفیتهای محرمیت در این تعلیماتنامه در قسمت ماده ۵۴ توضیح داده شده است.

۳۶,۴۵ اشخاص دیگر که معلومات مالیه دهنده را از اداره مالیاتی دریافت نموده باشند و به صورت نامناسب آن معلومات را آشکار نمایند نیز می توانند مورد پی گرد قانونی قرار گیرند.

۳۷,۴۵ محرمیت معلومات یکی از قسمتهای مهم تطبیق قوانین مالیاتی می باشد. مالیه دهندگان ممکن در قسمت آشکار نمودن معلومات به اداره مالیاتی در صورتی که آنها به این باور باشند که به صورت درست محافظت نخواهد شد، بی میلی نشان دهد. از این رو، وزارت مالیه باید پیرامون نقض محرمیت اقدام نماید. نقض های کوچک یا تصادفی می تواند از طریق طرزالعملهای طرز سلوک مامورین خدمات ملکی رسیدگی گردد، اما نقض های عمدی محرمیت باید عموماً به لوی څارنوالی جهت پیگرد راجع گردد.

ایجاد موانع دربرابر کارکنان مالیاتی

مادۀ چهل و ششم:

شخصی که عمداً مانع اجرای وظایف کارکن مالیاتی که در قوانین مالیاتی پیشبینی شده است، گردد، شخص حقیقی به مبلغ چهل هزار(۴۰۰۰۰) افغانی وشخص حکمی به مبلغ یک صدو شصت هزار (۱۶۰۰۰۰) افغانی جزای نقد ویا به حبسکه از شش ماه بیشتر نباشد، به یکی ویا به هردو ی آن از طرف محکمه ذیصلاح، محکوم می گردد.

۱,۴۶ ماده ۴۶ می تواند بالای شخصی تطبیق گردد که مستقیماً و به صورت فزیکی مانع کارمند مالیاتی از اجرای وظایف اش شود، بگونه مثال، جلوگیری از دسترسی به محل تشبث زمانی که کارمند مالیاتی مطابق ماده های ۲۲ یا ۲۷ وظیفه خود را اجرا می نماید.

این حکم همچنان بالای اقداماتی تطبیق می گردد که غیر مستقیم مانع کارمند مالیاتی از اجرای وظایف شان گردد. هر اقدام که توسط شخص جهت تأخیر،انحراف یا جلوگیری کارمند مالیاتی از اجرای وظایف اش گردد، تحت پوشش این ماده قرار می گیرد. هرگاه به ممانعت کارمند مالیاتی اشاره گردد، می تواند به کارمند خاص توظیف شده مالیاتی به یک وظیفه یا کارمندان مالیاتی که عموماً وظایف اداره مالیاتی را به پیش می برند، ارتباط گیرد.

مثال :۱

اداره مالیاتی ، شرکت یک مالیه دهنده را بررسی می نماید و از شرکت می خواهد تا سوابق روزانه فروشات خود را برای سال مالیاتی گذشته ارائه نماید. محاسب شرکت سوابق درخواست شده را یکجا نموده و از بین می برد. محاسب می تواند برای ممانعت بررسها از اجرای بررسی مورد پیگرد قرار گیرد.

مثال ۲ :

کارمند مالیاتی، یک شرکت مالیه دهنده را بررسی می نماید و می خواهد با مدیر عمومی از طریق اطلاعیه رسمی مطابق ماده ۲۶ مصاحبه نماید. مدیر عمومی با ارسال ایمیل به بررس اظهار می دارد که تا دو ماه آینده برای سفر کاری خارج از افغانستان به سر می برد، اما در واقع در افغانستان می باشد و برای مصاحبه موجود است. مدیر عمومی می تواند به خاطر ممانعت مطابق ماده ۴۸ مورد پیگرد قرار گیرد(به خاطر داشته باشید که وی همچنان به خاطر عدم پیروی از حضور به مصاحبه مطابق فقره ۸ ماده ۴۵ و همچنان برای اظهارات نادرست مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ مورد پیگرد قرار می گیرد).

مثال ۳ :

اداره مالیاتی طی یک اطلاعیه از بانک می خواهد تا معاملات حساب بانکی مالیه دهنده را مطابق به ماده ۲۰ توقف دهد. بانک از رعایت این خواست سر باز زده و به مالیه دهنده اجازه می دهد تا تمام وجوه خود را از حساب بانکی برداشت نماید. درین حالت بانک به خاطر ممانعت مطابق ماده ۴۶ مورد پیگرد قرار میگیرد، زیرا عمل بانک توانایی اداره مالیاتی را جهت تطبیق پرداخت مالیه توسط مالیه دهنده کاهش داده است.

شریک تخلف

مادۀ چهل وهفتم:

شخصی که، شخص دیگری را در ارتکاب تخلف مندرج قوانین مالیاتی، همکاری، معاونت، تشویق یا تحریک نماید، طبق قوانین نافذه از طرف محکمه ذیصلاح محکوم به جزا می گردد.

۱,۴۷ ماده ۴۷ برای اشخاص مکلفیت وضع می نماید تا برای تخلف مطابق قوانین مالیاتی مورد پیگرد قرار گیرد حتی اگر شخص تخلف را خودش مرتکب نگردیده باشد. وی در صورت مکلف خواهد بود که متخلف اصلی را در ارتکاب تخلف کمک، تشویق،همکاری، تحریک یا مجبور نموده باشد.

مثال ۱ :

یک توزید کننده اجناس مکلف به ارائه نمبر تشخیصیه در اسناد که به گمرکات ارائه می گردد، می باشد. توزید کننده به کمیشن کار واردات می گوید که نمبر تشخیصیه ندارد و به کمیشن کار هدایت می دهد تا از نمبر دیگر (غلط است استفاده نماید). توزید کننده برای پی گرد مطابق فقره ۷ ماده ۴۵ مکلف می باشد زیرا وی عمداً نمبر تشخیصیه غلط را در اسناد توزید خود استفاده نموده است. کمیشن کار نیز مطابق ماده ۴۷ مکلف به پیگرد برای عین تخلف مثل توزید کننده می گردد، زیرا کمیشن کار در ارتکاب تخلف کمک نموده است.

مثال۲: شخصی جهت مدیریت دارایی مالیه دهنده متوفی استخدام می گردد (و به همین خاطر مطابق تعریف مندرج ماده ۳ یک تصفیه کننده می باشد). تصفیه کننده مسؤول پرداخت قروض و توزیع داراییهای مالیه دهنده به فامیل مالیه دهنده می باشد. مالیه دهنده متوفی یک مبلغ بزرگ از مالیه مقروض می باشد. بعضی از اعضای فامیل به تصفیه کننده مشوره می دهند تا اداره مالیاتی را از استخدام خود که در ماده ۱۹ پیشبینی گردیده، مطلع ننماید و این امر باعث کاهش پول و دارایی که باید توزیع گردد خواهد گردید.

هرگاه تصفیه کننده طبق هدایت فامیل عمل نماید و حکم ماده ۱۹ را رعایت ننماید، اعضای فامیل که تصفیه کننده را به انجام این کار تحریک نموده باشند محکوم به مجازات عین تخلف که تصفیه کننده مرتکب گردیده، می گردند.

۲,۴۷ بخاطر اینکه شخص دوم مطابق ماده ۴۷ مکلف به پی گرد گردد، باید می دانست یا بداند که اقدامات متخلف اصلی مطابق قوانین مالیاتی نمی باشد. در مثال ۱ فوق، کمیشن کار توريد مکلف بود زیرا وی می دانست که توريد کننده خود نمبر تشخیصیه ندارد.

تخلفات اشخاص حکمی

مادۀ چهل و هشتم:

(۱) هرگاه شخص حکمی مرتکب تخلفات مندرج قوانین مالیاتی گردد، اشخاص که در زمان ارتکاب تخلف در پست های ذیل ایفای وظیفه می نماید، متخلف پنداشته میشوند:

۱- رئیس، معاون رئیس، کار کن اصلی، مدیر عمومی یا کارکن مشابه دیگر.

۲- سرپرست یا شخصیکه ادعای سرپرستی را در آن پست می نماید.

(۲) حکم فقرۀ (۱) این ماده در حالات ذیل قابل تطبیق نمیباشد:

۱- تخلف بدون رضایت یا آگاهی شخص صورت گرفته باشد.

۲- مدارک مبنی بر اینکه شخص بمنظور جلوگیری از ارتکاب تخلف، سعی و کوشش نموده، وجود داشته باشد.

۱,۴۸ یک شخص حکمی (مثل یک شرکت) می تواند مطابق قوانین مالیاتی برای تخلف مورد پیگرد قرار گیرد. در صورت محکومیت به یک تخلف، شخص حکمی می تواند توسط محکمه با جزای نقدی مجازات گردد، با آن هم، ممکن نیست شخص حکمی را زندانی کرد زیرا شخص حکمی یک شخص زنده نمی باشد. بر علاوه، جریمه مالی وضع شده بالای شخص حکمی نمی تواند اشخاص حقیقی را که در واقع تصمیم به ارتکاب یک تخلف گرفته، به قدر کافی مجازات نماید. بنا به این دلایل ماده ۴۸ تصریح می نماید که اشخاص حقیقی مشخص که متصدی صلاحیت اقدامات یا اداره شخص حکمی می باشند نیز می توانند به حیث انجام دهنده تخلف مربوطه تلقی گردند.

۲,۴۸ هرگاه شخص حکمی مرتکب تخلف گردیده و شخص مربوطه حقیقی شرایط مندرج ماده ۴۸ را برآورده نموده باشد، هردو شخص حکمی و حقیقی می تواند مورد پیگرد قرار گیرد. هرگاه محکمه بر محکومیت هردو قضیه فیصله نماید، می تواند هردو شخص حکمی و حقیقی را با وضع عین جزای نقدی بالای هردو، مجازات نماید.

۳,۴۸ مکلفیت اشخاص حقیقی مطابق ماده ۴۸ محدود به آنانیکه رسماً در موقف تعیین یا به حیث متصدی موقف مستند تعیین گردیده، نمی گردد. شخصی که اقدامات وی مشابه متصدی رسمی یک موقف باشد، می تواند مورد پیگرد قرار گیرد. شخصی که موقتاً در یک موقف فعالیت می نماید نیز می تواند متهم به ارتکاب یک تخلف گردد.

مثال:

مصور و فامیل وی مالک شرکت تجارتی مصور می باشد. مجیب شوهر یکی از دختران مصور امور روزانه تشبث را اداره می نماید اما هیچ وقت به صورت رسمی به حیث مدیر عمومی به دلیل موافقه فامیلی استخدام نگردیده است. مجیب به نمایندگی از شرکت اسناد و قراردادها را امضاء می نماید و تمام کارکنان به حیث مدیر عمومی به وی جوابده می باشند. هرگاه شرکت مرتکب تخلف مالیاتی گردد (مطابق شرایط مندرج فقره ۲ ماده ۴۸) مجیب بخاطر تخلف مذکورمورد پی گرد قرار می گیرد.

۴,۴۸ مدیران و اشخاص حقیقی مندرج فقره ۱ ماده ۴۸ برای تخلف مرتکب شده توسط شرکت در صورت که آنها شرایط مندرج فقره ۲ آن ماده را بر آورده نمایند، مکلف نمی باشند. هرگاه اداره مالیاتی مطابق تحقیقات و شواهد دریابد که شخص حقیقی مشخص شرایط فقره ۲ را بر آورده می نماید، نباید شخص جهت پی گرد معرفی گردد.

۵,۴۸ در مواردی که اشخاص حقیقی بخاطر ماده ۴۸ برای پی گرد راجع گردیده باشند، آنها می توانند در محکمه با این استدلال که فقره ۲ بالای حالات شان قابل تطبیق است، از خود شان دفاع نمایند.

۶,۴۸ در فقره ۲ ماده ۴۸ دو شرط وجود دارد که شخص حقیقی در صورتی که بخواهد از تکلیف تخلف مرتکب شده توسط شرکت دوری نماید، باید هردو شرط بر آورده گردد.

۱. شخص حقیقی در مورد اقدامات بنابرعدم رعایت قانون، شرکت که باعث تخلف گردیده، هیچ معلومات نداشته باشد.

۲. شخص حقیقی توجه و مواظبت لازم را جهت جلوگیری از بروز تخلف حین انجام وظایف بکار گرفته باشد.

مثال ۱ :

چهار برادر مدیران یک شرکت می باشند. صدیق یکی از برادران، برای یک سال جهت پیشبرد دروس خویش در هند می باشد و در جریان همان سال در فعالیتهای روزانه و تصامیم شرکت دخیل نمی باشد. شرکت از وضع مالیه بر پرداخت معاشات به کارکنان برای سه ماه که صدیق در تحصیل می باشد، اطاعت نمی نماید. صدیق هیچ معلومات در مورد وضع مالیه موضوعی در مدت که در خارج می باشد، ندارد. وی تحت پی گرد برای این تخلف قرار نخواهد گرفت.

مثال ۲ :

به ادامه حقایق مثال قبلی، برادران وظایف مدیریت شرکت را بین خودشان تقسیم می نمایند. امان الدین یکی از برادران مسؤولیت پرداخت معاشات و مدیریت وظایف مربوطه به شمول وضع مالیه موضوعی و پرداخت مالیه از معاشات را دارد. برادران به صورت منظم جهت بحث در مورد تشبث باهم ملاقات می نمایند و در این ملاقاتها امان الدین همیشه به برادرانش راپور می داد که تمام وجایب پرداخت تکمیل و تجدید شده می باشد.

در این مورد امان الدین می تواند برای تخلف مرتکب شده (عدم پیروی از وضع مالیه موضوعی و پرداخت مالیه موضوعی) توسط شرکت مورد پی گرد قرار گیرد. دو برادر دیگرش که در افغانستان می باشند مورد پی گرد قرار نمی گیرند یا می توانند از خود در محکمه در صورت مورد پی گرد قرار گرفتن به این اساس دفاع نمایند که هیچ معلومات در مورد تخلف مرتکب شده ندارند. بر علاوه، آنها می توانند ادعا نمایند که آنها وظایف شان با احتیاط و توجه به عنوان مدیران با گرفتن راپور منظم پرداخت آنها نمی دانستند که غلط می باشد، انجام داده اند.

انصراف از تعقیب عدلی

مادهٔ چهل و نهم:

(1) هرگاه شخصی مر تکب تخلف مندرج این فصل گردد، اداره مالیات میتواند از معرفی وی به مراجع عدلی انصراف نماید، مشروط بر اینکه تخلف بار اول بوده و متخلف کتباً به ارتکاب آن اعتراف نموده و مکلفیت های مالیاتی خویش را اداء نماید. فقره های (۱، ۵ و ۹) ماده چهل و پنجم این قانون، از این حکم مستثنی است.

(2) در حالت مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، اداره مالیات اطلاعیه کتبی را که حاوی موارد ذیل می باشد، به متخلف صادر می نماید:

۱- نوع تخلف.

۲- مقدارپول قابل تأدیه (که از جریمه پیشبینی شده در این قانون بیشتر نباشد).

۳- تاریخ معینه تأدیه.

(۳) اطلاعیه مندرج فقرهٔ (۲) این ماده همراه با نقل کتبی اعتراف به متخلف تسلیم میگردد. اطلاعیه نهائی بوده وقابل تجدید نمیباشد.

(۴) هرگاه اداره مالیات از معرفی شخص به مراجع عدلی انصراف نماید، متخلف در ارتباط به همان تخلف، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیردد.

۱,۴۹ اداره مالیاتی هرگاه شواهدی را کشف نماید که تخلف مطابق فصل ۱۰ توسط یک شخص مرتکب گردیده است، می تواند شخص مذکور را به لوی څارنوالی برای پیگرد معرفی نماید.

۲,۴۹ هرچند در بعضی قضایا اداره مالیاتی می تواند از تخلف انصراف نماید. انصراف از یک تخلف به این معنی است که به جای معرفی نمودن شخص برای تعقیب عدلی، اداره مالیاتی شخص را مکلف به پرداخت یک مبلغ به حیث مجازات برای اعمال نادرست وی می نماید. انصراف از یک تخلف می تواند به منظور ساده نمودن روند مجازات و اجرای هرچه زودتر آن باشد. این امر همچنان از هزینه تحقیقات و پیگرد که توسط لوی څارنوالی و محکمه در صورت اقامه دعوی صورت می گیرد، صرفه جویی می نماید.

موافقه کتبی جهت انصراف از تخلف:

۳,۴۹ قبل از اینکه اداره مالیاتی بتواند از یک تخلف انصراف نماید، متخلف باید به ارتکاب تخلف اعتراف نماید. اعتراف باید به صورت کتبی باشد. این بدان معنی است که انصراف از یک تخلف مستلزم موافقه بین اداره مالیاتی و متخلف می باشد.

۴,۴۹ هیچ یک از طرفین مجبور نیست جهت انصراف تخلف موافقه نماید. این یک انتخاب است که هریک از طرفین می تواند انجام دهد. در صورت چنین انتخاب، هریک از طرفین می تواند با سنجش فواید و ضررها آن تصمیم بگیرد.

۵,۴۹ طرف اداره مالیاتی، می تواند از تخلف مطابق ماده ۴۹ انصراف نماید هرگاه راه حل سریع به قضیه با وضع بعضی مجازات بالای متخلف ارائه نماید. موافقه می تواند از بعضی مصارف تحقیق خواه توسط اداره مالیاتی یا لوی څارنوالی صرفه جویی نماید. از این رو اداره مالیاتی می تواند برای پرداخت مبلغ پایینتر از آنچه محکمه در صورتی که قضیه تحت پیگرد قرار گیرد، وضع نماید، آمادگی بگیرد. به عنوان بدیل، هرگاه اداره متذکره به این باور باشد که تخلف ایجاب مجازات بالاتر از آنچه که متخلف می پذیرد را می نماید، اداره مالیاتی می تواند بالای تعقیب پیگرد عدلی تأکید نماید.

۶,۴۹ طرف متخلف، هرگاه آنها از خطر مجازات اضافی در صورتی که دوسیه به محکمه راجع گردد، اجتناب نمایند، می توانند تخلف را بپذیرند و مبلغ را که توسط اداره مالیاتی مکلف گردیده بپردازند. آنها همچنان می توانند قضیه را هرچه عاجل نهایی بسازند تا

بتوانند به تجارت خود بدون نگرانی ادامه دهند. به عنوان بدیل، هرگاه متخلف متهم به این باور باشد که یک تخلف را مرتکب نگردیده یا متیقن باشد که جزای نقدی پایین تر از محکمه دریافت می دارد، می تواند انتخاب نماید که با انصراف تخلف توافق ننماید.

۷,۴۹ دیده شده است که انصراف از یک تخلف می تواند به نفع هردو اداره مالیاتی و متخلف باشد.

۸,۴۹ با طرح موافقتنامه مبنی بر پرداخت مبلغ توافق شده تا تاریخ مشخص جهت حل موضوع، اداره مالیاتی این صلاحیت را حفظ نموده تا در صورتی که شخص مفاد موافقتنامه را رعایت ننماید، قضیه را برای پیگرد عدلی راجع نماید. در صورتی که مبلغ توافق شده در تاریخ معین پرداخت گردد، موافقتنامه نهایی گردیده و از تخلف انصراف می گردد. هیچ تعقیب عدلی مطابق قانون مجاز نمی باشد (فقره ۴ ماده ۴۹).

۹,۴۹ به منظور تشویق مذاکرات متوازن بالای موافقتنامه، هرگونه اعترافات یا اظهارات بعمل آمده توسط هریک از طرفین حین مذاکره درارتباط موافقتنامه جهت انصراف از تخلف، نباید به اهداف دیگر توسط طرفین استفاده گردد حتی اگر به موافقتنامه نهایی نیز نرسیده باشند.

مثال:

مجیب دارای یک تشبث می باشد که توسط اداره مالیاتی بررسی گردیده است. بررسها تعیین نموده اندکه مجیب مالیه موضوعی را از معاشات پرداخت شده به بعضی از کارکنان وضع ننموده است. اداره مالیاتی معرفی نمودن مجیب برای پی گرد عدلی تخلف مطابق فقره ۲ ماده ۴۵ مدنظر می گیرد، با آن هم، قضیه جدی ترین مثال عدم پیروی از آنجایی که تعداد کمی از کارکنان دخیل بودند، نمی باشد. این اولین بار است که مجیب این تخلف بالقوه را مرتکب گردیده است. اداره مالیاتی همچنان می داند که دفتر لوی څارنوالی تحت فشار قوی دوسیه ها قرار دارد و پی گرد مؤفقانه مستلزم وقت زیاد جهت گرفتن حکم می باشد.

در این مورد اداره مالیاتی می تواند انصراف از پیگرد عدلی تخلف را مدنظر گیرد. این اداره می تواند این موضوع را به مالیه دهنده پیشنهاد و وی را مطلع نماید که اداره مالیاتی جهت انصراف از تعقیب عدلی تخلف (عدم تعقیب عدلی) در صورتی که وی به تخلف اعتراف و برای پرداخت تمام مالیات موضوعی پرداخت ناشده بر علاوه ۱۰ فیصد جریمه پولی موافق باشد، موافقه می نماید.

اداره مالیاتی با مجیب ملاقات می نماید و مباحثات در مورد شرایط موافقتنامه برگزار می گردد. مجیب می گوید که وی می خواهد به تخلف اعتراف نماید اما پیشنهاد متقابلاً پرداخت جریمه پولی ۵ فیصد را پیشنهاد می نماید. پیشنهادات و اعترافات صورت گرفته شده در جریان پروسه مذاکرات توسط مجیب و اداره مالیاتی تا زمانی که طرفین به یک توافق برسند، محدود نمی باشد. پیشنهاد مجیب جهت اعتراف تخلف نمی تواند خارج از جلسه علیه وی استفاده گردد.

محدودیتهای انصراف از پی گرد عدلی – اولین تخلف:

۱۰,۴۹ اداره مالیاتی فقط در صورتی می تواند از پی گرد عدلی یک تخلف توسط شخص انصراف نماید که اولین بار توسط همان شخص مرتکب گردیده باشد. هرگاه شخص قبلاً توسط یک محکمه برای همان نوع تخلف محکوم گردیده باشد یا قبلاً همین تخلف توسط اداره مالیاتی از پی گرد عدلی انصراف شده باشد، تخلف متذکره نمی تواند از پی گرد عدلی منصرف گردد.

مثال ۱:

یک شخص در جریان ماه ثور ۱۳۹۶ به حیث تصفیه کننده برای مالیه دهنده استخدام می گردد و نمی تواند اداره مالیاتی را از استخدام اش طوری که ماده ۱۹ مکلف می نماید، مطلع نماید. اداره مالیاتی این عدم پیروی را در سنبله ۱۳۹۶ کشف می نماید. عدم رعایت این امر مطابق فقره ۳ ماده ۴۵ یک تخلف می باشد.

این اولین بار است که شخص تصفیه کننده مقرر گردیده و حکم ماده ۱۹ را رعایت ننموده است، لذا اداره مالیاتی تصمیم می گیرد تا از پیگرد عدلی تخلف انصراف و شخص را مکلف به پرداخت یک مبلغ به حیث مجازات نماید.

سه سال بعد، در ثور ۱۳۹۹ شخص به حیث تصفیه کننده برای یک مالیه دهنده متفاوت استخدام می گردد و مجدداً نمی تواند اداره مالیاتی را طوری که مطابق ماده ۱۹ مکلف می باشد، از تقرر اش مطلع نماید. اداره مالیاتی این عدم رعایت را در ماه اسد ۱۳۹۹ کشف می نماید. از آنجایی که قبلاً از تعقیب عدلی شخص از عین تخلف انصراف گردیده بود، دوباره نمی تواند از تعقیب عدلی انصراف نماید.

۱۱,۴۹ تخلفات تشریح شده مطابق ماده های مختلف به منظور تعیین اینکه آیا شخص برای اولین بار تخلف نموده است، فرق می نماید. انصراف از تعقیب عدلی یک تخلف یا اخذ حکم مطابق یک ماده نمی تواند انصراف ازتعقیب عدلی یک تخلف را مطابق ماده دیگر محدود نماید.

۱۲,۴۹ انصراف از تعقیب عدلی برای سه تخلف مشخص مجاز نیست. اینها عبارتند از (فقره ۱ ماده ۴۵ عدم ارائه اظهارنامه)، (فقره ۵ ماده ۴۵، عدم حفظ دفاتر و اسناد) و فقره ۹ ماده ۴۵، (اظهارات نادرست). سایر تخلفات مندرج فصل ۱۰ می تواند از تعقیب عدلی منصرف گردند.

زمان:

۱۳,۴۹ اداره مالیاتی می تواند حتی بعد از راجع نمودن دوسیه به لوی څارنوالی تصمیم بگیرد تا از تعقیب عدلی یک تخلف منصرف گردد. موافقه لوی څارنوالی برای انصراف از تعقیب عدلی لازم نمی باشد. تصمیم انصراف از تعقیب عدلی می تواند فقط توسط اداره مالیاتی بر مبنای تشخیص خودش یا مشوره لوی څارنوالی گرفته شود.

۱۴,۴۹ هرگاه انصراف از تعقیب عدلی یک تخلف بعد از ارجاع آن تخلف به لوی څارنوالی اتفاق بیفتد، اداره مالیاتی باید در اسرع وقت ممکن لوی څارنوالی را مطلع نماید. فقره ۴ ماده ۴۹ لوی څارنوالی را از تعقیب عدلی شخص برای تخلف مالیاتی که منصرف گردیده است، جلوگیری می نماید.

مبلغ که باید برای انصراف از تعقیب عدلی پرداخت گردد:

۱۵,۴۹ اداره مالیاتی در مورد مبلغ که باید توسط شخص متهم به ارتکاب تخلف پرداخت گردد تصمیم می گیرد، این تصمیم فقط محدود به حد اکثر مبلغ جزای نقدی تجویز شده برای تخلف می باشد.

۱۶,۴۹ اداره مالیاتی تمام حالات مربوطه را حین تعیین مبلغ که باید پرداخت گردد، مدنظر خواهد گرفت. بعضی عوامل جهت مدنظر گرفتن، و تأثیرات آن بالای مبلغ که باید پرداخت شود عبارتند از:

- حداکثر جزا نقدی مشخص شده برای محکومیت.
- مبلغ و کیفیت شواهد موجود نشان می دهد که متخلف مرتکب ان گردیده (شواهد خوب مبلغ بالاتر را پیشنهاد می کند، شواهد ضعیف مبلغ پایین تر را برای تصفیه پیشنهاد می کند).
- پیشبینیها برای تعقیب عدلی و محکومیت مؤفقانه در صورتی که به لوی څارنوالی راجع گردد (پیشبینهای خوب مبلغ بالاتر را پیشنهاد می کند، پیشبینیهای ضعیف مبلغ پایین تر را برای تصفیه پیشنهاد می کند).
- هرگونه سوابق مبلغ جزای نقدی و محکوم به زندان شدن توسط محاکم برای تخلفات مشابه (مدنظر گرفتن جرایم وضع شده تخلف مشابه توسط محاکم زمانی که قضایا مشابه مورد پیگرد عدلی قرار گرفته باشد).
- سوابق اطاعت پذیری شخص (سوابق اطاعت پذیری از همه وجایب مالیاتی پیشنهاد مبلغ پایین را مناسب می داند).
- هرگونه توضیحات ارائه شده توسط شخص یا خفیف ساختن چگونگی ارتکاب تخلف.

- مصارف دولت و سیستم محکمه در اقامه پیگرد عدلی.
- توانایی شخص برای پرداخت.

مثال ۱ :

اداره مالیاتی کشف می کند که بشیر از نمبر تشخیصیه مالیه دهنده نادرست استفاده می نمود. این کار مطابق فقره ۷ ماده ۴۵ یک تخلف می باشد و در صورت محکومیت شخص می تواند توسط محکمه تا ۱۰۰۰۰۰ افغانی محکوم به جزای نقدی گردد. به همین خاطر اداره مالیاتی می تواند انصراف از تعقیب عدلی را برای پرداخت تا ۱۰۰۰۰۰ افغانی مدنظر گیرد.

اداره مالیاتی اسناد امضاء شده توسط بشیر را به دست می آورد که در آن نمبر تشخیصیه نادرست درج گردیده است. ارقام از نمبر تشخیصیه واقعی خیلی مختلف می باشد، لذا واضح است که یک اشتباه واقعبینانه نبوده است.

بشیر سابقه ارائه اظهارنامه به تأخیر و پرداخت مالیات به تأخیر را در بعضی از سالها دارد. اخیراً در تعقیب عدلی مالیه دهنده دیگر، محکمه جزا نقدی ۹۰۰۰۰ افغانی را وضع نموده است.

حالات نشان می دهد که مبلغ بالاتر بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ افغانی قابل توجی می باشد. این بخاطر داشتن شواهد خوب که نشان می دهد بشیر عمداً از نمبر تشخیصیه مالیه دهنده نادرست استفاده نموده است، صورت گرفته است. بشیر دارای سوابق اطاعت پذیری ضعیف می باشد و نشان می دهد که هرگاه تعقیب عدلی کامل صورت بگیرد انتظار می رود مبلغ مشابه جریمه مالی دریافت خواهد گردید.

مثال ۲ :

اداره مالیاتی کشف می کند که هدایت، شخصی که یک نهاد مسافرتی را اداره می کند، مالیه را از معاشات پرداخت شده به کارکنان اش وضع نمی نماید. از زمان آغاز فعالیت یک سال قبل، وی نتوانسته مالیه را وضع و به اداره مالیاتی بپردازد. (۲۰۰۰۰۰ افغانی).

فقره ۲ ماده ۴۵ به محکمه اجازه می دهد تا جریمه ۱۰ فیصد مبلغ مربوط عدم رعایت را وضع نماید. از آنجایی که مبلغ را که وی نتوانسته وضع و پرداخت نماید ۲۰۰۰۰۰ افغانی می باشد، جریمه مالی حداکثر ممکن پی گرد عدلی ۱۰ فیصد می باشد (که ۲۰۰۰۰ افغانی شود).

هدایت ادعا می نماید که وی مکلفیت وضع مالیه موضوعی را نمی دانست. وی هیچ مشکلی در مورد سایر مالیات ش نداشته است. به محض اینکه وی به اشتباه اش پی می برد تمام قروض مالیه خود را می پردازد و حالا به صورت کامل تجدید شده می باشد.

با نگاه به دوسیه های اخیر محکمه معلوم می گردد که محکمه معمولاً حداکثر جزای نقدی یا نزدیک به حداکثر را وضع نموده است. با آن هم، دوسیه های محکمه زمان زیادی را تقاضا می نماید و منابع زیادی از لوی څارنوالی در تحقیق به مصرف می رسد.

بادرنظرداشت تمام حالات، اداره مالیاتی می تواند با حداکثر پرداخت نصف جریمه پولی جهت انصراف از تعقیب عدلی موافقه نماید.

تخلفات قانون مالیات برعایدات قبلی:

۱۷,۴۹ ادارهٔ مالیاتی به منظور تطبیق قواعد فقط تخلفات که برای اولین بار مرتکب می شود می تواند از تعقیب عدلی منصرف گردد، تخلف مطابق قانون قبلی مالیات برعایدات که با عین ماده به حیث تخلف مطابق قانون اداره امور مالیات ارتباط می گیرد باید به حیث عین تخلف تلقی گردد. بگونه مثال، یک تخلف مطابق ماده ۱۰۱ قانون قبلی مالیات برعایدات (عدم رعایت از حکم حفظ دفاتر و اسناد) باید به حیث عین تخلف مطابق ماده ۵۶ قانون اداره امور مالیات تلقی گردد.

مادۀ پنجاهم

متخلفین مندرج این فصل از تاریخ ارتکاب تخلف، صرف الی پنج سال مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

۱,۵۰ تحقیق و پیگرد تخلفات مندرج فصل ۱۰ از مسؤولیت لوی څارنوالی می باشد. لوی څارنوالی فقط می تواند دوسیه را به محکمه در خلال ۵ سال از تاریخ ارتکاب تخلف ارائه نماید، و ازآن تاریخ به بعد (بعد از ۵ سال) نمی تواند ارائه گردد.

۲,۵۰ به منظور محاسبه دوره ۵ سال، تاریخ ارتکاب تخلف معمولاً تاریخ معینه برای رعایت از وجایب مطابق قوانین می باشد.

مثال ۱ : تخلف مطابق فقره ۱ ماده ۴۵ در آخرین تاریخ که اظهارنامه باید ارائه گردد در صورتی که اظهارنامه تا آن تاریخ ارائه نگردیده باشد (یا تاریخ بعدی داده شده توسط اداره مالیاتی مطابق ماده ۷)، مرتکب گردیده است.

مثال ۲ :

تخلف مطابق فقره ۸ ماده ۴۵ زمانی واقع می گردد که شخص نتواند تاریخ معینه مشخص در یادداشت را مطابق ماده ۲۶ رعایت نماید.

۳,۵۰ تاریخ تخلف مطابق فقره های ۷ و ۹ ماده ۴۵، یا مواد ۴۶ و۴۷ تاریخی است که عمل توسط شخص انجام شده است. تاریخ تخلف مطابق فقره های ۲،و ۳ ماده ۴۴، فقره ۴ ماده ۴۴، فقره ۶ ماده ۴۴ و فقره ۸ ماده ۴۵ زمانی است که شخص نتواند عملی را که باید انجام می داد، انجام داده باشد. در مورد فقره ۵ ماده ۴۵ (عدم رعایت حفظ دفاتر و اسناد مناسب) تاریخ تخلف از آخر دوره که اسناد و دفاتر حفظ و نگهداری نگردیده است، می باشد.

۴,۵۰ محدودیت زمانی وضع شده توسط ماده ۵۰ فقط به پیگرد تخلفات مطابق فصل ۱۰ قانون اداره امور مالیات مرتبط می باشد. این حکم زمان پیگرد مطابق سایر قوانین افغانستان (بگونه مثال، قانون اجرا ات جزای) را در صورتی که شخص چنین قانونی را نقض نماید، متأثر نمی سازد. هرگونه محدوده زمانی تخلف خارج از قانون اداره امور مالیات مطابق قانون مربوطه مدنظر گرفته می شود.

سوء استفاده از موقف وظیفوی و تخلفات مالیاتی

ماده پنجاه ویکم:

۱: هرگاه کارکن ادارۀ مالیات از موقف وظیفوی خود سوء استفاده نماید، مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

(۲) : اعمال ذیل تخلفات مالیاتی بوده، مرتکب آن مطابق احکام قانون مجازات می گردد.

۱ : شخص که بدون دلایل موجه اظهارنامه مالیاتی خویش را مطابق احکام قوانین مالیاتی یا الی انقضای مدت تمدید شده اداره مالیات، ارایه ننماید.

۲ : شخص که بدون دلایل موجه، مالیه موضوعی را مطابق احکام قوانین مالیاتی وضع یا تادیه ننماید.

۳ : تصفیه کننده که حکم ماده نزدهم این قانون را رعایت ننماید.

۴ : شخص که اطلاعیه مندرج فقره (۳) ماده بیست و دوم این قانون را رعایت ننماید.

۵ : شخص که عمداً اسناد و دفاتر خود را مطابق احکام قوانین مالیاتی ترتیب و حفظ ننماید.

۶ : شخصی که مطابق حکم فقره (۶) ماده بیست و هفتم این قانون تسهیلات لازم را به کارکنان مالیاتی فراهم نکند یا همکاری ننماید.

۷ : شخص که عمداً نمبر تشخیصیه غلط را در اظهارنامه مالیاتی و یا هر سند که در قوانین مالیاتی پیشبنی گردیده است و یا به این منظور استفاده می شود، بکار ببرد.

۸ : شخص که عمداً بدون دلایل موجه اطلاعیه مندرج ماده بیست و ششم این قانون را رعایت ننماید.

۹ : شخص که عمداً اظهارات نادرست یا گمراه کننده را ارایه یا بخش مشخص آنرا حذف نماید.

۱۰ : شخص که حکم ماده پنجاه و چهارم این قانون را نقض نماید.

۱۱

تبصره: در تعدیلات مندرج جریده رسمی شماره (۱۳۱۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ فقره (۲) در ماده پنجا ویکم ایزاد گردیده است.

فقره (۱) ماده پنجاه و یکم- سو استفاده از موقف وظیفوی

۱,۵۱ قوانین مختلف افغانستان پیرامون رفتار متوقعه کارکنان اداره مالیاتی و مجازات آنها در قضایای که کارمند مغایر با آن قوانین عمل نموده باشد، صراحت دارد. کارکنان اداره مالیاتی باید مطابق وظایف شان عمل نمایند. آنها نباید از موقف خود مغایر با وظایف یا مغایر با منافع اداره مالیاتی، وزارت مالیه یا دولت، بهره برده یا تلاش برای بهره بردن نمایند.

۲,۵۱ قوانین که کارکنان را متأثر می سازند عبارتند از:

- قانون اجراآت جزائی.قانون مبارزه با فساد.
- قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان.

۳,۵۱ ماده ۵۱ این قانون وزارت مالیه، را مکلف می سازد تا هر کارمند مالیاتی که مغایر با قانون عمل می نماید، باید تنبیه گردد. هرگاه کارکنان اداره مالیاتی مشاهده نماید که کارمند دیگر مالیاتی مغایر با قانون عمل می نماید، باید آن را به آمر مربوط راپور دهد. اداره باید تحقیق کند و هرگاه لازم باشد اقدامات مناسب را به شمول اقدامات تأدیبی لازم مطابق قانون کارکنان خدمات ملکی را روی دست بگیرد و یا برای پی گرد به نهاد های عدلی معرفی نماید.

فقره (۲) ماده پنجاه ویکم تخلفات مالیاتی

۴,۵۱ تخلفات مالیاتی در فقره (۲) ماده پنجاه و یکم قانون اداره امور مالیات پیشبنی شده است، هرگاه مالیه دهنده یا مالیه دهندگان مرتکب آن گردد، متخلف پنداشته شده مطابق به احکام قانون اداره امور مالیات و سایر قوانین نافذه مورد پیگرد عدلی قرار می گیرد.

فصل یازدهم

فورمه ها و اطلاعیه ها

تهیه فورم ها و اطلاعیه ها

مادۀ پنجا ه ودوم:

(۱) ادارۀ مالیات فورم ها، اطلاعیه ها وسایراسناد را که درقوانین مالیاتی وسایراسناد تقنینی، پیشبینی شده باشد، تهیه و ترتیب نموده و به دسترس مالیه دهنده قرار میدهد .

(۲) اطلاعیه یا سند که مطابق قوانین مالیاتی ازطرف اداره مالیات صادر یا ابلاغ میشود،بدون امضاء ویا مهر رسمی اداره مالیات مدار اعتبار نمیباشد.

۱,۵۲ فقره ۱ ماده ۵۲ اداره مالیاتی را مکلف می سازد تا تمام فورمه ها و سایر اسناد تجویز شده توسط قوانین مالیاتی را در دسترس عامه قرار دهد. اداره مالیاتی همچنان باید هدایات و رهنمودهای مربوطه لازم را جهت کمک به مالیه دهندگان در تکمیل فورمه ها و ادای وجایب شان مطابق قوانین مالیاتی در دسترس انها قرار دهد.

۲,۵۲ هرگاه اداره مالیاتی مکلفیت ارائه فورمه ها یا سایر اسناد به مالیه دهنده که جهت پیروی از ادای وجایب مطابق قوانین مالیاتی برای مالیه دهنده لازم می باشد، رعایت ننماید، مالیه دهنده دلیل منطقی برای تأخیر در رعایت از قوانین تا زمانی خواهد داشت که فورمه یا اسناد لازم برای شان ارائه گردد.

مثال :

یک مالیه دهنده در ولایت بلخ مکلف به ارائه فورمه تا تاریخ مندرج قوانین مالیات می باشد. وی از اداره مالیاتی مزار شریف قبل از تاریخ معینه بازدید می نماید اما به وی گفته می شود که فورمه در دسترس نیست و اداره منتظر رسیدن مواد از کابل می باشد. فورمه فقط به شکل ورق ارائه می گردد. فورمه یک ماه بعد از تاریخ معینه در دسترس نمی باشد. اداره مالیاتی به همین خاطر نتوانسته از مکلفیت خود جهت در دسترس قرارادادن فورمه زمانی که مالیه دهنده بدان نیاز داشته، پیروی نماید. مالیه دهنده دلیل منطقی برای عدم ارائه اظهارنامه به موقع دارد لذا مالیه اضافی مندرج ماده ۳۵ تطبیق نخواهد شد.

۳,۵۲ فقره ۲ ماده ۵۲ به اطلاعیه های رسمی صادره به مالیه دهندگان ارتباط می گیرد، بگونه مثال اطلاعیه های سنجش صادره به مالیه دهنده مطابق قوانین مالیاتی ،یا اطلاعیه های صادره به شخص مطابق مواد ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۲۶ قانون اداره امور مالیات.

یک اطلاعیه رسمی صرف زمانی معتبر تلقی می گردد که توسط شخص با صلاحیت مربوط در وزارت مالیه امضاء گردیده باشد یا دارای مهر رسمی ریاست عمومی عواید باشد. صلاحیت اشخاص برای امضای اطلاعیه در تعلیمات نامه تفویض صلاحیت مشخص میگردد.

تسلیمی اطلاعیه:

مادۀ پنجاه و سوم:

(1) اطلاعیه یا سند که مطابق قوانین مالیاتی به شخص تسلیم داده میشود، تسلیمی آن درصورت درست پنداشته میشودکه به شخص یا نماینده وی تسلیم داده شده، یا در آخرین محل تجارتی یا اقامت اصلی شخص در افغانستان گذاشته شده باشد، مگر اینکه در قوانین مالیاتی طور دیگری تصریح گر دیده باشد.

(۲) اعتبارتسلیمی اطلاعیۀ مندرج قوانین مالیاتی پس از اینکه شخص تمام یا قسمتی از آن را رعایت نموده باشد، مورد اعتراض قرار گرفته نمیتواند.

۱,۵۳ در بسیاری از حالتها در قوانین مالیاتی، اداره مالیاتی مکلف به ارائه سند کتبی به مالیه دهنده می گردد (بگونه مثال، اطلاعیه های سنجش، اطلاعیه های سنجش تعدیل شده و تصامیم اعتراض). در بعضی موارد ممکن به شخص دیگر صورت گیرد (بگونه مثال، سند که به شخص سوم مطابق ماده ۱۶ داده شود). ماده ۵۳ پیرامون قواعد و طرزالعملها جهت تعیین اینکه آیا یک سند به شکل مناسب مطابق قوانین مالیاتی به شخص تسلیم گردیده یا خیر، صراحت دارد.

۲,۵۳ هرگاه قاعده مشخص در حکم مربوطه قوانین مالیات در ارتباط با تسلیم سند کتبی موجود نباشد، ماده ۵۳ تطبیق می گردد. در بسا موارد محدودیت زمانی برای مالیه دهنده یا شخص دیگر برای عملی نمودن هدایات سند (بگونه مثال، محدوده زمانی جهت ارائه اعتراض علیه تصمیم مالیاتی) وجود دارد و این محدودیتهای زمان معمولاً از تاریخ که سند مطابق قانون تسلیم می گردد، محاسبه می شود.

تسلیم به یک شخص:

۳,۵۳ یک سند زمانی به شخص تسلیم می گردد که دست به دست به وی یا نماینده وی تحویل داده شده باشد. در همچو موارد مهم نیست که در کجا اتفاق افتاده باشد، ممکن در دفتر اداره مالیاتی، خانه یا محل تشبث شخص یا جای دیگر صورت بگیرد.

۴,۵۳ شخص که سند را حمل می کند باید دو کاپی آن را باخود داشته باشد (کاپی اصلی که به دریافت کننده داده می شود و کاپی که از دریافت کننده مطالبه می شود تا به حیث شواهد تسلیمی امضاء نماید). شخص که سند را انتقال می دهد باید تاریخ و جای انتقال را یادداشت نماید. هرگاه دریافت کننده از امضاء سوابق انتقال خود داری نماید، شخص انتقال دهنده باید خودش سند را امضاء و از انتقال آن با تاریخ تسلیمی تصدیق نمایند.

۵,۵۳ یک نماینده برای این منظور به معنی نماینده که در ماده ۳ تعریف گردیده می باشد. برای تطبیق این امر، دریافت کننده باید در زمان که سند منتقل می شود، نماینده معتبر باشد.

تسلیم به یک آدرس:

۶,۵۳ یک سند همچنان می تواند در صورتی به یک شخص تسلیم داده شده محسوب گردد که در آخرین محل بود و باش یا محل تشبث وی تسلیم گردد. در چنین مورد لازم نیست سند دست به دست به یک شخص که مطابق تعریف ماده ۳ نماینده می باشد، تسلیم وی گردد. سند می تواند به هر شخص که در محل تشبث حضور داشته باشد، تسلیم داده شود (بگونه مثال، به نزدیکان مالیه دهنده یا یک کارمند تشبث مالیه دهنده).

رعایت قسمت یا کل اطلاعیه غیر معتبر:

۷،۵۳ هرگاه شخص قسمت یا تمام اطلاعیه را رعایت نموده باشد، نمی تواند اعتبار تسلیمی آن را به مشکلات مواجه سازد. این امر حتی در مورد اطلاعیه که به صورت معتبر تسلیم نگردیده باشد، صدق می کند. مفهوم فقره ۲ ماده ۵۳ این است که هرگاه شخص بخواهد اعتبار تسلیمی اطلاعیه را به چالش بکشد، باید این کار را قبل از اینکه در مورد رعایت اطلاعیه اقدام نماید، انجام دهد. هرگاه شخص به طور کامل یا قسمی اطلاعیه را رعایت نماید چنین پنداشته می شود که اعتبار تسلیمی آن را پذیرفته است.

مثال : وحید یک کارمند شرکت تجارتی بلخ می باشد. وحید دارای مکلفیت مالیاتی است که زمان پرداخت آن گذشته است. اداره مالیاتی مطابق ماده ۱۶ یک اطلاعیه را تهیه و استخدام کننده وحید را مکلف به وضع یک مبلغ از معاش وی و پرداخت آن به اداره مالیاتی می نماید.

اداره مالیاتی سهواً اطلاعیه را به مالک دکان پهلوی دفتر مرکزی شرکت تجارتی بلخ تسلیم می نماید. مالک دکان با شرکت تجارتی بلخ ارتباط ندارد. اطلاعیه به همین خاطر مطابق فقره ۱ ماده ۵۳ به شخص معتبر تسلیم داده نشده است.

با آن هم، از آنجایی که اطلاعیه عنوانی شرکت تجارتی بلخ ارسال گردیده بود و مالک دکان می دانست که شرکت همسایه وی می باشد، مالک دکان اطلاعیه را گرفته به دفتر شرکت پهلوی خود برده و تسلیم می نماید. شرکت تجارتی بلخ رعایت از اطلاعیه را با وضع مبلغ از معاش بعدی قابل پرداخت به وحید، آغاز می نماید. بعد از پرداخت یک مبلغ وضع شده به اداره مالیاتی، شرکت تلاش می کند تا ادعا نماید که اطلاعیه به صورت معتبر تسلیم نگردیده و وی مکلف به رعایت از آن نمی باشد.

در این مورد، از آنجایی که شرکت قسماً اطلاعیه را رعایت نموده، چالش اعتبار تسلیمی باید مسترد گردد. شرکت باید به رعایت از اطلاعیه حتی اگر اساساً به صورت درست انتقال و تسلیم داده نشده ، ادامه دهد.

محرمیت معلومات

مادۀ پنجاه و چهارم:

(1) اسناد و معلوماتیکه در اختیار کارکن مالیاتی و مراجع مندرج فقره (۲) این ماده در ارتباط به اجرای وظایف شان قرار میگیرد و یا از آن آگاهی حاصل مینماید، مطابق احکام قوانین مالیاتی محرم میباشد.

(2) اسناد و معلومات مندرج فقرۀ (۱) این ماده بالاثر مطالبۀ مراجع ذیل بدسترس آنها قرار داده می شود:

۱- بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه مربوط در ارتباط به اجراآت مندرج این قانون .

۲- ادارات دولتی که در اجرای وظایف رسمی شان لازمی پنداشته میشود.

۳- دولت خارجی در محدوده احکام موافقتنامه منعقده مربوط.

۱،۵۴ معلوماتی که مسؤول مالیاتی در جریان ایفای وظیفه به دست می آورد، محرم می باشد. اسناد که حین اجرای وظیفه در تصرف شان قرار می گیرند، نیز محرم می باشد.

۲،۵۴ جزء 2) فقره ۲ ماده ۵ نیز به مالیه دهنده حق محرمیت معلومات شان را می دهد.

۳،۵۴ الزامیت محرمیت به این معنی است که معلومات و اسناد نباید توسط مسؤول مالیاتی به شخص دیگر (به شمول مسؤول مالیاتی دیگر)، افشا گردد به استثنای موارد ذیل باشد:

- برای اجرای وظایف شان به حیث مسؤول مالیاتی لازم باشد.
- به بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه مربوطه در جریان رسیده گی به منازعات مطابق قانون اداره امور مالیات باشد.

- به سایر ادارات دولتی در صورتی که برای اجرای فعالیتهای رسمی شان لازم باشد.
- به دولت خارجی مطابق به موافقتنامه بین جمهوری اسلامی افغانستان و آن دولت که فراهم نمودن چنین معلومات لازم وضروری باشد.
- در صورت معلومات مالیه دهنده، به آن مالیه دهنده
- در صورت افشای معلومات مالیه دهنده به نماینده مالیه دهنده یا محاسب مالیاتی که صلاحیت عمل به نمایندگی از مالیه دهنده را دارا باشد.

۴،۵۴ انچه که برای اجرای وظایف یک مسؤول مالیاتی ضروری می باشد بستگی به لایحه وظایف آن شخص و وظایف محوله توسط رئیس یا آمر ان دارد.

۵،۵۴ معلومات یا اسناد که محرم می باشد می تواند خارج از محدوده وضع شده توسط ماده ۵۴ در صورت منظوری مالیه دهنده افشا گردد. بگونه مثال، اداره مالیاتی می تواند معلومات را به مشاور مالیه دهنده در صورت منظوری وی افشا نماید. از آنجایی که افشا بدون اجازه یک تخلف می باشد، مسؤول مالیاتی که به این مبنا معلومات را افشا می نماید باید متیقن گردد که اجازه مالیه دهنده به شکل کتبی کسب گردیده باشد.

۶،۵۴ محدودیت محرمیت به اسناد مالیاتی محدود نمی باشد. تمام معلومات یا اسناد جمع آوری شده محرم می باشد حتی اگر به مالیات مربوط هم نباشد. مراقبت خاص باید در مورد معلومات یا اسناد که از نظر تجاری با ارزش است یا حاوی رازهای تجارتی می باشد، مبذول گردد. اسناد که به تعیین مکلفیت مالیاتی مالیه دهنده مرتبط نمی باشند نباید در داخل اداره مالیاتی نگهداری گردد.

۷،۵۴ معلومات دریافت شده توسط مسؤول مالیاتی در ارتباط با یک مالیه می تواند به مسؤول مالیاتی دیگر به منظور تطبیق مالیه دیگر افشا یا مورد استفاده قرار گیرد. بگونه مثال، معلومات جمع آوری شده برای مالیه برارزش افزوده توسط مسؤول مالیاتی می تواند به مسؤول مالیاتی دیگر که آن را برای تطبیق مالیات برعایدات لازم دارد، بدهد یا مورد استفاده قرار گیرد.

۸،۵۴ افشای معلومات در مورد مالیه دهنده به منظور مالیه برارزش افزوده بین مسؤولین مالیاتی و مسؤولین گمرکات زمانی که برای اجرای وظایف لازم افتد (تطبیق مالیه برارزش افزوده) توسط این ماده صلاحیت داده شده است.

۹،۵۴ مثال از صلاحیت افشای معلومات به کشور خارجی زمانی است که یک ماده در معاهده با کشور خارجی برای تبادل معلومات صراحت داشته باشد.

۱۰،۵۴ بر علاوه استثنآت فوق جهت افشای معلومات، مسؤول مالیاتی همچنان اجازه دارد تا معلومات و اسناد مالیه دهنده را برای همان مالیه دهنده افشا نماید. ماده ۵ به مالیه دهنده حقوق متنوع پیشبینی نموده که شامل حق دریافت کمک در مورد امور مالیاتی وی، حق دریافت جوابات کتبی به سؤالات در ارتباط با امور مالیاتی و حق دسترسی به معلومات در مورد اسناد که توسط اداره مالیاتی حفظ می گردد، می باشد. جزء (۴) فقره ۱ ماده ۵ همچنان در مورد حق نمایندگی مالیه دهنده صراحت دارد، لذا افشای معلومات یا اسناد مالیه دهنده به افشای معلومات به نماینده با صلاحیت وی به شمول محاسب مالیاتی با صلاحیت نیز داده می شود.

۱۱،۵۴ محرمیت معلومات و اسناد فراتر از معلومات مالیه دهنده را نیز احتوا نموده و شامل موضوعات داخلی وزارت مالیه نیز می گردد مسؤول مالیاتی صلاحیت افشای آن را به دیگران ندارد. اینکه مسؤول مالیاتی صلاحیت افشای معلومات مشخص داخلی را دارد یا خیر،این امربه وظایف و صلاحیتهای وظیفوی وی بستگی دارد.

۱۲،۵۴ نقض محرمیت می تواند تابع اقدامات دسیپلینی، به شمول انفکاک ازوظیفه توسط وزارت مالیه قرار گیرد.

۱۳،۵۴ تمامی مواردعدم اطاعت از قانون مطابق فقره ۱۰ ماده ۴۵ تخلف می باشد و در صورت محکومیت، متخلف می تواند تا ۱۰۰۰۰۰ افغانی یا زندانی کردن وی که از دو سال بیشتر نباشد و یا هردو مجازات محکوم گردد.

۱۴،۵۴ اسناد یا معلومات می تواند به بورد حل منازعات مالیاتی یا محکمه توسط اداره مالیاتی در صورتی که برای بورد یا محکمه جهت اجرای وظایف ارزیابی منازعه مالیاتی لازم باشد، افشا گردد. مسؤولین بورد و محکمه توسط ماده ۵۴ مقید می گردند تا محدودیتهای محرمیت را مثل مسؤولین مالیاتی وقت که چنین معلومات یا اسناد را دریافت می نمایند، مراعات نمایند.

۱۵،۵۴ اسناد یا معلومات می تواند به سایر ادارات دولتی وقتیکه برای اجرای وظایف رسمی آنها ضروری باشد، افشا گردد. افشا در صورت می تواند به ریاست گمرکات مجاز باشد که ریاست متذکره ارزیابی اطاعت پذیری را بالای توریدکنندگان اجرا نماید. افشآ معلومات همچنان قانونی خواهد بود زمانی که به لوی څارنوالی به منظور تحقیق تخلفات مالیاتی افشا گردد.

۱۶،۵۴ در بعضی موارد ممکن لازم باشد ریاست عمومی عواید معلومات محدودی را به مراجع صدور جواز به منظور کمک آن ادارات در اجرای فعالیت های شان، ارائه نماید.

۱۷،۵۴ در هر مورد افشای معلومات به سایر ادارات دولتی، صرف محدود به اسناد یا معلوماتی است که برای رسیدن به هدف افشا، لازم و مرتبط بوده باشد. بگونه مثال، افشا به منبع صدور جواز در مجموع محدود به معلومات مقدماتی در مورد وجود و فعالیتهای تثبث می باشد. لازم نیست تا جزئیات عواید و مبالغ کسرات چنین مالیه دهنده ارائه گردد.

۱۸،۵۴ اسناد یا معلومات می تواند به کشور خارجی در صورت افشا گردد که معاهده بین افغانستان و آن کشور نافذ باشد. افشا فقط به مرجع با صلاحیت که در معاهده از آن نام برده شده که بطور عادی همتای ریاست عمومی عواید در کشور خارجی می باشد، صورت گیرد. همچنان برای چنین معاهدات مالیاتی عادی است تا لزوم محرمیت که مکلفیت را بالای مرجع مالیاتی خارجی وضع می نماید تا استفاده از اسناد یا معلومات را صرف به فعالیتهای لازم جهت برآورده نمودن فعالیتهای اداره مالیاتی محدود نماید، شامل نماید.

ایجاد بورد

مادۀ پنجاه و پنجم:

(1)بمنظور ارزیابی اعتراض در مورد تصامیم مالیاتی مندرج این قانون، بورد حل منازعات مالیاتی به ترکیب ذیل ایجاد میگردد .

1. یکنفر متخصص اقتصادی دارای تحصیلات عالی حد اقل لیسانس با پنج سال تجربه عملی در امور اقتصادی.
2. یکنفر متخصص امور حقوقی دارای تحصیلات عالی حد اقل لیسانس با پنج سال تجربه عملی در امور حقوقی.
3. یکنفر متخصص امور حسابی دارای تحصیلات عالی حد اقل لیسانس با پنج سال تجربه عملی در امور محاسبه.
4. یکنفر متخصص مالیه دارای تحصیلات عالی حد اقل لیسانس در حقوق یا اقتصاد با ۵ سال تجربه عملی در بخش اداره مالیاتی یا جمع اوری مالیات
5. یکنفر متخصص دارای تحصیلات عالی حد اقل لیسانس در بخش حقوق یا اقتصاد با ۵ سال تجربه عملی در امور سکتور خصوصی.

(2)اشخاص ذیل نه می توانند عضویت بورد را کسب نمایند:

۱- شخصیکه بالاثر تخلف از قوانین مالیاتی از طرف محکمه،محکوم شده باشد.

۲- شخص ورشکسته ایکه مکلفیت و وجایب مالیاتی خویش را اداء نه نموده باشد.

(3)اعضای بورد مندرج فقرۀ (۱) این ماده به پیشنهاد وزیر مالیه ومنظوری ریس جمهوری اسلامی افغانستان تعیین می گردند.

(4)وزارت مالیه میتواند، عندالضرورت با نظرداشت حکم فقره (۳) این ماده تغییرات را در ترکیب بورد وارد نماید.

(5)رئیس بورد حل منازعات مالیاتی ازمیان اعضای بورد ازطرف رئیس جمهور تعیین می گردد. .

(6)دوره کار اعضای بورد پنج سال بوده ودر صورت واجد شرایط بودن برای دورۀ های بعدی تمدید شده می تواند.

(7) طرزتدویر جلسات بورد حل منازعات مالیاتی درطرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

(۸) عزل اعضای بورد به پیشنهاد وزیر مالیه ومنظوری شورای وزیران در یکی از حالات ذیل صورت می گیرد:

۱- در صورتیکه توانایی انجام وظیفه را مطابق قوانین نافذه نداشته باشد .

۲- در صورتیکه به سوءاستفاده از موقف وظیفوی از طرف محکمه ذیصلاح محکوم گردید باشد.

۳- در صورت استعفاء از وظیفه.

۱,۵۵ ماده ۵۵ در مورد ایجاد بورد حل منازعات مالیاتی و طرزالعمل استخدام اعضای آن صراحت دارد. وزارت مالیه استخدام شوندگان را جهت منظوری به ریاست جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهاد می نماید.

۲,۵۵ فقره ۱ ماده ۵۵ سطح تحصیل لازم برای اشخاص انتخاب شده به بورد را مشخص می نماید. سطح تحصیلات لست شده به منظور ارائه تعداد کارشناس مربوطه به بورد می باشد. در حالیکه در فقره ۱ پیشبینی گردیده که ۵ عضو باید انتخاب گردد، هریک از هر کتگوری تحصیلی مندرج فقره متذکره. طبق فقره ۳ ماده ۵۵ وزارت می تواند بیشتر از ۵ شخص را در صورت نیاز انتخاب نماید (بگونه مثال، هرگاه تعداد دوسیه های استناف خواهی بیشتر گردد و تراکم کاری بورد تعداد اعضای بیشتری را ایجاب نماید). وزارت همچنان می تواند تعداد اعضای پیشنهادی از هر کتگوری تحصیلی مندرج فقره ۱ را متنوع نماید، به شرط اینکه شورای وزیران تغییرات را از آنچه که در ترکیب فقره ۱ پیشبینی گردیده، منظور نماید.

سطح تحصیلات:

۳,۵۵ استخدام در بورد تابع برآورده نمودن شرایط تحصیلی وتجربه کاری می باشد. شخص انتخاب شونده باید حداقل یکی از شرایط ذیل را در زمان استخدام برآورده نماید:

۱. اقتصاد دان با مدرک حداقل لیسانس و دارای پنج سال تجربه کاری در رشته مربوطه.

۲. حقوقدان با مدرک حداقل لیسانس و دارای پنج سال تجربه کاری در رشته مربوطه

۳. محاسب مسلکی با مدرک حداقل لیسانس و دارای پنج سال تجربه کاری در رشته مربوطه.

۴. متخصص مالیه با مدرک حداقل لیسانس و دارای پنج سال تجربه کاری در رشته مربوطه. تجربه کاری می تواند با ریاست عمومی عواید، سکتور خصوصی، یا ترکیب از هردو باشد. هرگاه تجربه کاری با ریاست عمومی عواید باشد، انتخاب شونده باید قبل از انتخاب در بورد جهت اجتناب از تضاد منافع استعفا داده یا باز نشسته باشد. در صورت داشتن تجربه کاری در سکتور خصوصی، تجربه کاری مربوطه در نقشی باشد که مسؤولیت اصلی اجرای وجایب مالیاتی استخدام کننده بوده، یا به صورت بدیل در تشبث که خدمات مالیاتی را به مشتریان ارائه می نماید کار نموده یا گرداننده تشبث متذکره باشد.

۵. متخصص امور اداری با مدرک حداقل لیسانس و پنج سال تجربه کاری عملی در سکتورهای خصوصی.

۴,۵۵ قاضی برحال یا بازنشسته می تواند به حیث عضو بورد از آنجایی که مطابق بند ۲ فوق واجد شرایط باشد، انتصاب شود.

۵,۵۵ طرزالعمل های جلسات بورد به مشوره بورد ایجاد و توسط وزیرمالیه منظور می گردد. طرزالعمل های مربوطه شامل تعداد اعضای لازم که برای دوسیه توظیف شود و چگونگی اتخاذ تصمیم در صورتی که بین اعضای بورد توظیف شده اختلاف نظرباشد.

۶,۵۵ فورمه درخواستی جهت ارائه دوسیه به بورد همچنان از طریق پروسه یکسان منظور می گردد. دو فورمه منظور شده وجود دارند که عبارتند از:

- درخواست برای ارزیابی توسط بورد حل منازعات مالیاتی
- درخواست جهت تمدید زمان

۷,۵۵ رئیس بورد توسط رئیس اداری از دریافت درخواستها و تاریخ دریافت آنها مطلع می گردد. رئیس بورد باید جلسه استماع بورد را در خلال ۶۰ روز از تاریخ که درخواست ارائه گردیده، برنامه ریزی نماید. وی باید تمام اعضا را از تاریخ استماع و جزئیات دوسیه های که باید ارزیابی گردد، مطلع نماید. نقل اسناد ارائه شده توسط درخواست کننده به تمام اعضای بورد فراهم می گردد. طرفهای منازعه (درخواست کننده و اداره مالیاتی) باید حد اقل ۳۰ روز قبل از تاریخ استماع مطلع گردند. رئیس می تواند این وظایف را خودش انجام دهد یا از رئیس اداری تقاضا نماید.

۸,۵۵ درخواست کننده حق دارد خودش در جلسه استماع دعوا شرکت نماید یا نماینده خود را بفرستد و یا هردو می توانند اشتراک کنند. نماینده ذیصلاح می تواند هر شخص به شمول وکیل باشد. اداره مالیاتی می تواند کارکنان یا نمایندگان ذیصلاح (مثل وکلا) یا هردو را جهت اشتراک در جلسه استماع بفرستد. طرفین می توانند دلایل خود را به صورت کتبی یا شفاهی یا هردو به بورد ارائه نمایند. هریک از طرفین همچنان می توانند اشتراک ننموده و روی ارائه استدلال کتبی اتکاء نمایند. هریک از طرفین می تواند اشخاص دیگر را جهت ارائه شواهد به بورد بیاورد، بگونه مثال متخصصین مسلکی یا شاهدان.

۹,۵۵ استماع بورد در صورتی که حداقل سه عضو آن حاضر باشد، معتبر است. استماع می تواند با تعداد کمتری از اعضا صرف در صورتی قابل اعتبار باشد که طرفین منازعه موافقت داشته باشند.

۱۰,۵۵ رئیس بورد، ریاست جلسه استماع را در صورت اشتراک عهده دار می باشد. در صورتی که وی شرکت ننماید اما کتباً به عضو دیگری صلاحیت ریاست را تفویض نموده باشد، شخص مذکور رئیس جلسه خواهد بود. در صورتیکه هیچ رئیس جلسه با استفاده از قواعد مذکور مشخص نشده باشد، اعضای شرکت کننده باید رئیس را انتخاب نمایند.

۱۱,۵۵ عضوی که دارای منافع مالی در دوسیه باشد باید رئیس بورد را از این واقعیت مطلع نموده و در جلسه استماع آن دوسیه اشتراک ننماید.

۱۲,۵۵ هرتصمیم اتخاذ شده در جلسه استماع باید با اکثریت آراء اعضای حاضر باشد. همچنان هرگونه تصمیم در مورد دوسیه بعد از استماع باید با اکثریت آراء باشد. در مورد تصمیم جای که تعداد مساویانه تقسیم شده باشد و تصمیم در ارتباط به سنجش یا سایر تصامیم مالیاتی اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی باشد، تصمیم باید به نفع اداره مالیاتی مدنظر گرفته شود. قسمت آن سنجش یا تصمیم مالیاتی تأیید تلقی می گردد.

۱۳,۵۵ اعضای جلسه استماع می توانند در همان جلسه استماع تصمیم بگیرند یا جلسه استماع را در روز دیگر به تعویق بیندازند و استماع را در روز دیگر برنامه ریزی نمایند. استماع بعدی باید در خلال ۳۰ روز از استماع اولی باشد. استماع دومی ادامه جلسه دوسیه تلقی شده و طرفین دارای حق و وجایب یکسان استماع اولی می باشند. استماع سومی یا استماع بیشتر برای دوسیه می تواند طبق نیاز برنامه ریزی گردد.

۱۴,۵۵ بورد باید در مورد دوسیه در خلال ۹۰ روز از استماع نهایی تصمیم بگیرد.

عدم قناعت بر تصمیم اعتراض

ماده پنجاه و ششم:

(1) در حالت مندرج فقرهٔ(۱) مادهٔ دوازدهم این قانون، شخص اعتراض خویش را در خلال سی روز، به بورد حل منازعات مالیاتی در فورم منظور شده، ارائه می نماید.

(2) هرگاه شخص در میعاد مندرج فقرهٔ (۱) این ماده، نتواند در خواست را به بورد حل منازعات مالیاتی ارائه کند، می تواند تمدیدآنرا از بورد حل منازعات مالیاتی درخواست نماید .

(3) درخواست کننده، نقل درخواست مندرج فقره (۱) این ماده را درخلال پنج روزازتاریخ ارائه آن به بوردحل منازعات مالیاتی، به اداره مالیات تسلیم می نماید .

۱,۵۶ هرگاه یک مالیه دهنده مطابق ماده ۱۱ یک اعتراض را به اداره مالیاتی ارائه نماید و بر تصمیم اداره مالیاتی قناعت نداشته باشد (یا تصمیم در خلال مدت زمان مندرج فقره ۶ ماده ۱۱ به مالیه دهنده ارائه نگردیده باشد) مالیه دهنده می تواند درخواست را به بورد حل منازعات مالیاتی ارائه نماید. درخواست باید در فورمه منظور شده در خلال ۳۰ روز از دریافت تصمیم (یا در خلال ۳۰ روز از عدم دریافت تصمیم) ارائه گردد.

۲,۵۶ یک مالیه دهنده اختیاردارد تا یک دوسیه را به بورد در ارتباط به تمام موضوعات مورد منازعه در اعتراض، یا فقط قسمت موضوع تابع اعتراض در صورت که خواسته باشد قسمت از موضوع برای منازعه بیشتر تعقیب گردد، ارائه نماید.

مثال:

تشبث خوشحال توسط اداره مالیاتی بررسی گردیده و بعضی مشکلات در اظهارنامه وی وجود داشته است. سنجش تعدیل شده با سه تعدیل برای اقلام مشخص مندرج در بررسی صادر گردیده است. سنجش تعدیل شده شامل عواید اضافی مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی، عدم مجرایی مصرف ۲۰۰۰۰ افغانی که وی ادعا نموده، و وضع مالیات اضافی برای اظهارات نادرست یا گمراه کننده و همچنان تأخیر در پرداخت ۲۳۰۰۰ افغانی می باشد. خوشحال تعدیل عواید را می پذیرد اما در برابر تعدیل مصارف اعتراض می نماید. وی می تواند قسمت سنجش را که مربوط به مصارف می باشد انتخاب و به حیث اعتراض به بورد ارائه نماید.

۳,۵۶ بورد حل منازعات مالیاتی بخش از وزارت مالیه می باشد. معلومات یا طرزالعمل ها ارائه دوسیه به بورد و جزئیات تماس بورد می تواند از وزارت مالیه دریافت گردد. با آغاز تطبیق قانون اداره امور مالیات، ریاست اداری وزارت مالیه کمک های اداری را به بورد ارائه می دارد. ریاست مذکور از طریق کارکنان اش مسؤول دریافت درخواستها و سایر اسناد به نمایندگی از بورد می باشد.

تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی

ماده پنجاه و هفتم:

بورد حل منازعات مالیاتی،تصامیم خویش را با نظر داشت احکام قوانین مالیاتی، سایر اسناد تقنینی ، معلومات و اسناد دست داشته و طرزالعمل های وضع شده اتخاذ می نماید.

۱,۵۷ در تصمیم گیری یک دوسیه، هر یک از اعضای بورد حل منازعات مالیاتی باید قوانین مربوطه (به طرزالعملها) و هرگونه حقایق و شواهد ارائه شده توسط مالیه دهنده و اداره مالیاتی را در حمایت از مباحثات طرفین مدنظر گیرد. طوری که در ماده ۱۴ پیشبینی گردیده، مالیه دهنده مسؤول ثبوت نادرستی تصمیم اتخاذ شده توسط اداره مالیاتی می باشد و هریک از اعضای بورد قابل قبول بودن مباحثات و شواهد مالیه دهنده را مدنظر خواهد گرفت. اعضای بورد همچنان می توانند مباحثات و شواهد ارائه شده توسط اداره مالیاتی را نیز مدنظر گیرند.

۲,۵۷ در مسایل حقوقی هر عضو باید دریافتهای خود را از قوانین مالیاتی و سایر قوانین مربوطه افغانستان به حقایق دوسیه تطبیق نماید. اعضای بورد طرزالعمل ها و رهنمودهای صادره توسط اداره مالیاتی را در صورتی که به دوسیه مربوط باشد، مدنظر خواهند گرفت اما الزامی نیست تا طرزالعمل یا رهنمود در صورتی که اعضا متیقن باشند که طرزالعمل و رهنمود مطابق قوانین مالیاتی نمی باشد،

رعایت گردد. عضو بورد می تواند همچنان معلومات مندرج قانون و تعلیماتنامه مالیاتی را مدنظر گیرد اما در صورتی که متیقن گردد که مطابق قوانین مالیاتی نمی باشد، الزامی نیست.

۳،۵۷ در صورتی که بورد بر خلاف موقف اداره مالیاتی در رهنمود، طرزالعمل عامه یا تعلیماتنامه تصمیم گرفته باشد و اداره مالیاتی به محکمه جهت لغو تصمیم، درخواست ارائه ننموده باشد، چنین پنداشته می شود که اداره مالیاتی تصمیم بورد را به حیث تفسیر درست قوانین مالیاتی پذیرفته است و باید رهنمود، طرزالعمل یا تعلیماتنامه مسترد و تصحیح گردد.

صلاحیت ها و وظایف بورد

مادهٔ پنجاه و هشتم:

(1)بورد حل منازعات مالیاتی در مورد سنجش مالیه و سایر تصامیم مالیاتی دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

1- در مورد سنجش مالیه:

- تائید، رد یا تعدیل سنجش مالیه .
- صدور حکم پرداخت هرنوع مبلغ سنجش شده قابل پرداخت که تادیه نشده است .

-ارجاع موضوع به اداره مالیات بمنظور تعیین مالیه در مطابقت باتصمیم بورد حل منازعات مالیاتی.

-صدور سایر احکام که برای حل منازعه لازم باشد.

2- در مورد سایر تصامیم مالیاتی:

- تائید یا تعدیل تصمیم مالیاتی.

-لغو تصمیم مالیاتی واخذ تصمیم جدید .

-لغو تصمیم مالیاتی و ارجاع آن به اداره مالیات به منظور غورمجدد درمطابقت به هدایت و پیشنهاد بورد حل منازعات مالیاتی.

(2)بورد حل منازعات مالیاتی دارای وظایف ذیل می باشد:

1- صدور تصمیم طور کتبی بعد از تکمیل جلسه به اسرع وقت.

2- ابلاغ تصمیم در خلال هفت روز بعد ازصدور، به طرفین.

(3)تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی حاوی مطالب ذیل میباشد:

1- ذکر دلایل قانونی تصمیم.

2- نتیجه تحلیل بورد حل منازعات مالیاتی از حقایق تصمیم.

3- استناد به مدارک که تصمیم به اساس آن صورت گرفته باشد.

(4)بورد حل منازعات مالیاتی مکلف است، تصامیم اتخاذ شده بورد را از طریق سایت مربوط نشر و بدسترس عامه قرار دهد، مشروط بر اینکه هویت درخواست کننده یا شخص مربوط دیگر و راز های تجارتی یا سایر معلومات محرم افشا نگردد.

(۵) نقل تصدیق شده تصمیم بورد حل منازعات مالیاتی درجلسات محکمه به حیث مدرک، شناخته میشود.

۱,۵۸ صلاحیتهای وسیعی در فقره ۱ ماده ۵۸ برای بورد پیشبینی گردیده است. در ارتباط به سنجشهای مالیاتی مورد منازعه مالیه دهنده، بورد می تواند سنجش را تأیید یا به صورت کامل مسترد یا قسماً تعدیل نماید. هرگونه مستردی یا تعدیل سنجش باید با توجه به موضوع مورد منازعه مالیه دهنده باشد.

۲,۵۸ برای یک مالیه دهنده از نگاه قانون مجاز نیست تا موضوعات منازعه جدید را که قسمت از قضیه اعتراض آنها نمی باشد، مطرح نماید و از این رو بورد نمی تواند هیچگونه موضوع جدید را که خارج از محدوده منازعه مالیه دهنده که برای بورد ارائه گردیده، مدنظر گیرد. بورد نمی تواند یک سنجش را تعدیل یا اداره مالیاتی را حکم نماید تا در مورد چیزی که قسمت از ادعای مالیه دهنده در منازعه ای که به بورد ارائه گردیده نمی باشد، اجراآت نماید.

۳,۵۸ اشخاص که نزد بورد ظاهر می گردند انتظار می رود حین ارائه معلومات صادق و راستگو باشند. شخص که اظهارات نادرست به بورد ارائه می نماید نمی تواند مستقیماً توسط بورد مجازات گردد، ، بورد می تواند غیر مستقیم مجازات وضع و در فیصله نهایی شامل نماید و اداره مالیاتی را حکم کند تا مالیه اضافی مطابق ماده ۴۰ در سنجش جدید وضع نماید. بورد همچنان می تواند یک دوسیه مشکوک به اظهارات نادرست را مطابق فقره ۹ ماده ۴۵ به لوی څارنوالی راجع نماید.

۴،۵۸ بورد می تواند یک سنجش را جهت کاهش مالیه قابل پرداخت تعدیل نماید. در بعضی موارد بورد می تواند مالیه قابل پرداخت در سنجش را افزایش دهد، بگونه مثال، هرگاه افزایش نتیجه ای مالیه در یک دوره، در نتیجه تصمیم کاهش مالیه در دوره دیگر باشد (به شرط اینکه سنجشها کلاً به موضوع مورد منازعه ارتباط بگیرد).

۵،۵۸ بورد می تواند دوسیه را به اداره مالیاتی جهت تعیین مالیه مطابق هدایات ارائه شده توسط بورد راجع نماید. بگونه مثال، هرگاه بورد در مورد اصول قابل تطبیق به دوسیه تصمیم بگیرد اما حقایق بیشتر برای بورد جهت تعیین مالیه لازم نامعلوم باشد، بورد می تواند دوسیه را به اداره مالیاتی جهت تعیین مالیه در مطابقت با تصمیم بورد بعد از جمع آوری حقایق لازم، راجع نماید. از آنجایی که اداره مالیاتی دارای سیستم و قرطاسیه جهت صدور سنجشها می باشد، که هرگاه بورد تعیین نماید که سنجش یا سنجش تعدیل شده باید به مالیه دهنده صادر گردد، اداره مالیاتی را جهت این امر هدایت می دهد تا در مطابقت با هدایات ارایه شده عمل نماید.

۶،۵۸ در موارد تصامیم مالیاتی که سنجش مالیاتی نمی باشد، بورد می تواند تصمیم مالیاتی را تأیید یا تعدیل یا تصمیم جدید را جایگزین ان نماید. تصمیم تعدیل شده یا تصمیم جدید تصمیم اصلی را که توسط اداره مالیاتی اتخاذ گردیده، لغو می نماید و مطابق قوانین مالیاتی به حیث بدیل تصمیم اصلی نافذ می باشد.

۷،۵۸ بورد می تواند انتخاب کند تا دوسیه به اداره مالیاتی جهت بازنگری تصمیم مالیاتی مطابق با هدایات ارائه شده توسط بورد، برگرداند. بگونه مثال، هرگاه بورد در مورد اصول حقوقی قابل تطبیق بالای دوسیه تصمیم بگیرد اما بورد حقایق بیشتری را که برای تعیین مالیه لازم است نمی داند، بهتر است بورد دوسیه را به اداره مالیاتی جهت بازنگری تصمیم مالیاتی مربوطه بعد از جمع آوری حقایق لازم راجع نماید.

۸،۵۸ تمام موضوعات فوق تابع اقامه دعوا به محکمه توسط طرفین (مالیه دهنده یا اداره مالیاتی یا هردو) مطابق فقره ۲ ماده ۱۲ می باشد. اداره مالیاتی مجبور نیست تصمیم بورد را تا زمانی که نهایی نگردد، اجرا نماید (عدم اقامه دعوا به محکمه در خلال ۳۰ روز طوری که فقره ۳ ماده ۱۲ ایجاب می نماید). زمانی که تصمیم نهایی می گردد، اداره مالیاتی باید تصمیم و هرگونه هدایت یا احکام صادر شده توسط بورد را رعایت نماید.

۹،۵۸ بورد مکلف به یادداشت تصمیم خود در مورد دوسیه می باشد. تصمیم کتبی باید دلایل تصمیم به شمول حقایق پذیرفته شده یا مسترد شده در اتخاذ تصمیم، شواهد که بالای آن اتکا گردیده و دلایل حقوقی تصمیم را تشریح نماید. نقل از این سند باید به طرفین منازعه (مالیه دهنده و اداره مالیاتی) در خلال ۷ روز از صدور تصمیم فراهم گردد. عدم رعایت بورد از این وجایب می تواند دلایل شامل در اقامه دعوا به محکمه باشد.

۱۰،۵۸ جهت ارائه شفافیت و همچنان ارائه رهنمود به سایر مالیه دهندگان که ممکن دارای موضوعات مشابه آنچه که قبلاً بورد در موردش تصمیم اتخاذ نموده باشد، بورد باید هر تصمیم را در صفحه انترنیتی اختصاصی موجود برای دسترسی عامه نشر نماید. تصمیم باید جهت حذف یا ارائه جزئیات مستعار که مالیه دهنده را مشخص نماید، تصحیح گردد، اما در غیر آن صورت تصمیم کتبی صادره به طرفین منازعه باید به صورت کامل در صفحه انترنیتی دوباره نشر گردد.

فصل دوازدهم

تصدیق نامه های تصفیه مالیه و بازپرداخت ها

تصدیق نامه

ماده پنجاه و نهم:

(۱) اداره مالیات، تصدیق نامه تصفیه مالیه را در خلال بیست و یک روز بعد از دریافت درخواست شخص صادر مینماید، مشروط بر اینکه حین درخواست اظهارنامه مالیاتی را ارائه و ذمت مالیاتی خویشرا مطابق قوانین مالیاتی اداء نموده باشد.

(۲) در حالات مندرج فقره (۱) این ماده، قبل از صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه به رئیس شرکت، اظهارنامه های مالیاتی و ذمت مالیاتی شرکت نیز توسط اداره مالیات تصفیه میگردد.

(۳) مراجع که مطابق احکام قانون صلاحیت صدور جواز های تجارتی یا سایر جواز ها را جهت پیشبرد فعالیت اقتصادی دارند، در صورتی جواز را صادر یا تمدید نموده میتوانند که شخص تصدیق نامه مندرج فقره (۱) این ماده را در خلال بیست و یک روز از تاریخ صدور آن ارائه نماید.

۱،۵۹ ادارات دولتی و مراجع مسؤول صدور جواز های تجارتی و سایر جواز ها جهت پیشبرد فعالیت های اقتصادی صرف در صورتی جواز را صادر یا تمدید نموده میتوانند که درخواست کننده تصدیق نامه تصفیه مالیه را ارایه نماید. بنابراین، درخواست کنندگان، در زمان درخواست صدور یا تمدید جواز، مکلف به دریافت تصدیق نامه تصفیه مالیه از اداره مالیات میباشند.

مثال ۱ :

شرکت غزنوی جواز فعالیت تجارتی خویش را در آغاز برج سنبله سال ۱۳۹۵ از وزارت تجارت اخذ نموده است و این جواز الی آغاز برج سنبله سال ۱۳۹۸ اعتبار دارد. در ماه اسد سال ۱۳۹۸، مدیر شرکت غزنوی برای تمدید جواز خویش به وزارت تجارت درخواست مینماید. موصوف در زمان ارایه درخواست تمدید جواز باید تصدیق نامه تصفیه مالیه را که از اداره مالیات دریافت نموده ارایه نماید. وزارت تجارت مکلف به مطالبه ارایه تصدیق نامه با درخواست بوده و در صورتیکه مدیر شرکت تصدیق نامه را ارایه ننماید، این وزارت جواز شرکت را تمدید کرده نمیتواند.

۲،۵۹ مالیه دهندگان می توانند تصدیق نامه تصفیه مالیه را از اداره مالیات بصورت کتبی یا با مراجعه به یکی از دفاتر این اداره، درخواست نمایند. فقره (۱) ماده ۵۹ اداره مالیات را ملزم می سازد تا تصدیق نامه را در خلال بیست و یک روز بعد از دریافت درخواست صادر نماید، مشروط بر اینکه شخص اظهارنامه های مالیاتی خویش را ارایه و مالیات ذمت خویش را پرداخت نموده باشد. این امر اداره مالیات را مجبور می سازد تا ارزیابی های داخلی اسناد خویش را بصورت فوری انجام دهد و در خلال بیست و یک روز تصدیق نامه را صادر یا بر رد درخواست تصمیم اتخاذ نماید.

۳،۵۹ قوانین مالیاتی افغانستان بر مبنای سیستم سنجش خودی می باشد. مالیه دهندگان اظهارنامه های مالیاتی خویش را خود شان ترتیب می نمایند و مکلف به ارایه اظهارنامه و پرداخت مالیات شان در میعاد معینه می باشند. اظهارنامه های مالیاتی درست محسوب می گردند مگر اینکه اداره مالیات اسناد در اختیار داشته باشد که خلاف آنرا ثابت نماید. بنابراین، این سوال که آیا یک مالیه دهنده مستحق تصدیق نامه تصفیه مالیه قرار می گیرد یا خیر باید مطابق اسناد اداره مالیات در زمان ارایه درخواست تصدیق نامه توسط مالیه دهنده بر اساس سیستم سنجش خودی، پاسخ داده شود.

مثال ۲:

به تعقیب حقایق مندرج مثال ۱، مدیر شرکت غزنوی به تاریخ اول برج اسد سال ۱۳۹۸ جهت درخواست تصدیق نامه تصفیه مالیه برای شرکت به دفتر محلی اداره مالیات مراجعه نمود. اسناد اداره مالیات مبین آنست که شرکت مذکور اظهارنامه های سالانه مالیات برعایدات خویش را بابت سال ۱۳۹۷ و سالهای قبل ارایه نموده است. شرکت متذکره تمام اظهارنامه های مالیات موضوعی را که الی اول اسد سال ۱۳۹۸ ارائه ان لازم بوده ارایه نموده است. این شرکت ثبت مالیه بر ارزش افزوده بوده و ارزیابی اسناد اداره مالیات نیز مبین آنست که شرکت اظهارنامه مالیه بر ارزش افزوده بابت ربع که ختم آن برج جوزای ۱۳۹۸ است و اظهارنامه های تمام ربع های قبلی را ارایه کرده است. مالیه قابل پرداخت مندرج اظهارنامه های مالیاتی در زمان ارایه اظهارنامه های مالیاتی پرداخت گردیده است و بیلانس قابل پرداخت شرکت از درک تمام حسابات مالیاتی آن تصفیه میباشد.

اداره مالیات مکلف است تا تصدیق نامه تصفیه مالیه را به شرکت صادر نماید. این اداره باید تصدیق نامه را به تاریخ ۲۲ اسد سال ۱۳۹۸ یا قبل از آن صادر نماید.

۴،۵۹ آغاز یا اجرای بررسی مالیه دهنده مکلفیت اداره مالیات را مبنی بر صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه در خلال بیست و یک روز بعد از درخواست، برطرف نمی نماید. مکلفیت مندرج فقره (۱) ماده ۵۹ نظر به وضعیت مالیه دهنده به تاریخ درخواست تعیین میگردد.

مثال ۳:

به تعقیب حقایق مندرج مثال ۲، اداره مالیات تصمیم میگیرد تا بررسی اظهارنامه مالیه بر ارزش افزوده شرکت بابت ربع که ختم آن جوزای ۱۳۹۸ است را آغاز نماید. بررسی به تاریخ ۲ اسد ۱۳۹۸ با صدور اطلاعیه درخواست اسناد مختلف کاری به شرکت، آغاز میگردد.

اداره مالیات مکلف به صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه به شرکت میباشد. این اداره باید تصدیق نامه را به تاریخ ۲۲ اسد ۱۳۹۸ یا قبل از آن صادر نماید. آغاز بررسی روی اظهارنامه مالیه بر ارزش افزوده این مکلفیت را تغییر نمیدهد زیرا مطابق ماده ۵۹، به تاریخ ۱ اسد ۱۳۹۸ هیچ نوع اظهارنامه مالیاتی شرکت ارایه ناشده باقی نمانده و شرکت مذکور هیچ نوع مالیه قابل پرداخت در این تاریخ نداشته است.

۵،۵۹ اجرای بررسی مالیه دهنده مکلفیت اداره مالیات را مبنی بر صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه در خلال بیست و یک روز بعد از درخواست برطرف نمی نماید، حتی اگر بررسی هم قبل از تاریخ درخواست آغاز شده باشد. این مکلفیت اداره مالیات همچنان برطرف نمیگردد حتی اگر اظهارنامه مالیاتی یا مبلغ مالیه قابل پرداخت بعد از تاریخ درخواست اما قبل صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه توسط اداره مالیات، قابل ارایه و قابل تادیه گردد.

مثال ۴:

حقایق این مثال عین حقایق مندرج مثال ۲ می باشد، به استثنای اینکه بررسی اظهارنامه مالیه بر ارزش افزوده بابت ربع که ختم آن جوزای ۱۳۹۸ است به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۸ آغاز میگردد. بررسی به تاریخ ۱ اسد ۱۳۹۸ زمانیکه درخواست مدیر شرکت غزنوی بابت تصدیق نامه تصفیه مالیه دریافت میگردد، جریان دارد. در زمان درخواست، بررس مصروف ارزیابی اسناد کاری شرکت بوده و برخی از تفاوت ها را شناسایی نموده اما تا هنوز اطلاعیه سنجش را صادر نکرده است. بررس کار بررسی را به تاریخ ۱۲ اسد تکمیل مینماید و اطلاعیه سنجش مالیه بر ارزش افزوده اضافی قابل پرداخت بابت ربع که ختم آن جوزای ۱۳۹۸ است را به تاریخ ۱۳ اسد ۱۳۹۸ صادر مینماید.

اداره مالیات هنوز هم مکلف به صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه به شرکت میباشد. این اداره باید تصدیق نامه را به تاریخ ۲۲ اسد ۱۳۹۸ یا قبل از آن صادر نماید. در زمان درخواست تصدیق نامه تصفیه مالیه (یعنی به تاریخ ۱ اسد ۱۳۹۸)، هیچ نوع اظهارنامه

مالیاتی شرکت ارایه ناشده باقی نمانده و شرکت مذکور هیچ نوع مالیه قابل پرداخت در این تاریخ نداشته است.
در متن تصدیق نامه تصفیه مالیه چنین ذکر میگردد که اداره مالیات تایید مینماید که شرکت غزنوی، مطابق اسناد اداره مالیات به تاریخ ۱ اسد ۱۳۹۸، در پیروی کامل از مکلفیت ارایه اظهارنامه و پرداخت مالیات قابل پرداخت در این تاریخ، قرار دارد. بنابراین، متن تصدیق نامه درست بوده و در مطابقت با ماده ۵۹ قرار دارد.

۶،۵۹ در حالیکه قانون به صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه در خلال بیست و یک روز بعد از تاریخ درخواست، حکم می نماید، در بسیاری موارد صدور تصدیق نامه در یک زمان بسیار کوتاه نا ممکن خواهد بود. در مورد مالیه دهندگانی که اسناد شان بشکل کمپیوتری توسط اداره مالیات نگهداری میگردد، صدور تصدیق نامه در عین روز درخواست برای اداره مالیات نا ممکن خواهد بود.

۷،۵۹ در امر ملاحظه ارایه اظهارنامه های مالیاتی مندرج ماده ۵۹، مالیه دهنده که تمدید زمان ارایه اظهارنامه مالیاتی وی مطابق ماده هفتم منظور گردیده، در خلال زمان تمدید از مکلفیت های ارایه اظهارنامه پیروی نماید.

۸،۵۹ هرگاه مالیه دهنده دارای ذمت مالیاتی باشد که در خلال زمان تمدید شده باید مطابق ماده پانزدهم پرداخت گردد، این ذمت مالیاتی مالیه دهنده را از دریافت تصدیق نامه تصیفه مالیه مانع نمی گردد. عین حکم همچنان بالای ذمت مالیاتی تابع موافقه پرداخت به اقساط تطبیق میگردد، مشروط بر اینکه مالیه دهنده به روز درخواست تصدیق نامه از موافقه اقساط پیروی نماید.

9.59 در برخی موارد، یک مالیه دهنده ممکن دارای یک مبلغ مالیه قابل پرداخت مورد منازعه باشد. مالیه دهنده ممکن اعتراض خویش را مطابق ماده یازدهم این قانون ارایه نموده باشد، یا دعوی قانونی را مطابق ماده 56 این قانون به بورد حل منازعات مالیاتی یا مطابق فقره (۲) ماده دوازدهم این قانون به محکمه ارایه کرده باشد. در حالیکه بروز منازعه مالیاتی مانع تحصیل مالیه شده نمیتواند، اما در صورتیکه یک منازعه واقعی وجود داشته باشد، اداره مالیات میتواند، مطابق مقرره ها، مبنی بر به تعویق انداختن زمان پرداخت تمام مالیه یا قسمتی از آن موافقت نماید. هرگاه در روز درخواست برای تصدیق نامه تصفیه مالیه، مالیه پرداخت ناشده وجود داشته باشد و مورد منازعه مالیاتی موجود که قبل از آن روز مطرح شده قرار داشته باشد، مشروط بر اینکه مبلغ پرداخت ناشده بمنظور به تعویق انداختن زمان پرداخت مطابق مقرره ها توسط اداره مالیات منظور شده باشد، این امر مانع مستحق بودن مالیه دهنده به تصدیق نامه تصفیه مالیه مندرج ماده 59 نمی گردد.

10.59 هرگاه مالیه دهنده در زمان درخواست برای تصدیق نامه تصفیه مالیه مکلف به تادیه مالیه قابل پرداخت باشد، وی مطابق ماده 59 اطاعت پذیر تلقی می گردد، مشروط بر اینکه در برابر مالیه قابل پرداخت تضمین کامل منحیث بخشی از موافقه مندرج فقره (۶) ماده ۲۴ فراهم نماید.

منازعه امتناع از صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه:

11.59 امتناع از صدور تصدیق نامه تصفیه مالیه (بشمول کوتاهی در صدور تصدیق نامه به هر دلیلی که باشد)، مطابق تعریف مندرج فقره (۱) ماده سوم یک تصمیم مالیاتی می باشد. بنابر این، این تصمیم می تواند توسط شخص که تصدیق نامه را درخواست نموده مورد منازعه قرار گیرد. شخص مذکور می تواند اعتراض خود را مطابق ماده یازدهم ارایه و حقوق خود را طبق فصل چهارم پیگیری نماید.

بازپرداخت

ماده ششم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده، مالیه ذمت خویشرا اضافه یا سهواً پرداخت نموده باشد، اداره مالیات مطابق قوانین مالیاتی و طرزالعمل های مربوط، آنرا تثبیت نموده و از بازپرداخت آن طور کتبی به مالیه دهنده اطلاع میدهد.

(۲) در حالت مندرج فقره (۱) این ماده مالیه دهنده در صورتی مستحق بازپرداخت می باشد که در خلال پنج سال از تاریخ اضافه پرداخت، طور کتبی آنرا مطالبه نموده باشد.

(۳) هرگاه از طرف اداره مالیات مبلغ سهواً بازپرداخت گردیده باشد، از تاریخ پرداخت آن منحیث مالیه قابل پرداخت مالیه دهنده، تلقی می گردد.

1.60 ماده بیست و پنجم قانون مالیه بر ارزش افزوده پیرامون پروسه ای صراحت دارد که در آن مالیه دهندگان می توانند مبلغ قابل پرداخت مالیه بر ارزش افزوده را زمانی که مالیه بر ارزش افزوده پرداخت شده آنها بیشتر از مالیه بر ارزش افزوده قابل پرداخت می باشد، تعیین نمایند. همچنان حالاتی در قانون مالیات بر عایدات وجود دارد که مالیه پرداخت شده یک مالیه دهنده ممکن از مالیات برعایدات قابل پرداخت وی بیشتر باشد. همچنان این امکان نیز وجود دارد که مالیه دهندگان یک مبلغ راسهواً پرداخت نمایند. در این حالات، ماده 60 قانون اداره امور مالیات حکم می نماید که مالیه دهنده در صورتی مستحق دریافت بازپرداخت می باشد که در خلال پنج سال از تاریخ اضافه پرداخت، آنرا مطالبه نماید.

مثال ۱:

مالیه دهنده ثبت شده مالیه بر ارزش افزوده قسمت اعظم تولیدات خویش را صادر می نماید. وی از درک مواد استفاده شده در تولیدات خویش تابع مالیه بر ارزش افزوده قرار می گیرد. از آنجاییکه صادرات تابع نورم صفر می باشد، مطابق قانون مالیه بر ارزش افزوده، مالیه بر ارزش افزوده پرداخت شده (مالیه قابل مجرایی) مالیه دهنده در هر دوره مالیه بر ارزش افزوده از مالیه بر ارزش افزوده قابل پرداخت وی در همان دوره بیشتر می باشد. مالیه دهنده مطابق ماده بیست و پنجم قانون مالیه بر ارزش افزوده از درک مبلغ اضافی بعد از هرگونه انتقال لازم برای دو دوره مالیه بر ارزش افزوده، مستحق بازپرداخت می باشد. هرگاه مالیه دهنده در خلال پنج سال که در ماده 60 قانون اداره امور مالیات مشخص شده برای بازپرداخت درخواست نماید، وزارت مالیه مکلف است تا بازپرداخت را بپردازد (البته با پیروی از قواعد مندرج ماده 61، طوریکه در ذیل روی آن بحث صورت گرفته است).

مثال ۲ :

یک تاجر دارنده جواز، فعالیت خویش را در اواخر سال مالیات برعایدات سالانه آغاز مینماید و مطابق قانون مالیات بر عایدات از درک قیمت تمام شد اجناس وارده خویش تابع مالیه ثابت دو فیصد قرار میگیرد. از آنجاییکه از سال مالیات بر عایدات زمان کم باقی مانده است، عاید فروشات تاجر در این سال مالی صرف یک مبلغ کوچک بوده و بنابراین مجرایی وی از بابت مالیه ثابت تادیه شده بیشتر است نسبت به ذمت مالیاتی او که در اظهارنامه سالانه مالیات برعایدات وی سنجش شده است. مالیه دهنده میتواند مطابق ماده 60 قانون اداره امور مالیات برای بازپرداخت درخواست نماید و سپس مستحق بازپرداخت قرار خواهد گرفت (البته با پیروی از قواعد مندرج ماده 61، طوریکه در ذیل روی آن بحث صورت گرفته است).

مثال ۳ :

یک مالیه دهنده برای ذمت مالیاتی خویش که مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی تعیین میگردد یک اطلاعیه سنجش را دریافت مینماید. وی این مبلغ را بشکل الکترونیکی از حساب بانکی خویش به د افغانستان بانک انتقال میدهد اما در زمان درج مبلغ اشتباه نموده و سهواً مبلغ ۱۰۰۰۰۰ افغانی را پرداخت مینماید. این مالیه دهنده میتواند مطابق ماده 60 درخواست بازپرداخت نماید.

مثال ۴:

یک مالیه دهنده اظهارنامه سالانه مالیات برعایدات سال ۱۳۹۶ خویش را ارایه مینماید و مالیه مندرج اظهارنامه را میپردازد. پس از شش ماه وی در میابد که برای برخی از ساختمان ها از نورم غلط استهلاک استفاده نموده و مطابق قانون مالیات بر عایدات در واقع مستحق نورم بلندتر بوده است. وی تعدیل اظهارنامه مالیاتی ۱۳۹۶ را درخواست مینماید و اداره مالیات مشخص میکند که ذمت مالیاتی او بابت آن سال مالی پائین تر از مبلغی است که او پرداخته است. اطلاعیه تعدیل سنجش صادر میگردد. مالیه دهنده میتواند مطابق ماده 60 قانون اداره امور مالیات درخواست بازپرداخت نماید وسپس مستحق بازپرداخت قرار خواهد گرفت (البته با پیروی از قواعد مندرج ماده 61، طوریکه در ذیل روی آن بحث صورت گرفته است).

مثال ۵:

یک مالیه دهنده توسط اداره مالیات بررسی میگردد و در نتیجه بررسی، تعدیل سنجش صادر میگردد. مالیه دهنده مالیه ذمت خویش را میپردازد اما همچنان اعتراض خویشرا مبنی بر عدم موافقت با قسمتی از مالیه سنجش شده ارایه مینماید. بعد از تعقیب طرزالعمل های منازعه مندرج فصل چهارم، قضیه بلاخره در محکمه خاتمه میابد. تصمیم محکمه به نفع مالیه دهنده صورت میگیرد و در نتیجه، اداره مالیات مکلف به صدور تعدیل سنجش میگردد که این تعدیل مالیه ذمت مالیه دهنده را کاهش میدهد. از آنجاییکه مالیه دهنده مالیه را قبلاً پرداخت نموده است، مالیه توسط مالیه دهنده اضافه پرداخت شده است. مالیه دهنده میتواند مطابق ماده 60 قانون اداره امور مالیات درخواست بازپرداخت نماید و سپس مستحق بازپرداخت قرار خواهد گرفت (البته با پیروی از قواعد مندرج ماده 61، طوریکه در ذیل روی آن بحث صورت گرفته است).

2.60 مطابق فقره (۳) ماده 60، هرگاه بازپرداخت به مالیه دهنده تادیه شود و بعداً معلوم گردد مالیه دهنده مستحق بازپرداخت نبوده است (بدلیل اشتباه، تقلب یا به دلایل دیگر)، مبلغ بازپرداخت از تاریخ که بازپرداخت به مالیه دهنده صورت گرفته، منحیث مالیه قابل پرداخت مالیه دهنده محسوب می گردد. این بدین معناست که مالیه اضافی مندرج ماده ۳۴ از تاریخ بازپرداخت بالای مبلغ بازپرداخت شده تطبیق می گردد.

مجرایی، انتقال و تادیه بازپرداخت

ماده شصت و یکم:

(۱) بازپرداخت مندرج ماده شصتم این قانون، به ترتیب ذیل صورت میگیرد:

۱- مجرایی در مقابل ذمت مالیاتی یا محصول گمرکی تادیه ناشده مالیه دهنده.

۲- در صورت موافقه، مجرایی در مقابل ذمت مالیاتی شخص دیگر.

۳- در صورت تقاضا، به شخص.

۴- انتقال در مقابل ذمت مالیاتی آینده مالیه دهنده.

(۲) اداره مالیات مکلف است، در مورد تخصیص بازپرداخت کتباً به مالیه دهنده اطلاع دهد.

(۳) هرگاه مبلغ بازپرداخت کمتر از یک هزار (۱۰۰۰) افغانی باشد، قابل بازپرداخت نبوده و در مقابل ذمت مالیاتی آینده مالیه دهنده انتقال و مجرایی داده میشود.

۱،۶۱ هرگاه بازپرداخت مطابق ماده ۶۰ قابل پرداخت باشد، ماده ۶۱ شرایط مجرایی یا انتقال را مشخص می نماید که اداره مالیات باید از آن قبل از تعیین اینکه آیا کدام مبلغ قابل بازپرداخت به مالیه دهنده قابل پرداخت باقی می ماند یا خیر، پیروی نماید.

۲،۶۱ اداره مالیات بازپرداخت به مالیه دهنده را زمانی منظور می نماید که مستحق بودن مالیه دهنده به بازپرداخت بصورت کامل و نهایی مستحق باشد. مستحق بودن که بصورت کامل و نهایی مشخص می گردد شامل موارد ذیل میباشد:

- پذیرش ادعای کاملاً مستند بازپرداخت مالیه دهنده توسط اداره مالیات مطابق فقره (۱) یا (۳) ماده بیست و پنجم قانون مالیه بر ارزش افزوده.
- تصمیم مطابق ماده ۵۷ که به نفع مالیه دهنده است و اداره مالیاتی تصمیم گرفته تا به محکمه درخواست ننماید یا وقت درخواست به محکمه گذشته است.
- مستحق بودن به بازپرداخت عواید فروش دارایی مندرج فقره (۴) ماده بیست و چهارم
- فیصله نهایی محکمه. فیصله نهایی به معنی تصمیم محکمه بوده که نمی توان دیگر بر علیه آن اعتراض نمود.

۳،۶۱ زمانیکه مستحق بودن به بازپرداخت بصورت کامل و نهایی مشخص گردید، اداره مالیات اسناد خویش را ارزیابی می نماید تا هرگونه مالیه ذمت تادیه ناشده دیگر که در برابر آن هر نوع بیلانس مجرایی باید تطبیق گردد، شناسایی شود. طبیعتاً در تطبیق حکم ماده ۶۱، این باید برای اداره مالیات ممکن باشد تا معلوم نمایدکه آیا کدام مالیه ذمت تادیه ناشده وجود دارد یا خیر. این بدین معناست که اگر کدام اظهارنامه مالیاتی (اظهارنامه های مالیه بر ارزش افزوده، اظهارنامه های مالیات بر عایدات بشمول مالیه موضوعی یا سایر صورت حسابات لازم که باید ارایه گردد) ارایه نشده باشد، هیچ نوع بازپرداخت تا زمان ادای این مکلفیت ها تادیه شده نمیتواند.

۴،۶۱ اگر هیچ نوع مالیه ذمت ادا ناشده دیگر وجود نداشته باشد، یا هنوز هم پس از مجرایی سایر مکلفیتهای مالیاتی پرداخت ناشده بیلانس مجرایی باقی مانده باشد، سپس اداره مالیات بررسی می نماید تا مالیه دهنده هیچ گونه محصول گمرکی تادیه ناشده نداشته باشد.

۵،۶۱ هرگاه مالیه دهنده محصول گمرکی تأدیه ناشده داشته باشد، سپس اداره مالیات با ریاست گمرکات جهت مجرا شدن محصول گمرکی مالیه دهنده توسط مبالغ مدیون به مالیه دهنده، توافق می نماید.

۶،۶۱ اگر پس از فراهم نمودن مجرایی های لازم در برابر هر گونه مالیات یا محصولات گمرکی تادیه ناشده دیگر هنوز هم کدام مبلغ دین به مالیه دهنده وجود داشته باشد، مالیه دهنده میتواند مجرایی آنرا در برابر وجایب مالیه دهنده دیگر درخواست نماید.

۷،۶۱ اداره مالیات باید مالیه دهنده را از هرگونه اقدام فراهم نمودن مجرایی در برابر مالیات یا محصولات گمرکی کتباً اطلاع دهد. در صورتیکه هرگونه مبلغ دین به مالیه دهنده پس از فراهم نمودن مجرایی های لازم در برابر مالیات یا محصولات گمرکی مالیه دهنده یا مالیات ذمت مالیه دهنده دیگر هنوز هم وجود داشته باشد، در اطلاعیه همچنان باید مبلغ باقی مانده به عنوان حق مالیه دهنده ذکر گردد.

۸،۶۱ اطلاعیه باید بیان نماید که:

- مالیه دهنده می تواند در برابر مالیات ذمت مالیه دهنده دیگر درخواست مجرایی نماید؛ یا
- مالیه دهنده می تواند بازپرداخت مبلغ را درخواست نماید، مشروط براینکه مبلغ مذکور ۱۰۰۰ افغانی یا بیشتر ازان باشد.

۹،۶۱ در صورت عدم ارایه چنین درخواست از جانب مالیه دهنده، یا در صورتیکه مبلغ باقی مانده کمتر از ۱۰۰۰ افغانی باشد، مبلغ مذکور انتقال و در مقابل مالیات ذمت آینده مالیه دهنده مجرا می گردد.

فصل سیزدهم
احکام متفرقه

وضع مقرره و طرزالعمل ها

ماده شصت و دوم:

(۱) وزارت مالیه میتواند، بمنظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقرره ها را پیشنهاد و تعلیمات نامه ها، طرزالعمل ها و رهنمود ها را که مغایر احکام قوانین مالیاتی نباشد، وضع نماید.

(۲) اداره مالیات مکلف به تطبیق و رعایت تعلیمات نامه ها، طرزالعمل ها و رهنمود های وضع شده مندرج فقره (۱) این ماده می باشد.

۱,۶۲ اداره مالیات می تواند تعلیماتنامه ها، طرزالعمل ها و رهنمود ها را وضع و در دسترس مالیه دهندگان قرار دهد. این اسناد می تواند چاپ یا بشکل الکترونیکی در صفحه انترنتی اداره مالیات قرار داده شود. تعلیماتنامه ها، طرزالعمل های عامه یا رهنمودها نباید در مغایرت با قوانین مالیاتی قرار داشته باشند.

۲,۶۲ نقل این مواد بشکل مجانی در دسترس مالیه دهندگان قرار گرفته و اداره مالیات در بدل آن کدام فیس اخذ نمی نماید. (به جزء (۱) فقره (۱) ماده پنجم مراجعه نمایید.

احکام، طرزالعمل ها و رهنمودها لازم الاجرا می باشد:

۳,۶۲ تعلیمات نامه ها، طرزالعمل ها یا رهنمود های که توسط اداره مالیات تهیه میگردد تا زمان انقضای مدت اعتبار آن بالای اداره مالیات لازم الاجرا میباشد. هرگاه یک تعلیمات نامه، طرزالعمل یا رهنمود حاوی توضیحات پیرامون نحوه تطبیق قانون مالیاتی باشد، اداره مالیات مطابق فقره (۲) ۶۲ مکلف به رعایت توضیحات مذکور می باشد. اداره مالیات باید مطابق توضیحات مندرج تعلیماتنامه ها، طرزالعمل ها یا رهنمود ها الی انقضای مدت اعتبار آن عمل نماید.

۴,۶۲ توضیحات مندرج تعلیمات نامه، طرزالعمل یا رهنمود در جریان مدت اعتبار آن بالای اداره مالیات . لازم الاجرا می باشد، حتی اگر بعداً معلوم گردد که مطابق قانون نبوده است. ماده ۶۲ اداره مالیات را مکلف به رعایت توضیحات مندرج تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود نموده و این ماده هرگونه تناقض با سایر احکام قوانین مالیات را نادیده می گیرد. هدف این ماده حمایت مالیه دهندگانی است که در امر رعایت تعلیمات نامه ها، طرزالعمل ها یا رهنمود های که بعداً بدلیل اشتباهات اداره مالیات یا به دلایل دیگر نادرست به اثبات میرسد، بشکل صادقانه عمل می نمایند.

مثال ۱ :

اداره مالیات برای مالیه دهندگان رهنمود نشر می نماید و این رهنمود حاوی توضیح کسرات استهلاک مندرج قانون مالیات بر عایدات می باشد. در رهنمود مذکور نورم های استهلاک برای دارایی های سرمایه ای مختلف لست گردیده است. یکی از دسته های دارایی ها با نورم استهلاک ۵۰ فیصد لست گردیده در حالیکه در واقع نورم این نوع دارایی در قانون مالیات برعایدات ۲۵ فیصد پیش بینی گردیده است.

مطابق ماده ۶۲، اداره مالیات مکلف است تا از رهنمود مذکور در جریان مدت اعتبار آن پیروی نماید. اداره مالیات مکلف است تا به مالیه دهندگان فرصت دهد مجرایی استهلاک نورم ۵۰ فیصد بابت این دارایی ها را در اظهارنامه های مالیاتی شان برای دوره های مالیاتی که در آن رهنمود اعتبار دارد، مطالبه نمایند. هرچند این نورم استهلاک مطابق قانون مالیات بر عایدات نیست، ماده ۶۲ قانون اداره امور مالیات حکم دیگر را نادیده می گیرد.

۵،۶۲ هرگاه کارمند مالیاتی با اظهارات مندرج تعلیمات نامه، طرزالعمل یا رهنمود موافق نباشد، با آنهم مکلف به رعایت اظهارات مندرج این اسناد در جریان مدت اعتبار آن بوده و این عمل او قانونی محسوب می گردد. اما اگر کارمند مذکور از موجودیت کدام اشتباه در تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود اطلاع حاصل نماید، شریک ساختن اشتباه موردنظر با اداره مالیات بمنظور اصلاح آن مسؤلیت و وظیفه وی می باشد.

۶،۶۲ مالیه دهندگان حق دارند تا پافشاری نمایند که اداره مالیات از تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود نافذ پیروی نماید و می توانند بمنظور پیگیری آن اعتراض خویش را مطابق فصل چهارم قانون اداره امور مالیات ارایه نمایند.

۷،۶۲ هرگاه کارمند مالیاتی معتقد باشد که اظهارات مندرج تعلیماتنامه، طرزالعمل، یا رهنمود در مطابقت با قوانین مالیاتی قرار ندارد، میتواند موضوع را غرض ارزیابی به بخش مربوطه اداره مالیات راجع نماید. با آنهم کارمند مالیاتی تا زمان فسخ تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود مکلف است تا مطابق اسناد مذکور عمل نماید.

۸،۶۲ برای اینکه تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود لازم الاجرا باشد، باید صلاحیت وضع آن توسط کارمند مالیاتی، قبلاً به وی تفویض شده باشد. مالیه دهندگان حق دارند بدانند که صلاحیت وضع تمام مواد موجود در صفحه انترنیتی اداره مالیات بصورت درست انعکاس گردیده است. مالیه دهندگان همچنان حق دارند بدانند که صلاحیت نقل چاپی تعلیماتنامه، طرزالعمل، یا رهنمود بصورت درست به نشررسیده است، مشروط بر اینکه در صفحه انترنیتی منحیث یک سند معتبر لست شده باشد.

لغو:

۹،۶۲ اداره مالیات می تواند تعلیماتنامه، طرزالعمل یا رهنمود را در هر زمان لغو نماید. چنین سند در صورتی می تواند لغو گردد که:

۱. اشتباهاً صادر شده باشد؛
۲. قانون مربوطه تعدیل شده باشد؛
۳. تصمیم محکمه در ارتباط به موضوع مندرج تعلیماتنامه، طرزالعمل عامه یا رهنمود نشان دهد که تصمیم اداره مالیات نادرست بوده است؛ یا
۴. به دلایل دیگر اداره مالیات درک خویش از تطبیق قانون را تغییر داده باشد.

۱۰،۶۲ اطلاعیه لغو را می تواند از طریق حذف سند از صفحه انترنیتی اداره مالیات یا درج اظهار فسخ در سند در صفحه انترنیتی به اطلاع عامه رساند ه شود.

۱۱،۶۲ تاریخ انفاذ لغو، در صورت دلایل شماره ۲ یا ۳ فسخ که در بالا ذکر گردیده است، تاریخ انفاذ تعدیل قانون یا تصمیم محکمه می باشد. در سایر موارد، تاریخی است که اداره مالیات اطلاعیه لغو را روی صفحه انترنتی خویش قرار می دهد.

۱۲،۶۲ سند لغو شده، از تاریخ انفاذ لغو بالای اداره مالیات لازم الاجرا نمی باشد. مالیه دهندگان دارای معاملات یا فعالیت های که قبل از تاریخ لغو صورت گرفته است مستحق ادامه تطبیق سند مذکور بالای آن معاملات یا فعالیت های شان می باشند. این حکم حتی در صورتی تطبیق می گردد که اظهارنامه مالیاتی که معامله یا فعالیت را تحت پوشش قرار می دهد الی بعد از لغو سند ترتیب یا ارایه نشده باشد.

۱۳،۶۲ اداره مالیات می تواند یک سند را بعد از فسخ آن روی صفحه انترنتی خویش حفظ نماید، مشروط بر اینکه بصورت واضح بیان گردد که سند متذکره فسخ شده است. هر سند موجود در صفحه انترنتی که فسخ آن تذکر داده نشده باشد به عنوان سند معتبر تلقی می گردد.

مثال :

خاطره خدمات را در جریان برج قوس سال ۱۳۹۶ به شرکت فرش هرات فراهم می نماید. در آن زمان اداره مالیات یک طرزالعمل عامه را پیرامون تفسیر اینکه آیا خدمات توسط یک کارمند فراهم شده یا توسط یک قراردادی، در اختیار دارد. این طرزالعمل در صفحه انترنتی اداره مالیات موجود می باشد. مطابق این طرزالعمل، خاطره نظر به شرایط یک قراردادی است.

به تاریخ اول جدی ۱۳۹۶ اداره مالیات طرزالعمل عامه را بدلیل تغییر در تفسیر این اداره از قانون، فسخ می نماید. این اداره طرزالعمل مذکور را در همان روز از صفحه انترنتی خویش برداشته و یک طرزالعمل جدید را در مورد کارمندان و قراردادیان جایگزین آن می نماید. در طرزالعمل جدید ذکر می گردد که طرزالعمل قبلی لغو گردیده و طرزالعمل جدید از تاریخ اول جدی ۱۳۹۶ قابل تطبیق می باشد. خاطره مطابق طرزالعمل جدید نظر به شرایط یک کارمند است.

شرکت فرش هرات مستحق تطبیق طرزالعمل قبلی الی ۳۰ قوس ۱۳۹۶ بوده و تادیات به خاطره بابت خدمات الی همان روز را منحیث تادیات به یک قراردادی در نظر می گیرد. از این شرکت صرف انتظار می رود که صورت حسابات کارفرما را در ارتباط به معاشات یا دستمزد های تادیه شده به خاطره بابت کار انجام شده از تاریخ اول جدی ۱۳۹۶، ارایه نماید.

۱۴،۶۲ فقره (۱) ماده ۶۲ به تهیه و صدور تعلیماتنامه ها، طرزالعمل ها و رهنمود ها ارتباط می گیرد. سایر قوانین مالیات نیز ممکن به اداره مالیات صلاحیت دهد تا مقرره ها، طرزالعمل ها و تعلیماتنامه ها را صادر نماید. بگونه مثال، ماده سی و چهارم قانون مالیه بر ارزش افزوده.

۱۵،۶۲ فقره (۲) ماده ۶۲ بالای اسناد وضع شده مطابق قانون اداره امور مالیات و اسناد مشابه وضع شده مطابق صلاحیت سایر قوانین مالیات، تطبیق می گردد.

منازعات:

۱۶،۶۲ قانون در طرزالعمل عامه یا رهنمودها کدام طرزالعمل را برای به منازعه کشاندن موقف اداره مالیات، بشکل مستقیم پیشبینی ننموده است. هرگاه یک مالیه دهنده با موقف اداره مالیات یا تفسیر این اداره از قانون در طرزالعمل عامه یا رهنمود موافق نباشد، میتواند اظهارنامه را ارایه و سنجش ناشی از آنرا با پیروی از طرزالعمل های مندرج فصل چهارم به منازعه بکشاند.

۱۷،۶۲ مالیه دهنده ایکه معتقد است اداره مالیات با وی مطابق یک حکم، طرزالعمل یا رهنمود لازم الاجرا برخورد نمی نماید می تواند همچنان عین طرزالعمل منازعه مندرج فصل چهارم را در برابر سنجشی که معتقد است خلاف سند مرعی الاجرا می باشد، تعقیب نماید.

درخواست و طرزالعمل:

۱۸،۶۲ مالیه دهنده می تواند برای دریافت طرزالعمل خصوصی درخواست نماید. طرزالعمل خصوصی تصمیم اداره مالیات بوده که در پاسخ به درخواست اتخاذ می گردد و موقف این اداره را در ارتباط به نحوه تطبیق قانون بالای مالیه دهنده بیان می نماید.

۱۹،۶۲ هرگاه مالیه دهنده تمام معلومات لازم را برای اخذ تصمیم ارایه نموده باشد، اداره مالیات باید طرزالعمل خصوصی را صادر نماید. بدین منظور، معلومات لازم در درخواست بدین معناست که مالیه دهنده حقایق و شرایط را بصورت کامل تشریح نموده و همچنان سوال مالیاتی را که اداره مالیات تقاضای پاسخ به آن را نموده، مشخص ساخته است.

مثال :

یک مالیه دهنده ماشین آلات را کسب و در یکی از ساختمان های خویش نصب کرده است. این مالیه دهنده ماشین آلات را در درخواست خویش بصورت کامل تشریح و همچنان استفاده و هدف آن را در امر بدست آوردن عواید توضیح داده است. در درخواست بصورت واضح سوال می گردد که آیا مالیه دهنده می تواند مطابق قانون مالیات بر عایدات مجرایی استهلاک را مطالبه نماید و اگر می تواند، کدام نورم باید استفاده و کدام هزینه ها در محاسبه آن شامل گردد.

اداره مالیات باید یک طرالعمل خصوصی را به مالیه دهنده صادر نماید و در آن توضیح دهد که آیا مجرایی استهلاک مجاز است یا خیر و اگر مجاز باشد، باید نورم قابل تطبیق بالای ماشین آلات را مشخص نماید.

۲۰,۶۲ هرگاه معلومات لازم برای اخذ تصمیم روی درخواست طرزالعمل خصوصی کافی نباشد، اداره مالیاتی مکلف به صدور طرزالعمل نمی باشد. این اداره باید معلومات ارایه ناشده را به مالیه دهنده مشخص نماید و به وی فرصت پاسخ بدهد. در صورتیکه مالیه دهنده معلومات ارایه ناشده را فراهم نماید، اداره مالیات باید آنرا همراه با درخواست اولیه مالیه دهنده مورد ملاحظه قرار دهد.

۲۱,۶۲ هرگاه به سوال مطرح شده در درخواست طرزالعمل خصوصی پاسخ کافی در طرزالعمل عامه یا رهنمود اداره مالیات ارایه شده باشد، این اداره میتواند نقل طرزالعمل عامه یا رهنمود را همراه با این توضیح که چنین مواد پاسخ به درخواست می باشد، به مالیه دهنده فراهم نماید. این امر شرایط ماده ۶۲ را که طرزالعمل خصوصی آنرا تکمیل می نماید، بر آورده می سازد.

۲۲,۶۲ برای صدور طرزالعمل خصوصی هیچ گونه محدوده زمانی توسط قانون وضع نگردیده است. با آن هم اداره مالیاتی باید در اکثریت موارد طرزالعمل خصوصی را در خلال سی روز بعد از دریافت درخواست صادر نماید، مشروط بر اینکه تمام معلومات لازم برای اخذ تصمیم ارایه شده باشد.

طرزالعمل لازم الاجرا است:

۲۳,۶۲ طرزالعمل خصوصی بالای اداره مالیات در امر برخورد این اداره با مالیه دهنده ایکه طرزالعمل خصوصی به وی صادر گردیده، لازم الاجرا می باشد، مشروط بر اینکه بشکل قانونی صادر شده باشد. صدور طرزالعمل خصوصی در صورتی قانونی است که توسط کارمند مالیاتی با صلاحیت تهیه طرزالعمل های خصوصی منظور شده باشد و کارمند مذکور حین تهیه طرزالعمل خصوصی، ماده ۵۱ (سوء استفاده از موقف وظیفوی) را نقض ننموده باشد.

۲۴,۶۲ طرزالعمل خصوصی در صورتی میتواند توسط اداره مالیات لغو گردد که:

۱. اشتباهاً صادر شده باشد؛
۲. قانون مربوطه تعدیل شده باشد؛
۳. تصمیم محکمه که مشابه یا مربوط به موضوع مندرج طرزالعمل خصوصی است نشان دهد که تصمیم اداره مالیات نادرست بوده است؛ یا
۴. به دلایل دیگر اداره مالیات تفسیر خویش از تطبیق قانون را تغییر داده باشد.

۲۵,۶۲ اطلاعیه لغو طرزالعمل خصوصی باید کتباً به مالیه دهنده فراهم گردد. تاریخ انفاذ لغو طرزالعمل خصوصی، در صورت دلایل شماره ۲ یا ۳ لغو طرزالعمل که در بالا ذکر گردیده است، تاریخ انفاذ تعدیل قانون یا تصمیم محکمه می باشد. در سایر موارد، تاریخی است که اداره مالیات اطلاعیه لغو طرزالعمل خصوصی را به مالیه دهنده فراهم می نماید.

۲۶,۶۲ اداره مالیات در خصوص هر گونه معامله یا توافق که الی تاریخ لغو طرزالعمل خصوصی صورت گرفته است، مکلف به پیروی از طرزالعمل خصوصی می باشد.

نشرات:

۲۷,۶۲ بمنظور شفافیت، سازگاری و همکاری با سایر مالیه دهندگانی که ممکن در حالات مشابه قرار داشته باشند، اداره مالیات نسخه تصحیح شده هر طرزالعمل خصوصی صادره را روی صفحه انترنتی خویش منتشر مینماید.

۲۸,۶۲ لازم نیست طرزالعمل خصوصی در حالات ذیل روی صفحه انترنتی منتشر گردد:

- درصورتیکه طرزالعمل خصوصی دیگر با شرایط مشابه از قبل وجود داشته باشد و عین تصمیم در حال حاضر روی صفحه انترنتی نشر شده باشد؛
- تصمیم طرزالعمل خصوصی توسط طرزالعمل عامه، رهنمود یا مواد مشابه که فعلاً اداره مالیات آنرا قابل دسترس قرار داده باشد تحت پوشش قرار گیرد؛ یا
- پس از تصحیح لازم جزئیات به مالیه دهنده مشخص شود که محتوای باقی مانده برای سایر مالیه دهندگان مفید و قابل فهم نخواهد بود.

۲۹,۶۲ طرزالعمل خصوصی نشر شده، بمنظور ماده ۶۲ منحیث طرزالعمل عامه تلقی می گردد. اداره مالیاتی می تواند آنرا مانند طرزالعمل عامه در هر زمانی فسخ نماید. چنین فسخ بالای تمام مالیه دهندگان قابل تطبیق خواهد بود، به استثنای مالیه دهنده ایکه برای طرزالعمل خصوصی درخواست و آنرا دریافت نموده باشد.

منازعه:

۳۰,۶۲ قانون کدام طرزالعملی را برای به منازعه کشاندن تصمیم اداره مالیات در طرزالعمل خصوصی بشکل مستقیم پیشبینی ننموده است. مالیه دهنده ایکه با تصمیم مندرج طرزالعمل خصوصی موافق نباشد می تواند اظهارنامه خویش را مطابق تصمیم مندرج طرزالعمل خصوصی ارایه و سپس پروسه منازعه مالیاتی مندرج فصل چهارم را در ارتباط به سنجش صورت گرفته در اظهارنامه مالیاتی، تعقیب نماید.

احکام انتقالی

ماده شصت و سوم:

(۱) هرنوع دعوی قانونی یا تعقیب عدلی که قبل از انفاذ این قانون آغاز شده باشد، مطابق احکام قانون قبلی حل و فصل می گردد.

(۲) هرگاه مدت درخواست یا دعوی قانونی قبل از انفاذ این قانون ختم گردیده باشد، شخص نمیتواند از مدت که در این قانون پیشبینی گردیده، استفاده نماید.

(۳) احکام این قانون بالای هر نوع سنجش مالیه یا اجراآت که قبل از انفاذ این قانون صورت گرفته یا باید میگرفت، قابل تطبیق میباشد. فقره های (۱ و ۲) این ماده از این حکم مستثنی است.

۱,۶۳ ماده ۶۳ قانون اداره امور مالیات بالای هر نوع سنجش مالیاتی صادره قبل از انفاذ این قانون تطبیق می گردد. این ماده همچنان بالای هر گونه اجراآت ناشی ازغفلت که قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات صورت گرفته تطبیق می گردد. اجراآت یا غفلت صورت گرفته می تواند از طرف مالیه دهنده یا اداره مالیات باشد. اما سه استثنای را که ذیلاً بیان گردیده ملاحظه نمایید.

مثال :

ماده بیست و هشتم قانون اداره امور مالیات اشخاص مشخص را به درخواست برای اخذ نمبر تشخیصیه مکلف می نماید. هرگاه این مکلفیت قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات بوجود آمده باشد و شخص در امر ارایه درخواست کوتاهی نموده باشد و اداره مالیات این کوتاهی را پس از انفاذ قانون اداره امور مالیات دریابد، این اداره می تواند مطابق ماده ۴۲ بالای شخص بدلیل کوتاهی وی مالیه اضافی وضع نماید.

۲,۶۳ مطابق ماده ۶۳، **سه** استثنا در تطبیق احکام انتقالی قانون اداره امور مالیات وجود دارد. اولین استثنا این است که یک دعوی قانونی که قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات ارایه شده، مطابق قانون قبلی حل و فصل می گردد. این دعوی قانونی مطابق فقره (۲) ماده ۸۹ قانون مالیات بر عایدات به معنی ارایه دعوی قانونی به محکمه می باشد.

۳,۶۳ دومین استثنا در حالتی است که یک تعقیب عدلی قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات آغاز شده باشد. تعقیب های عدلی مربوطه مندرج قانون مالیات بر عایدات تعقیب های عدلی است که در ماده های قبلی یکصدویکم، یکصدودوم، یکصدوسوم، یکصدوچهارم و یکصدوششم قانون مالیات برعایدات صراحت داشته است. در تعیین اینکه آیا یک تعقیب عدلی آغاز شده است یا خیر، تاریخ ارایه قضیه به محکمه مورد ملاحظه قرار می گیرد، نه تاریخ ارایه قضیه به لوی څارنوالی.

۴,۶۳ استثنای سوم در حالتی است که مدت مجاز مطابق قانون مالیات برعایدات برای ارایه درخواست یا دعوی قانونی، در زمان انفاذ قانون اداره امور مالیات خاتمه یافته باشد. هرگاه قانون اداره امور مالیات زمان بیشتر را برای عین درخواست یا دعوی قانونی اجازه دهد، شخص مستحق استفاده مدت بیشتر مندرج قانون اداره امور مالیات قرار نمی گیرد.

مثال:

مطابق ماده هشتاد و نهم قانون قبلی مالیات برعایدات، مالیه دهنده میتواند اعتراض خویش را در خلال ۳۰ روز بعد از دریافت اطلاعیه تعدیل سنجش مندرج آن ماده ارایه نماید. مطابق ماده یازدهم قانون اداره امور مالیات، مالیه دهنده چهل و پنج روز وقت دارد تا اعتراض خویش را ارایه نماید.

حامد اطلاعیه تعدیل سنجش را مطابق ماده هشتاد و نهم قبلی قانون مالیات برعایدات ۳۵ روز قبل از انفاذ قانون اداره امور مالیات دریافت می نماید و اعتراض خویش را در جریان ۳۰ روز مطابق آن ماده ارایه نمی نماید. به تاریخ انفاذ قانون اداره امور مالیات، ۱۰ روز برای حامد باقی می ماند تا اعتراض خویش را مطابق ماده یازدهم قانون اداره امور مالیات ارایه نماید. اما بدلیل استثنای مندرج ماده ۶۳، وی مستحق استفاده از زمان بیشتر قرار نگرفته و نمی تواند اعتراض اش را ارایه نماید.

ارجحیت قانون

ماده شصت و چهارم:

(۱) در صورت مغایرت قوانین، قراردادها، موافقت نامه ها یا سایر اسناد تقنینی با احکام این قانون، قانون اداره امور مالیات مرجح دانسته می شود.

(۲) قرار داد ها موافقت نامه های بین المللی منعقده میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دول خارجی یا موسسات بین المللی از حکم مندرج فقره (۱) این ماده، مستثنی است.

۱,۶۴ فقره (۱) ماده ۶۴ ارجحیت قانون اداره امور مالیات را بر سایر قوانین، قراردادها، موافقتنامه ها یا سایر اسناد تقنینی اظهار می نماید. هرگاه هریکی از احکام انها در مغایرت با احکام قانون اداره امور مالیات قرار داشته باشد ، ان وقت موارد تناقض آن احکام غیر قابل تطبیق محسوب شده و احکام قانون اداره امور مالیات تطبیق می گردد.

۲,۶۴ قانون اداره امور مالیات مانند قانون مالیات بر عایدات و قانون مالیه بر ارزش افزوده مستقیماً مالیات را وضع نمی نماید. مالیات توسط قوانین مربوطه مالیاتی مانند قانون مالیات بر عایدات و قانون مالیه بر ارزش افزوده وضع می گردد. معافیت ها و امتیازات مشخص مربوط به آن مالیات می تواند در آن قوانین پیشبینی گردد. معافیت ها و امتیازات مالیاتی صرف در صورتی مجاز می باشد که در قانون مشخص شده باشد. این معافیت ها و امتیازات می تواند بشکل خاص تصریح گردد، طور مثال معافیت ها برای اجناس و خدمات مشخص مندرج ماده پنجم قانون مالیه بر ارزش افزوده یا می تواند در موافقتنامه های بین المللی فی مابین افغانستان و کشور های خارجی و موسسات بین المللی پیشبینی گردد.

۳,۶۴ مالیات توسط قانون اداره امور مالیات وضع نمی گردد، بناً هیچ نوع معافیت و امتیاز مشخص در این قانون شامل نمی باشد. هرچند سنجش، تحصیل و تطبیق مالیات بشمول مالیات اضافی در موارد لازم، در این قانون تصریح گردیده است. ماده ۶۴ تایید می نماید که دولت افغانستان می تواند موافقتنامه های بین المللی را با سایر کشور ها یا موسسات بین المللی پیرامون وضع مالیات عقد نماید. این موافقتنامه های بین المللی بر قوانین مالیات بشمول قانون اداره امور مالیات ارجحیت دارند. بنابراین، ماده ۶۴ به اداره مالیات صلاحیت می دهد تا مالیات را مطابق موافقتنامه های بین المللی که برخورد مالیاتی را متفاوت از برخورد مالیاتی مندرج قوانین مالیات ممکن پیشبینی می نماید سنجش، تحصیل یا تطبیق نماید.

۴,۶۴ ماده ۶۴ صرف بالای قرارداد ها، موافقتنامه های بین المللی که مطابق قوانین وقانون اساسی افغانستان عقد و مجاز گردیده، قابل تطبیق می باشد. موافقتنامه های بین المللی موافقتنامه های اند که میان دول یا یک دولت و یک موسسه بین المللی شناخته شده مانند سازمان ملل متحد، عقد گردد.

۵,۶۴ وزارت خارجه در معاملات با دول خارجی و موسسات بین المللی عموماً از دولت افغانستان نمایندگی می نماید. در خصوص موافقتنامه های مالیاتی، وزارت خارجه بصورت عموم با وزارت مربوطه مسؤل موضوع موافقتنامه، مشوره می نماید. در مورد موضوعات مالیاتی، وزارت مربوطه وزارت مالیه می باشد.

۶,۶۴ بطورمعمول اداره دولت، یک مسؤل دولتی وزارت خانه (بشمول وزیر) قراردادها یا موافقتنامه ها را عقد می نماید، طور مثال در بخش تدارکات اجناس یا خدمات. با وجود اینکه وزیر ممکن صلاحیت خریداری اجناس یا خدمات را داشته باشد و مطابق صلاحیت های خویش سایر موافقتنامه ها را عقد نماید، اما نمی تواند قوانین افغانستان را به صلاحیت خود باطل نماید. هرگاه این قراردادها بنآ بر برخورد خاص مالیاتی درمغایرت با قوانین مالیات قرار داشته باشد، همان احکام قرارداد (نه لزوماً سایر احکام آن) قابل تطبیق نخواهد بود.

مثال ۱:

یک وزیر دولت، به نمایندگی از یک وزارت، با یک شرکت قراردادی ساختمانی خارجی جهت اعمار یک تعمیر قرارداد عقد می نماید. موافقتنامه تصریح می نماید که قراردادی ساختمانی از مالیات برعایدات معاف می باشد. معافیت مالیاتی فراهم شده توسط وزیر، قابل تطبیق نخواهد بود. معافیت مالیاتی صرف در صورتی مجاز می باشد که در قوانین مالیاتی یا موافقتنامه منظور شده که شرایط مالیه دهنده و فعالیت را تحت پوشش قرار می دهد، پیشبینی شده باشد.

مثال ۲ :

یک وزیر حکومت، به نمایندگی از یک وزارت (غیر از وزارت امور خارجه)، موافقت نامه ای را با یک دولت خارجی منحیث تمویل کننده اعمار یک تعمیر، عقد می نماید. در موافقتنامه تصریح گردیده که قراردادی ساختمانی از مالیات برعایدات معاف می باشد. این وزیر به تنهایی نمی تواند معافیت مالیاتی مندرج موافقتنامه را ایجاد نماید. این معافیت باید در قوانین نافذه مالیاتی و همچنان در صورت لزوم درموافقتنامه بین المللی منظور شده، پیش بینی شده باشد. وزارت امور خارجه مسؤل معاهدات و موافقتنامه های بین المللی بوده و موافقتنامه ای که از طریق مجراهای درست آن عقد نگردیده باشد و حق حاکمیت افغانستان را در

قبال فعالیت های مالیاتی در سرحدات آن مدنظر نگیرد، فاقد اعتبار می باشد.

۷,۶۴ در ماده ۶۴، موافقتنامه بین المللی به معنی موافقت نامه (بشمول معاهده) میان دولت افغانستان و دولت های خارجی یا یک موسسه شناخته شده بین المللی چند ملیتی می باشد. این موافقتنامه، قرارداد ها میان دولت افغانستان و قراردادی های خصوصی و سایر موسسات غیر حکومتی را تحت پوشش قرار نمی دهد.

۸,۶۴ مثال های موسسات شناخته شده چند ملیتی عبارت اند از ملل متحد و موسسات مربوط به آن، اتحادیه اروپا، صندوق جهانی پول و بانک جهانی.

۹,۶۴ مکلفیت مالیاتی دول خارجی، مؤسسات بین المللی و سایر کارکنان غیر مقیم آنها بر اساس عوایدیکه از منابع داخلی حاصل می نمایند، مطابق موافقتنامه ها، قراردادها و پروتوکول هائیکه در زمینه با دولت افغانستان عقد گردیده، تثبیت میگردد.

الف : معاش و دستمزد مقیم افغانی بدون در نظرداشت هویت استخدام کننده تابع مالیات قرار میگیرد.

مثال ۱: معاش یا دستمزد مقیم افغانی که توسط سفارت خانه های خارجی در کابل استخدام میگردد، درافغانستان قابل مالیه میباشد.

مثال ۲: یک مقیم افغانی که در افغانستان توسط یک مؤسسه خارجی که طی معاهده یا قرارداد از مالیات در افغانستان معافیت حاصل نموده، استخدام میگردد، باوجودیکه برای کارمندان خارجی شرکت متذکره درمعاهده یا قرارداد معافیت در نظر گرفته شده، معاش و مزد مقیم افغانی مذکور تابع مالیه قرار میگیرد.

ب: معاش یا مزد اتباع خارجی که توسط دولت متبوع آنها در افغانستان استخدام میگردند، در صورت موجودیت یکی از شرایط ذیل از مالیه معاف میباشد:

۱- معاهدهٔ که میان کشور متذکره و افغانستان معافیت را در نظر گرفته باشد.

۲ - چنانیکه قوانین، تجارب و تعاملات بین المللی ایجاب مینماید

مثال: عواید اشخاص خارجی از درک اجرای وظیفهٔ آنها در افغانستان منحیث مقامات هیئت دیپلوماتیک اعزامی کشور متبوع خود، تابع مالیه قرار نمیگیرد.

تاریخ انفاذ

ماده شصت و پنجم:

(۱) این قانون بعد از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ میباشد.

(۲) با انفاذ این قانون: ماده سوم، ماده سی و نهم، فقره های (۷ و ۸) ماده پنجاه و نهم، فقره (۲) ماده هشتاد و ششم، فقره های (۴، ۵، ۶، و ۷) ماده هشتاد و هفتم، ماده نودم، ماده نود یکم، ماده نود و دوم، فقره های (۱ و ۲) ماده نود و سوم، مواد نود چهارم، نود و پنجم، نود و ششم، نود و هفتم، نود و هشتم، نود و نهم، صدم، یکصد و یکم، یکصد و دوم، یکصد و سوم، یکصد و چهارم، یکصد و پنجم، یکصد و ششم، یکصد و هفتم و فقره (۱) ماده یکصد و نهم و ماده یکصد و یازدهم قانون مالیات بر عایدات منتشره جریده رسمی شماره (۹۷۶) سال ۱۳۸۷ هـ ش و سایر احکام مغایر آن ملغی شمرده میشود.

ضمیمه الف

منظوری استفاده از سال مالی متفاوت

تعریف سال مالی مندرج فقره (۱) ماده سوم اجازه استفاده از دوره متفاوت را به مالیه دهنده می دهد، مشروط بر اینکه درخواست وی از طرف اداره مالیات منظور گردد.

جزء ۶ فقره (۱) ماده سوم قانون اداره امور مالیات نیز چنین صراحت دارد که اشخاص حکمی می توانند برای استفاده از سال مالی متفاوت درخواست نمایند. استفاده از سال مالی متفاوت مطابق قانون باید از جانب اداره مالیات منظور گردد.

قانون اداره امور مالیات در ارتباط به استفاده از سال مالی متفاوت توسط مالیه دهنده، در مطابقت با قانون مالیات برعایدات قرار دارد. مطابق به احکام قانون اداره امور مالیات هرشخص میتواند استفاده از سال مالی متفاوت را درخواست نماید.

هر شخص می تواند برای اخذ منظوری استفاده از دوره مالی متفاوت درخواست نماید. قبلاً مطابق قانون مالیات برعایدات، صرف شخص حکمی می توانست چنین درخواست را ارایه نماید.

در عمل اداره مالیات هنوز هم روی استفاده از دوازده ماه منحیث دوره مالیاتی بشکل دوامدار، تاکید می نماید. یک دوره متفاوت می تواند به مقصد تغییر یک مرتبه ای انتقالی سال (کم یا بیش از دوازده ماه) منظور گردد تا به مالیه دهنده اجازه تغییر تاریخ ختم سال مالی وی داده شود.

شرایط توجیه منظوری:

قوانین مالیات دوره های مالی مورد استفاده توسط مالیه دهندگان را مشخص نموده است. از نظر اداری بهتر است اکثریت مالیه دهندگان از عین تاریخ های ختم و دوره ها استفاده نمایند. بنابراین، اداره مالیات صرف در صورتی دوره های مختلف را منظور می نماید که دلایل مناسب برای آن وجود داشته باشد.

مثالهای حالاتی که بتوانند دلایل موجه برای منظوری باشند ذیلاً ذکر گردیده اند. ممکن بعضی حالات دیگر نیز برای توجیه منظوری وجود داشته باشد که در ذیل از آن یاد آوری نگردیده است. اما آن حالات نادر بوده و از طرف اداره مالیات بشکل دقیق مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

۱.سازگاری با دوره های محاسباتی خارجی:

هرگاه یک مالیه دهنده بخشی از یک شرکت خارجی یا عضو گروپ شرکت های باشد که شامل شرکت های خارجی است، سایر مالیه دهندگان به دلایل کاری حسابات مالیاتی وی برای یک دوره ای ترتیب گردد که از سال مالی معیاری افغانستان متفاوت باشد، میتواند یک دلیل موجه برای اخذ منظوری باشد.

بصورت عموم چنین موافقه ها با این شرکت ها صورت خواهد گرفت، امامنظوری می تواند برای ساختار های مالکیت غیر حکمی نیز موجه باشد. به گونه مثال، در حالتی که یک شخص حقیقی خارجی مالک یک تشبث دارای نمایندگی یا بخش فعال در افغانستان باشد. هرگاه دلایل کاری نزد مالک خارجی مبنی بر ترتیب حسابات در یک دوره متفاوت وجود داشته باشد، استفاده از یک سال مالی که با دوره محاسباتی وی سازگاری داشته باشد منظور شده می تواند.

مثال دیگر می تواند یک شرکت تضامنی شامل شرکای افغان و خارجی باشد. شراکت ها میان نهاد های خارجی و افغان نیز می تواند دلیل موجه برای استفاده از یک سال مالی متفاوت برای شریک مقیم افغانستان باشد.

هم چنان استفاده از سیستم محاسبات الکترونکی که به اساس سال مالی متفاوت عیار شده و تغیر آن نا ممکن یا ایجاب مصارف اضافی را نماید دلیل دیگری می تواند برای منظوری سال مالی متفاوت از سال مالی هجری شمسی باشد.

دلایل کاری قابل قبول برای استفاده یک دوره محاسباتی متفاوت شامل موارد ذیل می باشد:

- مالک خارجی دوره محاسباتی خود را مطابق قوانین مالیاتی نافذه کشور خویش تنظیم می نماید؛
- یک شرکت خارجی مادر، شرکت فرعی افغانی خویش را ملزم می نماید تا از عین دوره محاسباتی شرکت مادر استفاده نماید؛
- مالکین خارجی یا اعضای گروپ شرکت ها طرز اجراآت سکتور مربوطه شانرا تعقیب می نمایند.
- شرکت که حسابات مالی وی براساس سیستم الکترو نیکی عیار بوده وتغیر آن ایجاب مصارف اضافی را نماید یا تغیر آن ممکن نباشد.

مثال ۱:

شرکت مخابراتی الف یک تشبث تیلفون مبایل را پیش میبرد. این تشبث یک شرکت فرعی مربوط به شرکت بزرگتر مادر که در یک کشور اروپایی موقعیت دارد، می باشد. شرکت مادر حسابات خویش را بر اساس سال مالی ترتیب می نماید که از سال مالی افغانستان متفاوت است. بدلیل کمپیوتری شدن و انسجام اسناد محاسباتی در گروپ شرکت ها، برای شرکت مخابراتی الف تیلیکام ترتیب نمودن حسابات جداگانه برای سال مالی افغانستان بسیار دشوار خواهد بود.

اداره مالیات جهت منظوری درخواست استفاده از سال مالی بر اساس دوره محاسباتی شرکت خارجی مادر توجیه می گردد.

۲. تنظیم دوره مالی بر اساس فعالیت فصلی:

منظوری استفاده از دوره مالیاتی متفاوت در صورتی میتواند توجیه گردد که یک فعالیت فصلی وجود داشته، یعنی ختم سال مالی معمول در زمانی اتفاق افتد که مالیه دهنده دارای بیشترین فعالیت اقتصادی باشد.

مثال ۲:

یک مالیه دهنده مالک یک تشبث پروسس محصولات زراعتی به مواد غذایی بمنظور صادرات، می باشد. بدلیل زمان برداشت حاصلات زراعتی، قسمت اعظم فعالیت تشبث و کسب عواید ناشی از صادرات در دو ماه قبل و بعد از سال مالی اتفاق می افتد. تشبث مذکور برای ده ماه دیگر سال فعالیت ندارد.

برای اداره مالیات این یک دلیل موجه خواهد بود که درخواست استفاده از سال مالی متفاوت را که در جریان دوره فصلی خاتمه می یابد، یعنی زمانیکه فعالیت تشبث معمولاً هر سال متوقف می باشد، منظور نماید.

۳.حالاتی که منظوری توجیه نمی گردد:

مالیه دهندگانی که یگانه عاید شان از معاشات یا دستمزد ها، کرایه، تکتانه و مفاد سهم است دلایل موجه برای استفاده از سال مالی متفاوت ندارند.

یک گروپ تجاری با فعالیت اقتصادی در داخل و خارج از افغانستان نمی توانند در هیچ یک از حالات ذیل استفاده از سال مالی متفاوت را توجیه نمایند:

۱. در صورتیکه گروپ در مالکیت یا کنترول یک نهاد مقیم افغانستان باشد؛ یا
۲. در صورتیکه فعالیت های خارجی صرف یک بخش کوچکی از مجموع فعالیت ها باشد.

در هر یک از موارد فوق، انتظار می رود گروپ که تشبثات از سال مالی افغانستان استفاده نماید و در صورت ضرورت، اسناد محاسباتی خویش را بر اساس آن ترتیب کند. در صورتیکه مناسب باشد، گروپ تشبثات می تواند برای استفاده از سال مالی متفاوت به اداره مالیات کشور خارجی بابت هرگونه مکلفیت مالیاتی در آن کشور خارجی، درخواست ارایه نماید.

مثال :

یک بانک بزرگ افغانی دارای یک شرکت کوچک فرعی در پاکستان می باشد. کشور پاکستان از یک سال مالی متفاوت از سال مالی افغانستان استفاده می نماید.

برای بانک افغانی دلیل موجه وجود ندارد که برای اخذ منظوری استفاده از سال مالی متفاوت در افغانستان درخواست نماید تا سال مالی آن با سال مالی شرکت فرعی آن در پاکستان برابر گردد. بانک مذکور باید از سال مالی افغانستان استفاده نماید. این بانک می تواند، منظوری استفاده از سال مالی افغانستان را برای شرکت فرعی آن در پاکستان، از اداره مالیات کشور پاکستان درخواست نماید. تصمیم گیری در این ارتباط مربوط به کشور پاکستان بوده و به اداره مالیات افغانستان تعلق ندارد.

۴.دوره های انتقالی:

در حالاتی که تغییر سال مالی یک تشبث موجود در افغانستان که اظهارنامه های مالیاتی خویش را ارایه می نماید به یک سال مالی متفاوت منظور گردد، در نظر گرفتن دوره انتقالی در تغییر سال مالی ضروری خواهد بود.

منظوری تغییر سال مالی مالیه دهنده توسط اداره مالیات مشروط بر این است که مالیه دهنده با ارایه اظهارنامه برای دوره انتقالی که توسط اداره مالیات مشخص می گردد، موافق باشد.

دوره انتقالی کمتر از سه ماه و بیشتر از پانزده ماه نمی باشد. مطابق این قاعده، دوره انتقالی از ختم سال مالی قبلی آغاز و در آغاز سال مالی جدید خاتمه میابد.

در صورت لزوم، نورم های مالیاتی و حد تعیین شده سرمایه دورانی به تناسب طول دوره مالی انتقالی، تنظیم می گردد.

مثال:

شرکت ترانسپورتی جلال آباد اظهارنامه های مالیات برعایدات خویش را بابت دوره مالی که ختم آن ۳۰ قوس است ارایه می نماید. در ماه حمل سال ۱۳۹۷، این شرکت به یک شرکت بزرگ پاکستانی تعلق می گیرد و شرکت پاکستانی حسابات خویش را بر اساس سال مالی که ختم آن ۳۰ جون (نهم سرطان) است، ترتیب می کند.

شرکت فرعی افغانی منظوری تغییر سال مالی که ختم آن نهم سرطان است را درخواست می نماید و درخواست وی منظور می گردد. بنابرین، اولین اظهارنامه مالیاتی برای دوره انتقالی اول الی نهم سرطان که بیش از سه ماه و کمتر از پانزده ماه است، خواهد بود.

۵.دوام اعتبار سال مالی منظور شده:

سال مالی متفاوت که مطابق به احکام قانون ادارهٔ امور مالیات و این تعلیمات نامه صادر می گردد، از تاریخ منظوری الی ختم سال مالی منظور شده قابل تعدیل نمی باشد. این بدین مفهوم است که مالیه دهنده نمی تواند با دریافت منظوری سال مالی در خلال چند ماه بعد در خواست دوباره لغو تعدیل سال مالی منظور شده را ارائه نماید. زیرا در صورت لغو سال مالی منظور شده قبل از تکمیل یک دوره مالی بی نظمی و مشکلات ادارای و هم چنان مشکلات در محاسبه مالیات را به بار خواهد آورد، ازینرو سال مالی منظور شده حد اقل برای یک دوره مکمل مالی قابل لغو یا تغیر نمی باشد.

ضمیمه ب

معاملات بین اشخاص مرتبط:

محتویات مندرج ذیل از موادی اقتباس شده است که قبلاً در مورد ماده ۹۷ قانون مالیات بر عایدات سال ۱۳۸۷ در تعلیماتنامه این قانون تذکر یافته است.

منظور ماده ۹ قانون اداره امور مالیات این است تا اطمینان حاصل گردد که مالیه دهندگان با اشخاص مرتبط وارد معامله ای نگردند تا سبب کاهش مالیه دهی آنها گردد.ازینرو مطابق به حکم قانون معیار سنجش مالیه در چنین حالت معامله مشابه با اشخاص غیر مرتبط میباشد.

مثال ۱:

عطایی مالک تمام سهام صادره شرکت های (الف) و (ب) می باشد. شرکت های (الف) و (ب) شرکت های سهامی افغانی هستند. عطایی شرکت (الف) را وادار میسازد تا تولیدات خود را بالای شرکت (ب) به قیمت ۱۰۰۰ افغانی فی واحد بفروشد. عین تولیدات در بازار تحت عین شرایط به قیمت ۸۰۰ افغانی بفروش میرسد. عطایی از شرکت (الف) خواسته تا تولیدات را به قیمت بالا تر بفروش برساند تا اینکه مفاد شرکت (ب) را کاهش و مفاد شرکت (الف) را افزایش دهد. شرکت (الف) خسارت خالص عملیاتی نموده که می تواند مفاد را از فروش واحد ها به شرکت (ب) منفی نماید. به اساس ماده ۹، وزارت مالیه می تواند مفاد های شرکت های (الف) و (ب) را طوری مجدداً اظهار کند که گویا شرکت (الف) تولیدات خود را بالای شرکت (ب) به قیمت ۸۰۰ افغانی فی واحد بفروش رسانیده است.

مثال ۲ :

عطایی مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) و شرکت (ب) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی و شرکت (ب) یک شرکت سهامی ازبکستانی می باشد. عطایی شرکت (الف) را وادار می سازد تا تولیدات خود را بالای شرکت (ب) به قیمت ۸۰۰ افغانی فی واحد بفروش برساند. عین تولیدات در بازار تحت عین شرایط به قیمت ۱۰۰۰ افغانی فی واحد بفروش میرسد. عطایی از شرکت (الف) می خواهد تا تولیدات خود را به قیمت پایین تر بفروش برساند تا اینکه مفاد شرکت (الف) را کاهش و مفاد شرکت (ب) را افزایش دهد. در نتیجه شرکت (الف) در افغانستان مالیه کمتر بپردازد. به اساس ماده ۹، وزارت مالیه میتواند مفاد شرکت (الف) را طوری مجددا محاسبه نماید که گویا شرکت (الف) تولیدات خود را بالای شرکت (ب) به قیمت ۱۰۰۰ افغانی فی واحد بفروش رسانیده است.

۱. مالیه دهنده گان در صورتی با یکدیگر مرتبط تلقی می گردند که فعالیت های شان توسط عین شخص یا عین نهاد کنترول شود. به این مقصد، همسر، برادر، خواهر، اولاد و والدین مالیه دهنده باهم مرتبط پنداشته می شوند. آیا سایر مالیه دهنده گان تحت کنترول عین شخص می باشند یا خیر، با در نظر داشت حقایق و شرایط مشخص خواهد گردید. با اینحال اداره مالیات جهت مشخص ساختن اینکه آیا دو مالیه دهنده توسط عین شخص کنترول می شود یا خیر، قواعد ذیل را تطبیق می نماید.

a) یک مالیه دهنده در صورتی با یک شخص حکمی (مثلاً، شرکت تضامنی، شرکت محدود المسئولیت یا شرکت سهامی) مرتبط می باشد که بیشتر از ۵۰ در صد حق رای دهی در آن نهاد را داشته باشد.

مثال ۱:

وحید مالک ۵۱٪ سهام صادره یک شرکت سهامی افغانی می باشد. و مالک بقیه ۴۹٪ سهام این شرکت اشخاص غیر مرتبط دیگر می باشد. این شرکت سهامی دارای یک دسته واحد سهام صادره می باشد. سهم وحید این حق را به وی می دهد تا اکثریت اعضای هیئت مدیره این شرکت را انتخاب نماید. بنابراین، وحید با این شرکت سهامی افغانی شخص مرتبط تلقی می گردد.

مثال ۲:

شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی است که دارای یک دسته واحد سهام صادره می باشد. وحید مالک ۲۰٪ سهام صادره شرکت (الف)، آسیه خانم وحید مالک ۲۰ ٪ سهام صادره شرکت (الف)، و نجیب پسر وحید مالک ۱۲٪ سهام صادره شرکت مذکور می باشند. وحید، آسیه و نجیب منحیث اشخاص مرتبط تلقی می گردند. همه ی آنها با شرکت (الف) اشخاص مرتبط پنداشته می شوند.

b) یک مالیه دهنده در صورتی با یک شخص حکمی مرتبط می باشد که بیشتر از ۵۰ در صد حق رای دهی در آن نهاد را به صورت غیر مستقیم دارا باشد.

مثال۲ :

وحید مالک ۸۰ ٪ سهام صادره شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت (الف) مالک ۸۰٪ سهم رأی دهی در شرکت (ب) یک شرکت مختلط غیر سهامی می باشد. وحید با شرکت (الف) شخص مرتبط پنداشته می شود بخاطر که وی به طور مستقیم دارای بیشتر از ۵۰٪ حقوق رأی دهی در شرکت (الف) می باشد. همچنان او با شرکت مختلط غیر سهامی (ب) شخص مرتبط پنداشته می شود، چون دارای ۶۴٪ حقوق رای دهی در شرکت مختلط غیر سهامی (ب) به طور غیر مستقیم می باشد. (۸۰٪ X ۸۰٪ = ۶۴٪).

c) هرگاه دو شخص حکمی به عین مالیه دهنده مرتبط باشند، این دو شخص حکمی با یکدیگر نیز اشخاص مرتبط در نظر گرفته می شوند.

مثال ۱:

وحید مالک ۸۰٪ سهام صادره شرکت (الف) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. همچنان وحید ۵۱٪ حقوق رای دهی را در شرکت مختلط غیر سهامی (ب) دارا می باشد. شرکت مختلط غیر سهامی (ب) یک شرکت مختلط غیر سهامی افغانی می باشد. وحید با شرکت (الف) و شرکت مختلط غیر سهامی (ب) شخص مرتبط می باشد. علاوه بر آن شرکت (الف) و شرکت مختلط غیر سهامی (ب) نیز با یکدیگر اشخاص مرتبط پنداشته می شوند.

مثال ۲:

شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. این شرکت مالک ۸۰٪ سهام صادره شرکت (ب) می باشد. شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت (الف) همچنان ۵۱٪ حقوق رای دهی در شرکت مختلط غیر سهامی (ب) را دارا است. شرکت (ب) یک شرکت مختلط غیر سهامی افغانی می باشد. شرکت (الف) با شرکت (ب) و شرکت مختلط غیر سهامی (ب) مرتبط تلقی می گردد. و علاوتاً شرکت (الف) و شرکت مختلط غیر سهامی (ب) با یکدیگر اشخاص مرتبط در نظر گرفته می شوند.

d) در صورتی که مالیه دهنده کمتر از اکثریت حقوق رای دهی را در یک شرکت (شخص حکمی) داشته باشد، و هرگاه حقایق و شرایط نشان دهد که مالیه دهنده صلاحیت کنترول تصمیم گیری ها در این شرکت را دارد، طوری در نظر گرفته می شود که این مالیه دهنده و آن شخص حکمی با هم اشخاص مرتبط اند.

مثال ۱:

زید مالک ۵۰٪ سهام صادره شرکت (الف)، یک شرکت سهامی افغانی می باشد. سعد و نجیب دو پسران کاکای زید هر یک ۲۵٪ در این شرکت سهامی افغانی سهم دارند. زید، سعد و نجیب بخاطر اینکه باهم پسران کاکا هستند، با یکدیگر مرتبط نمی باشند، اما بررسی صورت جلسات و مجلس های هیئت رهبری و مجلس های شرکای شرکت (الف) نشان می دهد که سعد، و نجیب از زید هدایت می گیرند و مشخصاً طوری رای می دهند که زید از آنها می خواهد، لهذا باید چنین پنداشته شود که زید شرکت (الف) را کنترول با آن مرتبط می باشد.

مثال ۲:

زید مالک ۵۰٪ سهام صادره شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. سعد و فیروز دو پسران کاکای زید هر یک ۲۵٪ در این شرکت سهم دارند. زید، سعد و فیروز بخاطر اینکه پسران کاکای همدیگر هستند، اشخاص مرتبط نمی باشند. علاوتاً بعد از تحقیق، اداره مالیاتی در می یابد که زید با سعد و فیروز در مورد مسائل زیادی توافق ندارد. هر سه آنها در مورد پیشبرد کار این شرکت مفکوره های خیلی متفاوت دارند. علاوتاً، هیچ یک از آنها کار شرکت را در کنترول ندارد. در این صورت زید نباید شخص مرتبط با شرکت (الف) در نظر گرفته شود.

۳. "معامله مرتبط" به معامله ی گفته می شود که بین مالیه دهنده گان مرتبط صورت می گیرد. "معامله غیر مرتبط" به معامله ی گفته می شود که بین مالیه دهنده گان غیر مرتبط صورت می گیرد. قیمت که با آن معامله مرتبط صورت می گیرد، "قیمت انتقال" نامیده می شود.

مثال:

وحید مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) شرکت سهامی افغانی می باشد. همچنان وحید مالک تمام سهام صادره شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی نیز می باشد. وحید، شرکت (الف) و شرکت (ب) همه مالیه دهنده گان مرتبط در نظر گرفته می شوند. هرگاه شرکت (الف) یک تولید را بالای شرکت (ب) بفروش برساند، این فروش یک معامله مرتبط تلقی می گردد. قیمت که شرکت (ب) برای آن جنس می پردازد، قیمت انتقال پنداشته می شود.

۴. در تعیین عاید واقعی تابع مالیه، مالیه دهنده گان مندرج ماده ۹ اداره مالیات مکلف است تا معاملات غیر مرتبط را در نظر بگیرد.

مثال:

وحید مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. وحید هر سال برای این شرکت در سمت رئیس آن خدمات ارائه می نماید. شرکت (الف) برای وحید بخاطر ارائه خدمات در این سمت معاش پرداخت می نماید. وحید می داند که شرکت (الف) مستحق مجرایی برای هر افغانی که شرکت به او می پردازد، می باشد. وحید این را نیز می داند که شرکت (الف) با نورم ۲۰٪ تابع مالیه می گردد، اما بالای یک قسمت از عواید وی نورم ۰٪ و بالای قسمت دیگر عوایدش ۱۰٪ مالیه وضع می گردد. جهت مشخص ساختن اینکه آیا پرداخت های شرکت (الف) به وحید با ماده ۹ مطابقت دارد یا خیر، اداره مالیات باید به معاشاتی عطف توجه نماید که سایر شرکت ها به رؤسای خویش در معاملات غیر مرتبط می پردازند. طور مثال، فرض کنیم که شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی مشابه به شرکت (الف) می باشد. وسعت وبزرگی شرکت (ب) نیز تقریباً به اندازه شرکت (الف) بوده و فعالیت آن نیز مشابه به فعالیت شرکت (الف) می باشد. شرکت (ب) توسط هیچ یک فرد واحد کنترول نمی شود. شرکت (ب) سالانه مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰افغانی به رئیس خود می پردازد. معاش که شرکت (ب) به رئیس خود می پردازد یک معامله

غیر مرتبط می باشد. اداره مالیاتی می تواند از معامله مذکور استفاده کند، تا مشخص سازد که آیا معاش پرداخت شده به وحید معقول است یا خیر.

۲. اداره مالیاتی می تواند تعداد شیوه های متفاوت را که در ذیل تشریح گردیده بکار ببرد تا مشخص سازد که قیمت درست بین اشخاص غیر مرتبط چی خواهد بود. هر شیوه بالای انواع مختلف معاملات غیر مرتبط جهت مشخص ساختن عواید تابع مالیه اتکاء دارد. بنابراین، جهت مشخص ساختن بهترین شیوه، اداره مالیاتی باید شباهت بین معاملات مرتبط و معاملات غیر مرتبط بکار رفته را در مورد هر شیوه در نظر بگیرد. بخصوص، اداره مالیاتی باید حقایق و شرایط ذیل را در نظر بگیرد:

a) **کارکردها:** کارکردهای معامله مرتبط و معامله غیر مرتبط باید مشابه باشد. هرگاه کارکردهای معامله مرتبط و معامله غیر مرتبط مشابه باشد، معامله غیر مرتبط در مشخص ساختن قیمت دقیق انتقال مفید واقع می شود. اگر کارکردها مشابه نباشد، معامله غیر مرتبط در مشخص ساختن قیمت دقیق انتقال کمتر مفید واقع خواهد گردید.

۳. مثال:

۴. ادیب مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. این شرکت در ساحه وزیر اکبر خان شهر کابل فعالیت دارد و واسطه های تیز رفتار مستعمل را بفروش می رساند. همچنان ادیب دارای ۶۰٪ حقوق رای دهی در شرکت تضامنی (ب) یک شرکت مختلط غیر سهامی افغانی می باشد. شرکت تضامنی (ب) یک تشبث را نزدیک شهر کابل پیش می برد که پرزه جات اضافی واسطه های تیزرفتار را بفروش می رساند. شرکت تضامنی (ب) هیچ سهمی در ترمیم واسطه های تیزرفتار ندارد. شرکت تضامنی (ب) تنها پرزه جات را بفروش میرساند.

۵. زمانیکه شرکت (الف) یک واسطه تیز رفتار را برای دوکان واسطه های تیز رفتار خریداری می نماید، معمولاً نیاز است تا واسطه تیزرفتار را ترمیم نماید. شرکت (الف) همیشه پرزه جات را از شرکت تضامنی (ب) خریداری می نماید. ادیب با شرکت (الف) شخص مرتبط می باشد. ادیب با شرکت تضامنی (ب) شخص مرتبط می باشد. بنابرین شرکت (الف) و شرکت تضامنی (ب) با یکدیگر مرتبط می باشند.

۶. قیمت که شرکت تضامنی (ب) بالای شرکت (الف) بخاطر پرزه جات وضع می کند، " قیمت انتقال " گفته می شود. جهت مشخص ساختن اینکه آیا قیمت انتقال با ماده ۹ در مطابقت است یا خیر، اداره مالیاتی معاملات غیر مرتبط را مرور می نماید. دو معامله غیر مرتبط وجود دارد که اداره مالیات مشخص می سازد. معامله اول غیر مرتبط شرکت (ج) را دربر می گیرد. شرکت (ج) یک شرکت سهامی افغانی می باشد که نزدیک کابل موقعیت دارد. این شرکت پرزه جات را به مشتریان مختلف در نواحی کابل بفروش میرساند. شرکت (ج) در ترمیم واسطه های تیزرفتار سهم نمی گیرد.

۷. این شرکت تنها پرزه جات واسطه های تیزرفتار را بفروش میرساند. معامله دوم غیر مرتبط شرکت (د) را دخیل می سازد. شرکت (د) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت (د) نیز نزدیک به شهر کابل موقعیت دارد. شرکت (د) پرزه جات واسطه تیزرفتار را در ساحه کابل بفروش میرساند. شرکت (د) تعداد ازمستری را استخدام. مساعدت ویژه را به هر کسی که پرزه جات واسطه های تیزرفتار را خریداری می نماید، فراهم میسازد. شرکت (د) به خریدار پرزه جات در تشخیص اینکه چگونه کار ترمیم باید صورت گیرد، کمک میرساند. معاملات شرکت (ج) مشابه با معاملات شرکت تضامنی (ب) می باشد، چون کارکردهای شرکت اول و شرکت تضامنی (ب) مشابه اند. از اینرو معاملات شرکت (ج) می تواند شواهد بهتر قیمت درست انتقال را فراهم نماید.

۸.

b) **شرایط قرارداد:** شرایط قرارداد بکار رفته در معاملات مرتبط و معاملات غیر مرتبط باید مشابه باشد. در این رابطه اداره

مالیات باید بالای شرایطی تمرکز نماید که مربوط به قرارداد اقتصادی بین طرفین می شود (طور مثال، شرایط پرداخت، وقت اجرا، و غیره).

مثال:

داؤد مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی است. شرکت (الف) مجله چاپ می کند. و مجله ها را در بدل پول به فروش می رساند.

همچنان شرکت (الف) بخاطر چاپ اعلانات در مجله از مردم پول اخذ می نماید. داود مالک شرکت (ب) نیز می باشد. شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی است که خدمات پستی را انجام می دهد. اگر کسی بخواهد سندی را از یک موقعیت به موقعیت دیگر در داخل یک شهر افغانستان بفرستد، وی می تواند با خدمات پستی تماس گرفته و برای شرکت پستی بخاطر ارسال آن سند پول بپردازد. شرکت (ب) معمولاً تضمین می نماید که این سند به منزل مقصود ظرف یک روز می رسد. شرکت (ب) مبلغ ۱۰۰ افغانی بخاطر ارسال سند اخذ می نماید. شرکت (الف) همیشه جهت ارسال اسناد به کسی از خدمات پستی شرکت (ب) استفاده می کند. اما زمانیکه شرکت (ب) خدمات را به شرکت (الف) ارائه می نماید تضمین نمی کند که سند ظرف یک روز به منزل مقصود برسد. این شرکت صرف مبلغ ۸۰ افغانی بخاطر ارسال سند اخذ می نماید. قیمت وضع شده توسط شرکت (ب) بالای شرکت (الف) لزوماً غیر قابل قبول نیست. بخاطر که شرکت(ب) خدمات ارسال را به تعداد زیادی مشتریان در عین روز که شرکت (ب) سند را بدست می اورد، فراهم می نماید. شرکت (ب) عین خدمات بموقع را به شرکت (الف) فراهم نمی کند. بنابراین، نظر به این حقایق مناسب خواهد بود که شرکت (ب) از شرکت (الف) پول کمتر اخذ نماید. از اینرو در صورت که ممکن باشد، اداره مالیاتی افغانستان باید سعی نماید تا یک معامله غیر مرتبط را دریابد که خیلی ها با معامله مرتبط مطابقت داشته باشد.

خطرات متحمله بالای طرفین در معاملات مرتبط و غیر مرتبط باید مشابه باشد:

مثال

ادیب مالک تمام سهام شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی که موترسایکل وارد میکند، می باشد. همچنان ادیب مالک تمام سهام صادره شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی که موترسایکل ها را از شرکت (الف) خریداری و به مشتریان در سراسر افغانستان بفروش میرساند، نیز می باشد. زمانیکه شرکت (الف) موترسایکل ها را به شرکت (ب) بفروش میرساند، شرکت (الف) خطر که در جریان انتقال واقع می شود، متقبل می گردد. بنابرین، اگر در جریان انتقال یک موترسایکل مفقود و یا ضرر می بیند، شرکت (الف) این ضرر را متقبل می شود، نه شرکت (ب). زمانیکه اداره مالیاتی معاملات غیر مرتبط را تحلیل می کند، باید سعی نماید تا معاملات غیر مرتبطی را دریابد که در آن فروشنده خطر ضرر در جریان حمل و نقل تولیدات را متقبل گردد.

D. وضعیت اقتصادی: افغانستان از یک وضعیت تنش آلود اقتصادی بیرون می اید. از اینرو، در تحلیل معاملات مرتبط و غیر مرتبط، اداره مالیاتی باید مواظب باشد تا وضعیت اقتصادی مربوطه را در نظر بگیرد. علی الخصوص، سطح مفادی را که ممکن یک شخص از یک تشبث در افغانستان توقع داشته باشد می تواند بطور دراماتیک از سطح مفادی که یک شخص از یک تشبث در یک کشور رشد یافته توقع کند با در نظر داشت خطرات سرمایه گذاری در محیط بعد از جنگ، متفاوت باشد. بنابراین، در مشخص ساختن قیمت درست انتقال، از اداره مالیاتی خواسته می شود تا سطوح مفادی را در نظر بگیرد که به اساس سرمایه گذاری های مشابه تحت شرایط اقتصادی مشابه بدست می اید.

مثال:

اداره مالیاتی شرکت (الف) را بررسی می نماید. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی می باشد که رادیو ها را از یک شخص مرتبط در چین خریداری می نماید. سپس شرکت (الف) این رادیو ها را به دوکانهای مختلف در داخل افغانستان بفروش می رساند. در مشخص ساختن اینکه آیا قیمت پرداخت شده توسط شرکت (الف) در بدل این رادیوها قابل قبول است یا خیر، اداره مالیاتی می تواند معاملات بین طرفهای غیر مرتبط در بسیاری از کشوری های توسعه یافته را ملاحظه نماید. در ارزیابی این معاملات، اداره مالیات باید با دقت تمام در نظر بگیرد که آیا وضعیت خاص اقتصادی و سایر وضعیت ها در افغانستان آن معاملات را در فراهم نمودن رهنمود کمتر مفید واقع میشود

e).**شباهت دارایی یا خدمات:** در ثابت نمودن قیمت درست انتقال، معاملات مرتبط و غیر مرتبط باید دارایی یا خدمات مشابه دخیل باشد. هرگاه معامله مرتبط شامل فروش یک واسطه نقلیه باشد، اداره مالیات باید سعی نماید تا معاملات غیر مرتبط قابل مقایسه را دریابد که فروش یک واسطه نقلیه دخیل باشد. اداره مالیات نباید سعی کند تا بالای یک معامله غیر مرتبط که در آن یک موترسایکل دخیل باشد، اتکا نماید، چون فروش یک موترسایکل نسبت به فروش یک واسطه نقلیه بسیار متفاوت می باشد.

۹. در بعضی حالات مشخص ضرورت است تا تعدیلات صورت گیرد تا اطمینان حاصل گردد که معامله غیر مرتبط به معامله مرتبط قابل مقایسه می باشد.

مثال:

معامله مرتبط در بر گیرنده فروش پرزه جات واسطه تیز رفتار از شرکت (الف) به شرکت (ب) به مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ افغانی می باشد. شرایط فروش ملزم می سازد که شرکت (الف) حین انتقال پرزه جات به شرکت (ب) خطر گم شدن و یا تخریب این پرزه جات را متقبل شود. اداره مالیات یک معامله غیر مرتبط را که با معامله متذکره قابل مقایسه می باشد، شناسایی کرده است. اما در معامله غیر مرتبط خریدار خطر گم شدن و یا تخریب پرزه جات در جریان انتقال اجناس را متقبل گردیده است. در این صورت اداره مالیات می تواند قیمت بکار رفته در معامله غیر مرتبط فوق را تعدیل نماید تا قیمت فروشات را که در معامله غیر مرتبط بکار رفته است تخمین نماید، در صورت که این تعدیل به طریقه مشابه با معامله مرتبط انجام شده باشد.

۴. در بعضی حالات، اجرای میتود قیمت گذاری (ذیلاً شرح شده) میتواند یک نتیجه واحد را بوجود آورد که از بهترین شاخص قیمت مناسب انتقال، نمایندگی کند. طور بدیل اجرای یک میتود قیمت گذاری می تواند یک سلسله ای از نتایج را بوجود آورد.

اگر معاملات غیر مرتبط از تمام جهات ماهیتی با معاملات مرتبط مشابه باشد، یا بتواند تعدیل گردد تا اینکه از لحاظ ماهیت مشابه ساخته شود، پس تمام این نتایج یک سلسله از قیمت های انتقال معقول را سبب می گردد. هرگاه قیمت انتقال مالیه دهنده با آن مطابقت داشته باشد، سپس قیمت انتقال مالیه دهنده نباید تعدیل گردد.

اما اگر تمام تفاوت های ماهیتی نتواند حذف گرد، سپس نتایج باید به سه دسته مشخص تقسیم گردد. دسته اول باید شامل پایینترین(۲۵٪)نتایج باشد. دسته دوم باید شامل ۵۰٪ نتایج باشد. و دسته سوم باید شامل آخرین ۲۵٪ نتایج باشد. اگر قیمت انتقال مالیه دهنده در کتگوری دوم واقع گردد، قیمت انتقال مالیه دهنده نباید تعدیل گردد. هرگاه قیمت انتقال در دسته اول و یا سوم واقع گردد، اداره مالیات صلاحیت دارد تا قیمت انتقال را مجدداً اظهار نماید تا اینکه در دسته دوم قرار گیرد.

مثال ۱

ادیب یک شهروند افغان است. او مالک تمام سهام صادره یک شرکت سهامی کانادایی می باشد. همچنان ادیب مالک تمام سهام صادره یک شرکت سهامی افغانی نیز هست. شرکت سهامی کانادایی مواد خام را بشمول رنگ به شرکت سهامی افغانی می

فروشد. شرکت سهامی افغان این رنگ ها را برای تولید قالین استفاده می نماید. سپس شرکت سهامی افغانی قالین ها را به مشتریان خود در سراسر جهان بفروش میرساند. اداره مالیات چهار معامله قابل مقایسه شامل فروش رنگ را شناسایی می نماید. نتایج در ذیل فهرست گردیده است:

معامله اول قابل مقایسه ۱۰۰ افغانی فی لیتر
معامله دوم قابل مقایسه ۳۰۰ افغانی فی لیتر
معامله سوم قابل مقایسه ۳۸۰ افغانی فی لیتر
معامله چهارم قابل مقایسه ۵۰۰ افغانی فی لیتر

هرگاه تمام این معاملات غیر مرتبط از کلیه جهات ماهیتی مشابه با معامله مرتبط باشد، سپس سلسله قیمت های انتقال قابل قبول ۱۰۰ الی ۵۰۰ افغانی فی لیتر می باشد. اگر معامله مرتبط در این سلسله قرار بگیرد، پس نباید تعدیل صورت گیرد.

مثال ۲:

حقایق بجز از عدم مشابهت معاملات قابل مقایسه از کلیه جهات ماهیتی با معاملات مرتبط مشابه به مثال ۱می باشد. علاوه بر آن تعدیلات نمی تواند وارد گردد تا اطمینان حاصل گردد که معاملات غیر مرتبط قابل مقایسه از کلیه جهات اهمیتی مشابه به معامله مرتبط می باشد. بنابر این، معاملات قابل مقایسه متذکره باید به دسته ها جدا شوند. معامله اول قابل مقایسه ۲۵٪ نتایج پایینی را نمایندگی می کند. معاملات قابل مقایسه دوم و سوم در وسط نتایج ۵۰٪ واقع می شوند. مقایسه چهارم ۲۵٪ نتایج بلند را شامل می گردد. از اینرو، اگر شرکت سهامی کانادایی رنگ را به شرکت سهامی افغان به قیمت بیشتر از ۱۰۰ افغانی اما کمتر از ۵۰۰ افغانی فی لیتر بفروش برساند، سپس قیمت انتقال نباید تعدیل گردد.

در حالات خاص، تعداد نتایج مضرب دسته چهارم نخواهد بود. در این حالات، تمام نتایج افزود گردیده و سپس بالای تعداد نتایج تقسیم می گردد تا یک اوسط بدست آید. این اوسط باید جمع پایین ترین نتیجه گردیده و تقسیم بر دو گردد. این رقم بلندترین نتیجه را در دسته اول ایجاد می نماید. این اوسط باید جمع بلندترین نتیجه گردیده و تقسیم دو گردد. این رقم پایین ترین نتیجه در دسته سوم را به وجود می آورد.

مثال ۳:

ادیب یک شهروند افغان می باشد. او مالک تمام سهام صادره یک شرکت سهامی کانادایی می باشد. همچنان ادیب مالک تمام سهام صادره یک شرکت سهامی افغانی نیز می باشد. شرکت سهامی کانادایی مواد خام را بشمول ماده رنگی و رنگ را به شرکت سهامی افغانی بفروش می رساند. شرکت سهامی افغان آن مواد رنگی و رنگ را در تولید قالین بکار می برد. سپس این شرکت سهامی افغانی قالین ها را به مشتریان خود در سرتاسر جهان بفروش میرساند. اداره مالیات ۷ معامله قابل مقایسه مربوط به فروش مواد رنگی را مشخص می سازد. نتایج ذیلاً فهرست گردیده است:

معامله اول قابل مقایسه ۱۰۰ افغانی فی لیتر
معامله دوم قابل مقایسه ۳۰۰ افغانی فی لیتر
معامله سوم قابل مقایسه ۳۸۰ افغانی فی لیتر
معامله چهارم قابل مقایسه ۵۰۰ افغانی فی لیتر

معامله پنجم قابل مقایسه ۵۲۰ افغانی فی لیتر
معامله ششم قابل مقایسه ۵۴۰ افغانی فی لیتر
معامله هفتم قابل مقایسه ۶۰۰ افغانی فی لیتر
بین این معاملات و معامله کنترول شده تفاوت ها وجود دارد. تعدیلات برای از بین بردن این تفاوت ها صورت گرفته نمی تواند. بنابراین، یک سلسله ی از نتایج قابل قبول باید ایجاد گردد. هفت نتیجه وجود دارد. اگر شماره معاملات قابل مقایسه (۷) بالای شماره (۴) تقسیم گردد، نتیجه کسر (۱) می باشد. از اینرو، نتایج باید باهم جمع گردیده و تقسیم (۷) شوند. پس رقم اوسط ۴۲۰ بدست می اید. پایین ترین نتیجه ۱۰۰ می باشد. از اینرو، بلندترین فاصله دسته اول ۲۶۰ (۱۰۰ + ۴۲۰)/۲ می باشد. بلند ترین نتیجه ۶۰۰ می باشد. از این رو، پایین ترین فاصله دسته سوم ۵۱۰ است. پس، اگر قیمت وضع شده توسط شرکت کانادایی بلند تر از ۲۶۰ و پایین تر از ۵۱۰ باشد پس این قیمت نباید تعدیل گردد.

۵. در صورتیکه در قیمت انتقال مالیه دهنده یک تعدیل صورت گیرد اداره مالیات نیز باید آماده باشد تا این تعدیل را انجام دهد و یا یک تعدیل متناسب به عواید بدست آمده توسط سایر مالیه دهنده گان که در این معامله مرتبط دخیل بوده اند را بپذیرد. از اینرو، اگر یک تعدیل قیمت گذاری انتقال تاثیر افزاینده بالای عاید یک مالیه دهنده مرتبط داشته باشد، یک تعدیل متناسب باید بوجود آید تا عواید سایر مالیه دهنده گان مرتبط که در معامله مرتبط سهم گرفته اند را کاهش دهد. تعدیل مناسب باید تنها بر حسب قواعد ذیل صورت گیرد:

(a) یک تعدیل متناسب تا زمانی که یک "تصمیم نهایی" در تعدیل ابتدایی وجود داشته باشد، نباید صورت گیرد.

مثال ۱:
شرکت (الف) یک شرکت سهامی ازبکستانی می باشد. شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. ادیب یک باشنده ازبکستان است که مالک تمام سهام صادره شرکت سهامی (الف) و شرکت سهامی (ب) می باشد. شرکت سهامی (الف) وسایل را به شرکت سهامی (ب) اجاره می دهد. اداره مالیات در می یابد که کرایه وضع شده توسط شرکت سهامی (الف) بالای شرکت (ب) مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ افغانی بلند تر از کرایه که بین مالیه دهنده گان غیر مرتبط وضع می شود، می باشد. اداره مالیات عاید شرکت سهامی (ب) را به ۱۰۰،۰۰۰ افغانی افزایش می دهد. اگر شرکت سهامی (ب) این افزایش را بپذیرد و هر گونه مالیات بر عایدات واجب الادا حاصله را بپردازد، سپس اداره مالیات باید نیز تعدیل مناسب ذیل را در مبلغ مالیه واجب الادا بابت پرداخت کرایه بوجود آورد.

مثال ۲:
حقایق مشابه مثال ۱ می باشد، اما شرکت سهامی (ب) موضع اداره مالیات را مورد منازعه قرار می دهد. اداره مالیات نباید مبلغ مالیه قابل پرداخت بابت پرداخت کرایه را کاهش دهد مگر اینکه یک تصمیم نهایی در مورد مقدار وضع کرایه وجود داشته باشد.

(a) اگر یک تعدیل متناسب انجام شود، مالیه دهنده گان مرتبط ممکن بخواهند بمنظور مطابقت دادن کتابها و اسناد خویش با قیمت انتقال جدید یک انتقال نقدی را انجام دهند. بنابراین، اگر یک تعدیل متناسب انجام شود، اشخاص مرتبط باید بطور اختیاری اجازه داشته باشند تا مبلغ دریافتی و پرداختی را در کتابها و اسناد شان با مشخصات ذیل ایجاد نمایند:

۱) مبلغ دریافتی یا پرداختی باید از تاریخ آخرین روز سال که در آن معامله مرتبط صورت گرفته است، ایجاد گردد.

۲) مبلغ دریافتی یا پرداختی باید به نورم قابل قبول تکتانه از آن تاریخ افزایش یابد.

۳) مبلغ دریافتی یا پرداختی باید با پول رایج معامله موجود تعیین گردد.

مبلغ دریافتی یا پرداختی باید به حد کافی بزرگ باشد تا تمام تعدیل قیمت گذاری انتقال را تحت پوشش قرار دهد. این مبلغ باید نسبت به تعدیل قیمت گذاری انتقال بزرگتر نباشد. همینطور ایجاد مبلغ دریافتی یا پرداختی نباید سبب شود تا طرفین تابع مالیات اضافی شوند.

مثال:

شرکت سهامی (الف) یک شرکت سهامی ازبکستانی و شرکت سهامی (ب) یک شرکت سهامی افغانی می باشد. ادیب شخص مقیم افغانستان مالک شرکت های سهامی (الف) و (ب) می باشد. شرکت سهامی (الف) در جریان سال ۱۳۹۵ اجناس را به شرکت سهامی (ب) بفروش میرساند. تمام این فروشات به پول رایج افغانی صورت می گیرد. اداره مالیات اظهارنامه مالیاتی سال ۱۳۹۵ شرکت سهامی (ب) را در جریان سال ۱۳۹۷ بررسی می نماید. بعد از تفتیش، اداره مالیات در می یابد که قیمت انتقال وضع شده توسط شرکت سهامی (الف) به شرکت سهامی (ب) بیش از حد بالا است. بنابراین اداره مالیات عاید تابع مالیه شرکت سهامی (ب) را به ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی افزایش می دهد. شرکت سهامی (ب) این تجدید نظر را می پذیرد و مالیات بر عایدات اضافی را می پردازد. شرکت سهامی (الف) و شرکت سهامی (ب) می توانند انتخاب نمایند تا یک مبلغ قابل پرداخت و قابل دریافت مساوی به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی را در آخرین روز سال ۱۳۹۵ تعیین نمایند. شرکت سهامی (الف) یک پرداختی به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی را به شرکت سهامی (ب) و شرکت سهامی (ب) یک مبلغ قابل دریافت ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی را از شرکت سهامی (الف) خواهند داشت. این مبلغ قابل پرداخت و دریافت بین این دو شرکت باید متحمل یک نورم قابل قبول تکتانه از آخرین روز سال ۱۳۹۵ گردد تا اینکه سرانجام این مبلغ پرداخت گردد. چون این مبلغ مشابه با تعدیل قیمت گذاری انتقال می باشد، ایجاد مبلغ قابل دریافت و پرداخت سبب نمی شود تا شرکت سهامی (الف) یا شرکت سهامی (ب) تابع مالیه اضافی نگردند.

۱۰. میتود تعیین تکتانه مناسب در رابطه به یک قرضه طرح شده بین طرف های مرتبط در این پاراگراف پیشبینی گردیده است.

(a) نورم مناسب تکتانه عبارت از نورمی است که بین دو شخص غیر مرتبط متعاقب قرضه با عین شرایط وضع می گردد. در تعیین نورم مناسب، اداره مالیاتی باید تمام شرایط قرضه، احکام بازپرداخت و ضمانت ارائه شده در برابر بازپرداخت را بررسی نماید.

مثال ۱:

ادیب شهروند افغان است، اما در جریان سال مالیاتی در کشور ایالات متحده امریکا اقامت دارد. ادیب شرکت سهامی خود را که کاملاً در ملکیت وی قراردارد به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی قرض می دهد. بالای این قرضه به نورم ۱۳٪ تکتانه وضع می گردد. این قرضه باید در مدت ۱۰ سال بازپرداخت گردد. قرضه مذکور بدون تضمین می باشد بدین معنی که ادیب در هر یک از دارایی های شرکت سهامی مذکور تکتانه تضمین ندارد. این شرکت سهامی افغان می تواند نشان دهد که اخیراً یک قرضه را که باید در خلال ۸ سال بازپرداخت گردد از یک بانک بدست آورده است. نورم تکتانه بانک ۱۲٪ می باشد. ۱۳٪ تکتانه وضع شده توسط ادیب باید مناسب تلقی گردد.

مثال ۲:

حقایق مشابه مثال ۱ می باشد، اما قرضه بانک باید در خلال ۳ سال بازپرداخت گردد. در این صورت، قرضه بانک یک مقایسه معتبر را ارائه نمی سازد. ادیب و شرکت سهامی افغان وی مجبور اند تا بالای شواهد مختلف اتکا کنند تا به اثبات برسانند که این ۱۳٪ تکتانه مناسب می باشد. طور مثال، آنها می توانند به نورم های تکتانه که بانکها بالای قرض های با شرایط طولانی تر وضع می کنند، مراجعه نمایند.

(b) اداره مالیات باید وقتاً فوقتاً طرزالعمل های را در خصوص نورمهای مناسب تکتانه صادر نماید. در ضمن نورم معیاری تکتانه باید مبتنی بر نورمهای وضع شده توسط د افغانستان بانک برای استفاده وجوه باشد. طور مثال، د افغانستان بانک اوراق بهادار ۳۰ روزه را با یک نورم تکتانه که وقتاً فوقتاً تغییر می کند، صادر می نماید. قرضه با مدت کمتر از ۱ سال در صورتی دارای نورم مناسب تکتانه فرض می گردد که نورم وضع شده در محدوده معیار (سه درجه ای) فیصدی نورم که بالای اوراق بهادار وضع می گردد، قرار گیرد. برای اشخاص مرتبط مجاز است تا نورم غیر از نورم معیاری لست شده در طرزالعمل را بکار ببرند. اما اگر نورم متفاوت بکار رود، مالیه دهنده باید آماده باشد تا نشان دهد که آن نورم به اساس پاراگراف مذکور مناسب می باشد.

۱۱. شیوه تعیین فیس مناسب برای خدمات در یک معامله مرتبط در این پاراگراف پیشبینی شده است.

(a) معمولاً یک شخص بخاطر ارائه خدمات به یک شخص مرتبط فیس وضع می نماید، در صورتیکه این خدمات یک مفاد معین را برای شخص دریافت کننده آن خدمات فراهم نماید و این خدمات همان خدمتی باشد که اشخاص غیر مرتبط نیز بخواهند برای آن پرداخت نمایند. اگر آن خدمت یک مفاد معین را فراهم ننماید و یا خدمتی باشد که اشخاص غیر مرتبط بطور عادی نخواهند برای آن پرداخت نمایند، پس هیچ گونه فیس یا هزینه لازم نمی گردد.

مثال:

شرکت (الف) یک شرکت سهامی ازبکستانی است که مالک تمام سهام صادره شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغان می باشد. شرکت (الف) به صورت دوره ای نمایندهای خود را به افغانستان می فرستد تا اجراآت شرکت (ب) را نظارت نموده و معلومات مالی آن را بررسی نمایند. خدمات فراهم شده توسط شرکت (الف) یک مفاد معین را به شرکت (ب) فراهم نمی سازد و این خدمات آن نوع خدماتی نیستند که یک شرکت غیر مرتبط بخواهد برای شرکت (الف) بپردازد. شرکت (الف) نباید از شرکت (ب) بخاطر این خدمات فیس اخذ نماید اما اگر این کار را انجام می دهد، شرکت (ب) مستحق یک کسر مالیات بر عایدات برای آن پرداخت نمی باشد.

(b) اگر شخص تصمیم می گیرد تا بابت خدمات فراهم شده از یک شخص مرتبط فیس اخذ نماید، این فیس باید مشابه به مبلغی باشد که یک شخص از یک شخص غیر مرتبط برای عین خدمات یا خدمات مشابه اخذ می نماید.

مثال:

عزیز مالک تمام سهام شرکت (الف) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی امریکایی است. عزیز مالک تمام سهام شرکت (ب) نیز است. شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغان می باشد. شرکت (ب) خدمات مخابراتی را به مشتریان اش در افغانستان فراهم می نماید. شرکت (الف) خدمات مشورتی را به شرکت (ب) فراهم می سازد. خدماتی که شرکت (الف) فراهم میسازد شامل خدمات ترمیم و خدمات نگهداری کمپیوتر میباشد. خدماتی که شرکت (الف) به شرکت (ب) فراهم می کند یک مفاد مستقیم به شرکت (ب) فراهم می نماید و این خدمات از نوع خدماتی اند که یک شخص به یک شخص غیر مرتبط در بدل آن

فیس می پردازد. شرکت (الف) مستحق است تا از شرکت (ب) بخاطر خدماتی که آن شرکت دریافت می نماید، فیس اخذ نماید. مبلغ وضع شده باید مشابه به مبلغی که یک شخص بالای شخص مرتبط بابت عین خدمات یا خدمات مشابه وضع می نماید، باشد.

۵. شیوه تعیین فیس مناسب برای اجاره یا کرایه اموال ملموس بین اشخاص مرتبط در این پاراگراف پیشبینی شده است. بطور خلاصه، فیس یا هزینه مناسب مبلغی است که بابت اجاره یا کرایه اموال مشابه یا عین چیز بین اشخاص غیر مرتبط تحت عین شرایط وضع می گردد.

۶. شیوه تعیین فیس مناسب برای فروش یا انتقال اموال ملموس بین اشخاص مرتبط در این پاراگراف پیشبینی گردیده است. بطور مختصر پنج شیوه ممکن برای تعیین فیس مناسب برای انتقال اموال ملموس بین اشخاص مرتبط وجود دارد.

۱. شیوه قیمت غیر مرتبط قابل مقایسه
۲. شیوه قیمت فروش مجدد
۳. شیوه قیمت تمام شد
۴. شیوه حد خالص انتقالی
۵. میتود نامشخص

بهترین شیوه ای که باید استفاده شود، شیوه ای است که مطابق قواعد پاراگراف ۵ فوق تعیین گردیده است.

(a) **شیوه قیمت غیر مرتبط قابل مقایسه:** مقصد از شیوه قیمت غیر مرتبط قابل مقایسه آنست تا قیمت را که بابت اموال ملموس در معامله مرتبط وضع می گردد با قیمت که در معاملات غیر مرتبط برای عین اموال وضع می گردد، مقایسه نماید.

مثال ۱:

عزیز مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) و شرکت (ب) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی فرانسوی و شرکت (ب) یک شرکت سهامی افغانی است. شرکت (الف) لوله های فلزی را به شرکت (ب) بفروش می رساند. شرکت (ب) این لوله ها را از شرکت (الف) خریداری و در کار ساختمانی خود در افغانستان استفاده می نماید. شرکت (الف) یک متر لوله را به قیمت ۵۰ افغانی می فروشد. در قرارداد فروشات پیشبینی گردیده که شرکت (الف) تمام خطرات مربوط به حمل و نقل لوله ها از فرانسه به افغانستان را بعهده گرفته است. شرکت (ب) می تواند ثابت نماید که عین لوله ها را از شرکت های غیر مرتبط چینایی فی متر ۴۰ یا ۴۲ افغانی می تواند خریداری کند. عرضه کننده های چینایی نیز تمام خطر مربوط به انتقال لوله ها از چین به افغانستان را بعهده می گیرند. قیمت انتقال از شرکت (الف) به شرکت (ب) باید تعدیل گردد تا این حقایق را منعکس سازد که شرکت (الف) باید تنها بالای شرکت (ب) به مبلغ ۴۲ افغانی را برای این لوله وضع نماید.

مثال ۲

حقایق مانند مثال ۱ است، به استثنای اینکه عرضه کننده گان چینایی تمام خطرات مربوط به حمل و نقل لوله ها از چین به افغانستان را بعهده نمی گیرند. اداره مالیات تخمین میزند که هزینه بیمه خطرات مربوط به حمل نقل لوله ها تقریباً از ۵ تا ۱۰ افغانی فی لوله خواهد بود، بنابرین در این مورد هیچ تعدیلی در قیمت انتقال ضروری نمی باشد.

(b) **شیوه قیمت فروش مجدد:** این شیوه بکار گرفته میشود تا معیین سازد که آیا مبلغ وضع شده در یک معامله کنترول شده با در نظر داشت مفاد ناخالص حاصله در معاملات غیر مرتبط مشابه، مناسب است یا خیر. مفاد ناخالص مساوی است با عواید فروش تولیدات منفی هزینه تولید فروشنده. مفاد ناخالص توسط مصارف عملیاتی مانند مصرف اعلانات یا مصرف تکتانه کاهش نمی یابد. جهت معیین ساختن قیمت مناسب انتقال، فیصدی مناسب مفاد ناخالص ضرب قیمت فروش مجدد قابل اجراء می شود. فیصدی مفاد ناخالص مناسب نسبت مفاد ناخالص حاصله از فروشات دارایی مشابه به قیمت فروشات آن جایداد می باشد. قیمت فروشات قابل تطبیق عبارت از قیمتی است که با آن یک طرف مرتبط دارایی را به اشخاص غیر مرتبط بفروش می رساند. معمولاً این شیوه زمانی بکار می رود که یکی از طرفین مرتبط اموال شخصی ملموس را بدون اضافه نمودن ارزش قابل توجه در آن، خریداری و بفروش می رساند. برای این منظور، بسته بندی، برچسپ زدن ویکجا ساختن قطعات،ارزش ماهیتی را اضافه نمی نماید. اینکه آیا این شیوه بهترین روش است یا خیر با استفاده از فاکتورهای تصریح شده در پاراگراف فوق الذکر تعیین می گردد.

مثال ۱:

ادیب مالک تمام سهام صادره شرکت (الف)، یک شرکت سهامی ازبکستانی و شرکت (ب)، یک شرکت سهامی افغانی می باشد. شرکت (الف) جنراتور های برق را به شرکت (ب) می فروشد. بعداً شرکت (ب) این جنراتور های برق را به مشتریان خود در افغانستان بفروش می رساند. شرکت (ب) از فی پایه جنراتور مبلغ ۲۰،۰۰۰ افغانی اخذ می نماید. شرکت (ب) این جنراتور ها را از شرکت (الف) در بدل ۱۸،۰۰۰ افغانی فی پایه خریداری می نماید. قیمت فروش قابل اجرا برای این جنراتور ها مبلغ ۲۰،۰۰۰ افغانی فی پایه می باشد. مفاد ناخالص بدست آمده توسط شرکت (ب) مبلغ ۲،۰۰۰ افغانی (۲۰،۰۰۰ – ۱۸،۰۰۰) می باشد. فیصدی مفاد ناخالص ۱۰٪ می باشد.

مثال ۲:

حقایق مانند مثال ۱ می باشد، به استثنای اینکه اداره مالیات مشخص می سازد که رقابت کننده گان شرکت (ب) جنراتور ها را از شرکت های غیر مرتبط خریداری می نمایند. همچنان اداره مالیات تعیین می نماید که این شرکت ها فیصدی های مفاد ناخالص ذیل را بدست می آورند:

شرکت (ج) ۱۲٪

شرکت (د) ۱۵٪

شرکت (ح) ۱۸٪

شرکت (ف) ۲۲٪

چون بین تولیدات بفروش رسیده توسط شرکت های (ج)، (د)، (ح) و (ف) تفاوت وجود دارد، که نمی تواند تصحیح گردد، فیصدی بالاتر از ۱۲٪ و پایین تر از ۲۲٪ از سلسله ی مربوط به مفاد ناخالص نمایندگی می کند که شرکت (ب) باید از جنراتور ها بدست بیاورد. بنابراین، اداره مالیات حق دارد تا قیمت انتقال بین شرکت (الف) و شرکت (ب) را تعدیل نماید تا اطمینان حاصل گردد که شرکت (ب) یک مفاد ناخالص حد اقل ۱۲٪ را بدست آورد.

(c) **شیوه قیمت تمام شد:** شیوه قیمت تمام شد جهت تعیین قیمت انتقال مناسب با در نظر گرفتن مبلغی که توسط آن قیمت فروشات اموال از هزینه تولید آن تجاوز میکند، استفاده می گردد. این مبلغ اضافی "تفاوت بین هزینه و قیمت کالا " گفته می شود. این فیصدی، تفاوت بین هزینه و قیمت کالا عبارت از نسبت این افزایش تفاوت بین هزینه بر هزینه تولید

اموال می باشد. این شیوه معمولاً در موارد تولیدی، بسته بندی یا مونتاژ و سایر تولیدات اجناس که با طرفین مرتبط بفروش می رسد، بکار می رود. این شیوه برای آن بکار می رود تا یک قیمت مناسب را با اضافه نمودن مفاد ناخالص مناسب بر هزینه مالیه دهنده مرتبط برای تولید آن اموال در معامله مرتبط مشخص سازد. مفاد ناخالص مناسب با در نظر گرفتن فیصدی تفاوت بین هزینه و قیمت کالا بدست آمده در معاملات غیر مرتبط محاسبه می گردد.

مثال ۱:

وحید مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی، و شرکت (ب) یک شرکت سهامی انگلیسی می باشد. شرکت (الف) در افغانستان قالین تولید می نماید و بالای شرکت (ب) بفروش می رساند. شرکت (ب) این قالین ها را به مشتریان خود در انگلستان بفروش می رساند. شرکت (الف) این قالین ها را بالای شرکت (ب) در بدل ۳۰،۰۰۰ افغانی فی تخته قالین می فروشد. هزینه تولید فی تخته قالین برای شرکت (الف) ۲۵،۰۰۰ افغانی فی تخته قالین می باشد. تفاوت بین هزینه و قیمت کالای بدست آمده توسط شرکت (الف) مبلغ ۵،۰۰۰ افغانی میباشد. فیصدی تفاوت بین هزینه و قیمت کالا ۲۰٪ (۵،۰۰۰ افغانی / ۲۵،۰۰۰ افغانی) می باشد.

مثال ۲:

حقایق مشابه مثال ۱ می باشد، به استثنای اینکه اداره مالیات سه شرکت تولیدی قالین افغان را در عین موقعیت جغرافیایی شناسایی می نماید. این سه شرکت تولیدی قالین های مشابه را به مشتریان غیر مرتبط خود در اروپا بفروش می رسانند. اداره مالیات تشخیص می دهد که این سه شرکت تولید کننده قالین هزینه های را متحمل می شوند که مشابه به شرکت (الف) می باشد. اما این سه شرکت فیصدی مختلف و تفاوت بین هزینه و قیمت کالا را بدست می اورند.

شرکت (ج) ۱۶٪

شرکت (د) ۲۲٪

شرکت (ح) ۲۳٪

اداره مالیات تشخیص می دهد که شرکت های (ج، (د) و (ح) اجناس خیلی مشابه را با شرایطی فراهم می سازند که بسیار زیاد مشابه به شرایط پیشکش شده توسط شرکت(الف) می باشد. از اینرو، هر سه نتایج قبل الذکر یک سلسله نتایج معقول را ایجاد می نماید. چون فیصدی تفاوت میان هزینه و قیمت کالا بدست آمده توسط شرکت (الف) شامل این سلسله می باشد، هیچ تعدیلی نباید صورت گیرد.

مثال ۳:

حقایق مشابه به مثال ۲ می باشد، اما اداره مالیات چهار معامله غیر مرتبط بالقوه را کشف می نماید. این معاملات با معاملات انجام شده توسط شرکت (الف) خیلی مشابه بوده، اما تفاوت وجود دارد. طور مثال، بعضی قالین های بفروش رسیده در معاملات غیر مرتبط ۱۰۰٪ ساخته شده از پشم خالص نیستند. اداره مالیات باور ندارد که تعدیلات کافی را در معاملات غیر مرتبط بوجود آورد تا آنها را با فروشات شرکت (الف) به شرکت (ب) خیلی مشابه بسازد. فیصدی تفاوت میان هزینه و قیمت کالا در ذیل صراحت یافته است.

شرکت (ف) ۱۵٪

شرکت (گ) ۱۸٪

شرکت (هـ) ٪۲۱

شرکت (ی) ٪۲۴

چون این معاملات غیر مرتبط بقدر کافی مشابه به فروشات شرکت (الف) به شرکت (ب) نمی باشد، اداره مالیات باید یک سلسله نتایج معقول را ایجاد نماید. حد معقول نتایج پایینترین نتیجه ۲۵٪ و بلندترین نتیجه ۲۵٪ معاملات غیر مرتبط را شامل نمی نماید. در لست نتایج قبل الذکر پایینترین نتایج ۱۵٪ و بلند ترین نتایج ۲۴٪ می باشد. بنابراین، حد نتایج معقول بلند تر از ۱۵٪ اما پایینتر از ۲۴٪ می باشد. اداره مالیات می تواند قیمت انتقال میان شرکت (الف) و شرکت (ب) را تعدیل نماید تا اینکه تفاوت میان هزینه و قیمت کالای شرکت (الف) بلندتر از ۱۵٪ اما پایینتر از ۲۴٪ گردد.

(d) **شیوه حد تعاملی خالص:** این شیوه می تواند برای انتقالات جایداد های ملموس و غیر ملموس بکار رود. از اینرو قواعد مربوط به شیوه تعاملی مفاد خالص در پاراگراف ۱۴ بطور جداگانه توضیح داده شده است

(c) **شیوه های نامشخص:** شیوه های نامشخص می توانند برای انتقال اموال ملموس و غیر ملموس بکار روند. از اینرو، قواعد مربوط به شیوه ها در پاراگراف ۱۵ بطور جداگانه توضیح داده شده است.

۱۲. میتود تعیین هزینه مناسب برای فروش یا انتقال اموال غیر ملموس در این پاراگراف پیشبینی شده است. تعیین قیمت مناسب انتقال برای فروش یا انتقال یک مال غیر ملموس می تواند خیلی دشوار باشد. تعیین قیمت انتقال مناسب با درنظرداشت این حقیقت که حق استفاده از یک مال غیر ملموس می تواند به تعداد بخشهای مختلف جدا ساخته شود، پیچیده می گردد. بنابراین، یک قلم واحد مال غیر ملموس می تواند چندین مالک داشته باشد. طور مثال، یک شخص می تواند حق استفاده از یک نام مشخص برای فروش قالین در ولایت هلمند را داشته و شخص دیگری می تواند حق داشتن عین نام را برای فروش قالین در ولایت بامیان را داشته باشد. از اینرو اولین کار در تحلیل قیمت انتقال برای مال غیر ملموس مشخص ساختن مالک آن مال می باشد. معمولاً، اگر مال غیر ملموس قانوناً محفوظ می باشد، مالک حقوقی یک مال غیر ملموس مالک آن پنداشته می شود مگر اینکه آن شخص اساساً تمام حقوق خود را به شخصی دیگری بر اساس یک قرارداد انتقال نماید.

مثالهای ذیل نشان می دهد که قانون افغانستان به یک شخص حق انحصاری قانونی را جهت استفاده از یک اسم مشخص در اجرای یک تجارت یا کار و بار در یک ولایت اعطا می نماید. این مثالها صرف برای تشریحات بوده و نباید منحیث یک نظر در مورد قوانین اموال غیر ملموس در افغانستان تفسیر گردد.

مثال ۱:

قانون افغانستان حق انحصاری استفاده از نام "قالین فروشی افغان" را در ولایت های هلمند و بامیان به عزیز می دهد. در نتیجه عزیز می تواند دوکانهای قالین فروشی خود را در ولایت های هلمند و بامیان به نام "قالین فروشی افغان" باز نماید اما هیچ کسی دیگر اجازه ندارد تا یک دوکان قالین فروشی را با عین نام باز نماید. بطور عادی عزیز مالک حق غیر ملموس می باشد تا از آن نام برای تجارت خود در ولایات نامبرده به مقصد مالیات استفاده نماید.

مثال ۲:

حقایق مشابه مثال ۱ می باشد، به استثنای اینکه عزیز با وحید عقد قرارداد می نماید. در قرارداد پیشبینی گردیده که عزیز تمام حقوق اساسی تحت نام "قالین فروشی افغان" را در ولایت بامیان در بدل ۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی به وحید انتقال می دهد. پس از آن،

عزیز تنها شخصی است که اجازه دارد تا از نام "قالین فروشی افغان" در ولایت هلمند استفاده نماید و وحید تنها شخصی می باشد که اجازه دارد از نام "قالین فروشی افغان" در ولایت بامیان نیز استفاده کند. در این صورت، عزیز تنها مالک مال غیر ملموس در هلمند تلقی می گردد. و بدین ترتیب وحید مالک مال غیر ملموس در ولایت بامیان پنداشته می شود.

اگر اموال غیر ملموس به شکل قانونی محفوظ نشده باشد، در آنصورت شخصی که مال غیر ملموس را ایجاد می نماید مالک آن شناخته می شود. اگر دو یا بیشتر از دو شخص مرتبط این مال را ایجاد نموده باشند، پس مالک آن شخصی می باشد که بزرگترین سهم هزینه های مستقیم و غیر مستقیم مربوط به آن مال را متقبل گردیده است.

مثال ۳:

عزیز مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) و شرکت (ب) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی و شرکت (ب) یک شرکت سهامی ازبکستانی می باشند. کارمندان شرکت (الف) و شرکت (ب) باهم یکجا کار می کنند تا یک پروسه جدید را برای رنگ کردن پارچه ها ایجاد نمایند. در زمان که این پروسه طرح می گردد، افغانستان فاقد قانون است که به شرکت (الف) یا شرکت (ب) هر گونه حفاظت قانونی را برای این پروسه جدید فراهم سازد. از این رو، هر دو شرکت (الف) و شرکت (ب) باید اطمینان حاصل نمایند که کارمندان شان اسرار این پروسه جدید را با مردم شریک نمی سازند. این دو شرکت با کارمندان خویش قرارداد می نماید تا اسرار این پروسه را محفوظ نگهدارند. شرکت (الف) مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ افغانی و شرکت (ب) مبلغ ۲،۸۰۰،۰۰۰ افغانی را در ایجاد این پروسه سری متقبل می شوند. شرکت (الف) باید مالک این پروسه سری شناخته شود.

مهم است تا مالک مال غیر ملموس مشخص گردد، چون مالک مال شخصی است که مستحق دریافت مجرایی بابت استفاده آن می باشد. طرف های دیگر که در ایجاد این مال غیر ملموس کمک و یاری رسانیده اند، صرف بابت خدمات خویش جبران بدست می آورند.

مثال ۴:

حقایق مشابه مثال قبلی می باشد. بخاطر که شرکت (الف) مالک این روند می باشد، شرکت (الف) باید به شرکت (ب) بخاطر جبران هزینه های آن شرکت با اضافه یک مفاد معقول، پرداخت نماید. شرکت (الف) باید پرداخت نماید، چون شرکت (ب) خدمات را برای شرکت (الف) ارائه می نماید. اگر شرکت (ب) این روند را در کار و بار خود مورد استفاده قرار می دهد، باید به شرکت (الف) بخاطر استفاده از این روند پرداخت نماید.

زمانی که مالک تعیین گردید، ریاست عمومی عواید باید شیوه قیمت گذاری انتقال را به منظور تعیین اینکه آیا قیمت انتقال برای دارایی غیر ملموس مناسب است یا خیر، بکار گیرد. بطور خلاصه برای تعیین قیمت مناسب انتقال دارایی غیر ملموس سه شیوه قابل قبول وجود دارد. این شیوه ها، شیوه های قابل مقایسه معامله اشخاص غیر مرتبط، شیوه معامله خالص و شیوه های نامشخص می باشند.

(a) **شیوه معامله غیر مرتبط قابل مقایسه:** منظور از این شیوه این است تا تعیین نماید که آیا مبلغ وضع شده بین دو شخص مرتبط برای انتقال یک دارایی غیر ملموس در مقایسه با مبلغی که در یک معامله مشابه بین دو شخص غیر مرتبط وضع می گردد، منطقی است یا خیر. این شیوه معمولاً تنها زمانی استفاده می گردد که یک معامله مشابه بین اشخاص غیر مرتبط بتواند رونما گردد.

مثال ۱:

عزیز استفاده از نام (قالین فروشی افغان) را در ولایت های هلمند و بامیان در انحصار خود دارد. او حق استفاده از این نام را در ولایت هلمند به وحید در بدل فیس ۵ فیصد فروشات سالانه وی، برای شش سال آینده واگذار می نماید. در عین زمان، عزیز به پسرش ادیب حق استفاده از عین نام را در ولایت بامیان در بدل فیس ۳ درصد از فروشات سالانه ادیب برای شش سال آینده نیز واگذار می کند. اداره مالیات تعیین می نماید که هیچ دلیل قابل ملاحظه وجود ندارد که چرا حق استفاده از نام (قالین فروشی افغان) در ولایت هلمند بیشتر با ارزش و در ولایت بامیان ارزش کمتر دارد. بنابراین، اداره مالیات حق دارد تا عواید عزیز را تعدیل و بالا ببرد تا این حقیقت را منعکس سازد که عزیز باید مبلغ مساوی به ۵٪ را نیز از فروشات قالین پسرش دریافت نماید.

مثال ۲ :

عزیز مالک تمام سهام صادره شرکت های (الف) و (ب) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی و شرکت (ب) یک شرکت سهامی کانادایی می باشد. شرکت (الف) نوشابه سودا را برای فروش در افغانستان در بوتل ها جابجا می نماید. جهت پیشبرد فعالیت خویش شرکت (الف) بوتل و نوشابه را از خارج به افغانستان وارد می نماید. سپس شرکت (الف) این نوشابه را به نوشابه سودا تبدیل نموده و در بازارها بفروش می رساند. شرکت (ب) مالک حق پروسس سری بوده که جابجا کردن نوشابه سودا در بوتل های پلاستیکی را آسان می سازد. شرکت (ب) حق استفاده از این پروسس را به شرکت (الف) در بدل فیس مساوی به ٪۵ عواید شرکت (الف) واگذار می نماید. شرکت (ج) با عزیز، شرکت (الف) و شرکت (ب) شخص غیر مرتبط می باشد. این شرکت مالک حق استفاده از نام(نوشابه افغان) در افغانستان می باشد. شرکت (ج) حق استفاده از این نام را به شرکت (الف) حین برچسپ زنی بوتل های که بفروش می رسد، اعطا می نماید. شرکت (ج) بالای شرکت (الف) یک فیس مساوی به ۱٪ عواید آن شرکت را وضع می نماید. حق استفاده از یک پروسس سری و حق استفاده از یک نام، کاملاً حقوق جداگانه می باشند. بنابراین، اداره مالیات نمی تواند شیوه معامله غیر مرتبط قابل مقایسه را بکار گیرد تا فیس پرداخت شده توسط شرکت (الف) به شرکت (ب) را به ۱٪ عاید خالص کاهش دهد و بدان وسیله مفاد شرکت (الف) را افزایش دهد.

(b) **شیوه تعاملی خالص:** این شیوه میتواند برای انتقالات دارایی ملموس و غیر ملموس بکار رود. بنابراین، قواعد مربوط به شیوه تعاملی خالص بطور جداگانه در پاراگراف ۱۴ وضاحت یافته است.

(c) **شیوه های نامشخص:**این شیوه ها می تواند برای انتقالات دارایی ملموس و غیر ملموس بکار رود. بنابراین، قواعد مربوط به شیوه های نامشخص بطور جداگانه در پاراگراف ۱۵ وضاحت یافته است.

۱۳. **شیوه تعاملی خالص:** این شیوه برای تعیین اینکه آیا مبلغ وضع شده در معامله مرتبط با توجه به اندازه منفعت معقول است یا خیر. شیوه تعاملی خالص می تواند برای انتقالات دارایی ملموس و غیر ملموس بکار رود. این اندازه های منفعت اغلب "شاخصهای سطح مفاد" نامیده می شوند. این شاخصهای سطح مفاد از تحقیق معاملات که بین مالیه دهنده گان غیر مرتبط که در فعالیت های تجارتی مشابه و در تحت عین شرایط قرار دارند، گرفته می شود. این شیوه باید صرف در صورت مورد استفاده قرار گیرد که سایر شیوه های فوق الذکر کاربرد نداشته باشند.

مثال ۱:

اداره مالیات مفاد های بدست آمده سه ساله فروشنده های عراده جات در کابل، هرات، و مزار شریف را ارزیابی می کند. اداره مالیات در می یابد که مفاد یک تجارت پیشه عادی از فروش عراده جات به مشتریان بین ۳٪ عواید فروشات و ۱۰٪ عواید فروشات

وی مساوی خواهد شد. بنابراین، اگر قیمت فروش یک واسطه ۱۰۰۰۰۰ افغانی باشد مفاد تاجر بین ۳،۰۰۰ و ۱۰،۰۰۰ افغانی می گردد، این تناسب مفاد به عواید شاخص سطح مفاد می باشد.

طبق شیوه تعاملی خالص، میزان مفاد معقول با بکارگیری شاخص سطح مفاد که از طرفهای غیر مرتبط باتوجه به تحقیق به دست می آید، تعیین می گردد.

مثال ۲:

حقایق مشابه به مثال قبلی می باشد، به استثنای اینکه اسم مالیه دهنده تحت بررسی وحید است. وحید مالک یک تشبث در کابل است که عراده جات مستعمل را به مشتریان بفروش می رساند. یکی از با اهمیت ترین مشتریان وحید، پسرش ادیب می باشد. ادیب در کابل مالک یک شرکت است که خدمات امنیتی فراهم می نماید. ادیب تمام وسایط نقلیه خود را از شرکت پدرش خریداری می نماید. اداره مالیات کشف می نماید که نسبت مفاد بین وحید از درک فروش عراده جات و پسرش کمتر از ۱٪ می باشد. اداره مالیات می تواند این معلومات را از معاملات غیر مرتبط در کابل، هرات، و مزار شریف به دست آورد تا مفاد وحید را از درک فروش عراده جات به پسرش افزایش دهد تا اینکه نسبت این مفاد که وحید از این عواید بدست میاورد بین ۳٪ و ٪۱۰ گردد.

تناسبهای متفاوت را می توان منحیث شاخصهای سطح مفاد در نظر گرفت. طور مثال، تناسب مفاد به عواید یکی از انواع شاخص سطح مفاد پنداشته می شود. شاخص دیگر سطح مفاد عبارت از تناسب مفاد عملیاتی به مصارف عملیاتی می باشد. مهم است تا تلاش صورت گیرد که مفاد معامله مشخص را از مفاد حاصله توسط تمام شرکت مجزا نماید.

مثال ۳:

عزیز مالک یک مغازه در ترکمنستان می باشد که تکه تولید می نماید. عزیز تکه را بالای پسرش ادیب که در افغانستان زندگی می کند، بفروش میرساند. ادیب این تکه را در ساختن لباس های مردانه بکار می برد. ادیب این لباس ها را در مغازه خود که در ساحه شهر نو کابل موقعیت دارد، بفروش میرساند. اداره مالیات در مورد ادیب برای سال مالیاتی ۱۳۹۶ تحقیق می نماید. اداره مالیات درمی یابد که ادیب مفاد ذیل را در جریان سال ۱۳۹۶ بدست آورده است:

عاید	10,000,000 افغانی
هزینه اجناس بفروش رسیده	- 8,000,000
مفاد نا خالص	2,000,000
مصارف عملیاتی	- 1,000,000
مفاد خالص	1,000,000

معلومات فوق الذکر می تواندتعداد شاخصهای متفاوت سطح مفاد را ارائه نماید. طور مثال، نسبت بین مفاد خالص و عواید ۱۰٪ می باشد. رازق شخص غیر مرتبط با عزیز و ادیب می باشد. همچنان رازق مالک یک مغازه در شهر نو کابل می باشد. اداره مالیات از بررسی اظهارنامه های مالیاتی چهار سال اخیر رازق درمیابد که نسبت بین مفاد خالص و عاید رازق تقریباً ۵٪ می باشد. اما برخلاف ادیب، رازق لباس های مردانه، کفش و صنایع افغانی را بفروش می رساند. اداره مالیات نمی تواند مشخص سازد که چی مقدار مفاد را رازق تنها از فروش لباس بدست می آورد. بنابراین، اداره مالیات نباید از نتایج رازق برای تعدیل مفاد ادیب مطابق شیوه تعاملی خالص استفاده نماید.

جهت دقت و درستی بیشتر این شیوه، معلومات چند سال باید مورد ارزیابی قرار گیرد. عموماً، حد اقل معلومات سه سال باید

تحلیل گردد تا یک شاخص سطح مفاد ایجاد گردد.

مثال ۴:

اداره مالیات می خواهد تعیین کند که کدام مفاد برای فروش وسایط نقلیه مستعمل باید معقول باشد تا اینکه بتواند یک شاخص سطح مفاد را ایجاد نماید. اداره معلومات دو شرکت (الف) و (ب) را کسب می نماید. شرکت (الف) دارای معلومات ذیل می باشد:

سال	عاید	مفاد	نسبت
۵139	10,000,000	100,000	1%
۶139	20,000,000	200,000	1%
۷139	5,000,000	500,000	10%

اداره مالیات باید اوسط نتایج سه سال گذشته یا ۴/ (۱٪ + ۱٪ + ۱۰٪)/ ۳ را بگیرد. اداره مالیات نباید بطور ساده ۱۰٪ ارقام از سال ۱۳۹۷ را بگیرد چون این بلند ترین رقم می باشد. شرکت (ب) دارای معلومات ذیل میباشد:

سال	عاید	مفاد	نسبت
۵139	10,000,000	200,000	2%
۶139	20,000,000	200,000	1%
۷139	5,000,000	300,000	6%

اداره مالیات باید اوسط نتایج سه سال اخیر، یا ۳/ (۲٪ + ۱٪ + ۶٪) / ۳ را بگیرد.

اداره مالیات باید عین اقدامات را با سایر شرکت های که فکر می کنند دارای فعالیت های مشابه هستند اتخاذ نماید تا یک سلسله ای معقول شاخصهای سطح مفاد را طوریکه پاراگراف ۷ ایجاب می نماید، ایجاد نماید.

بر علاوه، مهم است تا اطمینان حاصل گردد که تشبث های که جهت ایجاد سلسله معقول شاخصهای سطح مفاد مورد تحلیل قرار می گیرند، دارای عین شیوه حسابداری باشند.

مثال ۵:

عزیز مالک یک دوکان در ساحه وزیر اکبر خان کابل می باشد. این دوکان نان، کیک و کلچه می فروشد. عزیز شیوه نقدی حسابداری را استفاده می نماید. عزیز تمام آرد مصرفی خود را از پسرش خریداری می کند. پسرش مالک یک دوکان در پاکستان می باشد. اگر اداره مالیات بخواهد جهت تحقیق قیمت انتقال که عزیز برای آرد می پردازد، شیوه تعاملی خالص را استفاده نماید، این اداره باید یک معامله مشابه بین جوانب غیر مرتبط را بیابد که از حسابداری نقدی استفاده می نماید.

طوریکه در فوق ذکر گردید، شیوه تعاملی خالص می تواند جهت ایجاد یک قیمت معاملات آزاد بالای انتقالات دارایی ملموس و غیر ملموس بکار رود.

مثال ۶:

نجیب الله یک شهروند و باشنده افغان است که مالک تمام سهام صادره یک شرکت سهامی کانادایی و یک شرکت سهامی افغان می باشد. شرکت سهامی کانادایی شرکت سهامی افغان را بخاطر استفاده از بعضی تکنالوژی های مشخص این شرکت برای تولید فولاد اجازه می دهد. شرکت سهامی افغان حق الامتیاز را به شرکت سهامی کانادایی در جریان سال ۱۳۹۷ می پردازد. این پرداخت حق الامتیاز یگانه معامله مرتبط بین شرکت سهامی افغان و شرکت سهامی کانادایی می باشد. این حق الامتیاز مساوی به ۵٪ عواید فروشات شرکت سهامی افغان می باشد. اداره مالیات مفاد خالص را بمثابه یک فیصدی فروشات منحیث شاخص سطح مفاد خود انتخاب می نماید. اداره مالیات مفاد های خالص و عواید فروشات حاصله در جریان سه سال اخیر هر چهار شرکت را بررسی می نماید. نتایج قرار ذیل اند:

شرکت	سال	مفادات/فروشات
شرکت الف	۱۳۹۶	6%
۱۳۹۵	5%	
۱۳۹۴	7%	
اوسط	6%	
شرکت (ب) ۱۳۹۶	5%	
۱۳۹۵	2%	
۱۳۹۴	8%	
اوسط	5%	
شرکت ج ۱۳۹۶	2%	
۱۳۹۵	4%	
۱۳۹۴	0%	
اوسط	2%	
شرکت د ۱۳۹۶	2%	
۱۳۹۵	1%	
۱۳۹۴	0%	
اوسط	1%	

اوسط ۱٪ مفاد خالص شرکت (د) از ۲۵٪ نتایج پایینی نمایندگی می کند. اوسط ۶٪ مفاد خالص شرکت (الف) از ۲۵٪ بالایی نتایج نمایندگی مینماید. تا حدی که شرکت سهامی افغان یک نسبت بین مفادات و فروشات بالاتر از ۱٪ اما پایینتر از ۶٪ را ایجاد می نماید، حق الامتیازی را که به شرکت سهامی کانادایی می پردازد، نباید تعدیل گردد.

فرض کنید که شرکت سهامی افغان در سال ۱۳۹۷ یک خسارت را متحمل گردیده باشد. اداره مالیات می تواند حق الامتیاز را که شرکت سهامی افغان به شرکت سهامی کانادایی می پردازد تا زمانی که نسبت مفاد به فروشات این شرکت بالغ بر ۱٪ نگردد، کاهش دهد.

۱۴. **شیوه های نامشخص:** اداره مالیات و مالیه دهنده گان می توانند از شیوه های که در فوق توضیح داده نشده اند، جهت مشخص ساختن قیمت مناسب انتقال در یک معامله مرتبط استفاده نمایند. هرگاه یکی از شیوه های مشخص شده (فوق الذکر) و یک شیوه نا مشخص بتواند بکار رود، شیوه مشخص ارجحیت دارد. مانند شیوه تعاملی مفاد خالص، شیوه های نامشخص نیز می تواند جهت مشخص ساختن قیمت معاملات آزاد برای انتقالات دارایی ملموس و غیر ملموس بکار رود.

مثال ۱:

وحید مالک تمام سهام صادره شرکت (الف) و شرکت (ب) می باشد. شرکت (الف) یک شرکت سهامی افغانی و شرکت (ب) یک شرکت سهامی ازبکستانی می باشد. شرکت (الف) سنگ های لاجورد را به شرکت (ب) عرضه می نماید. شرکت (ب) این سنگ ها را به جواهرات تبدیل می نماید. سپس شرکت (ب) این جواهرات را در سرتاسر جهان بفروش می رساند. شرکت (الف) تنها سنگ های لاجورد را به شرکت (ب) بفروش می رساند. شرکت (الف) سنگ های لاجورد را به هیچ شخص غیر مرتبط دیگر بفروش نمی رساند. شرکت (الف) در مورد کاربرد یکی از میتود های مشخص شده جهت تعیین قیمت مناسب انتقال بین شرکت (الف) و شرکت (ب) معلومات کافی ندارد. اداره مالیات نیز معلومات کافی ندارد تا کدام یک از میتود های مشخص شده را بکار ببرد. شرکت (الف) پیشنهادی را از شرکت (ج) یک شرکت ازبکستانی غیر مرتبط بدست میاورد تا سنگ های لاجورد را به مبلغ ۹۰،۰۰۰ فی کیلو گرام خریداری نماید. این پیشنهاد شرکت ازبکستانی یک "معامله غیر مرتبط" تلقی نمی گردد زیرا این پیشنهاد تنها یک داوطلبی میباشد. این پیشنهاد معامله تکمیل شده را وانمود نمی سازد. چون یکی از میتود های مشخص شده فوق الذکر نمیتواند بکار رود، شرکت (الف) و اداره مالیات هر دو میتوانند بالای پیشنهاد شرکت (ج) برای معیین ساختن قیمت مناسب انتقال اتکا نمایند.

وحید تمام سهام صادره یک شرکت سهامی کانادایی و یک شرکت سهامی افغان را در مالکیت دارد. شرکت سهامی کانادایی جواز استفاده بعضی تکنالوژی های مشخص را به شرکت سهامی افغان در بدل یک حق الامتیاز سالانه مساوی به ۸٪ فروشات خالص شرکت سهامی افغان اعطا مینماید. شرکت سهامی افغان کار تولید فولاد را پیش میبرد. اداره مالیات سعی مینماید تا میتود معامله کنترول نشده قابل مقایسه را تطبیق نماید، اما این اداره نمیتواند یک معامله کنترول نشده قابل مقایسه معقول را پیدا کند. اداره مالیات کوشش میکند تا میتود تعاملی مفاد خالص را تطبیق کند، اما این اداره نمیتواند معلومات مالی در مورد شرکت های سهامی غیر مرتبط را در تشبث مشابه به شرکت سهامی افغان بدست بیاورد. اگر غیر ممکن باشد تا یکی از میتود های مشخص شده تطبیق گردد، اداره مالیات و شرکت سهامی افغان هر دو میتوانند به شاخصهای سطح مفاد ایجاد شده توسط شرکت های غیر مرتبط در تشبث های مربوطه نظر بیاندازند تا معیین سازند که آیا مفاد های شرکت سهامی افغان مناسب است یا خیر. طور مثال، آنها میتوانند به مفاد های حاصله توسط تشبث های که تولید کانکریت یا خشت یا سایر مواد ساختمانی را دارند، نظر بی اندازند.